

کیمهان ۵۲۵

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده

جمعه ۲۴ تا پنجشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۴ خورشیدی

سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۱



جنگ یا امکانیسم ماشه؟!!

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهل و دوم
کیهان شماره ۱۹۹۱ (۵۲۵)

۲۴ تا ۳۰ مرداد ۱۴۰۴
۱۵ تا ۲۱ اوت ۲۰۲۵

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

کیهان
KAYHANLONDON
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»
برای نخستین بار ایده‌آه گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
عالمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق ایمیل با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@bconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا

لطفاً جهت تهیه کتاب «نامه‌ها و عاشقانه‌ها» با انتشارات مهر ایران
شماره تلفن: ۳۰۱۲۷۹۶۷۷۸ و ۲۴۰۶۰۳۲۷۲۳ در شرق آمریکا تماس حاصل فرمایید.
Web: www.pirnia.com Email: pirnia@pirnia.com



کیمسان

فهرست مطالب**

۴	مقاله - ایران علیه جمهوری اسلامی؛ بخشی از نبرد جهانی بین سنت و مدرنیته / الاهی بقرط
۴-۵	تیتز هفته - جنگ یا مکانیسم ماشه؟! ...
۶	با میانجیگری دونالد ترامپ، دولت های ایران و باکو در کاخ سفید توافقنامه صلح... /
۷	سی ان ان: روسیه با تولید داخلی «پهباد شاهد» جمهوری اسلامی را دور می زند... /
۸	معاون رافائل گروسی به ایران سفر می کند؛ عراقچی: «بازدید فیزیکی از تأسیسات اتمی در کار نیست»... /
۸-۹	ترامپ در آستانه دیدار با پوتین؛ اگر روسیه برای پایان جنگ توافق نکند با «عواقب شدیدی»... /
۹	معاون رافائل گروسی ایران را ترک کرد؛ «اعتراض شدید» جمهوری اسلامی به آژانس... /
۱۰	وبسایت «وای نت»: اعدام روزه به وادی، موردی نادر و حنا غیر معمول... /
۱۰-۱۱	اختصاصی: «حذف هدفمند» عوامل حزب الله در هر جا که باشند، راهکار استراتژیک... /
۱۱	قصه موش و گر به... / خیراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	چند ساعتی با هویدادر کوچه و خیابان مادرید (۲)... / دکتر احمد مهدوی دامغانی
۱۴-۱۵	منابع اطلاعاتی اسرائیل: ترامپ راه برای حمله به جمهوری اسلامی هموار کرد... /
۱۵	نیویورک پست: «افراد مسلح» ۹۰ درصد کامیون های کمک رسانی به غزه را غارت می کنند... /
۱۶	اسرائیل در حال بررسی توقف همکاری های امنیتی با بریتانیا در صورت به رسمیت شناختن... /
۱۶-۱۷	چرا اسرائیل ساختمان «کمیته امداد» در خیابان «خواجہ نصیر» تهران را هدف قرار داد؟! ... /
۱۷	شمارش معکوس برای بازگشت تحریم ها؛ سه قدرت اروپایی برای فعال ساختن «مکانیسم ماشه»... /
۱۸	تصویب طرح تسلسل بر غزه در کابینه امنیتی اسرائیل: «حماس و تشکیلات خودگردان نباید در غزه»... /
۱۹	«نظام بخشی فضای مجازی»؛ طرح جدید برای تشدید محدودیت و سانسور... /
۲۰	شکاف میان جمهوری اسلامی و لبنان بر سر «خلع سلاح حزب الله»... /
۲۱	بنیامین نتانیاهو: ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده در اختیار جمهوری اسلامی است اما برای... /
۲۲	نماد بنهاد: راهبرون رفت از بن بست کنونی... / دیوید اعتباری
۲۳	مسیر ترامپ: جاده های که جمهوری اسلامی بایستی برای عبور از بن بست برای ایران ساخت... / شهرام سبزواری
۲۴-۲۵	استحاله ای اساطیر و تاریخ به نفع خلق و توده... / بنیامین دبلم کنولی
۲۵	عروسک حرفا!... / بهنام محمدی
۲۶	فرمانده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس): همه چیز رانمی شود گفت، اگر لازم باشد نقاطی را... /
۲۶-۲۷	سقوط اخلاقی جمهوری اسلامی؛ از قرارداد اجتماعی تا بحران بقا... / دکتر مهدی میرسعیدی
۲۷	دوران محمدرضا شاهی؛ سر بلندی ایران و ایرانی (صد سال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / افرید خلیفی
۲۷	دوران محمدرضا شاهی؛ آینده در خشان در عمل (صد سال پهلوی: ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)... / افرید خلیفی
۲۸-۲۹	آغاز روند بازگرداندن زندانیان به زندان اوین... /
۲۹	محمدرضا عارف: غنی سازی صفر در صد شوخی است... /
۳۰	حسین موسویان دبیرمات - ترور یست جمهوری اسلامی، پس از ۱۵ سال از دانشگاه پرینستون... /
۳۰-۳۱	تیراندازی مرگبار نیروی انتظامی استان لرستان در «ایست بازرسی»؛ سه نفر کشته و زخمی شدند... /
۳۱	تحریم های آمریکا علیه ۱۸ فرد و نهاد مرتبط با «بانکداری در سایه» جمهوری اسلامی... /
۳۲-۳۳	گفتگو با یک کارگردان و تهیه کننده سابق در صدا و سیما جمهوری اسلامی... / افروزه نور دستروم
۳۳	رد در خواست آزادی مشروط ماشالله کریمی... /
۳۴	تصویب طرح آمریکایی برای خلع سلاح حزب الله؛ عباس عراقچی: «مقاومت ایستادگی می کند»... /
۳۵	اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی با وجود تهدید و احضار و ممنوعیت ورود به محل کار... /
۳۶	«خبر درمانی» دولت پزشکیان در باره FATF: مذاکره ای بی ثمر در سایه تحریم... /
۳۷	افزایش هروئین و شیشه کاهش مصرف تریاک در ایران... /
۳۸	صد استارت آپ اقتصاد دیجیتال ایران خواستار پایان دادن به محدودیت های اینترنتی شدند... /
۳۹	اعتراض انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به تشدید محدودیت هادر اقتصاد دیجیتال... /
۴۰	افزایش آمار «طلاق خاکستری» در ایران... /
۴۱	جیره بندی مرگبار برق در بخش درمان ایران... /
۴۲	مصوبه دولت درباره پول ملی؛ ریال تمام شد!... /
۴۳	کامران ندیری اقتصاددان: «قران» مرده به دنیا خواهد آمد... /
۴۴	تکانه دهنده؛ میانگین تورم در ایران حدود ۵/۶ برابر میانگین جهانی... /
۴۵	مرگ ۳۵ هزار و ۵۴۰ شهروند در سال ۱۴۰۳ به علت آلودگی هوا... /
۴۶	۳۰۰ دشت ایران با خطر جدی فرونشست روبرو هستند... /
۴۷	طرح جدید پزشکیان برای افزایش قیمت بنزین... /
۴۸	تجمع اعتراضی سهامداران بورس؛ تداوم سقوط شاخص ها و خروج نقدینگی از بازار... /
۴۹	هشدار یک استاد دانشگاه: وضعیت آب تهران در پاییزی بارش بحرانی می شود... /
۵۰	شرایط بحرانی صنعت و تولید در ایران... /
۵۱	ریزش هادر بازار بورس و خروج پول از بازار ادامه دارد... /
۵۲	افزایش مهاجرت های اقلیمی با خشک شدن دریاچه ها و تالاب های ایران... /
۵۳	پژوهش اتاق بازرگانی ایران درباره پیامدهای اخراج کارگران افغانستانی از کشور... /
۵۴	کمبود آب و انرژی، تهدیدی جدی علیه امنیت غذایی ایرانیان... /
۵۵	افزایش ریسک وی اطمینانی در اقتصاد ایران... /
۵۶	موج جدید مهاجرت از ایران پس از جنگ ۱۲ روزه؛ سالمندان نیز به صف مهاجران پیوستند... /
۵۷	رکود تورمی در بازار مسکن؛ قیمت های نجومی، خریداران ناتوان، مستأجران رانده شده به... /
۵۸-۵۹	خبرهای کوتاه... /
۶۰	پشت جلد - عکس هفته / علی لاریجانی؛ با چشمان بسته و دست از پا دراز ترا

باز نشر
باز نشر



سرمقاله

ایران علیه جمهوری اسلامی

بخشی از نبرد جهانی بین سنت و مدرنیته

ایران همچنان در امتداد تاریخ معاصر خود و در نبرد بین سنت و مدرنیته پسر می‌برد. یک نبرد جهانی که در دموکراسی‌ها نیز هم‌اکنون در مقابله با اسلامگرایی و اسلام سیاسی جریان دارد. با این تفاوت که ایران از چهل و هفت سال پیش در چنگ فاشیسم مذهبی اسیر است. رژیم منحصربه‌فرد که در داخل و خارج با اتکا بر تروریسم دولتی و مداخلات جامعه جهانی طی چهار دهه به هیولایی بی‌رحم و حساب‌ناپذیر تبدیل شد. اما خطای محاسباتی از یکسو درباره محبوبیت و توانایی و باور



ساده‌لوحانه به لاف‌ها و رجزهای خود، و از سوی دیگر تصور غلط از واکنش «دشمن» آن را از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ به سوی اضمحلال می‌راند.

شواهد نشان می‌دهد که اگر مردم ایران تا چندی پیش در «نه به جمهوری اسلامی» تنها بودند، اکنون منطقه و جهان نیز دیگر حاضر به تحمل این رژیم منحوس و شرور نیستند. رژیمی که با هزینه‌های کلان برای تغذیه‌ی بازوهای تبلیغاتی و نفوذی و لابی خود، پیشرفت مدرنیته را در دموکراسی‌ها نیز به عنوان یک روند هنوز ناتمام با خطر روبرو کرده است.

واقعیت اینست که در سال ۵۷ با در نظر گرفتن عوامل مختلف داخلی و خارجی، انقلابی در ایران روی داده که یک نظام چنددهه‌ساله و پادشاهی پهلوی را سرنگون کرده است! نام‌ها و عناوین دیگر بر این انقلاب که می‌توان آن را یک گسست سرنوشت‌ساز بین گذشته و آینده دانست که با تداوم جمهوری اسلامی عمیق‌تر نیز خواهد شد، واقعیت انقلابی آن را که بدون نقش و تلاش و مواضع شاهزاده رضا پهلوی سال‌ها پیش به یک قطعیت تاریخی تبدیل شده بود، تغییر نمی‌دهد.

از همین رو می‌بایست برای «نه به جمهوری اسلامی» مخالف آن انقلاب و گسستی نیز بود که این رژیم را روی کار آورده است. انقلابی که خود را پاسخی به گسست مشروطه و پهلوی می‌دید که بند ناف ایران را از ارتجاع قطع کرده بود.

وقوع مشروعه در ۵۷ همانقدر انقلاب بود که مشروطه در پیش از یک قرن پیش! اما تکیه بر «گذشته» بیش از آنچه برای «حال» و «آینده» لازم است، خود، ارتجاعی است! نمی‌توان با شعار و آرزو و احساسات با نیروی تخریبی اسلام سیاسی در قرن بیست و یکم که علاوه بر قدرت و منابع دولتی به همه‌ی آن ابزارها و امکاناتی مجهز است که مدرنیته و دموکراسی‌ها نیز در اختیار دارند، و با نظام جمهوری اسلامی در ایران مقابله کرد. متنها دموکراسی‌ها نظام حقوقی لازم و قدرت دولتی برای مهار اسلامگرایی را دارند (اینکه آیا به خوبی از اینهمه استفاده می‌کنند یا نه، موضوعی دیگرست) در حالی که ایران و ایرانی تا اطلاع ثانوی که کسی نمی‌داند کی، زیر فشار سهمگین این رژیم نابود می‌شوند.

جریان همین نبرد در دموکراسی‌هاست که نشان می‌دهد تکیه ایرانیان بر «انقلاب مشروطه» به عنوان یک رویداد ملی و مدرن که شرایط نوسازی ایران را توسط دو پادشاه پهلوی فراهم ساخت، لازم اما بدون عوامل دیگر داخلی و خارجی، مانند هر تغییر و انقلاب دیگری، کافی نیست. مضحک و در عین حال غم‌انگیز و سبب خشنودی رژیم است که برخی تفرقه‌افکنانه و برخی صادقانه، بر سر آینده‌ی پس از آن یقه‌ی یکدیگر را گرفته‌اند! در حالی که جمهوری اسلامی در شرایطی هنوز بر ایران حکومت می‌کند که خودش نیز منتظر سرنگونی است!

تیتراژ هفته

جنگ یا مکانیسم ماشه؟!



● در حالی که جمهوری اسلامی در منگنه‌ی بین جنگ و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفته، مسعود پزشکیان درباره مذاکره احتمالی با آمریکا گفته است: «وقتی با رهبر معظم انقلاب هماهنگی کردیم، بهتر است بقیه گیر ندهند!»

بازرسان این نهاد وابسته به سازمان ملل نیز موافقت نکردند، ولی در رابطه با کاهش سطح غنی‌سازی و مذاکره مستقیم با نمایندگان کاخ سفید در را نیمه‌باز گذاشتند. محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم می‌گوید مذاکرات مستقیم با آمریکا «تحت شرایط مناسب» امکان‌پذیر است. البته در اشاره به توقف کامل غنی‌سازی به عنوان یکی از شروط توافق، عباس عراقچی وزیر خارجه می‌گوید اگر «موضع اروپا غنی‌سازی صفر باشد، در این صورت دیگر موضوعی برای گفتگو نداریم.» مجید تخت‌روانچی معاون عباس عراقچی ولی معتقد است در صورت لغو تحریم‌هایی که دونالد ترامپ در پی خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ تصویب کرد، «جمهوری اسلامی می‌تواند محدودیت‌هایی در توسعه برنامه هسته‌ای را برای مدت محدودی بپذیرد.»

همچنان در تنگنا

یکی از دیپلمات‌های ارشد جمهوری اسلامی که در گذشته به عنوان سفیر در برخی کشورهای اروپایی خدمت کرده، به شرطی که نامی از او برده نشود، به کیهان لندن می‌گوید: «جمهوری اسلامی در شرایط بسیار بحرانی سیاسی و اقتصادی قرار دارد و برخی از کارتهایش برای مذاکره کارآمدی خود را از دست داده‌اند.» همین دیپلمات می‌افزاید: «نظام امروز بر سر یک دوراهی قرار گرفته است: یا باید در برنامه هسته‌ای و حتی موشکی خود به صورت جدی تجدید نظر کند و فعلاً بخش‌هایی از آنها را متوقف سازد تا از تحریم‌ها کاسته و از انزوای کنونی خارج شود، یا در چرخشی رادیکال روابط خود با غرب و حتی

سه کشور اروپایی عضو توافق هسته‌ای سال ۱۳۹۴ که با نام «برجام» شهرت دارد، در نامه‌ای خطاب به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد تأیید کردند که در پایان ماه اوت در صورت عدم تغییر در مواضع جمهوری اسلامی در رابطه با فعالیت‌های اتمی، از حق خود برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» استفاده خواهند کرد.

در معاهده اتمی برجام، برای کشورهای امضاکننده این حق در نظر گرفته شده است که در صورت عدم رضایت از اقدامات جمهوری اسلامی که در منافع با این توافق قرار دارند، می‌توانند از این مکانیسم برای بازگرداندن تمامی تحریم‌های بین‌المللی که با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۹۴ لغو شده بودند استفاده کنند.

تهدید اروپا به فعال ساختن «مکانیسم ماشه»

از جمله اقداماتی که جمهوری اسلامی باید برای فعال نشدن «مکانیسم ماشه» انجام دهد، می‌توان به بازگشت به میز مذاکره با نمایندگان آمریکا، از سر گرفتن فعالیت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران و کاهش غلظت غنی‌سازی اورانیوم به ۳ و ۶۷ صدم درصد مندرج در برجام اشاره کرد. البته کشورهای اروپایی در نشستی که با نمایندگان جمهوری اسلامی در استانبول در سوم امرداد داشتند، پیشنهاد تمدید ۶ ماهه توافق هسته‌ای را که در نیمه اکتبر به پایان می‌رسد، روی میز قرار دادند که جمهوری اسلامی آن را نپذیرفت.

مقامات حکومت همچنین با وجود سفر اخیر معاون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران، با از سر گرفتن فعالیت

بسیاری از کشورهای منطقه را پیش پای برنامه هسته‌ای و موشکی قربانی کند و در جهت انزوای کامل گام بردارد. راه سومی در حال حاضر با حضور ترامپ در

با توجه به اینکه اسرائیل خود را آمده حملات جدیدی به جمهوری اسلامی می‌کند، بعید نیست که این نگاه خوشبینانه به بازگشت تهران و واشنگتن به میز مذاکرات در

مذاکره در اوج انزوای؟!

اینهمه در حالیست که همزمان تشدید انزوای جمهوری



کاخ سفید و تهدید اسرائیل به حملات جدید وجود ندارد.» صحبت‌های این دیپلمات جمهوری اسلامی را آنتونیو تاینی وزیر خارجه ایتالیا نیز البته با بیان دیگری تأیید می‌کند. این روزنامه‌نگار سابق و رئیس قبلی پارلمان اروپا می‌گوید: «برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تنها دغدغه کشورهای اروپایی نیست. موشک‌های دوربرد جمهوری اسلامی نیز تهدیدی بسیار جدی برای امنیت اروپا و به ویژه کشورهایی چون یونان و ایتالیا هستند.» آنتونیو تاینی معتقد است که اگر جمهوری اسلامی «ایران به سیاست‌های کنونی خود ادامه دهد، بدون شک ما شاهد حملات جدیدی از سوی اسرائیل در هفته‌های پیش رو و احتمالاً در ابتدای ماه آینده میلادی باشیم. جنگی که می‌تواند ثبات خاورمیانه و جنوب مدیترانه را به خطر بیاندازد.»

یک دیپلمات ایتالیایی که مذاکرات با جمهوری اسلامی را از نزدیک دنبال می‌کند به کیهان لندن می‌گوید: «اصرار کشورهای اروپایی برای فعال ساختن «مکانیسم ماشه» را نباید تنها یک اقدام تنبیهی علیه جمهوری اسلامی دانست. اهداف آن گسترده‌تر است. بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی تلاشی است با هدف بازدارندگی اسرائیل از حمله مجدد و وادار ساختن تهران به بازگشت به میز مذاکرات مستقیم با آمریکا.»

رزمایش «سپیده‌دم» ارتش و نهادهای امنیتی اسرائیل
استیو ویتکاف که ریاست هیأت آمریکائی در ۵ دور مذاکرات غیرمستقیم با جمهوری اسلامی با وساطت عمان را عهده‌دار بود نیز اخیراً از مقامات حکومت ایران خواسته است که برای تسریع گفتگوها و تسهیل تصمیم‌گیری‌ها گفتگوهای آینده به صورت مستقیم برگزار شوند. برخی از روزنامه‌های تهران با خوشبینی صحبت از بازگشت تهران و واشنگتن به میز مذاکرات قبل از پایان ماه اوت می‌کنند. برخی حتی از کشور نروژ به عنوان محل ملاقات آینده نام می‌برند.

رابطه با امید به تعویق انداختن حملات جدید اسرائیل باشد. همزمان رسانه‌های اسرائیل به رزمایش مشترک ارتش و دو نهاد اطلاعاتی «موساد» و «شین‌بت» برای سازماندهی حمله دیگری به نقاطی در خاک ایران و همچنین مقابله با واکنش‌های احتمالی اشاره می‌کنند. روزنامه اسرائیلی «معارفو» می‌نویسد این رزمایش که به آن نام «سپیده‌دم» داده‌اند و به فرماندهی ژنرال ایال زمیر فرمانده کل ارتش اسرائیل برگزار شد، هم جنبه تهاجمی و هم دفاعی دارد. بنا بر آنچه گزارشگران «معارفو» می‌نویسند ارتش اسرائیل نگران تحرکاتی در داخل و خارج ایران است. در داخل، جمهوری اسلامی، بنا بر آنچه در این گزارش آمده است، سخت مشغول تولید موشک‌های بالستیک است و در خارج از مرزها نیز با نیروهای نیابتی‌اش در لبنان، یمن، عراق و کرانه باختری رود اردن در صدد برنامه‌ریزی تهاجمی در چند جبهه برای واکنش به حملات اسرائیل است.

اگرچه اروپایی‌ها بر مذاکره با جمهوری اسلامی و فشار بر آن با استفاده از ابزار قانونی و دیپلماتیک اصرار دارند، ولی همزمان امیدی به موفقیت این روش ندارند. یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان که یکی از سه کشور اروپایی عضو برجام است، در گفتگویی با نشریه «پولیتیکو» می‌گوید اگرچه گفتگو با جمهوری اسلامی در جریان است و هرگز متوقف نشده ولی چشم‌انداز این فعالیت‌های دیپلماتیک «مبهم و شکننده» است. مقامات جمهوری اسلامی هم اگرچه هنوز پرچم مذاکره را در دست دارند، ولی آنها نیز نگاهی بدبینانه به امکان موفقیت این گفتگوها دارند. در همین ارتباط، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت مسعود پزشکیان نیز در گفتگویی با رسانه روسی «اسپوتنیک» می‌گوید: «مذاکره به معنای تلاش برای رسیدن به یک توافق با اروپا فعلاً وجود ندارد و این گفتگوها را باید تنها تبادل نظر به حساب آورد.»

اسلامی نیز جریان دارد. از صلح بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان که رئیس جمهور آمریکا برای تحقق «مسیر ترامپ» و راهروی زنگزور، دست رهبران این دو کشور را در کاخ سفید در دست یکدیگر گذاشت تا اخطارهای پیدا و پنهان دولت لبنان حین سفر علی لاریجانی به بیروت در مورد مداخلات جمهوری اسلامی در آن کشور و همچنین رویداد ظاهراً ساده‌ای مانند جمع کردن پرچم‌های جمهوری اسلامی در عراق از دست زائران هوادار حکومت که در راهپیمایی اربعین شرکت داشتند.

به نظر می‌رسد همین شرایط است که مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم را وا داشته تا بار دیگر به رهبر جمهوری اسلامی متوسل شود. وی هفته گذشته (۱۹ مرداد) با اشاره به موضوع مذاکره و جنگ در جلسه هیئت دولت گفت: «من تصویری‌کم با دعوا کردن بتوانیم به جایی برسیم. صلحی را که دشمن تو را به آن دعوت می‌کند، اصلاً دفع نکن! کسی نگفته وقتی من حرف زدم می‌روم تسلیم می‌شوم. اصلاً در ذات ما تسلیم شدن نیست! ولی کی گفته تو بت‌س از اینکه حرف بزنی؟... [پس] می‌خواهی چکار کنی؟... می‌خواهی بجنگی؟ خب، آمد زد! الان دوباره برویم درست کنیم، باز هم می‌آید می‌زند!» وی سپس تأکید کرد: «ما بدون رضایت و هماهنگی با مقام معظم رهبری هیچ کاری نخواهیم کرد؛ حتی اگر مخالف نظر خود من باشد... ولی وقتی هماهنگی کردیم، بهتر است بقیه گیر ندهند که چرا این کار را کردید!»

برخی این سخنان پزشکیان را به چراغ سبز رهبر جمهوری اسلامی برای مذاکره مستقیم با آمریکا تعبیر کرده‌اند اما هم شرایط طرفین و هم تنگنای زمان چنان است که بعید به نظر می‌رسد موضوع جنگ و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی به همین سادگی منتفی شود.

با میانجیگری دونالد ترامپ، دولت‌های ایروان و باکو در کاخ سفید توافقنامه صلح امضاء کردند



نیکول پاشینیان، دونالد ترامپ و الهام علی‌اف/ کاخ سفید/ ۸ اوت ۲۰۲۵ / رویترز

مکرر به منطقه حاصل شده و زمینه‌ساز عادی شدن کامل روابط ایروان و باکو خواهد بود.

این توافق می‌تواند قفقاز جنوبی را که منطقه‌ای تولیدکننده انرژی و همسایه روسیه، اروپا، ترکیه و ایران است، متحول کند؛ منطقه‌ای که با خطوط لوله نفت و گاز پوشیده شده، اما مرزهای بسته و مناقشات قومی دیرینه در آن جریان دارد.

جمهوری اسلامی این توافق را «گامی مهم به سوی صلح پایدار منطقه» خواند، اما نسبت به هرگونه مداخله خارجی در نزدیکی مرزهای ایران که می‌تواند «امنیت و ثبات پایدار منطقه» را تضعیف کند، هشدار داد. تهران اعلام کرد آماده است تا از طریق کانال‌های دوجانبه و چارچوب‌های منطقه‌ای با هر دو کشور همکاری کند.

کارشناسان می‌گویند این توافق می‌تواند به غرب کمک کند مسیرهای دور زدن تحریم‌های روسیه را مسدود سازد. با این حال، برخی تحلیلگران هشدار داده‌اند که موفقیت بلندمدت این توافق به تداوم مشارکت فعال ایالات متحده بستگی دارد، زیرا ارمنستان و جمهوری آذربایجان سابقه طولانی شکست مذاکرات و بازگشت به خشونت دارند. مقام‌های آمریکایی گفتند این توافق پایان نخستین مناقشه منجمد پس از جنگ سرد در حاشیه روسیه را رقم می‌زند و پیامی قوی به منطقه می‌فرستد.

همچنین گزارش شده که ارمنستان قصد دارد حقوق انحصاری توسعه کریدور زنگزور را برای مدت طولانی به آمریکا واگذار کند. این مسیر که «راه ترامپ برای صلح و شکوفایی بین‌المللی» نام گرفته، تا کنون توجه ۹ شرکت از جمله سه شرکت آمریکایی را جلب کرده است.

برخی گروه‌های حقوق بشری از ترامپ خواسته بودند که در دیدار با علی‌اف، آزادی حدود ۳۷۵ زندانی سیاسی در جمهوری آذربایجان را درخواست کند. باکو اما انتقادات غرب از وضعیت حقوق بشر در قلمرو خود را «دخالیت غیرقابل‌قبول» توصیف کرده است.

باعث شد تقریباً ۱۰۰ هزار ارمنی ساکن قره‌باغ به ارمنستان مهاجرت کنند.

رویترز می‌نویسد توافق صلح میان باکو و ایروان دو رقیب قفقاز جنوبی- اگر پایدار بماند- دستاوردی مهم برای دولت ترامپ خواهد بود و مسلماً مسکو را نگران می‌کند، چرا که روسیه این منطقه را بخشی از حوزه نفوذ خود می‌داند.

این توافق شامل اعطای حق انحصاری توسعه «کریدور زنگزور» به ایالات متحده است. کاخ سفید می‌گوید این کریدور امکان صادرات بیشتر انرژی و منابع دیگر را فراهم می‌کند. طبق مفاد صلح ایروان و باکو، این کریدور استراتژیک برای ۹۹ سال به آمریکا واگذار شده که قابل تمدید است.

ایالات متحده همچنین توافقات جداگانه‌ای با هر کشور برای گسترش همکاری در حوزه انرژی، تجارت و فناوری از جمله هوش مصنوعی امضا کرده است. جزئیات این توافقات اعلام نشده، اما محدودیت‌های همکاری دفاعی میان آمریکا و آذربایجان نیز برداشته شده است؛ اقدامی که می‌تواند برای روسیه نگران‌کننده باشد.

رهران دو کشور از ترامپ بابت پایان دادن به مناقشه قدردانی کردند و گفتند او را برای دریافت جایزه نوبل صلح نامزد خواهند کرد.

ترامپ در نخستین ماه‌های دوره دوم ریاست جمهوری خود تلاش کرده است خود را به عنوان یک مدافع جهانی صلح معرفی کند. کاخ سفید می‌گوید او پیشتر میان کامبوج و تایلند آتش‌بس برقرار کرده و توافقاتی صلح میان رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو، و پاکستان و هند را امضا کرده است. با این حال، او هنوز موفق به پایان دادن به جنگ سه و نیم ساله روسیه در اوکراین یا درگیری اسرائیل و حماس در غزه نشده است. ترامپ اعلام کرد که ۱۵ اوت در آلاسکا با ولادیمیر پوتین دیدار خواهد کرد تا برای پایان دادن به جنگ اوکراین تلاش کند.

مقامات آمریکایی گفتند این توافق پس از چندین سفر

● با میانجیگری دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از ۳۵ سال تنش و درگیری، توافق صلح امضاء کردند.

● ایالات متحده همچنین توافقات جداگانه‌ای با هر کشور برای گسترش همکاری در حوزه انرژی، تجارت و فناوری از جمله هوش مصنوعی امضا کرده است. جزئیات این توافقات اعلام نشده، اما محدودیت‌های همکاری دفاعی میان آمریکا و جمهوری آذربایجان نیز برداشته شده است؛ اقدامی که می‌تواند برای روسیه نگران‌کننده باشد.

● این توافق شامل اعطای حق انحصاری توسعه «کریدور زنگزور» به ایالات متحده است. کاخ سفید می‌گوید این کریدور امکان صادرات بیشتر انرژی و منابع دیگر را فراهم می‌کند. طبق مفاد توافقنامه صلح این کریدور استراتژیک برای ۹۹ سال به آمریکا واگذار شد که قابل تمدید است.

با میانجیگری دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا، جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از ۳۵ سال تنش و درگیری، توافق صلح امضاء کردند.

الهام علی‌اف رئیس جمهوری آذربایجان و نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان، جمعه ۸ اوت (۱۷ مرداد) در کاخ سفید این توافقنامه را که برای طرفین فرصت‌های گسترده اقتصادی فراهم می‌کند، امضاء کردند. این توافق قرار است آنها را به سوی عادی‌سازی کامل روابط پیش ببرد.

ترامپ در این مراسم گفت: «۳۵ سال جنگیدند و حالا دوست شده‌اند، و قرار است مدت طولانی دوست بمانند.» او همچنین تأکید کرد دو دولت متعهد شده‌اند که به جنگ پایان دهند، روابط دیپلماتیک برقرار کنند و به تمامیت ارضی یکدیگر احترام بگذارند.

ارمنستان و آذربایجان از اواخر دهه ۱۹۸۰ درگیر مناقشه بر سر منطقه «قره‌باغ» بودند که عمدتاً ارمنی‌نشین است و تحت حمایت ارمنستان قرار داشت. جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۳ کنترل کامل منطقه را در دست گرفت که

سی‌ان‌ان: روسیه با تولید داخلی «پهپاد شاهد» جمهوری اسلامی را دور می‌زند

اطلاعات یا موارد مشابه.»

اما مقام اطلاعاتی غربی گفت رویکرد سرد روسیه غافلگیرکننده نبود و نشان‌دهنده «ماهیت صرفاً معاملاتی و سودجویانه» همکاری روسیه با ایران است. او افزود: «این بی‌تفاوتی آشکار نشان می‌دهد که روسیه هرگز فراتر از منافع فوری خود وارد عمل نمی‌شود، حتی وقتی شریک که در اینجا تأمین‌کننده حیاتی پهپاد است، مورد حمله قرار گیرد.»

پس از آغاز تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، مسکو واردات پهپادهای شاهد ایرانی را آغاز کرد. تا اوایل ۲۰۲۳، مسکو و تهران قراردادی به ارزش ۱.۷۵ میلیارد دلار امضا کردند تا روسیه این پهپادها را در داخل کشور تولید کند.

بر اساس قرارداد اولیه، ۶ هزار فروند پهپاد تا سپتامبر ۲۰۲۵ باید ساخته می‌شد، اما این هدف حدود یک سال زودتر تحقق یافت و به گفته اطلاعات دفاعی اوکراین، آلابوگا اکنون بیش از ۵۵۰۰ واحد در ماه تولید می‌کند آنهم بطور کارآمدتر و با هزینه کمتر.

یک منبع اطلاعاتی دفاعی اوکراین گفت: «در سال ۲۰۲۲، روسیه برای هر پهپاد بطور میانگین ۲۰۰ هزار دلار می‌پرداخت. در سال ۲۰۲۵، این رقم به حدود ۷۰ هزار دلار رسیده است.»

اوکراین همچنین می‌گوید روسیه این پهپاد را بهبود داده، با سامانه‌های ارتباطی ارتقایافته، باتری‌های بادوام‌تر و کلاهک‌های بسیار بزرگ‌تر که آن را مرگبارتر و سخت‌تر برای سرنگونی کرده‌اند.

مقام اطلاعاتی غرب گفت که جمهوری اسلامی ایران در ابتدا به نظر می‌رسید از تلاش روسیه برای بومی‌سازی حدود ۹۰ درصد تولید شاهد ۱۳۶- در آلابوگا استقبال می‌کند، اما پیشرفت‌های مسکو آن را غافلگیر کرده است. او افزود: «این تحول نشانه از دست رفتن تدریجی کنترل ایران بر محصول نهایی است، که اکنون عمدتاً بطور محلی و مستقل تولید می‌شود.» هدف نهایی مسکو، به گفته او، «تسلط کامل بر چرخه تولید و رهایی از مذاکرات آتی با تهران» است.

دارینی رفتار بهره‌کشانه روسیه را غیرمنتظره نمی‌داند و رابطه دو کشور را «همکاری و رقابت همزمان» توصیف می‌کند: «واضح است که روس‌ها می‌خواهند بیشتر بگیرند و کمتر بدهند و این درباره ایران هم صدق می‌کند. ایران به روسیه پهپاد، فناوری و کارخانه داده و این رایگان نبوده است.»

اما در روند گسترش، مقام غربی می‌گوید آلابوگا نتوانسته تعهدات خود به شرکای ایرانی را انجام دهد. به گفته او، علاوه بر از دست رفتن کنترل ایران بر محصول نهایی، مقام‌های ایرانی و شرکت‌هایی از جمله «صحرا تاندر» شکایت کرده‌اند که برخی پرداخت‌ها انجام نشده است، بخشی به دلیل تحریم‌های خفه‌کننده بین‌المللی که اقتصاد روسیه بیش از سه سال است با آن روبروست.

سی‌ان‌ان نتوانسته این موضوع را بطور مستقل تأیید کند. این شبکه از مدیریت آلابوگا درخواست اظهار نظر کرده ولی پاسخی دریافت نکرده است. مقام اطلاعاتی افزود: «این موانع، به ناخرسندی تهران از انسدادهایی که مانع انتقال فناوری‌های هوانوردی روسی به ایران شده که مسکو در ازای حمایت تهران وعده داده بود، افزوده است.»



نمایش پهپادها و موشک‌ها در راهپیمایی حکومتی «۲۲ بهمن» ۱۴۰۳

این یک مجموعه کامل است.»

این ادعا نشان می‌دهد که تولید پهپاد شاهد طراحی ایران، که ستون فقرات جنگ پهپادی مسکو علیه اوکراین بوده، اکنون تقریباً بطور کامل در ماشین صنعتی- نظامی روسیه جذب شده است. تحلیلگران و مقامات اطلاعاتی بر این باورند که ۹۰ درصد مراحل تولید اکنون در آلابوگا یا دیگر تأسیسات روسیه انجام می‌شود.

تصاویر ماهواره‌ای اخیر نشان می‌دهد این وسایت همچنان در حال گسترش است، با تأسیسات تولیدی و خوابگاه‌های جدید که امکان افزایش نمایی تولید را فراهم می‌کند. تحلیلگرانی که با سی‌ان‌ان گفتگو کرده‌اند، معتقدند این رشد به روسیه اجازه خواهد داد نسخه‌ای به‌روزشده و آزموده‌شده در میدان نبرد از این پهپاد را که در ابتدا از ایران وارد کرده بود، صادر کند، حتی شاید به خود تهران.

اما یک منبع اطلاعاتی غربی می‌گوید این گسترش و ادغام کامل «شاهد ۱۳۶-» در داخل روسیه، عملاً ایران را به حاشیه رانده و شکاف میان مسکو و تهران را آشکار کرده است. به گفته او، تهران بطور فزاینده‌ای از بازده اندک حمایتی که از سوی روسیه دریافت کرده، ناراضی است؛ حمایتی که شامل پهپادها، موشک‌ها و سایر تجهیزات بوده است.

این نارضایتی در جریان کارزار ۱۲ روزه بمباران اسرائیل علیه برنامه تسلیحات هسته‌ای جمهوری اسلامی به اوج رسید؛ دوره‌ای که بنیان‌های محکومیت روسیه در نظر تهران حمایتی ناچیز برای کشوری بود که از ابتدای تهاجم تمام‌عیار به اوکراین، به مسکو کمک کرده است.

جمهوری اسلامی «ایران شاید انتظار داشت روسیه اقدامات بیشتری انجام دهد یا بدون درخواست، گام‌های بیشتری بردارد.» این را علی‌اکبر دارینی تحلیلگر مرکز مطالعات استراتژیک (وابسته به دفتر ریاست‌جمهوری ایران) به سی‌ان‌ان گفت و افزود: «آنها [روس‌ها] شاید مداخله نظامی نکنند، اما می‌توانند حمایت عملیاتی را تقویت کنند، مثلاً در زمینه ارسال تسلیحات، پشتیبانی فناوری، تبادل

● پس از آنکه جمهوری اسلامی ایران پهپادهای تهاجمی، موشک و تجهیزات دیگری را در اختیار ارتش روسیه قرار داد، تهران اکنون شاهد گسترش تولیدات داخلی نظامی روسیه است؛ به‌ویژه پس از آنکه زیرساخت‌های تولید پهپاد ایرانی در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل هدف حمله قرار گرفت.

● یک منبع اطلاعاتی غرب به سی‌ان‌ان گفته است که گسترش و ادغام کامل پهپادهای تهاجمی «شاهد ۱۳۶-» ایران در زرادخانه روسیه که در جنگ اوکراین به کار گرفته شده‌اند و تکمیل یک کارخانه عظیم برای تولید آنها در روسیه، باعث ایجاد شکاف میان تهران و مسکو شده است.

● اما یک منبع اطلاعاتی غرب می‌گوید این گسترش و ادغام کامل «شاهد ۱۳۶-» در داخل روسیه، عملاً ایران را به حاشیه رانده و شکاف میان مسکو و تهران را آشکار کرده است. به گفته او، تهران بطور فزاینده‌ای از بازده اندک حمایتی که از سوی روسیه دریافت کرده، ناراضی است؛ حمایتی که شامل پهپادها، موشک‌ها و سایر تجهیزات بوده است.

● مقام اطلاعاتی غربی گفت ایران در ابتدا به نظر می‌رسید از تلاش روسیه برای بومی‌سازی حدود ۹۰ درصد تولید شاهد ۱۳۶- در آلابوگا استقبال می‌کند، اما ارتقایهای مسکو آن را غافلگیر کرده است. او افزود: «این تحول نشانه از دست رفتن تدریجی کنترل ایران بر محصول نهایی است، که اکنون عمدتاً بطور محلی و مستقل تولید می‌شود.» هدف نهایی مسکو، به گفته او، «تسلط کامل بر چرخه تولید و رهایی از مذاکرات آتی با تهران» است.

پس از آنکه جمهوری اسلامی ایران پهپادهای تهاجمی، موشک و تجهیزات دیگری را در اختیار ارتش روسیه قرار داد، تهران اکنون شاهد گسترش تولیدات داخلی نظامی روسیه است؛ به‌ویژه پس از آنکه زیرساخت‌های تولید پهپاد ایرانی در جریان جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل هدف حمله قرار گرفت.

یک منبع اطلاعاتی غربی به سی‌ان‌ان گفته است که گسترش و ادغام کامل پهپادهای تهاجمی «شاهد ۱۳۶-» ایران در زرادخانه روسیه که در جنگ اوکراین به کار گرفته شده‌اند و تکمیل یک کارخانه عظیم برای تولید آنها در روسیه، باعث ایجاد شکاف میان تهران و مسکو شده است. در ویدیویی که وزارت دفاع روسیه از این کارخانه «آلابوگا» پخش کرد، بیش از ۱۷۰ پهپاد به نمایش درآمد. خبرنگار در این مستند می‌گوید: «بالاخره چیزی که هیچکس دیگری ندارد... چنین تولید انبوه موتورهای دو زمانه در هیچ جای دیگری از روسیه وجود ندارد.»

در ادامه این مطلب آمده است: کارخانه مورد بحث، آلابوگا در ۶۰۰ مایلی شرق مسکو و در جمهوری تاتارستان روسیه قرار دارد و تعداد فزاینده‌ای از پهپادهای تهاجمی «شاهد ۱۳۶-» طراحی‌شده توسط ایران (که در روسیه با نام «گران» شناخته می‌شود) را تولید می‌کند. مدیرعامل این مجموعه، تیمور شگیوالیف، معتقد است این ممکن است یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای آن باشد.

او در این مستند توضیح می‌دهد: «این یک مجموعه کامل است. شمش‌های آلومینیوم وارد می‌شوند، موتور از آنها ساخته می‌شود؛ ریزالکترونیک از تراشه‌های الکترونیکی ساخته می‌شود؛ بدنه‌ها از فیبرکربن و فایبرگلاس ساخته می‌شوند؛

ترامپ در آستانه دیدار با پوتین: اگر روسیه برای پایان جنگ توافق نکند با «عواقب شدیدی» روبرو خواهد شد

● دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین رؤسای جمهور آمریکا و روسیه قرار است روز جمعه ۲۴ مرداد (۱۵ اوت) در پایگاه نظامی المندورف- ریچاردسون در آلاسکا دیدار و گفتگو کنند.

● ترامپ روز چهارشنبه ۱۳ اوت (۲۲ مرداد)، در گفتگو با خبرنگاران هشدار داد که اگر پوتین با پایان دادن به جنگ اوکراین موافقت نکند، «عواقب بسیار شدیدی» در انتظار مسکو خواهد بود. او به جزئیات این عواقب احتمالی اشاره‌ای نکرد، اما پیشتر گفته بود «اگر با روسیه توافق نکنیم چاره‌ای جز اعمال مالیات، تعرفه و تحریم ندارم».

● دونالد ترامپ در عین حال اذعان کرد که برای او امکان‌پذیر نیست ولادیمیر پوتین را متقاعد کند که هدف قرار دادن غیرنظامیان در اوکراین را متوقف کند.

دونالد ترامپ و ولادیمیر پوتین رؤسای جمهور آمریکا و روسیه قرار است روز جمعه ۲۴ مرداد (۱۵ اوت) در پایگاه نظامی المندورف- ریچاردسون در آلاسکا دیدار و گفتگو کنند.

ترامپ روز چهارشنبه ۱۳ اوت (۲۲ مرداد)، در گفتگو با خبرنگاران، هشدار داد که اگر پوتین با پایان دادن به جنگ اوکراین موافقت نکند، «عواقب بسیار شدیدی» در انتظار مسکو خواهد بود. او به جزئیات این عواقب احتمالی اشاره‌ای نکرد، اما پیشتر گفته بود «اگر با روسیه توافق نکنیم چاره‌ای جز اعمال مالیات، تعرفه و تحریم ندارم».

رئیس جمهوری آمریکا همچنین هشدار داده بود که به منظور تشدید فشارها بر روسیه، «تعرفه‌های ثانویه» را علیه کشورهایی مانند چین و هند که به تجارت با روسیه ادامه می‌دهند، اعمال خواهد کرد.

دونالد ترامپ در عین حال اذعان کرد که برای او امکان‌پذیر نیست ولادیمیر پوتین را متقاعد کند که هدف قرار دادن غیرنظامیان در اوکراین را متوقف کند.

او افزود: «من گفتگوهای سازنده زیادی با او داشته‌ام و سپس به خانه آمدم و شاهد اصابت موشک‌ها به ساختمان‌ها و کشته شدن افراد در خیابان‌ها بودم. بنابراین، نه، این امکان‌پذیر نیست».

ترامپ همچنین با اشاره به نشست روز جمعه با ولادیمیر پوتین در آلاسکا تأکید کرد: «اگر نشست اول به

معاون رافائل گروسی به ایران سفر می‌کند؛ عراقچی: «بازدید فیزیکی از تأسیسات اتمی در کار نیست»

«تسلیم بی‌قید و شرط» است، یعنی برچیدن تمام ظرفیت غنی‌سازی در ایران. اروپایی‌ها نیز در نشست استانبول برای مذاکره با جمهوری اسلامی سه شرط تعیین کردند: پایبندی به تعهدات برجام از جمله همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پاسخگویی درباره محل اورانیوم‌های غنی‌شده که دست‌کم ۴۰۰ کیلوگرم آن غلظت ۶۰ درصدی دارد و آمادگی برای مذاکرات احتمالی با آمریکا. تهران اما این شروط را نپذیرفته است.

چنین وضعیتی همزمان اختلافات داخلی نظام را تشدید کرده است. مسعود پزشکیان روز یکشنبه در سخنانی با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» گفته است: «تصور نمی‌کنم با دعوا به جایی برسیم. در ذات ما تسلیم شدن نیست. حرف نمیزنی؟

● به گفته وزیر خارجه جمهوری اسلامی، قرار است معاون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ به ایران سفر کند.

● مسعود پزشکیان: مذاکره نکنیم چه کنیم؟ می‌خواهی بجنگی؟! خب آمد و زد؛ الان برویم درست کنیم دوباره می‌آید. می‌زند!

به گفته وزیر خارجه جمهوری اسلامی، قرار است معاون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ به ایران سفر کند.

عباس عراقچی تأکید کرد تا جمهوری اسلامی و آژانس به چارچوب جدیدی نرسیده‌اند، هیچ برنامه‌ای برای بازرسی و بازدید از تأسیسات اتمی ایران در کار نخواهد بود.



دیدار رافائل گروسی و محمد اسلامی در تهران/ اردیبهشت ۱۴۰۳

خب می‌خواهی چکار کنی؟ می‌خواهی بجنگی؟! خب آمد و زد؛ الان برویم درست کنیم دوباره می‌آید می‌زند.»

این اظهارات با واکنش‌های شدید از سوی حامیان و درون رژیم مواجه شد. از جمله حسین شریعت‌مداری مدیرمسئول روزنامه «کیهان» چاپ تهران نوشت مفهوم حرف پزشکیان این است که «بایستی از طریق مذاکره در مقابل خواسته‌های آمریکا سر تسلیم فرود آوریم و یا در جریان جنگ به خواسته‌های آمریکا تن بدهیم! در این دیدگاه، ایستادگی و مقاومت کمترین جایگاهی ندارد هر دو سوی این دوقطبی، تسلیم است!» اینهمه در حالیست که پزشکیان از همان آغاز که نامزد مقام ریاست دولت چهاردهم شد به تکرار تأکید کرد که گوش به فرمان علی‌خامنه‌ای است و آمده تا سیاست‌های او را اجرا کند. روزنامه «آرمان امروز» می‌نویسد مذاکره ایران و آمریکا در گرو تفاهم با آژانس است و به حکومت هشدار داده است که باید مراقبت دور دوم حملات اسرائیل بود. نه تنها افکار عمومی ایران بلکه تقریباً اغلب ناظران بر این باورند که جنگ میان جمهوری اسلامی تمام نشده و دور دوم حملات دیر یا زود آغاز خواهد شد.

پیشتر چند نماینده مجلس شورای اسلامی از جمله ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بودند هیچ نهاد خارجی از جمله هیات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قرار است به ایران سفر کنند، اجازه دسترسی فیزیکی به تأسیسات هسته‌ای را نخواهند داشت.

از سوی دیگر مهلت اروپایی‌ها به جمهوری اسلامی رو به پایان است و اگر تا پایان تابستان توافقی حاصل نشود، آنها تهدید کرده‌اند که «مکانیسم ماشه» را فعال خواهند کرد.

عراقچی تأکید کرده که تماس‌های جمهوری اسلامی با کشورهای اروپایی ادامه دارد، اما تهران همچنان معتقد است مکانیسم ماشه «هیچ موضوعیتی ندارد» و اروپا دیگر عضو «مشارکت‌کننده» برجام به شمار نمی‌آید.

روزنامه «تهران تایمز» مدعی شده بود که دور جدید مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در نورژ برگزار خواهد شد اما از تاریخ و زمان این مذاکره اطلاعاتی نداد. عراقچی در واکنش به این ادعا عنوان کرد: «فعلاً دور دیگری برای مذاکره [با اروپا] تعیین نشده است».

شرط اصلی دونالد ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی

معاون رافائل گروسی ایران را ترک کرد؛ «اعتراض شدید» جمهوری اسلامی به آژانس

بودند با آژانس همکاری کند.

غنی‌سازی خط قرمز است

از سوی دیگر مجید تخت‌روانچی معاون سیاسی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، اعلام کرد تهران حاضر است در صورت لغو تحریم‌ها، محدودیت‌های هسته‌ای را «برای مدت معینی» بپذیرد.

او در مصاحبه با رسانه ژاپنی «کیودو» گفت جمهوری اسلامی آماده است در ازای لغو تحریم‌های آمریکا، با محدودیت‌های «موقت» بر برنامه هسته‌ای خود موافقت می‌کند، اما توقف کامل غنی‌سازی خط قرمز تهران است. او همچنین تأکید کرد برای ادامه مذاکرات، «آمریکا باید



دیدار ماسیمو آپارو معاون پادمانی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری

تضمین دهد که دوباره به ایران حمله نخواهد کرد.»
تخت‌روانچی افزود جمهوری اسلامی می‌تواند به عنوان بخشی از یک «توافق برد-برد و عادلانه»، در خصوص ظرفیت و سقف غنی‌سازی خود «انعطاف» نشان دهد.
اروپایی‌ها به جمهوری اسلامی تا پایان تابستان فرصت داده‌اند تا در زمینه اتمی با آمریکا به توافق برسد وگرنه «مکانیسم ماشه» فعال خواهد شد. در شرایطی که از این مهلت حدود شش هفته باقی مانده است، هنوز سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی در ایران مبهم است، بازرسان آژانس بین‌المللی در ایران حضور ندارند و وضعیت تأسیسات اتمی پس از بمباران آمریکا مشخص نیست.

یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان، پیشتر گفته بود هرگونه توافق هسته‌ای باید شامل محدودیت در برنامه موشکی جمهوری اسلامی شود. این موضعی است که نه تنها کشورهای اروپایی بلکه آمریکا و اسرائیل نیز بر آن پافشاری می‌کنند.

● معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد ماسیمو آپارو معاون مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از گفتگو با مقامات حکومت ایران در زمینه «نحوه تعامل آژانس و جمهوری اسلامی در شرایط جدید» تهران را ترک کرد.

● کاظم غریب‌آبادی می‌گوید هیات نمایندگی جمهوری اسلامی «مراتب انتقاد و اعتراض شدید خود نسبت به عدم ایفای مسئولیت‌های آژانس» در جریان جنگ اخیر با اسرائیل را ابراز داشت.

● مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر خارجه جمهوری اسلامی، اعلام کرد تهران حاضر است در صورت لغو تحریم‌ها، محدودیت‌های هسته‌ای را «برای مدت معینی» بپذیرد اما توقف کامل غنی‌سازی خط قرمز تهران است.

معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد ماسیمو آپارو معاون مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از گفتگو با مقامات حکومت ایران در زمینه «نحوه تعامل آژانس و جمهوری اسلامی در شرایط جدید» تهران را ترک کرد.

دو روز پیش در ۱۹ مرداد عباس عراقچی اعلام کرده بود که معاون آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار است روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ به ایران سفر کند. وی تأکید کرده بود که جمهوری اسلامی و آژانس به چارچوب جدیدی نرسیده‌اند.

کاظم غریب‌آبادی دوشنبه ۲۰ مرداد به رسانه‌های داخلی گفت: «مقرر گردید با در نظر گرفتن بحث‌های صورت‌گرفته در جلسه، رایزنی‌ها ادامه یابد.»

او افزود که آپارو با یک هیات ایرانی متشکل از مدیرکل صلح و امنیت بین‌المللی وزارت خارجه و مشاور سازمان انرژی اتمی گفتگو کرد.

به گفته غریب‌آبادی، هیات نمایندگی جمهوری اسلامی «مراتب انتقاد و اعتراض شدید خود نسبت به عدم ایفای مسئولیت‌های آژانس» در جریان جنگ اخیر با اسرائیل را ابراز داشت.

او گفت: «این هیات مطالبات کشورمان برای اصلاح فرایندهای نادرست حاکم بر آژانس در قبال موضوع هسته‌ای ایران را به اطلاع هیات اعزامی آژانس رساند.»
بر اساس گزارش وبسایت سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی، آپارو با محمد اسلامی رئیس این سازمان و همچنین مدیرکل خلع سلاح و امنیت بین‌الملل وزارت خارجه نیز گفتگو کرده است.

عباس عراقچی که سفر آپارو به ایران را اعلام کرده بود، روز یکشنبه اظهار داشت: «هیچ برنامه‌ای برای بازرسی و بازدید [از تأسیسات اتمی] وجود ندارد. ما هنوز به توافق چارچوب جدید دست نیافته‌ایم و تا قبل از مشخص شدن چنین چارچوبی همکاری‌ها آغاز نخواهد شد.»

بعد از جنگ ۱۲ روزه همکاری جمهوری اسلامی و آژانس بر اساس قانون «تعلیق همکاری» متوقف شد.
هرچند بازرسان آژانس طی دوران جنگ در ایران حضور داشتند اما ۱۳ تیرماه گزارش شد که به صورت زمینی ایران را ترک کردند. پیشتر سه قدرت اروپایی از رژیم ایران خواسته

→ خوبی پیش برود، نشست دوم به سرعت با حضور پوتین، زلینسکی و من برگزار خواهد شد، البته اگر آنها بخواهند که من آنجا باشم؛ و آنوقت واقعاً می‌توانیم کاری انجام دهیم». دونالد ترامپ با این حال در ادامه گفت که در صورت عدم دریافت پاسخ‌های مورد انتظار، «نشست دوم برگزار نخواهد شد».

دونالد ترامپ همچنین متعهد شده است که به محض پایان یافتن نشست روز جمعه با ولادیمیر پوتین در آلاسکا، بلافاصله با ولودیمیر زلینسکی و سپس رهبران اروپایی تماس بگیرد.

همزمان ماریا زاکارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه می‌گوید که ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین در طول جنگ، با مردم این کشور جنگیده است نه با روسیه!

انتقاد به ترامپ

تصمیم ترامپ برای دیدار با پوتین با انتقادهای زیادی روبروست. او در شبکه اجتماعی خود «تروث سوشال» به جان بولتون مشاور پیشین امنیت ملی خود مستقیماً تاخت



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

و او را «بازنده اخراج شده» خطاب کرد.

ترامپ در پاسخ به انتقاد بولتون گفت: «رسانه‌ها به شکل بسیار ناعادلانه‌ای در حال پرداختن به دیدار من با پوتین هستند. آنها مدام از بازنده‌های اخراج‌شده و افراد واقعا احمقی مثل جان بولتون نقل‌قول می‌کنند که گفته است «حتی با اینکه این دیدار در خاک آمریکا برگزار می‌شود، پوتین از حالا پیروز شده است.» این دیگر چه حرفی است؟»
رئیس جمهوری آمریکا افزود: «ما در همه زمینه‌ها در حال پیروزی هستیم. منتظرکنندگان اخبار جعلی اضافه‌کاری می‌کنند... اضافه‌کاری هم مالیات ندارد!»

ترامپ ادامه داد: «اگر مسکو و لنینگراد را هم رایگان و به عنوان بخشی از توافق با روسیه می‌گرفتم، اخبار جعلی باز هم می‌گفتند که من یک توافق بد انجام داده‌ام! اما حالا دستشان رو شده است. به همه خبرهای واقعی که درباره فساد آنها منتشر می‌شود، نگاه کنید. آنها آدم‌های بیمار و بی‌صدافتی هستند که احتمالا از کشور ما متنفرند. اما اهمیتی ندارد چون ما در همه چیز پیروز هستیم و دوباره به آمریکا عظمت می‌بخشیم.»

وبسایت «وای نت»:

اعدام روزبه وادی، موردی نادر و حتا غیرمعمول

● وبسایت «وای نت» با اشاره به اعدام روزبه وادی از متخصصان اتمی جمهوری اسلامی می‌نویسد حکومت ایران این پرونده را تا حدی به منظور اخطار به شهروندان به ویژه کسانی که در موقعیت‌های حساس یا مشاغل طبقه‌بندی‌شده کار می‌کنند رسانه‌ای کرد، با این هدف که اعلام کند «حتی اگر موساد بتواند هرکاری انجام دهد، ما می‌توانیم بیشتر انجام دهیم».

● اعدام وادی ساعت چهار صبح ۱۵ مرداد و به صورت مخفیانه انجام شد، بدون حضور شاهد. خانواده‌اش پیشاپیش مطلع نشدند، از مراسم آخرین خداحافظی محروم بودند و حتی پیکر او برای خاکسپاری به آنها تحویل داده نشد. در عوض، تلویزیون حکومتی مصاحبه‌ای با وادی پخش کرد که کمی پیش از اعدام ضبط شده بود و در آن او با آرامش، فعالیت‌های جاسوسی منتسب به خود را توضیح می‌داد.

وبسایت خبری «وای نت» روز دوشنبه ۱۱ اوت (۲۰ مرداد) در گزارشی می‌نویسد اعدام روزبه وادی از متخصصان اتمی حکومت ایران، اقدامی برای هشدار به پرسنل شاغل در مراکز حساس و مشاغل طبقه‌بندی شده بود.

برای سال‌ها، جمهوری خلق چین در صدر آمار جهانی اعدام قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران در رتبه دوم بالاترین آمار اعدام قرار دارد و برای طیف وسیعی از جرائم، از جمله قتل، تجاوز، همجنسگرایی، آزار جنسی کودکان، قاچاق مواد مخدر، سرقت مسلحانه، تروریسم، زنا، فحشا و به‌ویژه اتهاماتی مثل جاسوسی و همکاری با سرویس‌های اطلاعاتی خارجی حکم اعدام صادر می‌کند.

در سال‌های اخیر، برخی از خشن‌ترین روش‌های اعدام در ایران، مانند سنگسار زنان و مردان (عمدتاً به اتهام زنا) تا حد زیادی کنار گذاشته شده‌اند و استفاده از جوخه آتش نیز منسوخ شد. روش رایج کنونی، اعدام با طناب دار در ملاء عام و یا در محوطه زندان است که طی آن محکومان با چشم‌بند از چوبه دار آویخته می‌شوند. اغلب زندانیان دیگر مجبور به تماشای این صحنه می‌شوند و تنها در موارد نادر از دیدن آن معاف می‌گردند.

یکی از پرونده‌هایی که حتی در چارچوب سختگیرانه حکومت ایران هم مهم و چشمگیر است، پرونده اعدام یک متخصص هسته‌ای به نام «روزبه وادی» است که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام شد.

اعدام وادی ساعت چهار صبح ۱۵ مرداد و به صورت مخفیانه انجام شد، بدون حضور شاهدان. خانواده‌اش پیشاپیش مطلع نشدند، از مراسم آخرین خداحافظی محروم بودند و حتی پیکر او برای خاکسپاری به آنها تحویل داده نشد. در عوض، تلویزیون حکومتی مصاحبه‌ای با وادی پخش کرد که کمی پیش از اعدام ضبط شده بود و در آن او با آرامش، فعالیت‌های جاسوسی منتسب به خود را توضیح می‌دهد.

طبق اعترافات تلویزیونی، وادی ۴۰ ساله، به صورت آنلاین توسط مأموری از موساد که خود را «الکس» معرفی کرده بود جذب شد. پس از ارائه جزئیات شخصی و گذراندن مکاتبات محرمانه و آزمون‌های صلاحیت، وادی به اتریش احضار شد تا با رابط خود «کون» دیدار کند. گفته می‌شود

او پنج بار به اتریش سفر کرده و در آنجا تحت فشار قرار گرفته تا اطلاعاتی از سایت‌های هسته‌ای ایران در فردو و نطنز به موساد بدهد. او همچنین اعتراف کرد که در ترور یکی از دانشمندان ارشد هسته‌ای ایران توسط موساد کمک کرده است.

وادی توضیح داد که بطور مرتب گزارش‌های رمزگذاری شده به «کون» ارسال می‌کرده و در ازای آن، ماهانه پول دیجیتال و وعده تهیه گذرنامه برای خود و خانواده‌اش جهت انتقال به یک کشور دوست دریافت می‌کرده است. با این حال، رابط او ظاهراً از کیفیت اطلاعات ناراضی بوده و مأموریت‌اش را



روزبه وادی

تهدید کرده است.

وبسایت «وای نت» با اشاره به اعدام روزبه وادی از متخصصان اتمی جمهوری اسلامی، می‌نویسد حکومت ایران این پرونده را تا حدی به منظور اخطار به شهروندان به ویژه کسانی که در موقعیت‌های حساس یا مشاغل طبقه‌بندی‌شده کار می‌کنند رسانه‌ای کرد، با این هدف که اعلام کند: «حتی اگر موساد بتواند هرکاری انجام دهد، ما می‌توانیم بیشتر انجام دهیم».

دادگاه وادی بدون حضور وکیل برگزار شد و به سرعت با صدور حکم اعدام وی پایان یافت. اسرائیل تا کنون از اظهار نظر خودداری کرده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی اخیراً از بازداشت ۲۰ مظنون به همکاری با موساد خبر داده و تهدید کرده است که هیچ‌گونه گذشتی نخواهد داشت و آنان را عبرت دیگران قرار خواهد داد. اعدام کسانی که به جاسوسی برای اسرائیل محکوم شده‌اند، امسال بطور محسوسی افزایش یافته است. این سرکوب شدید در بحبوحه تشدید تنش‌ها پس از «جنگ ۱۲ روزه» صورت گرفت؛ حملاتی که با موشک‌پرانی و پهپادهای جمهوری اسلامی پاسخ داده شد.

در پایان این گزارش آمده است، هرچند تأیید مستقل اعترافات وادی دشوار است، تحلیلگران معتقدند که این اعترافات ممکن است تحت فشار و شکنجه گرفته شده باشد و وادی شاید برای محافظت از خانواده‌اش از برخوردهای شدیدتر، با امنیتی‌های جمهوری اسلامی همکاری کرده باشد.

اختصاصی؛

«حذف هدفمند»

عوامل حزب‌الله در هر جا که باشند، راهکار استراتژیک اسرائیل است

● یک منبع امنیتی به کیهان لندن می‌گوید که راهکار استراتژیک اسرائیل حذف هدفمند عوامل حزب‌الله است؛ این برای دولت لبنان روزنه امید و برای جمهوری اسلامی پیام هشدار است.

● او درباره اینکه افرادی که مورد هدف قرار می‌گیرند برچه اساسی انتخاب می‌شوند؟ توضیح می‌دهد: «گزینه‌های حذف بر اساس میزان تأثیر آنان بر روند بازسازی حزب‌الله انتخاب می‌شوند، نه بر مبنای شهرت‌شان. حذف‌ها محدود به نفر اول یا دوم نیست، بلکه عناصر رده بیستم و سی‌ام هم اگر لازم باشد حذف می‌شوند. حتی افرادی که کیسه سیمان حمل می‌کنند تا در جنوب لبنان زیرساخت تروریستی بسازند، در تیررس قرار دارند. حکم یک عضو حزب‌الله در نوار مرزی مانند حکم یک تروریست ارشد پنهان‌شده در بیروت یا تهران است.»

دولت لبنان تصمیم به خلع سلاح حزب‌الله لبنان گرفته است، اما مقامات این گروه تروریستی با حمایت جمهوری اسلامی با آن مخالفت می‌کنند. علی‌المقداد نماینده حزب‌الله در پارلمان لبنان تهدید کرده: «با آتش بازی نکنید!» همزمان اما اسرائیل مصمم است کارزار درهم شکست حزب‌الله را بدون توقف پیش ببرد.

یک روز پس از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» در سال ۲۰۲۳ و کشتار فجیع شهروندان غریزنامی اسرائیل در خاک این کشور، حزب‌الله لبنان به جبهه نبرد علیه اسرائیل پیوست. از آن زمان، حسن نصرالله و سایر فرماندهان ارشد حزب‌الله از جمله فؤاد شکر، ابراهیم عقیل فرمانده نیروی «رضوان» و بسیاری دیگر از فرماندهان میدانی آن، طی چند رشته عملیات توسط حذف شدند. حزب‌الله در حالی که انبارهای موشکی و تسلیحاتی آن نابود می‌شد، مجبور به عقب‌نشینی شد.

با امضای آتش‌بس میان دولت لبنان و اسرائیل در هفتم آذرماه ۱۴۰۳ بین دو کشور تفاهات اولیه به اجرا گذاشته شد، اما ارتش اسرائیل اجازه بازسازی مجدد به حزب‌الله را نداد و با تاکتیک‌های مختلف که یکی از اصلی‌ترین آنها عملیات نظامی برای حذف هدفمند و فیزیکی عناصر تروریستی است، این گروه تروریستی را که توسط جمهوری اسلامی در دهه هشتاد میلادی در لبنان بنیانگذاری شد، هر روز بیش از گذشته تضعیف کرد.

سیاست حذف هدفمند رهبران و فرماندهان حزب‌الله ارتش اسرائیل کارزار گسترده‌ای را برای حذف عناصر تروریستی در لبنان به اجرا گذاشته است. یک منبع امنیتی به کیهان لندن می‌گوید: «ابزار حذف هدفمند بسیار مؤثر است، هیچ فردی که در فعالیت تروریستی نقش

بارش

قصه موش و گربه

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۵۵) اردیبهشت ۱۳۸۶



برمی‌گردید یک لنگه پا به عقب پریده، فریاد برآورده، دست به قلب می‌شوید که ای وای، موش... و ادامه می‌دهد «موش قصه ما در عین این که هر روز جان نصف شهروندان را در تهران به لب می‌رساند، با خونسردی از محل هر روزش می‌گذرد. موش خیابانگرد می‌داند که مردم از او می‌ترسند، پس تنها، دیدنش کافی است تا راه برای عبور و مرور از سوی همه باز گذاشته شود. همه چیز برای او آماده است. مغازه‌های این طرف خیابان بسته شده‌اند و مدتی است او و خانواده بزرگش غذای مقوی نخورده‌اند. پس، عبور از عرض خیابان به رنج و خطرش می‌ارزد. آن طرف خیابان، خوراکی‌های خوب، در کنار کاهوهای تازه، برای رفع اختلالات شیمیائی که گاهی آزارشان می‌دهد، مهیاست!»

گزارش، از زاد و ولد موشهای ام‌القرء - که در داستان موش و گربه عبید زاکانی، از زبان گربه «آروادین قحبه مسلمانا» خطاب شده‌اند - حکایت دارد. و این که «خانواده موشهای شهرمان همچنان در حال گسترش نسل است. هر روز بهتر، بیشتر و بزرگتر، بله بزرگتر از دیروز، می‌شوند. آنقدر بزرگ که گاهی بچه موش چاق و چله داستان، برای گربه‌های بی‌آزار شده شهرمان نیز هیولایی ترسناک می‌شود» یعنی این که گربه مادر، وقتی می‌خواهد بچه گربه را بترساند می‌گوید «اگه باز هم ونگ و وونگ کنی، بچه موشه صداتو میشنفه، میاد هر دو تا مونو میخوره»!

به‌راستی که «انقلاب شکوهمند» چه تحولی به دنبال آورده است. مستضعفان جای مستکبران را گرفته‌اند و موشها جای گربه‌ها را...

تاجری از کرمان به هندوستان سفر کرد. در آن دیار به شهری رسید که اهالی از دسته موشان سخت در عذاب بودند و چاره نمی‌دانستند. پرسید در این شهر مگر گربه پیدا نمی‌شود. گفتند ما گربه ندیده‌ایم و نمی‌دانیم که چگونه جانوری است. تاجر، در سفر بعد گربه‌ای با خود برد و در آن شهر رها کرد. گربه، شروع کرد به گرفتن و خوردن موشها. اهالی که چنان دیدند ترسیدند جانور خونخوار بعد از آن که موشها را خورد، آدم بخورد. از شهر کوچیدند و در حوالی آن چادر زدند. چند روز بعد یکی را فرستادند که جاسوسی کند و از اوضاع و احوال شهر برایشان خبر ببرد. آن شخص، گربه را از دور بر سر دیواری دید. ترسان و لرزان بازگشت و به اهالی گفت گربه را دیدم که دست به سیبل‌های خود می‌کشید و به زبان حال می‌گفت اگر یک نفر از شما را زنده بگذارم این سیبل‌ها را خواهم تراشید!

این داستان مال گذشته‌های دور است. زمانی که گربه‌ها چنگال موش گرفتند و دندان موش دریدن داشتند. این زمان، در هر سوپرمارکتی یک قفسه مخصوص غذای سگ و گربه وجود دارد و گربه‌ها عادت کرده‌اند این جور غذاها را در بشقاب چینی نوش جان کنند. حالا نوبت موشهاست که در شهرها جولان بدهند و آدمیزادگان را بترسانند.

خبرگزاری دانشجویان «ایسنا» گزارش مفصلی از «موش‌تازی» در تهران مخابره کرده است که اینچنین آغاز می‌شود: «بیست دقیقه است که در ایستگاه اتوبوس انتظار می‌کشید. یکباره سایه حرکت چیزی را زیر پایتان حس می‌کنید. کمی صدای خش‌خش، و به‌محض این که

دارد، از این عملیات مصونیت نخواهد داشت. شواهد میدانی نشان می‌دهد حزب‌الله پس از حذف فرماندهانش دچار سردرگمی شدید است. اسرائیل نابودی چنین افرادی را از نظر اخلاقی نیز کاملاً موجه می‌داند.» اما افرادی که مورد هدف قرار می‌گیرند بر چه اساسی انتخاب می‌شوند؟ همین منبع توضیح می‌دهد: «گزینه‌های حذف بر اساس میزان تأثیر آنان بر روند بازسازی حزب‌الله انتخاب می‌شوند، نه بر مبنای شهرت‌شان. حذف‌ها محدود به نفر اول یا دوم نیست، بلکه عناصر رده بیستم و سی‌ام هم اگر لازم باشد حذف می‌شوند. حتی افرادی که کیسه سیمان حمل می‌کنند تا در جنوب لبنان زیرساخت تروریستی بسازند، در تیررس حملات اسرائیل قرار دارند. حکم یک عضو حزب‌الله در نوار مرزی مانند حکم یک تروریست ارشد پنهان‌شده در بیروت یا تهران است.»

این منبع می‌افزاید که مقامات ارشد اسرائیلی متعهد شده‌اند که دیگر ۱۲ کودک در زمین فوتبال (اشاره به حمله



مراسم تشییع جنازه فؤاد شکر از فرماندهان ارشد حزب‌الله / رویترز

موشکی به مجدالشمس) جان خود را از دست ندهند. وی همچنین در ادامه عنوان می‌کند: «در عملیات طلوع شیران هر فرد خطرناکی که باید از میان می‌رفت، حذف شد. اگر یک عنصر حزب‌الله نیز تهدیدآفرین باشد، در لبنان یا هر جای دیگری از بین خواهد رفت. هر عضو حزب‌الله که نمی‌خواهد هدف حذف قرار گیرد، باید دست از ترویج تروریسم بردارد و این تصمیم خود را علنی و با صراحت و حتی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کند یا به فعالیت مدنی مانند یک سازمان سیاسی و غیرنظامی و غیرتروریستی بپیوندد. نیروهای مسلح اسرائیل متعهد شده‌اند تا تروریست‌هایی را که در هر جبهه، از غزه و سوریه تا لبنان و ایران، علیه ما فعالیت می‌کنند، از بین ببرند و این کار را تا حالا به نفع هر کسی که خواهان زندگی عادی و در صلح در خاورمیانه است، انجام داده‌ایم. دست بلند اسرائیل بسیار فراتر از لبنان عمل می‌کند؛ همانطور که در عملیات طلوع شیران شاهد حذف‌هایی در فواصل بسیار دور بودیم.»

این منبع در گفتگو با کیهان لندن تأکید می‌کند که اسرائیل در لبنان با داده‌های یک «بانک اهداف» ثابت کار نمی‌کند؛ هر فرد یا زیرساختی که تهدید باشد، هدف قرار می‌گیرد. حذف یا انهدام یک عضو حزب‌الله به عنوان نیروی نیابتی رژیم ایران، ابزاری مؤثر برای تضمین امنیت کل منطقه است.

تحلیلگران بر این باورند که این حذف‌ها در لبنان ابزار فشار بر حزب‌الله است. مخالفان حزب‌الله امیدوارند روزی فرا رسد که این کشور بدون دخالت جمهوری اسلامی و عوامل نیابتی آن بتواند بار دیگر در مسیر توسعه و پیشرفت قرار بگیرد.



دکتر احمد مهدوی دامغانی:

چند ساعتی با هویدا در کوچه و خیابان مادرید (۲)

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی ماه ۱۳۸۰ - شماره ۹۳۷)

فوراً سلام و اظهار ادب کردم و هویدا گفت دختر خانم به مدرسه رازی می‌رود؟ گفتم بلی، گفت ماشاءالله فرانسه را خوب حرف می‌زند و چند کلمه تشویق آمیز به دخترم و چند جمله حاکی از پریشانی وضع راندگی در تهران با اشاره به ردیف اتومبیل‌هایی که جلو ما متوقف و منتظر باز شدن راه بودند، به من گفت و من هم به شوخی گفتم قربان «دیه بر عاقله است» که فی‌دائم خوشش آمد یا بدش آمد، چون دستهایش را از رل برداشت و به طرف بالا دراز کرد و در این بین، راه هم باز شد. او به سرعت به طرف کاخ شمالی رفت و من به چپ پیچیدم و به طرف خانه‌ام روان شدم.

کلمه‌ای رد و بدل کرد.
یک بار دیگر هم اول شبی در تقاطع خیابان کاخ جنوبی و بولوار کشاورز، در اثر راه‌بندان، رفت و آمد وسایط نقلیه متوقف شده بود و من پشت رل اتومبیل نشسته بودم و به رادیو گوش می‌دادم و دخترم، که هشت یا نه‌ساله بود کنار دستم نشسته و داشت یک کتاب بزرگ مصور فرانسوی (از سری تن تن) را مطالعه می‌کرد. من سرگرم شنیدن رادیو بودم که دیدم دخترم دارد به فرانسه با کسی صحبت می‌کند. نگاه کردم دیدم مرحوم هویدا پشت رل پیکان سرمایه‌ی رنگ نشسته است و پهلوی اتومبیل من، او هم منتظر باز شدن راه است دارد با دخترم حرف می‌زند (۱) و البته من

این بنده، مرحوم هویدا را اولین بار در سال ۱۳۴۳ در اجتماعی که به دعوت مرحوم مغفور آقای دکتر باقر عاملی رحمت‌الله علیه وزیر دادگستری، در سالن وسیع بالاترین طبقه کاخ دادگستری جهت معارفه مرحوم هویدا با قضات و اعضای دادگستری و وابستگان به دادگستری یعنی وکلا و سردفتران و کارشناسان، تشکیل شد، دیدم که در آن جلسه هویدا نطق مفصل معقولی کرد که به تعبیر همان عبارت معهود و فورمولی روزنامه‌ها: «با کف زدن ممتد حضار مواجه شد و مجلس تا پاسی از شب ادامه داشت!». هویدا در موقع ترک مجلس و در حین رفتن به طرف در خروجی با بسیاری از حضاران و ازجمله این بنده دو سه



قبلاً هم به عرض ایشان رسانده بودم از اظهار نظر و اعمال سلیقه خود را معاف ساخته بودم و به هر صورت هر دو سید یا کیسه چرمی، انباشته از اشیاء انتخابی ایشان شد و مرحوم هویدا برای پرداخت بها به طرف صندوق رفت و آقای لاجینی هم در خدمت ایشان بود و من کمی دورتر ایستادم.

صندوقدار بهای اجناس را که جمع زد بالغ بر معادل دو هزار و پانصد و شصت دلار شد. خواننده عزیز، خدا می‌داند عین ماوقع را حکایت می‌کنم، هویدا تا آن مبلغ را شنید کمی سرخ و شرمزده شد و گفت من همچو پولی الان ندارم و به شوخی گفت، این ورپرده‌ها چه هزینه‌ای روی دستم گذاشته‌اند! من بیش از سه هزار دلار از ایران با خودم نیاورده‌ام و فکر نمی‌کردم اینها اینقدر گران بشود، معلوم می‌شود این که شهرت دارد مصنوعات چرمی در اسپانیا ارزان است، شهرت نادرستی است.

آقای لاجینی کیف دستی کوچکی را که در دست داشت و لحظه‌ای آن را از خود جدا نمی‌کرد، به طرف آقای هویدا دراز کرد و گفت، قربان، تیمسار تنخواه گردان لازم را برای این امور در اختیار بنده قرار داده‌اند و اینک ←

وگرنه حالا طفلك لاجینی کجا می‌توانست برای آن اتومبیل جای پارک پیدا کند. ولی خوشبختانه آقای لاجینی پنج شش دقیقه بعد به ما ملحق شد و گفت خداسازی شد که يك اتومبیل از پارک خارج گشته و برای من جا پیدا شد. مرحوم هویدا به آقای لاجینی و من گفت اینجا خواهش می‌کنم می‌باید من نگویم «اکسلانس، اکسلانس» زیرا تومانی سه چهار قران بر ارزش اجناس خواهد افزود.

مرحوم هویدا دو تا از آن سبدها یا کیسه‌هایی را که با تسمه‌های کفش چرمی بافته یا ساخته شده بود و برای گذاشتن اجناس انتخابی از طرف مشتریان اختصاص داشت، برداشت و یکی را به آقای لاجینی و یکی را به من داد و خود همان دو ورقه یادداشت کوچکی را که پیش از آن به ما نشان داده بود از جیبش درآورد و به سمت کیفها و کفشها توجه کرد و با دقت و تأنی کاملی کیف یا کفشی را برمی‌داشت و به یادداشتی که در دست داشت نگاهی می‌کرد و می‌گفت خوب، این برای خانم فلان... این برای خانم بهمان... خلاصه چند تا کیف و کفش و جعبه‌های کوچک ظریف چرمی رنگ رنگ را برداشت و گاهی از آقای لاجینی و بنده نظری می‌خواست ولی من بنده همچنان که

در خیابان خوزه آنتونیو

از موزه پرادو تا خیابان خوزه آنتونیو مسافت خیلی زیادی نبود (شاید ده پانزده دقیقه) در این مدت بیشتر مرحوم هویدا راجع به وضع کلاسهای فارسی و برنامه‌های تدریسی من بنده، از این که عربها چقدر فعالیت فرهنگی در مادرید دارند و عربی در چه سطوحی در دانشگاههای مادرید تدریس می‌شود و این که دانشجویانی که در درسهای من بنده حاضر می‌شوند چند نفرند و به چه طبقه اجتماعی تعلق دارند و از این قبیل مذاکرات، صحبت می‌کرد و به مقتضای حال، بنده یا آقای لاجینی پاسخ به سؤالات ایشان می‌دادیم تا به میدان «کورتس» = مجلس شورای ملی اسپانیا و سپس به خیابان خوزه آنتونیو رسیدیم.

این خیابان در مادرید نظیر خیابان پنجم نیویورک و ریچنت استریت و بوند استریت لندن و شانزلیزه و مونتنی پاریس است. آقای لاجینی در مقابل يك مغازه بزرگ کیف و کفش فروشی توقف کرد و باز به همان ترتیب سابق‌الذکر مرحوم هویدا و من بنده پیاده شدیم و به داخل مغازه رفتیم و آقای لاجینی رفت که جای پارکی برای ماشین خود پیدا کند. هویدا به من گفت دیدی حق داشتیم سوار کادیلاک نشدیم

آن وقت مرحوم هویدا گفت حالا درست شد و به آقای لاجینی فرمود فعلاً سه هزار دلار به من بده تا بعداً حساب دقیقش را برسیم و تتمه حقوقم را از تو بگیرم و آقای لاجینی سه هزار دلار یعنی معادل بهای اجناس را به صندوقدار پرداخت و سیصد چهارصد دلار بقیه سه هزار دلار را به آقای هویدا داد و آن اجناس بسته بندی شده را آقای لاجینی و من بنده به کناری گذاشتیم و آقای لاجینی به سراغ اتومبیل خود رفت و گفت چون این خیابان یکطرفه است ما باید دور بزنم که شاید ده دقیقه‌ای وقت بگیرد و هویدا با بی حوصلگی چون چاره‌ای نداشت، تسلیم شد و لاینقطع چشمش را به ساعت دوخته بود و معلوم بود که از تأخیری که روی می‌دهد، ناراحت است.

برای وقت گذرانی چند بیت عربی که از متبئی و ابی فراس در دبستان یا دبیرستان در بیروت آموخته بود و در حفظ داشت، برای من خواند و باز از وضع تدریس من سؤالات دقیق‌تری کرد و پس از این که فهمید یکی از متونی که من در ادب فارسی درس می‌دهم، بوستان سعدی است، خوشحال شد. خوشبختانه آقای لاجینی پس از شش هفت دقیقه رسید و اتومبیل را به اصطلاح «دوبله» پارک کرد و

بانو لیلی هویدا بنده، بدون این که رسماً مباحثاتی داشته باشم، فی‌الجمله بنا به امر مرحوم منوچهر پرتو وزیر وقت دادگستری که خدای متعال او را بیامرزد و مخدومان بی عنایت او را به هوش بیاورد، مداخله‌ای و اظهار نظری داشتم ولی شاید خود مرحوم هویدا از آن بی‌خبر بود «و این سخن بگذار تا وقت دگر» و فوراً به اصطلاح حرف توی حرف آورد و گفت راستی راستی چه شعر لطیفی است، و شما چقدر شعر از حفظ دارید و از این حرفها.

آقای لاجینی، پس از چند دقیقه با کیف دستی مرحوم هویدا بازگشت و کیف را به دست مرحوم هویدا داد، مرحوم هویدا یک دفتر خشتی خط کشیده چاپی را که معلوم شد دفتر اندیکاتور سیار اوست، به ضمیمه یک برگ کاغذ بزرگ اداری که مارک «نخست وزیر» را داشت، از کیف برداشت و هر دو را به من بنده داد و گفت: «پروفسور دامغانی، رسماً به حسابداری نخست وزیری بنویس که من حقوق اسفندماه جاری را از صندوق سفارت شاهنشاهی در مادرید دریافت کرده‌ام. فوراً هم ارز دلاری آن را به حساب آن سفارت واریز نمایند» و خود منتظر ایستاد و من آن کاغذ و دفتر را گرفتم روی همان پیشخوان صندوق گذاشتم و بر

آن را خدمتتان تقدیم می‌کنم. مرحوم هویدا خیلی جدی و در عین حال صمیمانه گفت: حضرت اجل خیلی لطف فرموده‌اند ولی من چنین کاری را البته نمی‌کنم و به تنخواه‌گردانی که مرحمت و اجازه فرموده‌اند، دست درازی نمی‌کنم مگر به یک شرط و آن اینست که شما آقای لاجینی، زحمت بکشید و کیف دستی مرا از صندوق عقب اتومبیلتان بیاورید تا بگویم چکار باید بکنم.

هرچه آقای لاجینی اصرار کرد و توضیح داد، مرحوم هویدا نپذیرفت و با یک تنگ حوصلگی به ایشان گفت وقت تنگ است، همان کار را که گفتم بکنید و آقای لاجینی به دنبال کیف دستی آقای هویدا رفت و اجناس همچنان بر روی میز صندوقدار مانده بود ولی صندوقدار متوجه مسأله شد، که بناسط پول آورده شود. در این بین، مرحوم هویدا باز به طرف داخل مغازه رفت و دیدم که بعضی کیفها و کفشها را برمی‌دارد و نگاهی طولانی به آن می‌اندازد ولی یک نوع هیجان یا تردید در صورتش آشکار می‌شود، و آن مرحوم که متوجه من شد دوباره رشته سخن قبلی را درباره زبان و ادب فارسی و عربی پیش کشید.

بنده تا الان هم نمی‌توانم بفهمم که آیا فضولی کردم یا



موزه پرادو

خود به مغازه آمد و با یکدیگر اجناس خریداری شده را به صندوق عقب اتومبیل گذاردیم و مرحوم هویدا کیفش را به من داد که در صندلی عقب بگذارم و حدود ساعت ۱۱/۳۰ بود که به سفارت رسیدیم. راننده اتومبیل دیگری که منتظر مرحوم هویدا بود اشیاء خریداری شده را به آن اتومبیل منتقل کرد و هویدا از آقای لاجینی و من بنده خداحافظی کرد و به اتاق تیمسار ارتشید جم رفت. علاوه بر حضرت اجل تیمسار جم، آقای لاجینی نیز بحمدالله سلامت و مقیم پاریس‌اند و چند سال قبل توفیق مکالمه تلفنی با ایشان برابرم حاصل شد. علی‌القاعده محتمل است که آن نامه‌ای که بنده به شرح فوق نوشتم نیز در بایگانی محاسبات نخست وزیری باقی مانده باشد والله اعلم.

مردادماه ۱۳۸۱ – فیلاولفیا

۲- یعنی می‌خواهم یاد لیلی را فراموش کنم ولی به هر راهی که می‌روم گویا لیلی برابرم مجسم است (یا خود را به من می‌مایاند).

نقل از: «ره‌آورد»

کاغذ نوشتم:

حسابداری نخست وزیری

از آنجا که من حقوق و مزایای اسفندماه جاری ۱۳۵۴ خود را از صندوق سفارت شاهنشاهی در مادرید دریافت داشته‌ام لذا فوراً معادل هم ارز دلاری آن را در وجه سفارت مذکور پرداخت نمایم.

نخست وزیر

و کاغذ را به دست ایشان دادم. گفت پروفسور، خط شما هم که خوب است و همین نامه کافی است ولی به دنبال نخست وزیر نام مرا هم بنویسید و من که مردد بودم بنویسم هویدا یا امیرعباس هویدا، نگاهی استفهام‌آمیز به ایشان کردم و او را که فوراً متوجه شده گفت همان هویدا کافی است و من کلمه هویدا را بر آن نامه افزودم و ایشان آن را امضا کرد و دوباره به من برگرداند و گفت حالا این را در این دفتر شماره و تاریخ بزنید و در مقابلش از آقای لاجینی رسید بگیرد و به آقای لاجینی هم دست‌وردا اسم کامل سمت خود را بنویسد و دفتر را امضا کند و نامه را از من بگیرد و چنین شد.

مناسب‌گویی ولی به هرحال به ایشان عرض کردم: جناب نخست وزیر این حالت حضرت عالی یک بیت عربی را به خاطر می‌آورد که نمی‌دانم مناسب است به عرض برسانم یا نه و اگر به عرض برسانم آیا حمل بر جسارت و بی ادبی خواهید فرمود؟ مرحوم هویدا گفت به‌به! شعر عربی، خواهش می‌کنم بفرمایید و من دوباره عرض کردم چون اجازه می‌فرمایید عرض می‌کنم ولی امیدوارم عکس‌العملی که ابراز خواهید فرمود موجب شرمساری من بنده نشود، گفت نه، مگر چی می‌خواهید بفرمایید؟ و من گفتم قربان آن بیت، بیت مجنون یا منسوب به مجنون است که:

أريد لأُنسى ذكركها فكَأَنَّمَا
تَمَثَّلَ لي ليلي بَكْلٍ سبيل (۲)

خواننده عزیز، می‌خواهی باور کن، می‌خواهی باور نکن، مرحوم هویدا جوری مسرور و مبتهيج شد که سخت دست مرا فشرده ولی رویش را از من برگرداند و چند لحظه‌ای تقریباً پشتش به من بود و من می‌دیدم هی دستش را به طرف صورتش و بغلش می‌برد و پس از آن که به طرف من برگشت دیدم هنوز چشمانش مرطوب است (آخر در امر ثبت طلاق

منابع اطلاعاتی اسرائیل:

ترامپ راه را برای حمله به جمهوری اسلامی هموار کرد



مباران محل جلسه سَری شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی (شعاع)

رویدادهای کلیدی در جنگ نیابتی

در همین زمان، جنگ نیابتی جمهوری اسلامی و اسرائیل به تدریج شدت می‌گرفت. یکی از منابع گفت: «فکر می‌کنم نقطه عطف در آوریل ۲۰۲۴ [فروردین ۱۴۰۳] بود؛ یعنی زمانی که [رژیم] ایران موشک‌هایی را مستقیماً از خاک این کشور به اسرائیل شلیک کرد. تا آن زمان، جمهوری اسلامی ایران عمدتاً با استفاده از نیروهای نیابتی به اسرائیل حمله می‌کرد، در حالیکه اسرائیل عملیات مخفی در داخل خود ایران انجام می‌داد تا از ورود به جنگ تمام‌عیار جلوگیری کند.»

این حمله جمهوری اسلامی، در پاسخ به حمله اسرائیل به کنسولگری تهران در سوریه بود که منجر به کشته شدن سردار پاسدار محمدرضا زاهدی شد. او بالاترین مقام نظامی رژیم ایران بود که پس از ترور قاسم سلیمانی در سال ۲۰۲۰ توسط دولت ترامپ کشته شد. سلیمانی «معمار» جنگ نیابتی جمهوری اسلامی در خاورمیانه بود.

این منبع افزود: «فکر می‌کنم اسرائیل بعد از آوریل ۲۰۲۴ به زمان نیاز داشت تا همه اطلاعات را جمع‌آوری کرده و برنامه‌ریزی لازم را انجام دهد تا مطمئن شود در همان دو یا سه روز اول جنگ، کنترل کامل بر اوضاع را با حداقل تلفات در داخل و تسلط کامل بر حریم هوایی ایران خواهد داشت.»

پیروزی ترامپ در انتخابات

انتخاب دوباره ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا نیز یک عامل کلیدی بود که هر چهار منبع بر آن تأکید داشتند. منبع اول به «یورونیوز» گفت: «برنامه اولیه این بود که در اکتبر ۲۰۲۴ حمله کنیم یعنی بعد از دومین حمله مستقیم موشکی [رژیم] ایران به اسرائیل در پی ترور حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان. اما حمله به تعویق افتاد تا

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ، با کمک حوثی‌های متحد خود در یمن، شهرها و پایگاه‌های نظامی اسرائیل را با موشک و پهپاد هدف قرار داد. آمریکا از اسرائیل در برابر این حملات دفاع کرد و در روز نهم، سه سایت هسته‌ای در خاک ایران را بمباران نمود. سپس جمهوری اسلامی به یک پایگاه آمریکایی در قطر حمله کرد. در ۲۴ ژوئن (سوم تیرماه) آمریکا آتش‌بس بین اسرائیل و جمهوری اسلامی را اعلام کرد.

پس از آتش‌بس، هر دو طرف مدعی پیروزی شدند. اسرائیل و آمریکا اعلام کردند که برنامه موشکی و هسته‌ای رژیم ایران را به شدت تضعیف کرده‌اند، در حالی که برخی مقامات رژیم ایران این ادعا را رد کردند و برخی نیز مانند عباس عراقچی اعتراف کردند که تأسیسات هسته‌ای به شدت آسیب دیده‌اند.

مسیر دیپلماسی باز اما در حال فرسایش

اسرائیل و آمریکا گفتند که این حمله سال‌ها همزمان با مذاکرات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران در حال برنامه‌ریزی بوده است.

یکی از منابع اطلاعاتی اسرائیل به «یورونیوز» گفت: «اسرائیل هرگز پنهان نکرده که می‌خواهد برنامه هسته‌ای ایران را نابود کند و هرگز پنهان نکرده که حاضر است این موضوع به شکل دیپلماتیک حل شود، به شرطی که راه حل دیپلماتیک نه تنها مانع غنی‌سازی اورانیوم شود، بلکه توان بالقوه رژیم ایران را برای ایجاد تهدید وجودی علیه اسرائیل نابود سازد.»

این منابع گفتند مناسبات دیپلماتیک نتیجه ملموسی نداشت و همزمان، تنش‌ها میان آمریکا و رژیم ایران پس از نخستین دوره ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۱۶-۲۰۲۰) افزایش یافت.

● چهار منبع فعلی و سابق اطلاعاتی اسرائیل در مصاحبه‌های جداگانه با «یورونیوز» گفتند که اسرائیل سال‌ها برای یک تهاجم تمام‌عیار به جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی می‌کرده است، اما پیروزی دوباره ترامپ همراه با مجموعه‌ای از رویدادهای مهم، راه را برای حمله مستقیم در خرداد ۱۴۰۴ هموار کرد.

● یکی از منابع می‌گوید: «فکر می‌کنم اسرائیل بعد از آوریل ۲۰۲۴ [فروردین ۱۴۰۳] به زمان نیاز داشت تا همه اطلاعات را جمع‌آوری کرده و برنامه‌ریزی لازم را انجام دهد تا مطمئن شود در همان دو یا سه روز اول جنگ، کنترل کامل بر اوضاع را با حداقل تلفات در داخل و تسلط کامل بر حریم هوایی ایران خواهد داشت.»

● منبع دیگر عنوان می‌کند: «ترامپ فهمید [رژیم] ایران صرفاً برای خرید زمان وارد مذاکرات شده و قصد واقعی برای رسیدن به توافق ندارد. این مذاکرات به عنوان پوشش عمل کرد و به جمهوری اسلامی ایران این تصور را داد که مورد حمله قرار نخواهد گرفت.»

● یان لسر مشاور رئیس بنیاد مارشال آلمان توضیح داد که اکنون رژیم «ایران گزینه‌های کمتری در اختیار دارد. یا باید به مذاکرات بازگردد، یا به روش‌های سنتی خود یعنی استفاده از نیروهای نیابتی و اقدامات غیرمستعارف مثل ترور روی بیاورد. همچنین ممکن است اگر توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را حفظ کند، این را در مسیر دیگری به کار بیاورد، اما کسی اجازه چنین کاری را نخواهد داد.»

منابع اطلاعاتی اسرائیل می‌گویند حمله به نقاطی در ایران، پس از سال‌ها برنامه‌ریزی، زمانی عملی شد که چند عامل کلیدی از جمله انتخاب دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا، پایان مهلت ۶۰ روزه مذاکرات هسته‌ای و حملات مستقیم رژیم ایران به اسرائیل، همزمان شدند.

چهار منبع فعلی و سابق اطلاعاتی اسرائیل در مصاحبه‌های جداگانه با «یورونیوز» گفتند که اسرائیل سال‌ها برای یک تهاجم تمام‌عیار به جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی می‌کرده است، اما پیروزی دوباره ترامپ همراه با مجموعه‌ای از رویدادهای مهم، راه را برای حمله مستقیم در خرداد ۱۴۰۴ هموار کرد.

منابع اطلاعاتی اسرائیل که به دلیل مسائل امنیتی به شرط ناشناس ماندن صحبت می‌کردند، گفتند مأموران موساد عوامل استراتژیک و شرایط سیاسی کلیدی را شناسایی کرده بودند که به آنها اجازه آماده شدن و آغاز حمله به جمهوری اسلامی ایران را می‌داد. از جمله این عوامل، تشدید جنگ نیابتی، انتخاب ترامپ به عنوان رئیس جمهور آمریکا، و روند مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های غربی عنوان شده است.

اسرائیل در ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) حملات زمینی و هوایی گسترده‌ای را به نقاطی در ایران انجام داد که طی آن چندین فرمانده ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای و سیاستمداران جمهوری اسلامی کشته شدند و سامانه‌های پدافند هوایی و تأسیسات نظامی و هسته‌ای در خاک ایران یا آسیب دیدند و یا نابود شدند.

نیویورک پست: «افراد مسلح» ۹۰ درصد کامیون‌های کمک‌رسانی به غزه را غارت می‌کنند



ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه / رویترز

کرده است، اما گزارش UNOPS نامی از گروه‌های غارتگر نبرده است! در نوار غزه چند گروه شبه‌نظامی از جمله حماس و جهاد اسلامی و باندهای وابسته به آنها بطور مسلح حضور دارند.

گرسنگی قریب‌الوقوع در غزه باعث شده تا مردم ناامید بیشترین کامیون‌های غذا را غارت کنند، بطوری که UN-OPS گزارش داده تنها در ماه ژوئیه، ۹۴ درصد از ۱۱۶۱ ماشین‌های حامل کمک که از مرز عبور کرده‌اند، غارت شده‌اند.

از زمانی که محموله‌های بشردوستانه اجازه یافتند بطور محدود وارد غزه شوند، انتشار تصاویر فلسطینی‌های گرسنه که دور کامیون‌های سازمان ملل جمع می‌شوند، به صحنه‌ای رایج تبدیل شده است.

منابع رسمی اسرائیلی بارها گزارش دادند که حماس محموله‌های بشردوستانه را غارت می‌کند اما برخی منابع رسانه‌ای غربی اساساً در گزارش‌های خود به اسم حماس اشاره نمی‌کنند.

وضعیت وخیم در غزه باعث شده کارشناسان امنیت غذایی هشدار دهند که ممکن است جهان با «سناریوی بدترین قحطی» روبرو باشد زیرا شمار زیادی از مردم به دلیل سوء تغذیه جان خود را از دست می‌دهند.

منبع دوم اطلاعاتی به «یورونیوز» گفت: «پس از این درگیری، اسرائیل کنترل حریم هوایی ایران را حفظ خواهد کرد تا هر نشانه‌ای از بازسازی توانمندی‌هایی را که ما نابود کرده‌ایم، بلافاصله از بین ببرد.»

● روزنامه «نیویورک پست» ۵ اوت (۱۴ امرداد) به نقل از دفتر خدمات پروژه‌های سازمان ملل (UNOPS) گزارش داده است که از ۲۶۰۴ کامیونی که بین ۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت) تا ۵ اوت (۱۴ امرداد) وارد این منطقه جنگزده شده‌اند، تنها ۲۹۵ دستگاه، یعنی ۱۲ درصد، از سرقت یا غارت گسترده مصون مانده‌اند.

● اسرائیل بارها حماس را متهم به غارت کامیون‌های کمک کرده است، اما گزارش UNOPS نامی از گروه‌های غارتگر نبرده است! در نوار غزه چند گروه شبه‌نظامی از جمله حماس و جهاد اسلامی و باندهای وابسته به آنها بطور مسلح حضور دارند.

مقامات مسئول می‌گویند ۹۰ درصد کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل به غزه، پیش از رسیدن به دست مردم گرسنه و توسط «عوامل مسلح» غارت شدند. روزنامه «نیویورک پست» ۵ اوت (۱۴ امرداد) به نقل از دفتر خدمات پروژه‌های سازمان ملل (UNOPS) گزارش داده است که از ۲۶۰۴ کامیونی که بین ۱۹ مه (۲۹ اردیبهشت) تا ۵ اوت (۱۴ امرداد) وارد این منطقه جنگزده شده‌اند، تنها ۲۹۵ دستگاه، یعنی ۱۲ درصد، از سرقت یا غارت گسترده مصون مانده‌اند.

اسرائیل بارها حماس را متهم به غارت کامیون‌های کمک

کردند. این نخستین گفتگوها از زمان حمله اسرائیل در اواسط ژوئن بود، در حالی که هشدارهایی مبنی بر احتمال فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه تهران مطرح شده است.

نتیجه انتخابات آمریکا در نوامبر [۲۰۲۴] مشخص شود.»

منبع دوم گفت: «برای اسرائیل خیلی مهم بود که ترامپ برنده شود. بعد از انتخاب ترامپ، او تمرکز اصلی خود را بر توافق بر سر آزادی گروگان‌ها گذاشت.»

با امضای توافق گروگان‌ها در مارس ۲۰۲۵، اسرائیل دوباره در موقعیت حمله قرار گرفت. اما آمریکا و رژیم ایران وارد مذاکراتی برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز درباره غنی‌سازی و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی شدند.

مذاکرات آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

آمریکا و جمهوری اسلامی از ماه مارس ۲۰۲۵ مذاکرات غیرمستقیم را درباره برنامه هسته‌ای ایران آغاز کردند. این مذاکرات به توافقی نینجامید، هرچند طرفین آن را «سازنده» توصیف می‌کردند.

تمام منابع گفتند: «ترامپ ۶۰ روز به این مذاکرات فرصت داد. روز بعد از پایان این مهلت، اسرائیل به ایران حمله کرد.» به نظر منابعی که با «یورونیوز» گفتگو کرده‌اند، «این موضوع آشکارا با دولت آمریکا هماهنگ شده بود.»

واشنگتن هرگز بطور علنی هماهنگی این حمله را تأیید نکرد، اما پس از بمباران تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی در خاک ایران توسط آمریکا، وزیر دفاع پیت هگست در ۲۳ ژوئن گفت که این عملیات سال‌ها در حال برنامه‌ریزی بوده است.

منبع اول گفت: «وقتی حمله کردیم، در پایان دوره ۶۰ روزه مذاکرات بودیم. ترامپ متوجه شد که [رژیم] ایران حاضر نیست از غنی‌سازی در خاک خود صرف نظر کند، حتی با وجود طرح‌های جالبی مثل ایجاد یک نهاد بین‌المللی غنی‌سازی [کنرسیوم] که اورانیوم با سطح غیرنظامی را به کشورهای منطقه تخصیص دهد.»

او افزود: «ترامپ فهمید که جمهوری اسلامی ایران صرفاً برای خرید زمان وارد مذاکرات شده و قصد واقعی برای رسیدن به توافق ندارد. این مذاکرات به عنوان پوشش عمل می‌کرد و به رژیم ایران این تصور را داد که مورد حمله قرار نخواهد گرفت.»

وضعیت کنونی

در شرایطی که جمهوری اسلامی پیروزی مقابل اسرائیل را جشن می‌گیرد و مقاومت خود را در برابر این حملات می‌ستاید، منابع اطلاعاتی اسرائیلی اما می‌گویند که رژیم تهران پس از این حمله ضعیف‌تر شده است.

یان لسر مشاور رئیس بنیاد مارشال آلمان توضیح داد که اکنون رژیم «ایران گزینه‌های کمتری در اختیار دارد. یا باید به مذاکرات بازگردد، یا به روش‌های سنتی خود یعنی استفاده از نیروهای نیابتی و اقدامات غیرمتعارف مثل ترور روی بیاورد. همچنین ممکن است اگر توانایی ساخت سلاح هسته‌ای را حفظ کند، این را در مسیر دیگری به کار بیندازد، اما کسی اجازه چنین کاری را نخواهد داد.»

یکی از منابع سابق اطلاعاتی اسرائیل گفت: «اگر جنگ ادامه پیدا می‌کرد، اسرائیل احتمالاً به تأسیسات نفت و گاز ایران هم حمله می‌کرد. با این حال، پس از آتش‌بس، مذاکرات دیپلماتیک دوباره آغاز شده است.»

دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در ۲۵ ژوئیه (پنجم تیرماه) به هم‌تایان خود از آلمان، بریتانیا و فرانسه در استانبول دیدار

چرا اسرائیل ساختمان «کمیته امداد» در خیابان «خواجه نصیر» تهران را هدف قرار داد؟



تخریب ساختمان «کمیته امداد»

● مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند در این ساختمان فعالیت‌های اداری مرتبط با پشتیبانی از مددجویان و مستمندان صورت می‌گیرد، اما برخی منابع غیررسمی می‌گویند در این ساختمان یک مزرعه استخراج رمزارز فعال بود که زیر نظر عوامل اطلاعاتی حکومت تأمین کننده بخشی از پشتیبانی‌های مالی جمهوری اسلامی از «سپاه قدس» و حزب الله لبنان بود.

● همچنین گفته می‌شود برخی ساختمان‌های به ظاهر مسکونی آن منطقه خانه‌های امن متعلق به چند نهاد امنیتی از جمله سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و وزارت اطلاعات بوده است.

● در جریان حمله جنگنده‌های اسرائیلی به ساختمان مجاور کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق که ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ اتفاق افتاد یکی از افرادی که در نشست فرماندهان و اعضای سپاه حضور داشت «محسن صداقت» نماینده کمیته امداد بود. در این حمله هفت نفر از جمله محمدرضا زاهدی فرمانده سپاه سوریه و لبنان و فرمانده سابق نیروی زمینی سپاه پاسداران و محمدهادی حاج‌رحیمی معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس سپاه کشته شدند.

جنگ غزه با حماس موافقت نکند، فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت.

یک منبع دیپلماتیک می‌گوید: «لندن باید احتیاط کند چون نتانیاهو و وزرایش کارتهایی برای بازی کردن دارند. برای اسرائیل همکاری با بریتانیا ارزشمند است، اما تصمیمات اخیر باعث شده که تحت فشار قرار بگیرد و بریتانیا چیزهای زیادی برای از دست دادن دارد اگر دولت اسرائیل تصمیم بگیرد در پاسخ اقداماتی انجام دهد.»

کارشناسان به تایمز گفته‌اند که چنین حرکتی عواقب جدی برای هر دو کشور خواهد داشت. طبق گزارش، موساد اطلاعاتی را به هم‌تایان بریتانیایی خود برای جلوگیری از یک طرح تروریستی مرتبط با رژیم ایران در سفارت اسرائیل در لندن اوایل امسال منتقل کرده است.

علاوه بر این، گزارش به استفاده بریتانیا از تجهیزات نظامی اسرائیل در عملیات‌های عراق و افغانستان اشاره می‌کند. یک مقام سفارت اسرائیل به تایمز گفته است: «این اقدام مضر قطعاً به تعمیق روابط سودمند متقابل بین اسرائیل و کسانی که این برنامه بدخواهانه را پیش می‌برند، کمکی نخواهد کرد.» این اظهارات به احتمال به رسمیت شناختن

اسرائیل در حال بررسی توقف همکاری‌های امنیتی با بریتانیا در صورت به رسمیت شناختن فلسطین توسط این کشور است



اعتراضات ضداسرائیلی در لاهه / رویترز

فلسطین توسط لندن اشاره دارد.

امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه اوایل امرداد اعلام کرد که پاریس رسماً کشور فلسطین را در مجمع عمومی سازمان ملل در ماه سپتامبر به رسمیت خواهد شناخت.

دفتر کی‌ری استارمر نخست‌وزیر انگلیس نیز اعلام کرد که اگر تل‌آویو با آتش‌بس موافقت نکند و اقدامی برای پایان دادن به بحران انسانی «وحشتناک» در غزه انجام ندهد، لندن نیز از اقدام پاریس پیروی خواهد کرد.

مایک هاکیی سفیر آمریکا در اسرائیل در واکنش به سخنان نخست‌وزیر بریتانیا علیه سیاست کنترل کامل غزه، با اشاره به جنگ جهانی دوم و حملات نازی‌های آلمان، در شبکه «ایکس» نوشت اگر کی‌ری استارمر در آن زمان نخست‌وزیر بود اکنون «بریتانیا آلمانی صحبت می‌کرد.»

سفیر آمریکا گفت: «انتظار دارید اسرائیل تسلیم حماس شود و به آنها غذا بدهد، در حالی که گروهان‌های اسرائیلی در حال گرسنگی کشیدن هستند؟ آیا بریتانیا در مقابل نازی‌ها تسلیم شد و برای آنها غذا ارسال کرد؟»

استارمر نخست‌وزیر بریتانیا تصمیم دولت اسرائیل برای کنترل کامل غزه را اشتباه خواند و خواستار بازنگری فوری در آن شد.

● منابع دیپلماتیک ناشناس به روزنامه «تایمز» گفته‌اند که اسرائیل در حال بررسی توقف همکاری‌های امنیتی با بریتانیا در صورت به رسمیت‌شناختن فلسطین توسط این کشور است.

● بریتانیا اعلام کرده که اگر اسرائیل با آتش‌بس برای پایان جنگ غزه با حماس موافقت نکند، فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت.

● یک منبع دیپلماتیک می‌گوید: «لندن باید احتیاط کند چون نتانیاهو و وزرایش کارتهایی برای بازی کردن دارند. برای اسرائیل همکاری با بریتانیا ارزشمند است، اما تصمیمات اخیر باعث شده که تحت فشار قرار بگیرد و بریتانیا چیزهای زیادی برای از دست دادن دارد اگر دولت اسرائیل تصمیم بگیرد در پاسخ اقداماتی انجام دهد.»

منابع دیپلماتیک ناشناس به روزنامه «تایمز» گفته‌اند که اسرائیل در حال بررسی توقف همکاری‌های امنیتی با بریتانیا در صورت به رسمیت‌شناختن فلسطین توسط این کشور است.

بریتانیا اعلام کرده که اگر اسرائیل با آتش‌بس برای پایان

اگر [رژیم] ایران تا پایان اوت ۲۰۲۵ تمایلی به رسیدن به یک راه حل دیپلماتیک نداشته باشد یا از فرصت تهدید استفاده نکند، سه قدرت اروپایی آماده است ساز و کار بازگشت خودکار تحریم‌ها را فعال کند.

بنا بر این گزارش، این نامه که خطاب به آنتونیو گوتش دبیپرل سازمان ملل متحد نوشته شده، به امضای ژان نوئل بارو وزیر خارجه فرانسه، یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان و دیوید لمی وزیر خارجه بریتانیا رسیده است.

نشست استانبول که چندی پیش در ۲۵ ژوئیه با حضور وزرای خارجه سه قدرت اروپایی و نمایندگان جمهوری اسلامی برگزار شد، درواقع جلسه‌ای برای اتمام حجت با تهران بود. آنها هشدار داده بودند که رژیم ایران باید در این دیدار متوجه باشد که پنجره زمان برای فعال ساختن مکانیسم ماشه در حال بسته شدن است.

یک مقام اروپایی در گفتگو با کیهان لندن عنوان کرده بود: «ما به هیچ وجه به نتیجه این مذاکرات خوشبین نیستیم ولی خواستیم فرصت آخری به جمهوری اسلامی قبل از فعال کردن مکانیسم ماشه داده باشیم.»

هرچند آشکار است جمهوری اسلامی در ارتباط با مذاکرات

شمارش معکوس برای بازگشت تحریم‌ها؛ سه قدرت اروپایی برای فعال ساختن «مکانیسم ماشه» به سازمان ملل اعلام آمادگی کردند



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

هسته‌ای در تنگنا قرار گرفته اما مقامات رژیم همچنان بر «ادامه غنی‌سازی» اصرار دارند. محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان در جمع خبرنگاران گفته است: «غنی‌سازی صفر درصد شوخی است.»

زمانداران جمهوری اسلامی معتقدند شروط آمریکا و اروپا برای مذاکره و «توافق»، همان «خلع سلاح» و «تسلیم کامل» است. آنها این فضای سختگیرانه را ناشی از گزارش‌های آژانس بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی و توطئه اسرائیل می‌دانند.

از سوی دیگر مسئله فقط محدود به فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی نیست. یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که برنامه موشک‌های دوربرد تهران نه تنها اسرائیل بلکه اروپا را نیز تهدید می‌کند و باید بخشی از مذاکرات با جمهوری اسلامی باشد. او پیشاپیش گفته بود که به نتیجه‌بخش بودن مذاکرات استانبول امید چندانی ندارد.

وزیر خارجه آلمان در یکی از مصاحبه‌های اخیر خود گفت: «در حال حاضر دلیلی برای مذاکره با اروپایی‌ها وجود ندارد، چون آنها نمی‌توانند تحریم‌ها را بردارند و هیچ کاری از دستشان برمی‌آید. اگر آنها ساز و کار بازگشت را فعال کنند، این یعنی راه برای آنها به پایان رسیده است.»

● فرانسه، آلمان و بریتانیا در نامه‌ای رسمی به شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل اعلام کردند اگر جمهوری اسلامی به مذاکرات بازنگردد، آماده فعال ساختن «مکانیسم ماشه» هستند.

● روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد وزرای خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) در نامه‌ای به سازمان ملل اطلاع دادند که اگر جمهوری اسلامی مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای خود را با جامعه جهانی از سر نگیرد، آماده‌اند ساز و کار بازگرداندن تحریم‌ها علیه آن را فعال کنند.

فرانسه، آلمان و بریتانیا در نامه‌ای رسمی به شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل اعلام کردند که اگر جمهوری اسلامی به مذاکرات بازنگردد، آماده فعال ساختن «مکانیسم ماشه» هستند. روزنامه «فایننشال تایمز» گزارش داد وزرای خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا روز سه‌شنبه ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) در نامه‌ای به سازمان ملل اطلاع دادند که اگر جمهوری اسلامی مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای خود را با جامعه جهانی از سر نگیرد، آماده‌اند ساز و کار بازگرداندن تحریم‌ها علیه آن را فعال کنند. در این نامه آمده است: «به صراحت اعلام کرده‌ایم که

● در روایتی دیگر ادعا می‌شود که در طبقات زیرین این ساختمان علاوه بر اسلحه، ادوات سرکوب نیز نگهداری می‌شد. سپاه تهران در پوشش ساختمان‌های شهرداری، فرهنگستان‌ها و سایر مراکز غیرنظامی حکومتی در نقاط مختلف شهر ادوات سرکوب مستقر کرده تا در صورت نیاز از جمله سرکوب اعتراضات مردمی از آنها استفاده کند.

یکی از مکان‌هایی در جریان جنگ ۱۲ روزه هدف قرار گرفت، ساختمان «کمیته امداد خمینی» در مرکز تهران واقع در محله «خواجه نصیر طوسی» (خیابان حقوقی) و چند ساختمان اطراف آن بود. اسرائیل سوم تیرماه ۱۴۰۴ پس از اخطار قبلی این مکان را که در منطقه هفت تهران واقع است هدف قرار داد.

مقامات جمهوری اسلامی ادعا کردند در این ساختمان فعالیت‌های اداری مرتبط با پشتیبانی از مددجویان و مستمندان صورت می‌گیرد، اما برخی منابع غیررسمی می‌گویند در این ساختمان یک مزرعه استخراج رمزارز فعال بود که زیر نظر عوامل اطلاعاتی حکومت تأمین‌کننده بخشی از پشتیبانی‌های مالی جمهوری اسلامی از «سپاه قدس» و حزب‌الله لبنان بود.

همچنین گفته می‌شود برخی ساختمان‌های به ظاهر مسکونی آن منطقه خانه‌های امن متعلق به چند نهاد امنیتی از جمله سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و وزارت اطلاعات بوده است.

اینکه دقیقاً در آن مکان چه فعالیت‌هایی انجام می‌شد مشخص نیست اما گزارش‌های زیادی درباره روابط و پشتیبانی «کمیته امداد» از حزب‌الله لبنان و سپاه قدس وجود دارد.

در جریان حمله جنگنده‌های اسرائیلی به ساختمان مجاور کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق که ۱۳ فروردین ۱۴۰۳ اتفاق افتاد یکی از افرادی که در نشست فرماندهان و اعضای سپاه حضور داشت «محسن صداقت» نماینده کمیته امداد بود. در این حمله هفت نفر از جمله محمدرضا زاهدی فرمانده سپاه سوریه و لبنان و فرمانده سابق نیروی زمینی سپاه پاسداران و محمدهادی حاج‌رحیمی، معاون هماهنگ‌کننده نیروی قدس سپاه کشته شدند.

در روایتی دیگر ادعا می‌شود که در طبقات زیرین این ساختمان علاوه بر اسلحه، ادوات سرکوب نیز نگهداری می‌شد. سپاه تهران، در پوشش ساختمان‌های شهرداری، فرهنگستان‌ها و سایر مراکز غیرنظامی حکومتی در نقاط مختلف شهر ادوات سرکوب مستقر کرده تا در صورت نیاز از جمله سرکوب اعتراضات مردمی از آنها استفاده کند.

ارتش اسرائیل در واپسین ساعات دوم تیرماه، شبانه به کلیه افراد ساکن در بخشی از منطقه هفت تهران، در محدوده خیابان‌های «شریعتی» و «انقلاب»، هشدار داده بود که فوراً از این منطقه خارج شوند.

در این اطلاعیه اعلام شد که «زیرساخت‌های نظامی جمهوری اسلامی در این محدوده» هدف قرار داده خواهد شد.

کمیته امداد در سال ۱۳۹۷ در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. پرویز فتح رئیس وقت این نهاد گفته بود «قرار گرفتن نام مسئولان این نهاد در لیست تحریم‌ها نشان‌دهنده خدمات مطلوب این نهاد انقلابی است.»

ارتباط تنگاتنگ رؤسای کمیته امداد با رهبران حزب‌الله پس از کشته شدن حسن نصرالله در عملیات هوایی اسرائیل نیز ادامه پیدا کرد.

تصویب طرح تسلط بر غزه در کابینه امنیتی اسرائیل؛ «حماس و تشکیلات خودگردان نباید در غزه حکومت کنند»



کابینه امنیتی اسرائیل

غزه مخالف بود و اسموتریچ خواستار آن شد که در مصوبه کابینه قید شود عملیات تحت هیچ شرایطی متوقف نخواهد شد، حتی برای مذاکره درباره آزادی گروگان‌ها. یک مقام ارشد اسرائیلی گفت عملیات ارتش تنها در شهر غزه انجام خواهد شد.

کابینه به نخست‌وزیر و وزیر دفاع اختیار داده است که در هفته‌های آینده طرح عملیاتی نهایی ارتش را تصویب کنند.

این مقام افزود: «هدف، تخلیه همه غیرنظامیان فلسطینی از شهر غزه به اردوگاه‌های مرکزی و مناطق دیگر تا ۷ اکتبر است. حلقه محاصره بر نیروهای حماس باقی‌مانده در شهر غزه ایجاد می‌شود و همزمان، حمله زمینی در شهر غزه انجام خواهد گرفت.»

بر اساس اعلام دفتر نخست‌وزیری، کابینه پنج اصل برای پایان جنگ در غزه تصویب کرده است:

- (۱) خلع سلاح حماس
- (۲) بازگرداندن همه گروگان‌ها، چه زنده و چه مُرده
- (۳) غیرنظامی شدن نوار غزه
- (۴) حفظ کنترل کامل امنیتی اسرائیل بر نوار غزه حتی پس از پایان جنگ
- (۵) ایجاد یک دولت غیرنظامی جایگزین که نه حماس باشد و نه تشکیلات خودگردان فلسطین

عملیات جدید برای کنترل مناطق بیشتری از مرکز غزه، از جمله شهر غزه، احتمالاً چندین ماه طول خواهد کشید و شامل جابجایی حدود یک میلیون غیرنظامی فلسطینی خواهد بود.

ارتش همچنین وارد مناطقی خواهد شد که مقامات اسرائیلی معتقدند گروگان‌ها در آنجا نگهداری می‌شوند که ممکن است جان آنها را به خطر اندازد.

به گفته مقامات اسرائیلی، ارتش قرار بود پیش از آغاز عملیات جدید، دستور تخلیه به حدود یک میلیون فلسطینی ساکن شهر غزه و مناطق اطراف آن صادر کند.

دفتر نخست‌وزیری اسرائیل در بیانیه‌ای اعلام کرد: «کابینه امنیتی، پیشنهاد نخست‌وزیر برای شکست حماس را تصویب کرد. ارتش اسرائیل برای به دست گرفتن کنترل شهر غزه آماده خواهد شد، در حالی که به جمعیت غیرنظامی خارج از مناطق نبرد کمک‌های انسانی ارائه می‌کند.»

پیش از جلسه کابینه، نتانیاهو تأیید کرد که ارتش اسرائیل عملیات جدیدی برای کنترل کل نوار غزه با هدف ریشه‌کن کردن حماس آغاز خواهد کرد.

او در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز گفت: ««قصد داریم بر تمام غزه کنترل داشته باشیم. نمی‌خواهیم غزه را برای خود نگه داریم، بلکه یک کمربند امنیتی می‌خواهیم. می‌خواهیم غزه را به نیروهای عربی تحویل دهیم که آن را بطور صحیح اداره کنند.»

آکسیوس می‌نویسد، در جلسه کابینه، ایال زمیر رئیس ستاد ارتش اسرائیل با پیشنهاد نتانیاهو مخالفت کرد و استدلال نمود که چنین عملیاتی جان گروگان‌ها را به خطر می‌اندازد و می‌تواند به حاکمیت نظامی کامل اسرائیل بر غزه و مسئولیت کامل بر دو میلیون فلسطینی منجر شود.

دفتر نخست‌وزیری اعلام کرد: «اکثریت قاطع وزرای کابینه معتقد بودند که طرح جایگزینی که ارتش ارائه کرده، به شکست حماس یا بازگرداندن گروگان‌ها منجر نخواهد شد.» به گفته مقامات اسرائیلی، ایتامار بن‌گور و بتسل اسموتریچ دو وزیر کابینه به این تصمیم رأی منفی دادند. بن‌گور با هرگونه ارسال کمک‌های انسانی به غیرنظامیان

● کابینه امنیتی اسرائیل روز جمعه ۸ اوت (۱۷ مرداد) طرح تسلط بر شهر غزه را تصویب کرد. این اقدام دولت اسرائیل تنها چند ساعت پس از اعلام بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این کشور مبنی بر کنترل کل نوار غزه به تصویب رسید.

● مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده تصمیم گرفته است در این موضوع دخالت نکند و اجازه دهد دولت اسرائیل خود تصمیم بگیرد.

● بر اساس اعلام دفتر نخست‌وزیری، کابینه پنج اصل برای پایان جنگ در غزه تصویب کرده است: خلع سلاح حماس، بازگرداندن همه گروگان‌ها، چه زنده و چه مُرده، غیرنظامی شدن نوار غزه، حفظ کنترل کامل امنیتی اسرائیل بر نوار غزه حتی پس از پایان جنگ، ایجاد یک دولت غیرنظامی جایگزین که نه حماس باشد و نه تشکیلات خودگردان فلسطین.

کابینه امنیتی اسرائیل روز جمعه ۸ اوت (۱۷ مرداد) طرح تسلط بر شهر غزه را تصویب کرد. این اقدام دولت اسرائیل تنها چند ساعت پس از اعلام بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این کشور مبنی بر کنترل کل نوار غزه به تصویب رسید.

به گزارش «آکسیوس» این تصمیم که پس از بیش از ۱۰ ساعت مشورت در کابینه امنیتی گرفته شد، نخستین مرحله از یک عملیات تهاجمی است که می‌تواند شامل کنترل بر کل نوار غزه توسط ارتش اسرائیل باشد.

مقام‌های آمریکایی گفته‌اند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده تصمیم گرفته است در این موضوع دخالت نکند و اجازه دهد دولت اسرائیل خود تصمیم بگیرد.

«نظامبخشی فضای مجازی»؛ طرح جدید برای تشدید محدودیت و سانسور



● یک هفته پس از آنکه طرح جنجالی مسعود پزشکیان با عنوان به دلیل موج انتقادات از مجلس شورای اسلامی پس گرفته شد، طرح «نظامبخشی فضای مجازی» از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد.

● حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که طرح «نظامبخشی فضای مجازی» در مورد ایجاد سطح دسترسی یا همان اینترنت طبقاتی صحبت می‌کند.

● هفته گذشته نیز طرح جنجالی و سرکوبگرانه‌ای که با عنوان «لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» توسط مسعود پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود در پی موج گسترده انتقادات از مجلس پس گرفته شد تا مورد بازنگری قرار بگیرد.

● مجلس شورای اسلامی و دولت پزشکیان در حالی به دنبال تشدید محدودیت‌های اینترنتی هستند که روزنامه «شرق» در گزارشی نوشته چنین محدودیت‌هایی می‌تواند موج جدیدی از استفاده گسترده کاربران از فیلترشکن‌ها و ظهور بازار سیاه مافیای فیلترشکن‌ها را به دنبال داشته باشد.

طرح جدیدی با عنوان «نظامبخشی فضای مجازی» در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که هدف آن تشدید سرکوب‌های اینترنتی شهروندان و محدودکردن دسترسی آنها به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است.

یک هفته پس از آنکه طرح جنجالی مسعود پزشکیان با عنوان به دلیل موج انتقادات از مجلس شورای اسلامی پس گرفته شد، طرح «نظامبخشی فضای مجازی» از سوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد.

حسینعلی اخلاقی امیری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی درباره این طرح گفته «طرح نظامبخشی فضای مجازی پیش از این در کارگروه هنر، رسانه و فضای مجازی در دست تدوین بود. قرار بود مواد این طرح در لایحه دولت برای برخورد با اخبار خلاف واقع در فضای مجازی دیده شود. اما زمانی که دولت لایحه را پس گرفت، کارگروه مجدداً آن را در دستور قرار داده است.»

حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی گفته این طرح در مورد ایجاد سطح دسترسی یا همان اینترنت طبقاتی صحبت می‌کند.

احمد بخشایش اردستانی از دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز نظری مشابه حسینعلی حاجی دلیگانی داشته و می‌گوید هدف اصلی طرح ایجاد اینترنت طبقاتی و کنترل کامل بر فعالیت پلتفرم‌های خارجی است؛ مسیری که پیش‌تر نیز در طرح‌های صیانت و ساماندهی پیام‌رسان‌ها دنبال شده بود.

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی این طرح با مشارکت کارگروه «هنر، رسانه و فضای مجازی» در مجلس شورای اسلامی که ریاست آن را حمید رسایی، نماینده اصولگرای تهران بر عهده دارد تدوین شده است.

حمید رسایی اما در اظهاراتی عجیب از اعلام وصول این طرح اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته «باید محتوای طرحی که اعلام وصول شده را دید ولی هنوز چیزی به کمیسیون فرهنگی اعلام وصول نشده است.»

اعلام وصول طرح «نظامبخشی فضای مجازی» یک هفته پس از آن صورت گرفته که طرح جنجالی و سرکوبگرانه‌ای

پزشکیان، این طرح از مجلس شورای اسلامی به بهانه بازنگری پس گرفته شد.

احمد بخشایش اردستانی در گفتگو با وبسایت «خبر آنلاین» گفته «حساسیت افکار عمومی نسبت به محدودسازی اینترنت به حدی است که نهادها حاضر به پذیرفتن چنین طرح‌هایی نیستند.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته تلاش برای کنترل فضای مجازی از طریق پلتفرم‌های داخلی امکان‌پذیر است اما کنترل سکویهای خارجی که حاضر به همکاری با ایران نیستند، عملاً غیرممکن بوده و منجر به قطع یا کاهش کیفیت اینترنت می‌شود.

مجلس شورای اسلامی و دولت پزشکیان در حالی به دنبال تشدید محدودیت‌های اینترنتی هستند که روزنامه «شرق» در گزارشی نوشته چنین محدودیت‌هایی می‌تواند موج جدیدی از استفاده گسترده کاربران از فیلترشکن‌ها و ظهور بازار سیاه مافیای فیلترشکن‌ها را به دنبال داشته باشد.

این روزنامه افزوده طرح «نظامبخشی فضای مجازی» که وعده ایجاد سطح دسترسی متفاوت یا اینترنت طبقاتی را می‌دهد، در واقع تهدیدی جدی برای آزادی دسترسی به اطلاعات و جریان آزاد ارتباطات در کشور به شمار می‌رود. در شرایطی که ایران با مشکلات گسترده در کیفیت اینترنت مواجه است و حتی رتبه سوم جهان در پایین‌ترین کیفیت اینترنت را به خود اختصاص داده، اجرای چنین طرح‌هایی می‌تواند وضعیت دسترسی به فضای مجازی را بحرانی‌تر کند.

به نوشته «شرق» آنچه از روند بررسی طرح‌های مرتبط با فضای مجازی در مجلس برمی‌آید، تلاش نمایندگان مجلس برای بازگرداندن طرح‌هایی است که پیش‌تر به دلیل مخالفت عمومی و کارشناسی متوقف شده بودند. به نظر می‌رسد با عقب‌نشینی دولت و فعالیت پشت‌پرده برخی نمایندگان، باز هم شاهد تشدید محدودیت‌ها و کنترل‌های شدیدتر بر فضای مجازی در آینده نزدیک خواهیم بود.

که با عنوان «لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» توسط مسعود پزشکیان به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود در پی موج گسترده انتقادات از مجلس پس گرفته شد تا مورد بازنگری قرار بگیرد.

«لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» که به طرح «صیانت دو» و «لایحه فضای مجازی» معروف شده به دنبال سرکوب شهروندان در انتشار محتوا در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است.

بر اساس این لایحه هر فرد یا رسانه‌ای که اطلاعات و اخباری منتشر کند با مجازات زندان روبرو خواهد شد و رسانه‌ها نیز توقیف و وبسایت‌های خبری مسدود خواهند شد. از جمله مجازات‌های پیش‌بینی شده در این لایحه از شش ماه تا ۱۵ سال زندان است. این لایحه با موجی از انتقادات از سوی فعالان رسانه‌ای، فعالان حوزه تجارت الکترونیک، فعالان مدنی و حتی برخی چهره‌های حامی پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی روبرو شده است.

اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه روز یکشنبه پنجم امرداد با دو فوریت لایحه موافقت کردند اما ۱۹ نماینده مجلس که بیشتر آنها از جناح اصلاح‌طلب و حامی پزشکیان بودند در نامه‌ای به او خواستار پس گرفتن لایحه از مجلس شدند. نمایندگان امضاکننده نامه به پزشکیان این لایحه را «در تضاد با شعارهای عدالت‌خواهانه، مردمی و ضد انحصارطلبی دولت»، «تحدید آزادی بیان» مردم و «لایحه‌ای برای ساکت کردن منتقدان» خواندند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با تصویب «لایحه مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی» مخالفت و تأکید کرده قوانین فعلی برای مقابله با انتشار اخبار نادرست کافی هستند و نوشتن لایحه جدید هیچ ضرورتی ندارد.

پس از آغاز موجی از اعتراضات و انتقادات به این لایحه حتی از سوی اصلاح‌طلبان و چهره‌های نزدیک به دولت

شکاف میان جمهوری اسلامی و لبنان بر سر «خلع سلاح حزب الله»؛ لاریجانی: مقاومت سرمایه ملی لبنان است

● علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی پس از یک سفر سه روزه به عراق و لبنان، پنجشنبه ۲۳ مرداد به تهران بازگشت.

● علی المقداد از نمایندگان حزب الله در مجلس لبنان سفر لاریجانی را موفقیت آمیز توصیف کرد و گفت: «ایران کشور دوست لبنان است و این آمریکا و اسرائیل هستند که اراضی لبنان را اشغال کرده اند و دستورات خود را به آن دیکته می کنند».

● لاریجانی در کنفرانس خبری مشترک با رئیس مجلس لبنان در پاسخ به سوالی در مورد اینکه در صورت حمله مجدد اسرائیل به لبنان آیا رژیم ایران به این کشور کمک نظامی خواهد کرد یا نه، گفت: «اگر دولت لبنان از نظر نظامی از ما کمک بخواهد، کمک خواهیم کرد».

● به گزارش رویترز، ژوزف عون رئیس جمهور لبنان در دیدار با لاریجانی تأکید کرد: «هیچ گروهی در لبنان حق حمل سلاح یا اتکاء به حمایت خارجی ندارد.» در مقابل لاریجانی گفت: «مقاومت سرمایه ملی لبنان است!» اظهارات طرفین نشان می دهد تا چه اندازه شکاف میان جمهوری اسلامی و دولت لبنان عمیق است.

● سفر لاریجانی به عراق و لبنان با حواشی هم امنیتی و هم طنزآمیز همراه بود از جمله اینکه هواپیمای وی پس از برخاستن از بغداد مجوز پرواز در آسمان سوریه را نگرفت و مجبور شد از آسمان ترکیه به لبنان پرواز کند. همچنین قطع شدن برق هنگام سخنرانی لاریجانی در بیروت نیز مورد توجه کاربران قرار گرفته و با توجه به قطع مداوم برق به ایران او را مورد تمسخر و مضحکه قرار داده اند. در عراق نیز سفر لاریجانی با قطع برق در آن کشور همراه شد!

● علی لاریجانی دبیر «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی پس از یک سفر سه روزه به عراق و لبنان، پنجشنبه ۲۳ مرداد به تهران بازگشت.

● علی المقداد از نمایندگان حزب الله در مجلس لبنان سفر لاریجانی را موفقیت آمیز توصیف کرد و گفت: «ایران کشور دوست لبنان است و این آمریکا و اسرائیل هستند که اراضی لبنان را اشغال کرده اند و دستورات خود را به آن دیکته می کنند».

● سفر لاریجانی به بیروت پس از آن صورت گرفت که دولت این کشور طرح آمریکا برای «خلع سلاح حزب الله» را تصویب کرد. جمهوری اسلامی به شدت مخالفت اجرای این طرح است و شماری از مقامات حکومت از جمله عباس عراقچی وزیر خارجه اعلام کرده بودند: «حزب الله به خلع سلاح تن نخواهد داد.» این مواضع با انتقاد شدید رهبران لبنان روبرو شد و هرگونه دخالت در امور این کشور را محکوم کردند.

● ژوزف عون رئیس جمهور لبنان روز چهارشنبه ۲۲ مرداد در دیدار با لاریجانی ضمن رد هرگونه مداخله در امور داخلی لبنان، اظهارات جمهوری اسلامی درباره برنامه های خلع سلاح حزب الله را «غیرسازنده» خواند.

● به گزارش رویترز، عون تأکید کرد: «هیچ گروهی در لبنان حق حمل سلاح یا اتکاء به حمایت خارجی ندارد.» در مقابل لاریجانی گفت: «مقاومت سرمایه ملی لبنان است!» اظهارات طرفین نشان می دهد تا چه اندازه شکاف میان جمهوری اسلامی و دولت لبنان عمیق است.



علی لاریجانی در کنار مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی در بیروت در شست خبری مشترک با رئیس مجلس لبنان

آمریکا از طریق توماس باراک فرستاده دونالد ترامپ طرحی را ارائه کرده که جزئی ترین مراحل خلع سلاح حزب الله را مشخص می کند. حزب الله بعد از درگیری شدید با اسرائیل به شدت ضربه خورد اما همچنان بازماندگان این گروه تروریستی و شبه نظامی که در دهه هشتاد میلادی توسط جمهوری اسلامی در لبنان تأسیس شد، قصد تحویل سلاح های خود را ندارند.

شماری از مقامات و فرماندهان حزب الله می گویند سلاح خود را تحویل نخواهند داد. اغلب کارشناسان معتقدند خلع سلاح حزب الله چه از طریق تحویل داوطلبانه، چه از طریق جمع آوری آن، گامی مهم برای توانمندسازی دولت لبنان در گسترش حاکمیت خود در سراسر خاک لبنان است.

● لاریجانی در عراق در مسیر کربلا برای زائران چای می ریزد همزمان اسرائیل در مورد تهدیدات عناصر حزب الله هشدار جدی داده است. ارتش و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل کارزار حذف هدفمند عوامل این گروه تروریستی را همچنان پیش می برند. یک منبع امنیتی اسرائیل پیشتر به کیهان لندن گفته بود: «گزینه های حذف بر اساس میزان تأثیر آنان بر روند بازسازی حزب الله انتخاب می شوند، نه بر مبنای شهرت شان. حذف ها محدود به نفر اول یا دوم نیست، بلکه عناصر رده بیستم و سیام هم اگر لازم باشد حذف می شوند. حتی افرادی که کیسه سیمان حمل می کنند تا در جنوب لبنان زیرساخت تروریستی بسازند، در تیررس قرار دارند. حکم یک عضو حزب الله در نوار مرزی مانند حکم یک تروریست ارشد پنهان شده در بیروت یا تهران است.»

● سفر لاریجانی به عراق و لبنان با حواشی هم امنیتی و هم طنزآمیز همراه بود؛ از جمله اینکه هواپیمای وی پس از برخاستن از بغداد مجوز پرواز در آسمان سوریه را نگرفت و مجبور شد از آسمان ترکیه به لبنان پرواز کند. همچنین قطع شدن برق هنگام سخنرانی علی لاریجانی در بیروت نیز مورد توجه کاربران قرار گرفته و با توجه به قطع مداوم برق در ایران او را مورد تمسخر و مضحکه قرار داده اند. در عراق نیز سفر لاریجانی با قطع برق در آن کشور همراه شد!

● علی لاریجانی همچنین بعد از دیدار با نبیه بری رئیس پارلمان لبنان، در یک کنفرانس خبری که در فضایی ناآرام برگزار شد، خطاب به منتقدان جمهوری اسلامی گفت: «تلاش نکنید موضع رسمی ایران را تغییر دهید.» وی سپس مدعی شد: «من مسئول امنیت ملی کشور هستم و به صراحت می گویم ایران قصدی برای دخالت در لبنان ندارد، دولت



لاریجانی در عراق در مسیر کربلا برای زائران چای می ریزد

لبنان با طوایف مختلف مباحثه کند هر نتیجه ای رسید ما هم قبول داریم... دخالت در امور لبنان را کسی می کند که به شما طرح می دهد، ما طرحی نداده ایم به لبنان.»

● لاریجانی با طرح این پرسش که «چه کسی به کشور شما حمله کرد، آیا غیر از اسرائیل؟» توصیه کرد: «مراقب باشید اسرائیل آنچه را از طریق جنگ نتوانست به دست آورد از طریق دیگری به شما تحمیل نکند؛ مراقب باشید جای دوست و دشمن را عوضی نگیرید!»

● وی در پاسخ به سوالی در مورد اینکه در صورت حمله مجدد اسرائیل به لبنان آیا رژیم ایران به این کشور کمک نظامی خواهد کرد یا نه، گفت: «اگر دولت لبنان از نظر نظامی از ما کمک بخواهد، کمک خواهیم کرد.»

بنیامین نتانیاهو: ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده در اختیار جمهوری اسلامی است اما برای بمب کافی نیست



بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل

● نتانیاهو سه شنبه ۲۱ ارداد در مصاحبه با شبکه «آی۲۴»، حملات اسرائیل به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی در جنگ ۱۲ روزه را «عملیاتی تاریخی» توصیف کرد و گفت که این کشور بدون همکاری آمریکا نیز آن را انجام می داد. او با اشاره به حدس و گمان ها درباره سرنوشت ۴۰۰ کیلوگرم ذخیره اورانیوم غنی شده توسط جمهوری اسلامی پس از این جنگ گفت: «از پیش می دانستیم که نابود نخواهد شد، اما [این ذخایر] برای ساخت بمب اتم کافی نیست. آنها در حال حاضر در موقعیتی نیستند که بتوانند در این زمینه پیشرفت کنند».

● نخست وزیر اسرائیل همچنین گفت که این حمله بخشی از کارزار گسترده تری بوده که شامل حذف حسن نصرالله رهبر حزب الله و اسماعیل هنیه رهبر حماس و محمد ضیف و برادران سنوار می شد. او افزود: «ما [رژیم] ایران را که برای نابودی اسرائیل با بمب اتم آمده بود، شکست دادیم و دو خطر عظیم موجودیتی [علیه اسرائیل] را از بین بردیم».

نخست وزیر اسرائیل می گوید، حمله به برنامه هسته ای جمهوری اسلامی حتی بدون حمایت آمریکا هم انجام می شد. او حمله اخیر را «عملیاتی تاریخی» توصیف کرد که دو تهدید موجودیتی علیه کشور اسرائیل را خنثی کرد: جاه طلبی های اتمی و زرادخانه موشک های بالستیک جمهوری اسلامی.

بنیامین نتانیاهو ۱۲ اوت (۲۱ ارداد) در مصاحبه اختصاصی با شبکه «آی ۲۴» گفت که تصمیم برای این اقدام، از همان ابتدا برایش روشن بود. او با اشاره به اینکه در نهایت همکاری دونالد ترامپ را برای انجام عملیات نظامی جلب کرده است تأکید کرد که در هر صورت «با تأیید با بدون تأیید [ایالات متحده] هم این کار را انجام می دادیم. خوشبختانه ما یک رئیس جمهور بسیار دلسوز داریم... اما تصمیم برای ادامه عملیات، صرف نظر از هر چیز، گرفته شده بود چون برای ما بسیار اهمیت داشت.» او همچنین افزود که این اقدام برنامه هسته ای جمهوری

جنگ غزه را رد کرد و تأکید نمود که کابینه بطور قاطع از فشار او برای کوتاه کردن جدول زمانی عملیات و حرکت به سمت پیروزی قاطع در غزه حمایت می کند. او گفت که هدف همچنان پایان دادن به جنگ، شکست دشمنان و آزاد ساختن همه گروگان ها- چه زنده و چه مرده- در قالب یک توافق نهایی است. او در همین ارتباط با اشاره به تلاش های قبلی برای توافقی های کوتاه افزود: «من دیگر به توافقات جزئی بر نمی گردم. آنها ما را فریب دادند. من همه آنها [گروگان ها] را می خواهم».

در مورد تنش با فرماندهان نظامی نیز نتانیاهو گفت که چنین بحث هایی «مشروع و ضروری» است، اما پس از اینکه تصمیماتی گرفته شد، حتما اجرا می شوند. او مقامات سابق و منتقدان وابسته به «جنبش کاپلان» را به انتشار اطلاعات نادرست و زیانبار متهم کرد و افشا کرد که برخی رهبران نظامی با عملیات کلیدی از جمله ورود به رفح، عملیات پیچرها و ترور حسن نصرالله مخالف بودند. او همچنین از اجازه خروج غیرنظامیان غزه از آنجا دفاع کرد و آن را با جابجایی جمعیت در سوریه، اوکراین و افغانستان مقایسه نمود و پرسید: «چرا غزه باید بسته باشد؟» نتانیاهو افزود که اسرائیل در حال مذاکره با کشورهای دیگر برای پذیرش آنهاست.

نخست وزیر اسرائیل بار دیگر از دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده برای تقویت روابط آن کشور با اسرائیل در این دوره تمجید کرد و به همکاری های قبلی وی در شکل گرفتن «پیمان ابراهیم» و همکاری کنونی علیه جمهوری اسلامی اشاره نمود و این رویکرد را با دولت بایدن مقایسه کرد و گفت که اگر او کوتاه می آمد، فشار واشنگتن می توانست مانع انجام عملیات های بزرگتر شود.

بنیامین نتانیاهو در پایان این گفتگو با اشاره به ضرورت جلوگیری از آسیب های دیپلماتیک روزانه که با تصاویر و اتهام زنی در خارج اسرائیل تبلیغ می شود، به درخواست پایان دادن به جنگ [با آزادی همه گروگان ها] پرداخت و گفت: «ما حق نداریم تردید کنیم، رجز بخوانیم، و یا در انتظار بنایم. بلکه ما موظفیم تصمیم بگیریم».

اسلامی را «دست کم چند سال» عقب انداخت، هرچند که هنوز ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را در اختیار دارد. وی توضیح داد: «ما از پیش می دانستیم که این برنامه نابود نمی شود. این اورانیوم اگرچه برای ساختن بمب اتم یک شرط لازم است اما کافی نیست. آنها اکنون در موقعیتی نیستند که بتوانند برنامه هسته ای را پیش ببرند».

نخست وزیر اسرائیل همچنین گفت که این حمله بخشی از کارزار گسترده تری بوده که شامل حذف حسن نصرالله رهبر حزب الله و اسماعیل هنیه رهبر حماس و محمد ضیف و برادران سنوار می شد. او افزود: «ما [رژیم] ایران را که برای نابودی اسرائیل با بمب اتم آمده بود، شکست دادیم و دو خطر عظیم موجودیتی [علیه اسرائیل] را از بین بردیم.» نتانیاهو گزارش های مربوط به «تعطل» در [پایان دادن به]



آنها همواره دروغ می گویند،
پیام بنیامین نتانیاهو به مردم ایران:
اگر بخواهید ایران را آزاد کنید من و اسرائیل کنار شما هستیم

وبدئو

نهاد با نهاد: راه برون رفت از بن بست کنونی



● نیرویی که نقشه و سازمان سرنگونی را به صورت عملیاتی پیش برد، بطور طبیعی در شکل دادن روز بعد نیز سهم اولیه خواهد داشت. بنابراین، محور بحث باید از درخواست حمایت برای کلیات، به ارائه نقشه‌ی عملی برای رسیدن به نقطه‌ی گذار منتقل شود.

● برای این کار می‌توان از یک راهکار دو نهادی بهره گرفت که بر تفکیک طراحی و اجرا استوار است. «گروه پژوهش و برنامه‌ریزی» به‌مثابه اتاق فکر تکنوکرات، سناریوها، شاخص‌ها و نقشه‌راه را تدوین و به‌روز می‌کند و استانداردهای پاسخگو را تعیین می‌کند. «ستاد اجرایی» به عنوان بازوی اجرا، شبکه‌سازی میدانی را سامان می‌دهد، لجستیک و حفظ خدمات حیاتی را برنامه‌ریزی می‌کند و هماهنگی اجرا را بر عهده دارد. مرزبندی میان نقش نمادین و اجرایی در همین معماری حفظ می‌شود؛ یعنی از سرمایه‌ی نمادین بهره گرفته می‌شود و تصمیم و اجرا به ساز و کارهای فن‌سالار، کاردان و پاسخگو سپرده می‌شود.

● بن بست کنونی زمانی گشوده می‌شود که محور بحث از «چه کسی» یا «چه کسانی» به «کدام ساز و کار» منتقل شود، و راه رسیدن، با کارهای کوچک اما پیوسته‌ای آغاز شود که هر کدام، خشت یک فردای قابل اداره است.

نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی برون‌مرزی به سازمان تبدیل شده است، نه صرفاً هیجان.

حمایت خارجی زمانی معتبر و مؤثر است که برنامه و ساختار پاسخگو وجود داشته باشد. معیار روشن باید این باشد:

- تقسیم کار تخصصی،
- شفافیت مالی قابل راست‌آزمایی،
- زنجیره جانشینی روشن،
- کاهش هزینه اجتماعی در هر مرحله،
- و مرزبندی دقیق میان نقش نمادین و اجرایی.

دیاپسورای سازمانیافته می‌تواند این استانداردها را به شرکای خارجی نشان دهد و حمایت را از سطح شعار به همکاری قابل ارزیابی ارتقا دهد.

سرنجام، و سپس، پاسخ به پرسش «فردای گذار» نیز با همین منطق روشن می‌شود. هر نیرویی که امروز بار برنامه و سازمان را به دوش بکشد، فردا از وزن سیاسی و پذیرش عمومی بیشتری برخوردار است، اما این وزن باید به قراردادهای زمانبندی شده، ساز و کارهای نظارتی و انتخابات دوران گذار گره بخورد تا به فرمانروایی شخصی تبدیل نشود.

بن بست کنونی زمانی گشوده می‌شود که محور بحث از «چه کسی» یا «چه کسانی» به «کدام ساز و کار» منتقل شود، و راه رسیدن، با کارهای کوچک اما پیوسته‌ای آغاز شود که هر کدام، خشت یک فردای قابل اداره است.

انواع حمایت هنگامی مؤثر است که برنامه و سازمان فن‌سالار و غیرایدئولوژیک گذار موجود باشد؛ وگرنه درخواست آن تنها جنبه تبلیغاتی دارد و همچنان بی‌برنامگی و بن بست موجود را تقویت می‌کند.

به ساز و کارهای فن‌سالار، کاردان و پاسخگو سپرده می‌شود. ستون نقشه‌ی رسیدن به مقصد، مطابق همین چارچوب، همزمان سه مأموریت را پیش می‌برد:

- سازماندهی میدانی و شبکه‌ای،
- تأمین مالی شفاف و پایدار با تکیه بر مشارکت خرد از داخل و دیاسپورا،
- و روایت‌سازی منسجم و سنجش‌پذیر.

هسته‌های کوچک و امن، آموزش‌دیده و متصل به ستاد مرکزی سبک‌وزن و پاسخگو، نقاط عطف مشخصی را هدف می‌گیرند؛ از رشد اعتصابات در خوشه‌های صنعتی و پیوستن اصناف کلیدی تا شکست انحصار روایت رسمی. تصمیم‌ها به شکل مرحله‌ای و داده‌محور اتخاذ می‌شود؛ بازخوردها سریع در نقشه‌راه منعکس می‌گردد و مسیر، بجای تک‌گویی و هیجان، با سنجش‌پذیری و انضباط پیش می‌رود.

تأمین مالی بدون پول پاک پایدار نمی‌ماند. نقطه‌ی شروع، مدل خرد است: ۸ میلیون ایرانی خارج کشور، اگر بطور متوسط تنها ۱۰ دلار کمک کنند، ظرفیتی نزدیک به ۸۰ میلیون دلار در سال فراهم می‌شود. این پشتوانه می‌تواند اعتصاب‌ها را مداوم کند، آموزش و پشتیبانی حقوقی بدهد، خانواده‌های آسیب‌دیده را حمایت کند و رسانه حرفه‌ای بسازد. این منابع باید با صندوق‌های شفاف، حسابرسی مستقل، پیشخوان عمومی مخارج و سقف کمک فردی و سازمانی اداره شود تا اعتماد حفظ شده و نفوذپذیری نیز کاهش یابد.

ساماندهی دیاسپورا یا جامعه ایرانیان مهاجر خود یک مأموریت استراتژیک است. شبکه خارج کشور باید در قالبی قانونی و پاسخگو در کشورهای محل اقامت سازمان یابد تا چهار کارویژه را همزمان پیش برد: تأمین مالی خرد و مداوم، روایت‌سازی حرفه‌ای و چندزبانه، پیوند با نهادهای مدنی، سیاسی و پارلمان‌ها، و پشتیبانی فنی و حقوقی از شبکه‌های داخل. شوراهای منطقه‌ای منتخب، کمیته‌های تخصصی رسانه، حقوق، مالی و فناوری، و سامانه عضویت و دریافت گزارش به‌روز، پیوست نهادی این شبکه است. چنین ظرفیتی، پل اعتماد میان داخل و خارج می‌سازد و

دیوید اعتباری - صحنه سیاست ایران چند سالی است میان دو قطب قفل شده است. حکومت با تکیه بر نزاع دائمی با آمریکا و اسرائیل، سرکوب و بحران‌آفرینی را تداوم می‌دهد و هزینه‌اش را مردم ایران می‌پردازند. در سوی دیگر، بخشی از اپوزیسیون بیشتر درباره «فردای گذار» سخن می‌گوید تا «چگونه رسیدن» به آن. حتی طرح‌هایی مانند «پروژه شکوفایی ملی»، مستقل از اختلاف نظرها درباره جزئیات، عمدتاً بر «روز بعد» تمرکز کرده‌اند. حال آنکه نیرویی که نقشه و سازمان سرنگونی را به صورت عملیاتی پیش برد، بطور طبیعی در شکل دادن روز بعد نیز سهم اولیه خواهد داشت. بنابراین، محور بحث باید از درخواست حمایت برای کلیات، به ارائه نقشه‌ی عملی برای رسیدن به نقطه‌ی گذار منتقل شود.

در این مسیر، نقش شخصیتی نمادین نادیده‌گرفتنی نیست. چهره‌ی نمادین می‌تواند سرمایه‌ی اجتماعی را همگرا کند، به میانجیگری بین شکاف‌های درونی اپوزیسیون بپردازد، اعتماد عمومی را تقویت نماید و زبان مشترکی برای گفتگو با جهان بسازد. با این حال، تا زمانی که برنامه، تخصص یا عزم پذیرش مسئولیت اجرایی وجود نداشته باشد، جایگاه طبیعی چنین شخصیتی تسهیل و تشویق است، نه ورود به تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت اجرایی فن‌سالارانه. به این ترتیب، هم شأن و کارکرد نمادین پاس داشته می‌شود، هم از بازتولید فرهنگ شخص‌محوری جلوگیری می‌گردد.

برای تبدیل این جهت‌گیری به عمل، می‌توان از یک راهکار دو نهادی بهره گرفت که بر تفکیک طراحی و اجرا استوار است. «گروه پژوهش و برنامه‌ریزی» به‌مثابه اتاق فکر تکنوکرات، سناریوها، شاخص‌ها و نقشه‌راه را تدوین و به‌روز می‌کند و استانداردهای پاسخگو را تعیین می‌کند. «ستاد اجرایی» به عنوان بازوی اجرا، شبکه‌سازی میدانی را سامان می‌دهد، لجستیک و حفظ خدمات حیاتی را برنامه‌ریزی می‌کند و هماهنگی اجرا را بر عهده دارد. مرزبندی میان نقش نمادین و اجرایی در همین معماری حفظ می‌شود؛ یعنی از سرمایه‌ی نمادین بهره گرفته می‌شود و تصمیم و اجرا

*دیوید اعتباری نویسنده کتاب Beyond Ideology- The Technocratic Roadmap to a Free Iran است. او از بنیانگذاران سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان حوزه گذار دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

مسیر ترامپ؛ جاده‌ای که جمهوری اسلامی بابتی عرضگی برای نابودی ایران ساخت



نیکول پاشینیان، دونالد ترامپ و الهام علی‌اف / کاخ سفید / ۸ اوت ۲۰۲۵ / رویترز

- ۱- حذف ایران از مسیرهای ترانزیتی قفقاز و از دست رفتن درآمدهای کلان حمل و نقل.
- ۲- تقویت حضور نظامی و اقتصادی آمریکا و ناتو درست در مرز شمالی کشور.
- ۳- تضعیف نقش ژئوپلیتیک کشور ایران در ارتباطات آسیای میانه و اروپا.

فرصت‌سوزی تاریخی

کشور کوچک و محصور در خشکی مثل ارمنستان توانست با چانه‌زنی، امتیازهای اقتصادی و امنیتی بگیرد. ولی جمهوری اسلامی در ایران فقط نظاره‌گر بود. حتی جمهوری آذربایجان که بخش بزرگی از خاک آن در جنگ اول قره‌باغ از دست رفته بود، امروز برنده بازی شده و بدون پرداخت هزینه، مسیر حیاتی خود را از خاک ارمنستان می‌گیرد. اینهمه در حالیست که در دوران پهلوی، ایران بازیگر اول قفقاز و شریک اصلی پروژه‌های منطقه‌ای بود. شاه فقید، مسیر ریلی و جاده‌ای شمال را به اروپا وصل کرد، اما جمهوری اسلامی بعد از بیش از چهار دهه به اصطلاح «میداندار»، کاری کرده که حتی یک جاده کوچک با نام «ترامپ»، مسیر کشور ایران به جهان را مسدود کند.

جمهوری اسلامی امروز دیگر حتی نمی‌تواند ادعای بازیگری درجه سه منطقه را هم داشته باشد. دیپلماسی‌اش به گدایی امتیاز از هم‌پیمانان ورشکسته رسیده، و میدانش به میدان مین برای خود ایران تبدیل شده است. وقتی حاکمان کشوری جغرافیا را فقط روی نقشه‌های تبلیغاتی می‌شناسند، نتیجه‌اش این می‌شود: آمریکا وسط قلب قفقاز جاده بکشد، اسمش را بگذارد «مسیر ترامپ»، و کشور ایران با حسرت از پشت حصار تحریم‌ها این مسیر را تماشا کند. مسیر ترامپ نه فقط یک جاده، که سند شکست کامل «دیپلماسی و میدان» جمهوری اسلامی است؛ شکستی که هیچ رسانه حکومتی جرأت بازگو کردن آن را ندارد، اما در نقشه جهان برای همیشه ثبت شده است.

*شهرام سبزواری تحلیلگر سیاسی و نظامی

کند. مرز کوتاه ولی استراتژیک ایران با ارمنستان می‌توانست کلید کنترل مسیرهای ترانزیتی شمال- جنوب و شرق- غرب باشد. اما چه شد؟ جمهوری اسلامی ایدئولوژیک با حمایت بی‌محابا و کورکورانه از باکو و اردوغان، برگ‌های برنده خود را دودستی تقدیم آنکارا کرد. در همان زمان، کارشناسان هشدار دادند که «گذرگاه زنگزور»- حالا «مسیر ترامپ»- یعنی حذف ایران از معادلات ترانزیتی و اتصال مستقیم ترکیه به جمهوری آذربایجان و آسیای میانه. جمهوری اسلامی نه تنها اقدامی نکرد، بلکه حتی یک بند الزام‌آور در مذاکرات نگرفت تا این سناریو به ضررش تمام نشود.

دیپلماسی مُرده، میدان کور

میدان نظامی جمهوری اسلامی در سوریه، عراق و یمن میلیاردها دلار بعید، اما در حیاط خلوت شمالی ایران حتی نتوانست یک جاده را به نفع خود تثبیت کند. فرماندهان میدانی که روزی مدعی «فتح قدس از راه کربلا» بودند، حتی قطب‌نمای جغرافیای شمال کشور را هم گم کرده‌اند. دیپلمات‌های کت و شلوار وزارت خارجه هم که سال‌هاست بجای نقشه سیاسی جهان، با نقشه‌هایی کار می‌کنند که انگار از دفتر مشق دبستان بچه‌هایشان کنده‌اند. دیپلماسی جمهوری اسلامی چیزی جز یک ویترین خالی نیست؛ اسمش را گذاشته‌اند «دیپلماسی مقاومت» ولی محتوا، مجموعه‌ای از عکس یادگاری در نشست‌های بی‌نتیجه، با خنده‌های زورکی و دست دادن با دیکتاتورهای ورشکسته است.

مسیر ترامپ: حلقه محاصره جدید ایران

مسیر ترامپ، یعنی جاده‌ای ۴۳ کیلومتری که خاک ارمنستان را شکافته تا جمهوری آذربایجان را مستقیماً به نخجوان و از آنجا به ترکیه وصل کند. سازنده‌اش شرکت‌های آمریکایی‌اند، مدیر پروژه هم تحت قوانین ارمنستان کار می‌کند، و امنیت آن را نیز نیروهای تأمین می‌کنند که تا دیروز پشت مرزهای ایران حتی اجازه عکسبرداری نداشتند. پیامدهای این مسیر برای کشور ایران واضح است:

- مسیر ترامپ، یعنی جاده‌ای ۴۳ کیلومتری که خاک ارمنستان را شکافته تا جمهوری آذربایجان را مستقیماً به نخجوان و از آنجا به ترکیه وصل کند. سازنده‌اش شرکت‌های آمریکایی‌اند، مدیر پروژه هم تحت قوانین ارمنستان کار می‌کند، و امنیت آن را نیز نیروهای تأمین می‌کنند که تا دیروز پشت مرزهای ایران حتی اجازه عکسبرداری نداشتند.
- اینهمه در حالیست که در دوران پهلوی، ایران بازیگر اول قفقاز و شریک اصلی پروژه‌های منطقه‌ای بود. شاه فقید، مسیر ریلی و جاده‌ای شمال را به اروپا وصل کرد، اما جمهوری اسلامی بعد از بیش از چهار دهه به اصطلاح «میداندار»، کاری کرده که حتی یک جاده کوچک با نام «ترامپ»، مسیر کشور ایران به جهان را مسدود کند.
- مسیر ترامپ نه فقط یک جاده، که سند شکست کامل «دیپلماسی و میدان» جمهوری اسلامی است؛ شکستی که هیچ رسانه حکومتی جرأت بازگو کردن آن را ندارد، اما در نقشه جهان برای همیشه ثبت شده است.

شهرام سبزواری - جمهوری اسلامی سال‌هاست در بوق و کرنا می‌دمد که «دیپلماسی مقاومت» و «میدان» توانسته ایران را به قدرت اول منطقه تبدیل کند. شعارهایی که با ژست‌های پرطمطراق فرماندهان و دیپلمات‌هایش در رسانه‌های حکومتی، مثل تکرار بی‌پایان یک سرود کهنه، گوش مردم را کر کرده است. اما کافیست نگاهی به نقشه قفقاز ببندازیم تا ببینیم حاصل این همه ادعا و میلیاردها دلار خرج از جیب ملت، چیزی جز تحقیر، انزوا و محاصره بیشتر ایران نبوده است. تازه‌ترین نمونه‌اش همین «مسیر ترامپ» است؛ جاده‌ای که آمریکا وسط قلب قفقاز کشیده و حالا با افتخار به نام رئیس جمهور فعلی‌اش، دونالد ترامپ، ثبت کرده، در حالی که تهران فقط در خبرها درباره‌اش می‌خواند.

شکست در خوان اول- قفقاز

سال ۲۰۲۰، جنگ دوم قره‌باغ فرصتی تاریخی بود برای ایران تا جایگاهش را به عنوان یک بازیگر اصلی قفقاز تثبیت

استحاله‌ی اساطیر و تاریخ به نفع خلق و توده؛ چرا اسطوره‌ها باید فرهنگی شوند، نه سیاسی



شدن و تبدیل به ابزار قدرت سیاسی دچار می‌شود.

اسطوره و سیاست: تفاوت ماهوی

اما زمانی که اسطوره به عنوان ابزاری در سیاست به کار گرفته شود، تغییر ماهوی رخ می‌دهد. سیاست، به دلیل ضرورت تصمیم‌گیری‌های مشخص، خطوط مشی معین، و تمرکز بر قدرت، ماهیتی بسته‌تر و محدودتر دارد. در این مسیر، اسطوره‌های چندوجهی و پیچیده به روایت‌های تک‌بعدی و جزم‌اندیشانه تبدیل می‌شوند که هدف اصلی آنها تثبیت قدرت و مشروعیت سیاسی است.

خود کارل مارکس نیز در تفسیر خود بر ایدئولوژی، نشان می‌دهد که چگونه «ایدئولوژی» به عنوان نوعی «نقاب» واقعیت، اغلب از نمادها و اسطوره‌ها برای توجیه مناسبات قدرت بهره می‌برد و به تدریج پیروان او از همین سیاست برای تولید ایدئولوژی بهره می‌برند!

در اینجا تبدیل اسطوره به ابزار سیاسی، فرآیندی است که در آن روایت‌های نمادین برای حفظ سلطه به خدمت گرفته می‌شوند. این فرآیند که می‌توان آن را «ایدئولوژیک کردن اسطوره» نامید، معمولاً با حذف جنبه‌های متضاد، تقلیل معانی و القای دوگانه‌های ساده (خوب/بد، دوست/دشمن) همراه است. در نتیجه، اسطوره نه تنها به «فرهنگ» تبدیل نمی‌شود، بلکه به ابزاری برای تقسیم و انشقاق اجتماعی بدل می‌گردد.

هانا آرنست در تحلیل خود از «ایدئولوژی» و «قدرت» هشدار می‌دهد که اسطوره‌های سیاسی اغلب «حلقه‌های بسته‌ای» می‌سازند که افراد را در دام تعصب و خشونت می‌اندازند و فضای گفتگو و نقد را مسدود می‌کنند.

در جهان مدرن، اسطوره‌ها قرار نیست همچون دوران باستان یا قرون وسطا هاله‌ای متافیزیکی و قدرتی آسمانی داشته باشند که به تولید هژمونی سیاسی برای جریان‌ات

ساختارهای زبانی و هنری همبسته است. اسطوره از یکسو «جهان بی‌نظم و پراکنده» را به نظم درمی‌آورد و از سوی دیگر، «جایگاه انسان را در عالم» مشخص می‌کند. بنابراین اسطوره فقط یک داستان قدیمی نیست، بلکه ساختاری از معنا است که به جامعه امکان می‌دهد هویت خود را تعریف کند.

نکته مهم این است که اسطوره، اساساً امری فرهنگی است؛ یعنی محصول مناسبات بلندمدت جمعی، متکی بر زبان، هنر، آیین و ارزش‌های مشترک. اسطوره ساختاری باز و چندلایه دارد و می‌تواند در طول زمان توسط نسل‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون تعبیر و تفسیر شود. در این فرآیند، اسطوره بخشی از «فرهنگ» می‌شود؛ فرهنگی که تنوع، انعطاف‌پذیری و ظرفیت ایجاد معنا را حفظ می‌کند. ویلیام ای. جردن، انسان‌شناس و مورخ فرهنگ، اسطوره را «ابزار فهم جهان» می‌نامد که در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد و بر اساس نیازهای فرهنگی و تاریخی تغییر شکل می‌دهد.

اما در همین نقطه باید به نقش هنر و ادبیات در این فرآیند نیز توجه داشت. در ادبیات و هنر معاصر ایران، نمونه‌هایی چون آثار صمد بهرنگی و احمد شاملو، و همچنین فیلم‌های مسعود کیمیایی مانند «گوزن‌ها» و «قیصر»، بار سیاسی و ایدئولوژیک اسطوره‌ها بر وجوه فرهنگی و اجتماعی آنها غالب شده است. این هنرمندان و آثار، گرچه از زبان اسطوره‌ای بهره می‌برند، اما غالباً اسطوره را به ابزاری برای انتقال پیام‌های سیاسی و ایدئولوژیک محدود کرده‌اند.

به بیان دیگر، در این آثار اسطوره‌ها دیگر صرفاً نمادهای فرهنگی بازتاب‌دهنده‌ی هویت جمعی و تجربه انسانی نیستند، بلکه بیشتر به بستری برای ایدئولوژیک کردن فضای اجتماعی تبدیل شده‌اند. هنر در اینجا رسالت فرهنگی و بازتولید معنا را به نوعی از دست می‌دهد و به سیاست‌زده

زمانی که اسطوره به عنوان ابزاری در سیاست به کار گرفته شود، تغییر ماهوی رخ می‌دهد. سیاست، به دلیل ضرورت تصمیم‌گیری‌های مشخص، خطوط مشی معین، و تمرکز بر قدرت، ماهیتی بسته‌تر و محدودتر دارد. در این مسیر، اسطوره‌های چندوجهی و پیچیده به روایت‌های تک‌بعدی و جزم‌اندیشانه تبدیل می‌شوند که هدف اصلی آنها تثبیت قدرت و مشروعیت سیاسی است.

جهان مدرن، با ویژگی‌هایی چون تجدد، عقلانیت ابزاری، تنوع فرهنگی، و نهادهای مدنی، اساساً با سیاست اسطوره‌ای ناسازگار است. در دنیای معاصر، سیاست نیازمند مبانی عقلانی، حقوقی و نهادینه شده است؛ نه بازگشت به روایت‌های اسطوره‌ای محدود و بسته. استفاده سیاسی از اسطوره در دنیای مدرن معمولاً به ایدئولوژی‌های اقتدارگرا، بنیادگرایی‌ها و رادیکالیسم منجر می‌شود.

استفاده سیاسی از اسطوره‌ها، با وجود قدرت فوری که به سیاست می‌بخشد، در درازمدت به انشقاق، خشونت و ایدئولوژیک شدن فضای اجتماعی منجر می‌شود و ماهیت چندوجهی و زیباشناسانه اسطوره را مخدوش می‌کند.

برای فتح یک تمدن و استعمار یک ملت، کافیت وجه فرهنگی آن را به وجوه سیاسی تقلیل داد و هاله‌ای ایدئولوژیک به اساطیر و تاریخ آن پیچید.

بنیامین دیلم کوتلی - این نوشتار تلاشی است بر بازنگری در بهره‌ی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی از اسطوره و فرهنگ. اسطوره را می‌توان روایت‌های نمادینی دانست که سعی دارند رابطه انسان با جهان، خداوند، طبیعت و جامعه را تبیین کنند. این روایت‌ها به صورت داستان‌های جمعی، شکل نمادین دانش و تجربه انسان را حفظ و انتقال می‌دهند.

در فلسفه فرهنگ آرنست کاسیرر فیلسوف آلمانی، اسطوره به عنوان «نظام سمبولیک اولیه» شناخته می‌شود که با

به نظریات شبه‌روشنفکران چپ ایرانی چون شریعتی، شاملو، فرهادپور، سروش و... که نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که فهم این افراد از اساطیر ایرانی نیز فهمی ایدئولوژیک یا خلقی‌ست و به همین دلیل نوعی دشمنی نسبت به شاهنامه که یکی از مهمترین متون اسطوره‌ای فرهنگساز ایرانی‌ست در گفتار و آثار اینان دیده می‌شود.

اما برای دفاع از شاهنامه همین بس که در جهان نهیلیستی انسان صنعتی که هرگونه باور و نمادی که در هاله‌ای متافیزیکی معنا یافته باشد محکوم به مرگ است، ظهور و نامیرایی و انوشکی شاهنامه، نشان از کارکردهای فرهنگی و انطباق آن با جهان منطقی دارد.

همان چیزی که ارزست کاسیر از صورت‌های نمادین بشری انتظار دارد. همان چیزی که باعث نجات انسان‌ها از هرگونه ابژگی در جهان اسطوره‌ای می‌گردد. (شاید بتوانیم در رویکردی اسطوره‌پژوهانه شورش ۵۷ را شورش نوعی اسطوره‌های سیاست‌زدهی خلقی در برابر تاریخ اجتماعی و فرهنگی انسان ایرانی و اسطوره‌های فرهنگی او بدانیم.) بنابراین بازگشت به اسطوره به عنوان فرهنگی پویا و گشودنی، نه به عنوان اسطوره‌ای بسته و سیاسی، و ایدئولوژی‌زدایی از آنها، یکی از راه‌های بنیادین گذر از بحران‌های فرهنگی و سیاسی جامعه معاصر ایران است.

در جهانی که همه‌چیز در جدال روایت‌ها تجلی می‌یابد، برتری اسطوره‌ها بر هم می‌تواند به برتری روایت‌ها بر هم منجر گردد. و کافیت برای فتح یک تمدن و استعمار یک ملت، وجوه فرهنگی آن را به وجوه سیاسی تقلیل داد و هاله‌ای ایدئولوژیک به اساطیر و تاریخ آن پیچید.

*بنیامین دیلم کتولی دانش‌آموخته ادبیات و پژوهشگر علوم انسانی

بی‌آنکه به این مسئله توجه شود که اسطوره‌ها به مثابه زیربنای فرهنگی و نمادین، زمانی می‌توانند نقش خود را به بهترین شکل ایفا کنند که از بار سیاسی سنگین رها شوند و به فرهنگ تبدیل گردند. فرهنگی که تنوع و تکثر معنا را بپذیرد، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی باشد و در خدمت رشد خلاقیت، آموزش و توسعه فردی و جمعی قرار گیرد.

استفاده سیاسی از اسطوره‌ها، با وجود قدرت فوری که به سیاست می‌بخشد، در درازمدت به انشقاق، خشونت و ایدئولوژیک شدن فضای اجتماعی منجر می‌شود و ماهیت چندوجهی و زیباشناسانه اسطوره را مخدوش می‌کند. تجربیات تاریخی ایران، اعم از دوران پهلوی و جمهوری اسلامی، نمونه‌های برجسته‌ای از دو مسیر متضاد فرهنگی‌کردن و سیاسی‌کردن اسطوره‌ها هستند.

بزرگ‌ترین بحرانی که انسان معاصر ایرانی باید به آن توجه می‌داشت این بود که متفکران و نویسندگان ۵۷، اساطیر را به بستری برای انتقال پیام‌های سیاسی و اجتماعی محدود کرده بودند و در آثار اینان، اسطوره دیگر صرفاً نمادی فرهنگی برای هویت جمعی نبود بلکه به ابزار ایدئولوژیک و سیاسی تبدیل شد و این امر باعث ایدئولوژیک شدن فضای اجتماعی و سیاست‌زایی هنر بدون توجه به کارکردهای فرهنگی آن شد.

در آثار هنرمندان و نویسندگان ایران در دوران انقلاب، از صمد بهرنگی تا مسعود کیمیایی، اساطیر و نمادها ابژه‌هایی هستند برای پیوند نسل‌ها با خلق مورد نظر این افراد و تمامی این صور به شکل کامل در ایدئولوژی استحاله می‌گردند. گویی که اسطوره‌ها هیچ رسالتی جز انتقال ایدئولوژی مورد وفاق این توده ندارد و از هرگونه بار اجتماعی و فرهنگی که پیوندی با روح تاریخی سوژهی انسان ایرانی دارد تهی هستند!

فکری و قدرت‌ها بیانجامد؛ اتفاقی که در تاریخ چین، مصر باستان و کلیسا در قرون وسطا بارها رخ داده است. بلکه در عصر مدرن، اسطوره‌ها باید فرآیند سیاست‌زدایی و الهیات‌زدایی را طی کنند تا به فرهنگی باز و چندصدایی تبدیل شوند که به ساختن شهروند مدرن کمک کند.

سیاست اسطوره‌ای و سنت‌گرایی

سیاست اسطوره‌ای پدیده‌ای است که بیشتر در جوامع سنتی قابل مشاهده است؛ جایی که ارتباط میان اسطوره، مذهب، و ساختار قدرت بسیار نزدیک و درهم تنیده است. در این جوامع، اسطوره‌ها منبع مشروعیت سلسله‌مراتبی و نظام‌های حکومتی بوده‌اند و از طریق آیین‌ها و مناسک سیاسی، تثبیت شده‌اند. اما اساطیر کارکرد مدرن نیز دارند. حتی در تمدن کهن مصر، بین‌النهرین، یا ایران پیش از اسلام که شاهان خود را مظهر خدایان و اسطوره‌های کیهانی می‌دانستند، اسطوره‌ها نه فقط برای توجیه قدرت، بلکه برای حفظ نظم اجتماعی نیز به کار می‌رفتند.

اما جهان مدرن، با ویژگی‌هایی چون تجدد، عقلانیت ابزاری، تنوع فرهنگی، و نهادهای مدنی، اساساً با سیاست اسطوره‌ای ناسازگار است. در دنیای معاصر، سیاست نیازمند مبانی عقلانی، حقوقی و نهادینه شده است؛ نه بازگشت به روایت‌های اسطوره‌ای محدود و بسته. استفاده سیاسی از اسطوره در دنیای مدرن معمولاً به ایدئولوژی‌های اقتدارگر، بنیادگرایی‌ها و رادیکالیسم منجر می‌شود.

در جهان مدرن اساطیر را باید تبدیل به فرهنگ ساخت و از آن برای توسعه‌ی فرهنگی انسان- شهروند معاصر بهره برد. به نوعی باید گفت که جهان مدرن جایی‌ست که در آن انسان منطقی باز نسبت به جهان پیشین اسطوره‌ای خویش دارد، در حالی که در جهان پیشامدرن انسان ابتدایی معرف زیست اسطوره‌ای خویش بود و از پس آن تلاشی برای عقلانی کردن این ماهیت متافیزیکی خویش داشت.

در ایران معاصر نیز، بار سیاسی و ایدئولوژیک اسطوره‌ها از سوی انقلابیون ۵۷ و روشنفکران این دوره بر بار فرهنگی و اجتماعی آنها غالب شد و فرهنگ در این فرآیند به نوعی در سیاست استحاله گردید.

ایران معاصر: دو تجربه متضاد

یکی، استحاله اسطوره به نفع خلق و توده؛

و دیگری، ایدئولوژیک شدن اسطوره در جمهوری اسلامی. برخلاف دوران پهلوی، در جمهوری اسلامی و به ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷، اسطوره‌ها به شدت در خدمت ایدئولوژی سیاسی قرار گرفتند. اسطوره‌های دینی و سیاسی به عنوان ابزار مشروعیت بخشیدن و تثبیت قدرت حکومتی به کار گرفته شدند. این تجربه‌ای بود که حاکمان دوران قاجار مانند فتحعلی شاه نیز تلاش بر بهره بردن از آن داشتند.

از روح‌الله خمینی، مرتضی مطهری، علی شریعتی و سایر رهبران ۵۷ تا خود علی خامنه‌ای، میرحسین موسوی و دیگر عوامل رژیم که امروز دوباره به یاد ملی‌گرایی و اساطیر ما افتاده‌اند همواره اسطوره‌ها را در قالب روایت‌هایی به کار گرفته‌اند که معنای فرهنگی و هنری آنها را تقلیل داده و بار سیاسی و ایدئولوژیک آنها را افزایش داده‌اند.

این سیاست اسطوره‌ای جدید، بیشتر ماهیت استبدادی و اقتدارگرایانه داشته و امکان گفتگو، تنوع فرهنگی و نقد را به شدت محدود کرده است. (به چگونگی مواجهه این گفتمان حتی به همان اسطوره‌های دینی خود توجه کنید.) در این فضای سیاسی، هنر و ادبیات نیز به تدریج تبدیل به ابزارهای ایدئولوژیک شدند که در خدمت ترویج روایت رسمی و حذف دیدگاه‌های مخالف خلقی قرار گرفتند.

عروسک حرّاف!



سقوط اخلاقی جمهوری اسلامی؛ از قرارداد اجتماعی تا بحران بقا

دکتر مهدی میرسعیدی - بحران اقتصادی، فروپاشی معیشت، فساد سازمانیافته، انزوای بین‌المللی و شکاف عمیق میان حکومت و مردم، چهره امروز جمهوری اسلامی است. اما ورای اینهمه، بُعدی کمتر بررسی شده وجود دارد: سقوط اخلاقی حاکمیت در چارچوب فلسفه سیاسی و نظریه‌های مشروعیت حکومت. سقوطی که تنها با گذار به نظامی مبتنی بر رضایت عمومی، حاکمیت قانون و کرامت انسانی قابل جبران است.

حکومت جمهوری اسلامی از جنبه‌های گوناگون مشروعیت خود را از دست داده است. بحران اقتصادی، نابودی طبقه متوسط، فساد ساختاری و انزوای جهانی تنها بخشی از این تصویر تلخ‌اند. اما در کنار این مسائل، یک حقیقت بنیادین دیگر نیز وجود دارد: این حکومت نه تنها در عرصه کارآمدی شکست خورده، بلکه در چارچوب «اخلاق سیاسی» نیز به قهقرا رفته است.

نظریه «قرارداد اجتماعی» که فیلسوفانی چون توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو مطرح کرده‌اند، سنگ‌بنای فهم مشروعیت حکومت است. این نظریه قوانین اجتماعی را نه فرمانی آسمانی یا ذاتی، بلکه توافق میان اعضای جامعه برای ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج می‌داند. هابز در کتاب «لویاتان» هشدار می‌دهد که بدون یک قدرت مرکزی، طبیعت خودخواهانه بشر او را به جنگ دائمی می‌کشاند و مردم برای امنیت و نظم، بخشی از آزادی خود را به حکومت می‌سپارند. حتی در این نگاه اقتدارگرا، حفظ جان و امنیت شهروندان شرط بقا و مشروعیت قدرت است.

جان لاک، با نگاهی خوش‌بینانه‌تر، بر حقوق ذاتی انسان همچون زندگی، آزادی و مالکیت تأکید دارد و معتقد است که حکومت تنها برای پاسداری از این حقوق شکل می‌گیرد. اگر دولت از این وظیفه سر باز زند، مردم حق دارند آن را تغییر دهند یا کنار بگذارند. روسو نیز با رویکردی رادیکال‌تر، «اراده عمومی» را پایه مشروعیت می‌داند و دولت را تنها زمانی مشروع می‌شمارد که بازتاب همین اراده باشد.

بر اساس این سه روایت، مشروعیت زمانی معنا دارد که حکومت هم رضایت مردم را داشته باشد و هم به تعهدات خود پایبند بماند. نقض این تعهدات، چه در حوزه امنیت، چه آزادی و چه عدالت، به معنای شکست قرارداد اجتماعی است.

کارنامه جمهوری اسلامی در ۴۵ سال گذشته نمونه‌ای آشکار از این شکست است. خیزش ۱۴۰۱ و کشته‌شدن مهسا امینی همراه با سرکوب خونین معترضان، نشان داد

«جنگ ما با اسرائیل جنگ با کل دنیا بود؛ چرا که اروپایی‌ها و در رأس آنها آمریکای جنایتکار پشتیبان آنها بودند. اینبار هشدار به اروپایی‌ها است که اشتباه محاسباتی اسرائیل و تندروهای آمریکایی را تکرار نکنند.»

خادمی توضیح داد: «این جنگ با فریب اطلاعاتی انجام شد؛ در وسط مذاکرات به ما حمله کردند. این اشتباه محاسباتی نیاز به بهانه داشت که بن بست مذاکرات بهانه آن بود.» وی اما اشاره نکرد که مسئولیتش به عنوان فرمانده اطلاعات سپاه برای شناسایی چنین «فریب»‌هایی چه بوده است.

او در باره فشارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز گفت: «موضوع آژانس انرژی اتمی فنی نیست و باید یک قطعه‌نامه را صادر می‌کرد که بهانه آن باشد. هرچند که دیپلمات‌های ما ایستادگی کردند. ما از اول می‌دانستیم که نتیجه ندارد ولی افکار عمومی دنیا و خودمان نیاز به اقناع داشت. دشمن در این جنگ متوسل به عملیات روانی شد.»

رئیس سازمان اطلاعات سپاه در ادامه مدعی شد: «ما تجربه زیادی در جنگ داریم» و تهدید کرد: «غی‌توان همه چیز را اینجا گفت اما اگر لازم باشد طرح‌هایی که آماده کرده‌ایم را اجرا می‌کنیم. نقاطی را که آماده و مشخص کرده‌ایم را زیر ضربه می‌بریم؛ ما زبان شما را می‌فهمیم.»

او به حمله موشکی به پایگاه العدید قطر نیز اشاره کرد و گفت: «زمانی که به العدید قطر حمله کردیم قبش به قطری‌ها اطلاع دادیم و آنها هم طبیعی بود به آمریکایی‌ها اطلاع می‌دهند. زمانی که حمله کردیم هیچکدام از سامانه‌ها از جمله رادارشان با برد ۵ هزار کیلومتر آنها عمل نکرد.»

خادمی در بخشی از این سخنرانی طولانی به تشریح «جنگ شناختی» پرداخت و گفت: «یک نبرد چند ساله و

فرمانده سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس): همه چیز را نمی‌شود گفت، اگر لازم باشد نقاطی را که مشخص کردیم زیر ضربه می‌بریم

● مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) ۱۷ مرداد در مراسم چهلم سرداران کشته شده در جنگ ۱۲ روزه نسبت به «جنگ نرم» دشمن هشدار داد و گفت: «شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی آمریکایی مثل منوتو، بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال در خانه‌های ایرانی‌ها به راحتی افکار دشمن را اعلام می‌کنند.»

● رئیس سازمان اطلاعات سپاه در ادامه مدعی شد: «ما تجربه زیادی در جنگ داریم» و تهدید کرد: «غی‌توان همه چیز را اینجا گفت اما اگر لازم باشد طرح‌هایی که آماده کرده‌ایم را اجرا می‌کنیم. نقاطی را که آماده و مشخص کرده‌ایم را زیر ضربه می‌بریم؛ ما زبان شما را می‌فهمیم.»



پاسدار مجید خادمی

پیچیده است که به شکل مستقیم با ادراک مردم و افکار عمومی درگیر می‌شود.» او در همین ارتباط توضیح داد: «این جنگ در مراحل اخیر خود با جنگ‌های نیمه‌سخت نظیر تروریسم و اغتشاشات داخلی و همچنین جنگ‌های سخت نظامی ترکیب شده و آنچه امروز شاهد آن هستیم، یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار است که از هر ابزار ممکن برای تضعیف اراده ملت ایران بهره می‌برد.»

فرمانده سازمان اطلاعات سپاه (ساس) طی همین سخنرانی گفت: «مدتی قبل از جنگ در جلسه‌ای آقا [خامنه‌ای] فرمود: شما نظامی‌ها فعالیت‌هایتان را دو برابر کنید.» پس از کشته شدن محمد کاظمی فرمانده اطلاعات سپاه در حمله اسرائیل، مجید خادمی ۲۹ خرداد به عنوان جانشین او منصوب شد.

مجید خادمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه (ساس) ۱۷ مرداد در مراسم چهلم محمد کاظمی در جنگ ۱۲ روزه نسبت به «جنگ نرم» دشمن هشدار داد و گفت: «شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی آمریکایی مثل منوتو، بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال در خانه‌های ایرانی‌ها به راحتی افکار دشمن را اعلام می‌کنند.»

او به مسئولان نظام هشدار داد: «هیچ کشوری مثل ما فضای مجازی را رها نمی‌کند. من از نمایندگان مجلس می‌خواهم که شبکه ملی اطلاعات را جدی بگیرند و آن را پیگیری کنند.»

بخشی از صحبت‌های خادمی درباره سیاست خارجی و فضای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی بود. او بیان کرد:

دوران محمدرضا شاهی؛ سربلندی ایران و ایرانی (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



بین تهران و تبریز به راه افتاد. پیشرفت‌های عمرانی ایران آنقدر سرعت پیدا کرده بود که مطبوعات بین‌المللی هم قادر به چشم‌پوشی از آن نبودند.

۲۹ خرداد ۱۳۳۴ موافقتنامه‌ای برای تکمیل سیستم‌های تلگراف و تلفن میان وزیر پست و تلگراف ایران و وزیر پست و تلگراف آلمان غربی بسته شد. ۳۰ خرداد ۱۳۳۴ سرویس هوایی شرکت هواپیمایی ایران

➡ که دستگاه‌های امنیتی و انتظامی نه حافظ امنیت، که ابزار ارباب و کنترل شده‌اند. حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و بی‌میلی حکومت در شناسایی و مجازات عاملان، بی‌اعتنایی آشکار به جان مردم را عیان کرد. آزادی بیان و عقیده به شدت سرکوب می‌شود. روزنامه‌نگاران، هنرمندان و فعالان مدنی تنها به دلیل فعالیت مسالمت‌آمیز زندانی می‌شوند. حجاب اجباری نه حاصل خواست عمومی که محصول تحمیل ایدئولوژیک است و آزادی فردی را نقض می‌کند. اینستون فقرات ارتباطات و اقتصاد مدرن، با فیلترینگ و کنترل شدید، عملاً به محاصره حکومت درآمده تا گردش آزاد اطلاعات متوقف شود.

فساد سازمانیافته نیز در تار و پود ساختار قدرت تنیده شده است. پرونده‌های میلیاردری از بابک زنجانی تا «بنیاد شهید»، تنها نوک کوه یخ فساد ساختاری را نشان می‌دهند. ثروت ملی بجای سرمایه‌گذاری برای رفاه عمومی، در حساب نهادهای وابسته به ولی‌فقیه و سپاه انباشته می‌شود. خط فقر هر روز بالاتر می‌رود و طبقه متوسط در حال نابودی است. سوء مدیریت منابع حیاتی مانند آب و برق، نتیجه مستقیم رانت‌خواری و اولویت دادن به منافع حلقه‌های قدرت است.

در عرصه سیاسی، بیگانگی حکومت از اراده عمومی کامل شده است. انتخابات مهندسی‌شده، حذف نظام‌مند نامزدهای مستقل توسط شورای نگهبان، و مشارکت پایین مردم در انتخابات اخیر، سندی روشن از بی‌اعتمادی عمومی است. تصمیمات کلان کشور، چه داخلی و چه خارجی، نه بر مبنای منافع ملی بلکه بر اساس اهداف ایدئولوژیک و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای اتخاذ می‌شود.

بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی، حکومت موظف است امنیت، آزادی و نمایندگی اراده عمومی را تضمین کند. جمهوری اسلامی در هر سه عرصه شکست خورده است. این شکست نه یک خطای مدیریتی، بلکه سقوط اخلاقی است؛ سقوطی که هر حکومتی را دیر یا زود به سرنوشت رژیم‌هایی مانند آلمان نازی یا آپارتاید آفریقای جنوبی می‌کشاند. مشروعیت اخلاقی با زور و تبلیغات بازسازی نمی‌شود و وقتی جامعه حکومتی را نامشروع بداند، بحران بقا گریزناپذیر خواهد شد.

پیامدهای شکست قرارداد اجتماعی تنها به سیاست و اقتصاد محدود نمی‌شود؛ این زخم به عمق روابط اجتماعی، فرهنگی و حتی جایگاه جهانی ایران نفوذ کرده است. بی‌اعتمادی به حکومت، بی‌اعتمادی میان شهروندان را نیز دامن زده و همبستگی ملی را سست کرده است. زیرپا گذاشتن قانون توسط دولت، این پیام را منتقل می‌کند که قانون ابزاری برای قدرت است، نه معیار عدالت. نتیجه آن، گسترش فساد، رشوه، قاچاق و قانون‌گریزی است. نقض حقوق بشر و ماجراجویی‌های خارجی نیز ایران را به کشوری طردشده بدل کرده که انزوای سیاسی و تحریم‌ها فشار مضاعفی بر زندگی مردم می‌آورد.

امروز، هرگونه پیوند میان مردم و حکومت که روزی، هرچند شکننده، وجود داشت، گسسته است. خامنه‌ای و حلقه اطراف او نه تنها این قرارداد را پاره کرده‌اند، بلکه بنیان اخلاق سیاسی را نیز ویران ساخته‌اند. ادامه بقای چنین حکومتی یعنی ادامه سقوط اخلاقی و تشدید بحران. تنها گذار به حکومتی که بر پایه رضایت عمومی، حاکمیت قانون و کرامت انسانی بنا شود، می‌تواند این زخم را درمان کرده و اخلاق را به سیاست ایران بازگرداند.

*دکتر مهدی میرسعیدی استاد و پژوهشگر دانشگاه فلوریدا

دوران محمدرضا شاهی؛ آینده درخشان در عمل (صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ملت هوشیار و دلیر ما به خصوص جوانان به آینده درخشان این سرزمین کهن خوشبین باشند و حس بدبینی و ناامیدی را که موجب انحطاط یک ملت است از خود دور کنند.»

مهر ۱۳۳۴ در همین یکسال آرامش کشور، شاهنشاهی پهلوی با ترسیم آینده‌ای درخشان دگرگونی مملکت را دوباره آغاز کرده بود. ۱۵ مهر ۱۳۳۴، شاه در گشایش ششمین دوره مجلس سنا گفت: «انتظار داریم که افراد

آغاز روند بازگرداندن زندانیان به زندان اوین



زندانیان به بهانه تعطیلی روز چهارشنبه عملاً یک هفته در میان صورت می‌گیرد. علاوه بر اینها، بارها زندانیان با برخورد قهری و گاه خشونت بار مواجه شده‌اند.

روزنامه «هم‌میهن» نیز به نقل از مادر یکی از زندانیان منتقل شده به زندان تهران بزرگ (فشافویه) گزارش داده بود که تعداد زیاد زندانی در اتاق‌ها، کف‌خوابی، وضعیت بهداشتی، درمانی و... نگرانی اصلی «ب» و دیگر خانواده‌هاست.

این مادر گفته بود پسرش از وضعیت زندان ناراضی است، هنوز توی گوش‌اش صدای مپ می‌آید، نتوانسته روانشناسی را از نزدیک ببیند و هوای داخل اتاق‌ها برایش نامطبوع است. اینها حرف‌های «ر»، دختر یکی دیگر از زندانیان هم است، درحالی‌که هنوز رد ترس از آن انفجارها روی صورتش هست.

همچنین پسر یکی از زندانیان بند مالی اوین هم که به زندان تهران بزرگ منتقل شده، به «هم‌میهن» گفته بود که پدرش کمتر از یک روز بعد از انتقال به زندان تهران بزرگ، خبر سلامتی‌اش را به خانواده‌اش داد اما بعد از انتقال به این زندان، تماس‌های تلفنی به سختی برقرار می‌شود. او این را هم می‌گوید که بعد از مراجعه به مراجع قضایی، قول‌هایی درباره امکان دادن مرخصی به آنها داده شده است.

پس از حمله اسرائیل به زندان اوین بار دیگر موضوع تبدیل شدن این زندان به موزه مطرح شده بود. علیرضا زاکانی دو هفته پس از حمله اسرائیل به اوین اعلام کرد «شهرداری تهران این آمادگی را دارد تا در صورت جمع‌بندی دستگاه‌های ذیصلاح و اجرایی شدن موضوع انتقال زندان اوین، تمام تلاش خود را برای تبدیل آن به فضایی با کاربری عمومی، فضای سبز و موزه انجام دهد».

شهردار تهران با اشاره به اینکه پیشنهاد تبدیل مجموعه زندان اوین به یک مکان عمومی برای استفاده ←

به زندان تهران بزرگ منتقل شده بودند، به بندهای ۷ و ۸ زندان اوین بازگردانده شدند.

این تشکل فرهنگیان افزوده «محمد حسن پوره معلم زندانی همراه با سایر زندانیان سیاسی، امروز صبح جمعه ۱۷ مرداد ۱۴۰۴ به زندان اوین منتقل شد و هم اکنون در بند هفت اوین ادامه حبس ناعادلانه خود را می‌گذراند.» در جریان جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی سردر و حصار و دادرسی زندان اوین دوم تیرماه هدف حمله قرار گرفت. مسئولان اما بجای فرستادن زندانیان به مرخصی در شرایط جنگی، اکثر آنها را به دیگر زندان‌های استان تهران منتقل کردند.

زندانیان زن به زندان قرچک ورامین و زندانیان مرد به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل شدند؛ دو زندان که پیشتر هم گزارش‌ها از وضعیت غیربهداشتی و بی‌امکانات این زندان حکایت داشت و حالا با انتقال صدها زندانی وضعیت بندهای زندان بدتر از گذشته شده است.

زندانیان منتقل شده از زندان اوین در شرایط بسیار تکاندنده‌ای قرار داشتند. وبسایت «امتداد» هم گزارش داده بود که تراکم بالای جمعیت در هر دو زندان قرچک و تهران بزرگ مغایر با آیین نامه نگهداری زندانیان است. اخیراً دو نفر در زندان تهران بزرگ مورد حمله چاقو قرار گرفتند که موجب نگرانی بیشتر خانواده های زندانیان سیاسی شد.

بر اساس این گزارش زنان زندانی سیاسی در زندان قرچک، از حداقل‌های بهداشتی و زیستی محروم هستند. فروشگاه قرچک از تأمین حداقل‌های مورد نیاز زندانیان مانند تخم مرغ پرهیز می‌کند. زندانیان امکان تردد در راهروها، یا استفاده از باشگاه و دیگر فضاهای موجود را ندارند. ضمن اینکه بارها با قطع برق و آب درگیر هستند. در گزارش «امتداد» آمده بود که ملاقات‌های کابینی

● مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه اعلام کرده که پس از گذشت حدود ۴۵ روز از حمله اسرائیل به سردر و دادرسی زندان اوین، روند بازگشت زندانیان به این زندان آغاز شده است.

● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز گزارش داده بیش از ۶۰۰ زندانی سیاسی و امنیتی که پس از مباران بخش‌های از زندان اوین به زندان تهران بزرگ منتقل شده بودند، به بندهای ۷ و ۸ زندان اوین بازگردانده شدند.

● پس از هدف قرار گرفتن سردر و حصار و دادرسی زندان اوین، مقامات قضایی بجای فرستادن زندانیان به مرخصی در شرایط جنگی، اکثر آنان را به دیگر زندان‌های استان تهران منتقل کردند. زندانیان زن به زندان قرچک ورامین و زندانیان مرد به زندان تهران بزرگ (فشافویه) منتقل شدند.

مرکز رسانه قوه قضاییه خبر داده است که روند بازگرداندن زندانیانی که در پی حمله اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه به سردر و دادرسی زندان اوین به دیگر زندان‌ها منتقل شده بودند به این زندان آغاز شده است.

مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه اعلام کرده پس از گذشت حدود ۴۵ روز از حمله اسرائیل، روند بازگشت زندانیان به این زندان آغاز شده است.

مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه تأکید کرده «با اقدامات شبانه‌روزی و جهادی سازمان زندان‌ها و تلاش‌های مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه و نظارت ستاد حقوق بشر در کمتر از یک ماه و نیم کوهی از آوار اوین برداشته و اقامتگاه جدید مددجویان مهیای اسکان شد.»

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز گزارش داده بیش از ۶۰۰ زندانی سیاسی و امنیتی که پس از مباران زندان اوین در تیرماه و یا در هفته‌های اخیر بازداشت و

محمد رضا عارف: غنی سازی صفر درصد شوخی است

به گفته او «راهبرد دولت بر این مبنا بود که بدترین حالت برای دولت باشد اما مردم در شرایط آرام زندگی کنند و در حالی که روز اول دولت با جنگ و ترور مهمان عزیز دولت [اسماعیل هنیه] آغاز شد برنامه اقتصادی مشخص با راهبردها و ذخیره سازی را تدوین کردیم».

عارف افزود: «در روز اول جنگ، نگرانی هایی وجود داشت اما فروش فروشگاه های زنجیره ای تنها ۲۰ درصد آتیم به دلیل سفرهای تابستانی، فرارسیدن ماه محرم و آغاز جنگ تغییرات داشت و در روزهای بعد از آن وضعیت بازار متعادل شد و برآورد دولت بر این بود که مردم برای ذخیره یک هفته خود نیز خرید اضافه نکردند و این عظمت مردم است».

در همین جلسه عارف وعده «اصلاحات اقتصادی برای بهبود معیشت مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر» را داد و سپس به موضوع اتمی پرداخت. او گفت: «ما با عزت مذاکره خواهیم کرد و از غنی سازی نمی گذریم و طرح غنی سازی

● محمد رضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان در دیدار با خبرنگاران با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» گفت، اسرائیل با فرمان آمریکا برای «سرنگونی نظام» وارد جنگ شد با این گمان که در سه روز اول پرونده جمهوری اسلامی بسته می شود.

● او توضیح داد، «دشمن به دلیل عدم شناخت مردم به دنبال سوء استفاده از نارضایتی ها بود و «یک اعتراض در جمعی را به حساب مخالفت با حکومت و نظام قرار می دهد اما مردم در جنگ ۱۲ روزه به میدان آمدند و اصحاب رسانه نیز صحنه را حفظ کردند».

● عارف وعده «اصلاحات اقتصادی برای بهبود معیشت مردم به ویژه اقشار آسیب پذیر» را داد و سپس به موضوع اتمی پرداخت. او گفت: «ما با عزت مذاکره خواهیم کرد و از غنی سازی نمی گذریم و طرح غنی سازی صفر یک شوخی بزرگ است». وی در عین حال افزود: «اگر شرایط مناسب باشد نظام می تواند مذاکره مستقیم انجام دهد».



محمد رضا عارف معاون مسعود پزشکیان

صفر یک شوخی بزرگ است».

شرایط مناسب باشد نظام می تواند مذاکره مستقیم انجام دهد

او ادامه داد: «به طرف مذاکره کننده اعلام کردیم که حاضری اعتماد سازی کنیم اما انگار خود را به خواب زده است و کشور در شرایط متعادل آماده مذاکره است چرا که مذاکره برای حفظ منافع دو طرف است که نباید موضوعی دیکته شود و رفتار نظام جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات در مسیری است که مردم می خواهند و حتی اگر شرایط مناسب باشد می تواند مذاکرات مستقیم انجام شود».

عارف در پایان مدعی شد که «در یکی از دیدارهای خارجی یکی از سران مهم بین المللی به من اعلام کرد که دشمنان ایران از براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران بسیار فاصله گرفته اند و این نشان می دهد که آغاز جنگ ۱۲ روزه برای سرنگونی نظام هیچ درکی از مردم و نظام جمهوری اسلامی نداشتند و هر زمانی که شعار براندازی دادند انسجام داخلی بیشتر شد».

محمد رضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان در دیدار با خبرنگاران با اشاره به «جنگ ۱۲ روزه» گفت، اسرائیل با فرمان آمریکا برای «سرنگونی نظام» وارد جنگ شد با این گمان که در سه روز اول پرونده جمهوری اسلامی بسته می شود.

در این دیدار که به مناسبت «روز خبرنگار» ۲۱ مرداد برگزار شد، عارف چند بار مدعی شد که جمهوری اسلامی قابل براندازی نیست.

او تأکید کرد: «عنایت خداوند بود که در کمتر از ۲۴ ساعت بخش نظامی کشور ترمیم شد و عملیات موفق انجام دادیم که این شکست اول در راهبردهای آنان نمی گنجید».

عارف توضیح داد، «دشمن به دلیل عدم شناخت مردم به دنبال سوء استفاده از نارضایتی ها بود» و «یک اعتراض در جمعی را به حساب مخالفت با حکومت و نظام قرار می دهد اما مردم در جنگ ۱۲ روزه به میدان آمدند و اصحاب رسانه نیز صحنه را حفظ کردند».

بخشی از اظهارات عارف مربوط به پیامدهای جنگ بود که مدعی شد دولت برنامه اقتصاد دوران جنگ را در اوایل آذرماه سال ۱۴۰۳ تدوین کرده بود.

→ شهروندان و انتقال زندان از این نقطه شهر از پیش هم مطرح بوده به وسایت «دیده بان ایران» گفته بود «شهرداری خدماتی به آنجا ارائه کرده است... البته مجدداً تأکید می کنم تصمیم گیری در این خصوص، در اختیار دستگاه قضایی و سایر مراجع ذیصلاح است. با اینهمه شهرداری برای خدمت رسانی به شهروندان آماده است».

جعفر بندی شریانی عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر تهران نیز گفته بود «قبل از اینکه مرمتی در زندان اولین صورت بگیرد، شهرداری تفاهمی در راستای تفاهم قبلی با قوه قضاییه انجام دهد و با توجه به موقعیت سوق الجیشی زندان اوین و اتصال آن به کوه های شمال تهران، زندان اوین به موزه و پارک عمومی تبدیل شود».

وی افزود بود که «در دوره سوم و چهارم مدیریت شهری، تفاهمی بین شهرداری و قوه قضاییه برای تبدیل زندان قصر و زندان اوین به موزه و تفرجگاه عمومی با رویکرد فرهنگی و اجتماعی شکل گرفت. در دوران آقای قالیباف زندان قصر تبدیل به موزه شد».

کلنگ ساخت زندان اوین در سال ۱۳۴۰ خورشیدی زده شد و طی سال های گذشته بارها طرح تغییر کاربری این زندان مطرح شده اما هیچوقت به نتیجه نرسید. برای نخستین بار این طرح در دهه ۷۰ خورشیدی و در زمان شهرداری غلامحسین کرباسچی مطرح شد.

محمد حقانی عضو شورای اسلامی چهارم شهر تهران که در دوره غلامحسین کرباسچی معاونت خدمات شهرداری تهران را بر عهده داشت، درباره رایزنی های شهرداری در دوره کرباسچی با قوه قضاییه گفته که «این طرح در زمان کرباسچی مطرح بود، ولی آن زمان قوه قضاییه از ما خواسته بود تا مکانی را به عنوان زندان جدید به آنها اختصاص دهیم، ولی ما می گفتیم می خواهیم کل زندان را بخریم یا تهاتر کنیم و کاری به ساخت محل جدید زندان نداریم».

در آن زمان شهرداری و قوه قضاییه به توافق نرسیدند اما در سال ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی قانون «انتقال زندان ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی موجود به خارج از شهرها» را تصویب کرد و بار دیگر موضوع تبدیل زندان اوین به موزه مطرح شد اما شهرداری تهران اقدامی در اینباره انجام نداد. آمارها نشان می دهد جمهوری اسلامی با کمبود شدید فضای زندان روبروست و فضای حبس در ایران به ازای هر زندانی یک چهارم فضای استاندارد است.

نتایج یک پژوهش که از سوی دفتر بررسی های حقوقی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی انجام شده، در حقوق کیفری ایران حدود ۱۴۰۰ مورد عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از آنها مجازات حبس پیش بینی شده است. همچنین در هر ۵۴ ثانیه در ایران یک نفر زندانی می شود و زندان ها ۴ تا ۶ برابر ظرفیت واقعی، در خود زندانی جای داده اند!

خبرگزاری «ایرنا» نیز سال گذشته در یک گزارش اعلام کرد کمبود فضای سرانه زندان یکی از آسیب های جدی اصلاح و تربیت در زندان ها است. سرانه استاندارد فضای نگهداری و محل اسکان هر نفر زندانی هفده و نیم متر مربع است در حالی که سرانه موجود در ایران با تلاش های فراوانی که صورت پذیرفته، فعلاً تنها چهار و نیم متر مربع است.

این گزارش تأکید کرده بود که تراکم جمعیت کیفری زندان مانع از آن است که بتوان مقدمات آزاد سازی مجرمان و بازسازی آنان را فراهم کرد. تراکم زیاد سبب می شود که منابع انسانی و مالی بسیاری صرف «انبار کردن» انسان ها شود. بنابراین کسانی که باید از درمان و برنامه های اصلاحی استفاده کنند، از آن محروم می شوند.

تیراندازی مرگبار نیروی انتظامی استان لرستان در «ایست بازرسی» سه نفر کشته و زخمی شدند

● مأموران «ایست بازرسی» نیروی انتظامی در منطقه «سلسله» شهرستان الشتر واقع در استان لرستان جمعه شب، ۱۷ مرداد ۱۴۰۴، در «ایست بازرسی» این شهرستان، یک اتومبیل را به رگبار بستند. در این تیراندازی، دو نفر کشته و یک نفر به شدت زخمی شدند.

● راننده اتومبیل، امیرحسین رضایی درجه‌دار نیروی



دو قربانی تیراندازی مرگبار «ناجا» در ایست بازرسی

انتظامی و سرنشین دیگر ایمان باقری در دم جان سپردند. همسر امیرحسین رضایی نیز بر اثر اصابت گلوله از ناحیه دست زخمی شد. کودک پنج‌ماهه این خانواده که در کف اتومبیل افتاده بود، آسیبی ندید.

● با اینهمه اما سرهنگ محمد بوستان‌افروز فرمانده انتظامی شهرستان «سلسله» روایت دیگری از این جنایت نقل کرده و مدعی شده است: «مأموران مستقر در ایست و بازرسی ورودی شهر توسط فردی مهاجم که یک قبضه سلاح کلت کمری و یک تیغه چاقو در اختیار داشت، مورد حمله قرار گرفتند. این فرد به سمت مأموران شلیک کرد و عوامل انتظامی در پاسخ به این حمله، فرد مهاجم

دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی، از این دانشگاه «بازنشسته» شده است. موسویان به دست داشتن در قتل شماری از چهره‌های سرشناس مخالف جمهوری اسلامی در اروپا متهم است. دانشگاه پرینستون در بیانیه‌ای رسمی، دلیل جدایی موسویان را «بازنشستگی» اعلام کرد. موسویان به عنوان «کارشناس امنیت خاورمیانه و سیاست هسته‌ای» در برنامه علم و امنیت جهانی دانشگاه پرینستون فعالیت می‌کرد.

او متهم است که در ترور دست‌کم ۲۴ مخالف جمهوری اسلامی در اروپا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مانند شاپور بختیار، فریدون فرخزاد، عبدالرحمن قاسملو و کاظم رجوی نقش داشته است. موسویان در زمان ترور فجیع رستوران میکونوس در برلین (۲۶ شهریور ۱۳۷۱) سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بود.

سازمان «اتحاد علیه مهره‌های رژیم اسلامی ایران» (AA-IRIA) نیز شنبه ۱۸ مرداد در بیانیه‌ای پایان همکاری دانشگاه پرینستون با سیدحسین موسویان را اعلام کرد. در این بیانیه آمده که این نتیجه‌ی ۱۵ سال کار مستمر بوده است.

در بخشی از این بیانیه آمده: «ما حقیقت را آشکار کردیم: موسویان یک پژوهشگر بی‌طرف نیست، بلکه سفیر پیشین جمهوری اسلامی است که از فتوای قتل سلمان رشدی دفاع کرده، تبلیغات ضداسرائیلی را ترویج داده، صدای افراد یهودستیز را با باز نشر سخنان آنان در شبکه‌های اجتماعی خود تقویت کرده، و آشکارا از گروه‌های تروریستی حماس و حزب‌الله حمایت کرده است. استخدام موسویان در دانشگاه پرینستون، در کنار محمدجعفر محلاتی در کالج اوبرلین، بازتاب یک الگوی نگران‌کننده و منحصر به جمهوری اسلامی است. هیچ سابقه‌ای وجود ندارد که سفرای یک رژیم سرکوبگر دیگر به مناصب دانشگاهی معتبر در آمریکا منصوب شده باشند. این رویه، به افرادی که مستقیماً در



سخنرانی سیدحسین موسویان در نشست سالیانه «فرماندهی استراتژیک آمریکا» / اوت ۲۰۲۳

ترور، تروریسم و جنایت علیه بشریت نقش داشته‌اند، تریبون و مشروعیت بخشیده بود.»

گردانندگان این کارزار همچنین اعلام کردند: «با توجه به سوابق مجرمانه موسویان، اکنون از وزارت خارجه آمریکا می‌خواهیم او را به آلمان مسترد کند، جایی که باید پاسخگوی نقش خود در قتل دست‌کم ۲۴ ایرانی در خاک اروپا باشد؛ از جمله شاپور بختیار، فریدون فرخزاد، دکتر عبدالرحمن قاسملو، و دکتر کاظم رجوی. ترورهای رستوران میکونوس و حکم تاریخی دادگاه برلین که جمهوری اسلامی را مسئول قتل چهار مخالف ایرانی در سال ۱۹۹۲ دانست، می‌تواند مبنای محاکمه موسویان قرار گیرد.»

حسین موسویان دیپلمات- تروریست جمهوری اسلامی، پس از ۱۵ سال از دانشگاه پرینستون کنار گذاشته شد

● دانشگاه پرینستون در بیانیه‌ای رسمی، دلیل جدایی حسین موسویان را «بازنشستگی» اعلام کرد. موسویان به عنوان «کارشناس امنیت خاورمیانه و سیاست هسته‌ای» در برنامه علم و امنیت جهانی دانشگاه پرینستون فعالیت می‌کرد.

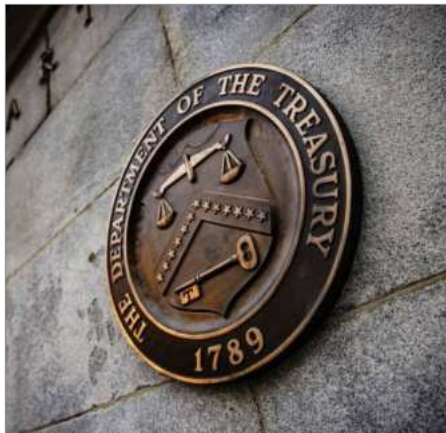
● موسویان متهم است که در ترور دست‌کم ۲۴ مخالف جمهوری اسلامی در اروپا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی مانند شاپور بختیار، فریدون فرخزاد، عبدالرحمن قاسملو و کاظم رجوی نقش داشته است. موسویان در زمان ترور فجیع رستوران میکونوس در برلین (۲۶ شهریور

۱۳۷۱) سفیر جمهوری اسلامی در آلمان بود.

● گردانندگان این کارزار همچنین اعلام کردند: «با توجه به سوابق مجرمانه موسویان، اکنون از وزارت خارجه آمریکا می‌خواهیم او را به آلمان مسترد کند، جایی که باید پاسخگوی نقش خود در قتل دست‌کم ۲۴ ایرانی در خاک اروپا باشد؛ از جمله شاپور بختیار، فریدون فرخزاد، دکتر عبدالرحمن قاسملو، و دکتر کاظم رجوی. ترورهای رستوران میکونوس و حکم تاریخی دادگاه برلین که جمهوری اسلامی را مسئول قتل چهار مخالف ایرانی در سال ۱۹۹۲ دانست، می‌تواند مبنای محاکمه موسویان قرار گیرد.»

دانشگاه پرینستون آمریکا اعلام کرد حسین موسویان،

تحریم‌های آمریکا علیه ۱۸ فرد و نهاد مرتبط با «بانکداری در سایه» جمهوری اسلامی



● در بیانیه وزارت خزانه‌داری که پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) منتشر شد، آمده است رژیم ایران که با محدودیت‌های مالی شدید ناشی از انزوای بین‌المللی روبروست، اقدام به طراحی سیستم‌های پیچیده بانکی و سامانه‌های جایگزین پیام‌رسانی مالی کرده تا بطور خاص تحریم‌ها را دور بزند و توانایی خود برای دریافت درآمدهای صادراتی به ویژه از فروش غیرقانونی نفت را حفظ کند.

● بر اساس این بیانیه، عادل برجسیان، هادی نوری و علیرضا فتاحی در ارتباط با بانک فراساحلی سایروس، علی مرتضی بی‌رنگ، محمودرضا سجادی و محمد شفیع‌پور در ارتباط با شرکت سامانه پایاپای رانک و شهاب جواهری، مرتبط با شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان تحریم شده‌اند.

● همچنین شرکت توسعه زیست‌بوم فناوری اطلاعات و ارتباطات «پاسارگاد آریان»، بانک فراساحلی «سایروس»، شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات «پاسارگاد آریان»، شرکت خدمات پرداخت الکترونیک پاسارگاد، شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات زیرساخت «پاسارگاد آریان»، شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات داده آرمان کیش، شرکت پرداخت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد «آریان ارون»، شرکت نرم‌افزاری «داتیس آریان قشم»، شرکت پردازش الکترونیک «راشد سامانه»، شرکت سامانه «پایاپای رانک» و «شرکت باران تلکام» در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

● اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای که منتشر شد، نوشت: «در نتیجه کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، و افزایش انزوای نظام مالی جهانی، امکانات مخفی رژیم ایران برای فعالیت در حال تمام شدن است.»

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) ۱۸ فرد و نهاد مرتبط با جمهوری اسلامی را به دلیل ایفای نقش محوری در تلاش‌های حکومت ایران برای تأمین مالی تروریسم و دور زدن تحریم‌های ایالات متحده مورد تحریم قرار داده است.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری که پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) منتشر شد، آمده است رژیم ایران که با محدودیت‌های مالی شدید ناشی از انزوای بین‌المللی روبروست، اقدام به طراحی سیستم‌های پیچیده بانکی و سامانه‌های جایگزین پیام‌رسانی مالی کرده تا بطور خاص تحریم‌ها را دور بزند و توانایی خود برای دریافت درآمدهای صادراتی به ویژه از فروش غیرقانونی نفت را حفظ کند.

این سیستم‌ها همچنین به رژیم امکان می‌دهند تا همچنان به تأمین مالی گروه‌های نیابتی خود ادامه دهد و مردم ایران را سرکوب کند. همچنین شرکت‌های فناوری اطلاعات و مالی که امروز تحریم شده‌اند، فناوری‌های پیشرفته نظارتی را در اختیار رژیم قرار داده‌اند که توسط نیروهای امنیتی حکومت ایران برای محدود کردن دسترسی به اینترنت و هدف قرار دادن زنانی که قوانین حجاب اجباری رژیم را رعایت نمی‌کنند، به کار می‌روند. اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در ارتباط با این تحریم‌ها گفت: «در نتیجه کارزار فشار حداکثری پرزیدنت

را با آتش متقابل زمینگیر کردند... در اثنای این درگیری، یک دستگاه خودروی عبوری وارد ایست و بازرسی شد که مورد اصابت گلوله قرار گرفت. راننده این خودرو قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرد و سرنشین مجروح شد.»

مأموران «ایست بازرسی» نیروی انتظامی در منطقه «سلسله» شهرستان الشتر واقع در استان لرستان جمعه شب، ۱۷ مرداد ۱۴۰۴، در «ایست بازرسی» این شهرستان یک اتومبیل را به رگبار بستند. در این تیراندازی، دو نفر کشته و یک نفر به شدت زخمی شدند.

راننده اتومبیل، امیرحسین رضایی درجه‌دار نیروی انتظامی و سرنشین دیگر ایمان باقری در دم جان سپردند. همسر امیرحسین رضایی نیز بر اثر اصابت گلوله از ناحیه دست زخمی شد. کودک پنج‌ماهه این خانواده که در کف اتومبیل افتاده بود، آسیبی ندید.

با اینهمه اما سرهنگ محمد بوستان‌افروز فرمانده انتظامی شهرستان «سلسله» روایت دیگری از این جنایت نقل کرده و مدعی شده است: «مأموران مستقر در ایست و بازرسی ورودی شهر توسط فردی مهاجم که یک قبضه سلاح کلت کمری و یک تیغه چاقو در اختیار داشت، مورد حمله قرار گرفتند. این فرد به سمت مأموران شلیک کرد و عوامل انتظامی در پاسخ به این حمله، فرد مهاجم را با آتش متقابل زمینگیر کردند... در اثنای این درگیری، یک دستگاه خودروی عبوری وارد ایست و بازرسی شد که مورد اصابت گلوله قرار گرفت. راننده این خودرو قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرد و سرنشین مجروح شد.»



یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید سرباز نیروی انتظامی با دوشکا به اتومبیل تیراندازی کرد.

پس از «جنگ ۱۲ روزه»، دست‌کم در چهار مورد، مأموران نیروی انتظامی و نیروهای بسیج به ماشین‌های سواری و شهروندان غیرنظامی تیراندازی کرده‌اند که باعث مرگ و زخمی شدن بیش از ۱۰ نفر شده است.

در تیراندازی بسیجی‌های مستقر در یک ایست بازرسی در شهر خمین به دو ماشین که ۲۶ تیرماه ۱۴۰۴ اتفاق افتاد، دست‌کم چهار نفر از شهروندان از جمله یک کودک کشته شدند. پیشتر در همدان و رفسنجان نیز مأموران حکومتی در ایست‌های بازرسی مردم عادی را به رگبار بستند.

ترامپ و انزوای روزافزون رژیم ایران از نظام مالی جهانی، رژیم ایران دیگر جایی برای پنهان شدن ندارد.» او افزود: «وزارت خزانه‌داری به تلاش‌های خود برای مختل کردن طرح‌های رژیم ایران برای دور زدن تحریم‌ها، مسدود کردن دسترسی آن به منابع مالی و قطع سرمایه برای برنامه‌های تسلیحاتی‌اش ادامه خواهد داد تا از مردم آمریکا محافظت کند.»

وزارت خزانه‌داری ایالات متحده اعلام کرد که متعهد است «از همه ابزارهای موجود برای مقابله با تلاش‌های [رژیم] ایران جهت دور زدن تحریم‌ها و بازگرداندن درآمدهای غیرقانونی خارجی استفاده کند؛ همانگونه که در اقدامات اخیر برای تحریم شبکه‌های بانکداری سایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده زرین‌قلم و همچنین شبکه گسترده کشتیرانی شمخانی که میلیاردها دلار درآمد تولید کرده و سپس از طریق این شبکه‌ها پولشویی می‌شود، مشهود است.»

بر اساس این بیانیه، عادل برجسیان، هادی نوری و علیرضا فتاحی در ارتباط با بانک فراساحلی سایروس، علی مرتضی بی‌رنگ، محمودرضا سجادی و محمد شفیع‌پور در ارتباط با شرکت سامانه پایاپای رانک و شهاب جواهری، مرتبط با شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان تحریم شده‌اند.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، همچنین نام ۱۱ نهاد در لیست تحریم به چشم می‌خورد.

شرکت توسعه زیست‌بوم فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان، شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات زیرساخت پاسارگاد آریان، شرکت پرداخت فناوری اطلاعات و ارتباطات پاسارگاد آریان ارون، بانک فراساحلی سایروس، شرکت فناوری اطلاعات و ارتباطات «پاسارگاد آریان»، شرکت خدمات پرداخت «الکترونیک پاسارگاد»، شرکت نرم‌افزاری «داتیس آریان قشم»، شرکت پردازش «الکترونیک راشد سامانه»، شرکت سامانه پایاپای رانک و شرکت «باران تلکام» شرکت‌های تحریم شده هستند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای که منتشر شد، نوشت: «در نتیجه کارزار فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، و افزایش انزوای نظام مالی جهانی، امکانات مخفی رژیم ایران برای فعالیت در حال تمام شدن است.»

گفتگو با یک کارگردان و تهیه کننده سابق در صداوسیما جمهوری اسلامی: حکومت، آلترناتیو اصلی و قابل توجه خود را پهلوی می داند



حمله اسرائیل به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی / عصر دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴

داشته باشد خودداری کرد. مدیریت کلان و سیاست‌گذاری‌ها در امور فرهنگی حکومت و در سازمان بطور ویژه سعی داشته و دارد تا در این مقوله هم جامعه را مدیریت کند به شکلی که از هر نشانه و عنصری که شائبه سکس در مخاطب‌القاء کند پرهیز داشته باشد هم در محتوا و هم در فرم! این مشکل نه تنها در تولیدات و خروجی سازمان که در اتاق‌های کارمندان هم خود را نشان می‌دهد؛ حتی در ستاد هم ابلاغیه‌هایی صادر شد مبنی بر هم‌اتاق نبودن کارمندان زن و مرد یا کنار هم ننشستن گوینده‌های زن و مرد در استودیو که با واکنش شدید همکاران مواجه شد. یا مثلاً مدیری دستور می‌دهد هیچ منشی زنی برای مدیر مرد کار نکند. در بخش تولید هم مثال‌های زیادی داریم از جمله پشت یک میز ننشستن دو مجری زن و مرد در استودیو رادیو و تخفیف صدای شعار زن‌ها و حضورشان در استادیوم‌های ورزشی. همکاران در واحد رپرتاژ وقتی برای پوشش مسابقات به استادیوم اعزام می‌شدند می‌گفتند مجاز به پخش تصاویر نزدیک از قسمت زن‌ها در استادیوم نیستند و وقتی شعار و فریاد زنان بلند می‌شود باید تا حد امکان صدا را ضعیف کنند که مفهوم نباشد! اینها همه دلالت بر «ذهن جستجوگر سکس پنهان» در میان مدیران و سیاست‌گذاران صدا و سیما جمهوری اسلامی دارد.

● در مورد فیلترها و قواعد سانسورچی‌ها در این سازمان کمی توضیح دهید.

- برنامه‌سازان صداوسیما در ارتباط با سانسور یک اصل دارند: برای اینکه به تیغ سانسور مبتلا نشوی تا می‌توانی به آن نزدیک شو ولی مراقب باش گرفتارش نشوی که این مهم، دقت زیادی در تهیه و تولید برنامه را می‌طلبد، مشکلی که ما با آن روبرو بودیم خود سانسور نبود بلکه مرزهای متغیر آن با اعمال سلیقه‌های مختلف بود که این امر در حکومت‌هایی از جنس جمهوری اسلامی امری ←

اقبال عمومی به خاندان پهلوی توضیح بدهید.

- صداوسیما به عنوان ابزار مؤثری در پروپاگاندای جمهوری اسلامی همیشه در برابر خطرات احتمالی که می‌تواند نظام را تهدید کند در صف اول قرار دارد، تبلیغ برای بزرگنمایی نقاط قوت قدرت نظام در داخل و خارج مرزها و از سوی دیگر، نمایش ضعف و ناتوانی دشمن از ماموریت‌های ذاتی صداوسیما بوده و هست، در این میان نظام پادشاهی پیشین و به ویژه نماد آن خاندان پهلوی، همیشه در مرکز حملات سیاست‌های این سازمان قرار داشته است، از آنجاکه جامعه و بخش قابل توجهی از ملت ایران، گرایش پیدا و پنهان به خانواده پادشاه فقید و دوران بسامان آن حاکمیت دارند، بر اساس سیاست‌های کلان سازمان صداوسیما همواره اراده این بوده و هست که از حاکمیت پهلوی به عنوان حکومتی یاد شود که در آن حکومت مردم چیزی جز ظلم و ستم و تعدی به مردم و منافع ملی ندیدند. حکومت آلترناتیو اصلی و قابل توجه خود را تنها نظام پادشاهی و خانواده پهلوی و شخص شاهزاده رضا پهلوی می‌داند و با توجه به پایش و نظرسنجی‌هایی که گهگاه ارائه می‌شد این خطر را جدی می‌گیرد. بنابراین از هیچ تلاشی برای تخریب و تضعیف این پایگاه در نزد مردم کوتاهی نکرده و نمی‌کند، این رویه را می‌توان در روند برنامه‌سازی در بخش‌های متعدد سازمان و ابلاغیه‌های مدیران آن به برنامه‌سازان به خوبی دید.

● «سکس پنهان» اصطلاحی است که از سال‌ها پیش به دایره واژگان سانسورچی‌های وزارت ارشاد اسلامی اضافه شده؛ این موضوع در صداوسیما حکومت چطور زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد؟

- دایره محدودیت‌ها و ممنوعه‌ها در رادیو و تلویزیون شعاع زیادی دارد که به مرور زمان بیشتر و بیشتر هم شد. هنگام نگارش پیش از ضبط، باید از به کار بردن کلمات و تدابیری که احتمالاً می‌توانست در شنونده القانات سکسی

● «پس از جنگ ۱۲ روزه مدیران سازمان با توجه به احتمال درگیری مجدد و فضای جنگی حاکم بر جامعه و صداوسیما با جلسات متعدد به عنوان مدیریت بحران با مدیران و گروهی از برنامه‌سازان سعی در بازسازی دوباره بازوی تبلیغاتی حکومت را دارند.»

● «من برای برنامه خودم همسر یک شهید را دعوت کرده بودم که در یکی از روزهای زمستان، مهمان برنامه من بود. دقایقی پیش از ضبط برنامه با من تماس گرفت و اطلاع داد حراست مانع از ورود او شده به این دلیل که چکمه پوشیده بود! کاشت ناخن، داشتن لاک، خط لب ثابت و موارد مشابه با سختگیری حراست روبرو می‌شود.»

● «همکاران در واحد رپرتاژ وقتی برای پوشش مسابقات به استادیوم اعزام می‌شدند می‌گفتند مجاز به پخش تصاویر نزدیک از قسمت زن‌ها در استادیوم نیستند و وقتی شعار و فریاد زنان بلند می‌شود باید تا حد امکان صدا را ضعیف کنند که مفهوم نباشد!»

فیروزه نوردستروم- مجید میرزایی شهرابی فارغ التحصیل رشته نمایش، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده چندین مستند و برنامه است که از سال ۱۳۷۴ در زمینه برنامه‌سازی با گروه اجتماعی شبکه یک سیما جمهوری اسلامی و رادیو فرهنگ همکاری داشته است. کیهان لندن با این کارشناس صداوسیما دولتی که مدتی است به دلایل امنیتی از کشور خارج شده گفتگویی انجام داده است.

● آقای میرزایی، فکر می‌کنید جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل چه تأثیراتی بر عملکرد کمی و کیفی صداوسیما جمهوری اسلامی گذاشت؟

- جنگ اخیر مثل سایر بخش‌های حکومت به لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بر صداوسیما به عنوان بازوی تبلیغاتی حکومت، تأثیرات زیادی گذاشت، در آن روزها با یک دستپاچگی که به شلختگی هم انجامید سعی کردند روایت غالب و تأثیرگذار خود را در فضای رسانه داخل و خارج حاکم کنند که با توجه به غافلگیری که مانند تمام ارکان حکومت، گریبان آنها را هم گرفت عملاً موفق نشدند این ماموریت را انجام دهند. حتی با تناقض‌گویی‌های مکرر، شکست هم خوردند، شکست حکومت در بخش رسانه، کم از شکست نظامی و اطلاعاتی نیست. مدیران سازمان با توجه به احتمال درگیری مجدد و فضای جنگی حاکم بر جامعه و سازمان با جلسات متعدد با عنوان جلسات مدیریت بحران با مدیران و گروهی از برنامه‌سازان سعی در بازسازی این بازوی تبلیغاتی دارند.

● آیا آماری از تعداد واقعی مخاطبان صداوسیما حکومت و ریزش مخاطبان این سازمان در دست هست؟

- آمار دقیق هیچوقت ارائه نمی‌شود ولی به شکل قابل توجهی مخاطبین رادیو و تلویزیون کاهش پیدا کرده، ما در برنامه‌ها به اشکال مختلف مثل پیامک، تلفن و ایمیل از نظرات مخاطبین آگاه می‌شدیم. وقتی حجم این ارتباطات، کاهش معناداری پیدا می‌کرد، نشان از افت شنونده و بیننده داشت، برنامه‌ای که تا ماه پیش مثلاً ۲۰۰۰ پیامک و ۱۰۰ تلفن داشت یکباره این تعداد به یک سوم کاهش پیدا می‌کرد و این اتفاق در مورد بیشتر برنامه‌ها رخ می‌داد.

● کمی در مورد حساسیت‌های این دستگاه به علاقه و

رد درخواست آزادی مشروط ماشالله کرمی



● درخواست آزادی مشروط ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی شهروند معترض که در پی اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ اعدام شد، توسط شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان البرز رد شده است.

● پیشتر وکیل مدافع این زندانی سیاسی اعلام کرده بود، با توجه به اینکه ماشالله کرمی بیش از نصف دوران محکومیت حبس خود را تحمل کرده است، امکان آزادی مشروط وی وجود دارد.

درخواست آزادی مشروطه ماشالله کرمی پدر دادخواه زندانی رد شده است. آزادی مشروط او با توجه به گذشت بیش از نیمی از دوران محکومیت طبق قانون در نظر گرفته شده است.

خبرگزاری هرا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داده درخواست آزادی مشروط ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی شهروند معترض که در پی اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ اعدام شد، توسط شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان البرز رد شده است. خبرگزاری «هرا» نوشته بر اساس اطلاعات دریافتی از منابع آگاه روز گذشته، سهشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان البرز درخواست آزادی مشروط ماشالله کرمی را رد کرده است. این گزارش تأکید کرده که «پیشتر وکیل مدافع این زندانی سیاسی اعلام کرده بود، با توجه به اینکه آقای کرمی بیش از نصف دوران محکومیت حبس خود را تحمل کرده است، امکان آزادی مشروط وی وجود دارد».

ماشالله کرمی پس از پذیرش درخواست جمع احکام توسط مرجع قضایی به سه سال و هفت ماه حبس محکوم شد. او پیشتر در دو پرونده جداگانه مجموعاً به پنج سال و سه ماه حبس محکوم شده بود.

علی شریفزاده اردکانی وکیل ماشالله کرمی هفته سوم خردادماه امسال از پذیرش اعاده دادرسی موکل خود در دیوان عالی کشور خبر داده و گفته این پرونده اکنون به شعبه ارجاع شده است. وکیل ماشالله کرمی در گفتگو با وبسایت «امتداد» گفته بود: «حدود ۱۰ روز قبل، اعاده دادرسی پرونده موکل، ماشالله کرمی را ثبت کرده بودیم و برای پیگیری روند پرونده به همراه همسر ایشان به دیوان مراجعه کردیم. این اعاده دادرسی به شعبه ارجاع شده است».

این وکیل دادگستری افزوده بود: «با رئیس شعبه هم صحبت کرده و گفتیم که موکل، یک پدر داغدیده است که فرزند خود را از دست داده و البته الان درگیر محکومیت مضاعف شده است».

وکیل ماشالله کرمی توضیح داده بود که «توقیف اموال ماشالله کرمی، اعم از منزل مسکونی و اتومبیل شخصی، نباید انجام می‌شده است. چرا که این اموال از محل کمک‌های مردمی بوده و مردم با نیت خیرخواهانه به موکل کمک کرده‌اند».

او همچنین گفته بود «رفتاری که موکل انجام می‌داده، مطلقاً جرم علیه امنیت نبوده و صرفاً بر سر مزار فرزند خود حاضر می‌شده و غذای نذری تهیه می‌کرده است. خب! یک سری افراد هم که ماشالله کرمی، اساساً آن‌ها را نمی‌شناخته بر سر مزار فرزند ایشان حاضر شده و جهت ابراز همدردی با او ملاقات می‌کرده‌اند» به گفته وکیل ماشالله کرمی در پی حضور برخی شهروندان بر مزار محمدمهدی کرمی پیرو اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور» را به موکل منتسب کرده‌اند که واقعاً اینچنین نبوده

عادیست که کار را برای ما بسیار سخت می‌کرد.

این دقت نظر، در رادیو و چه در تلویزیون به یک شکل بود. می‌بایست محتوای برنامه از خطوط قرمز حکومت عبور نکند. نویسنده مطلبی خلاف سیاست‌های مطلوب نظام ننویسد و در تولید هم از عواملی که مورد تأیید سازمان از جمله بازیگر، خواننده، مهمان، کارشناس و مجری و از موسیقی که سازمان اجازه پخش آن را داده استفاده کند. در نهایت برنامه‌سازی در صداوسیما برای کسی که می‌خواهد کاری مستقل و با ارزش هنری و رسانه‌ای در جهت خواست و سلیقه مردم تولید کند کاری سخت و طاقت‌فرساست؛ کاری مشابه حرکت روی لبه تیغ است که بسیاری از همکاران من در سازمان، هنرمندان این خطر را به جان خریدند و می‌خرند.

● خودتان در سال‌هایی که در صداوسیما رژیتم فعالیت داشتید چه مواردی از اعمال سانسور را تجربه کردید؟

من تجربه‌های متعددی دارم؛ یک نمونه به سال ۸۸ در اوج جنبش سبز برمی‌گردد. آن سال برنامه‌ای در رادیو فرهنگ با عنوان «با ستاره‌ها» برنامه‌ای در ارتباط با جنگ ۸ ساله داشتیم که امروز از برنامه‌های شاخص رادیو به شمار می‌رود. در این برنامه که در هر قسمت به یکی از شهدای جنگ می‌پرداختم در بخش آغازین، نوشته‌ای از تولد تا انقلاب ۵۷ داشتیم که خیزش مردم در سال ۵۷ را دستمایه‌ای کرده بودم برای توصیف جنبش مردم بر ضد حکومت پیشین در شهرهای ایران و رفتار غیرانسانی «دیکتاتور» با ملت. روزی گزینش مرا خواست و با کمال تعجب برگه‌های متن برنامه را در پرونده دیدم؛ برگه‌هایی که نوشته بودم و گوینده در استودیو خوانده بود. مامور گزینش از من توضیح خواست که چرا اینجا از «دیکتاتور»، از «خیزش مردم»، از «کشتار مردم به دست دیکتاتور» و «عوامل‌اش» و «مخالفت مردم با حکومت» نوشتی؟! من مانده بودم چه بگویم و فقط خندیدم. مامور گزینش مکثی کرد و گفت سعی کن از کلمات «پهلوی» و «پادشاهی» هم در متن استفاده کنی؛ از «دیکتاتور» کمتر استفاده کن! ولی من باز از واژه «دیکتاتور» به تنهایی در نوشته‌هایم استفاده کردم.

● سال‌هاست ورود و خروج کارکنان و مهمانان زن به صداوسیما با کنترل و سختگیری شدید انجام می‌شود.

بله، نه تنها پوشش و آرایش خانم‌های کارمند زیر نظر حراست کنترل می‌شود بلکه پوشش و آرایش مهمان‌ها و کارشناسان برنامه‌ها هم زیر نظر حراست سازمان است. من برای برنامه خودم همسر یک شهید را دعوت کرده بودم که در یکی از روزهای زمستان، مهمان برنامه من بود. دقایقی پیش از ضبط برنامه با من تماس گرفت و اطلاع داد حراست مانع از ورود او شده به این دلیل که چکمه پوشیده بود! کاشت ناخن، داشتن لاک، خط لب ثابت و موارد مشابه با سختگیری حراست روبرو می‌شود. بارها پیش آمده بود که مهمان‌های رادیو و تلویزیون در مواجهه با این بی‌احترامی‌ها در بدو ورود از حضور در برنامه‌ها منصرف شده و از همان جلوی در سازمان از ورود خودداری کرده بودند.

پروتکل سازمان در مورد حجاب همچنان مثل گذشته است. کارمندان زن باید حجاب متعارف و مورد نظر سازمان یعنی مانتو و مقنعه را رعایت کنند. این موضوع در مورد پلتفرم‌های نمایش خانگی کمی تفاوت دارد، فیلم‌ها، سریال‌ها و مجموعه‌های سینمایی این پلتفرم‌ها کمی متفاوت با پروتکل سازمان تهیه و تولید می‌شوند، ممیزی در این پلتفرم‌ها کمتر و عوامل برنامه‌ساز کمی آزادانه‌تر عمل می‌کنند مثل سریال «تاسیان» که به تازگی آخرین قسمت آن پخش شد.

است. از سوی دیگر، کمک‌های مردمی هم به موکلم شده، اساساً مصداق پولشویی نبوده است.

علی شریفزاده اردکانی گفته بود «ما در این مرحله، اعاده دادرسی هر دو پرونده با عناوین اتهامی «اجتماع و تبانی» و «پولشویی» را ثبت کردیم. رفتار موکل، منطبق با عنصر مادی جرم اجتماع و تبانی و پولشویی نبوده است».

این وکیل دادگستری همچنین تأکید کرده بود که «شغل ایشان هم، دستفروشی بوده و به عنوان یک دستفروش، دستمال کاغذی می‌فروخته است. تصور می‌کنم که قاعدتاً باید در تیرماه، منتظر اتخاذ تصمیم از سوی مقام قضائی باشیم».

ماشالله کرمی ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ و چند روز مانده به نخستین سالگرد اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. مأموران امنیتی در زمان بازداشت این شهروند، تمام وسایل الکترونیکی را ضبط و کارت‌های بانکی خانواده وی را نیز مسدود کردند. پدر دادخواه در تاریخ ۶ آبان‌ماه همان سال، از بازداشتگاه اداره اطلاعات به زندان مرکزی کرج منتقل و پس از سه ماه بازداشت در قرنطینه به بند ۱۵ این زندان منتقل شد.

ماشالله کرمی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در بخشی دیگر از پرونده خود توسط دادگاه انقلاب کرج بابت اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس و از بابت اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده بود. بن حکم نهایتاً در اواخر شهریورماه، توسط دادگاه تجدید نظر استان البرز از بابت اتهام «اجتماع و تبانی» به سه سال و هفت ماه حبس و در خصوص اتهام تبلیغ علیه نظام به هشت ماه حبس کاهش یافت. با اینکه این پدر دادخواه حدود یک سال و نیم است که در زندان بسر می‌برد اما به دلیل محکومیت به سه سال و هفت ماه زندان در پرونده دیگر، همچنان در زندان محبوس خواهد ماند. ماشالله کرمی کارگر دستفروش است که پس از اعدام فرزندش به دادخواهی پرداخت. محمدمهدی کرمی ۲۱ ساله یکی از ۹ جوان معترض در جریان خیزش ملی ۴۰۱ بود که همگی توسط جمهوری اسلامی اعدام شدند. این جوان سحرگاه ۱۷ دی‌ماه ۱۴۰۱ با اتهام واهی قتل یک بسیجی به نام «روح‌الله عجمیان» به همراه سیدمحمد حسینی ۳۹ ساله به چوبه دار سپرده شد.

تصویب طرح آمریکا برای خلع سلاح حزب الله؛ عباس عراقچی: «مقاومت ایستادگی می‌کند»



نیروهای حزب الله سوار بر موتور در بیروت رژه می‌روند / رویترز

مجهز که توانایی مقابله با تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی اسرائیل را داشته باشد، حذف نیروی بازدارنده‌ای مانند حزب الله می‌تواند خلأی امنیتی در مناطق مرزی، به‌ویژه در جنوب و شرق لبنان ایجاد کند. این خلأ ممکن است موجب افزایش احتمال تجاوزات نظامی، تحرکات جاسوسی یا حتی اشغال دوباره بخش‌هایی از خاک لبنان توسط دشمنان خارجی شود. برخی تحلیلگران می‌گویند خلع سلاح حزب الله تنها رویارویی دولت لبنان و جمهوری اسلامی نیست، بلکه حکومت ایران را بیش از پیش مقابل غربی‌ها قرار می‌دهد.

طرح چهار مرحله‌ای خلع سلاح حزب الله

طرح چهار مرحله‌ای خلع سلاح حزب الله پیشنهاد توماس باراک فرستاده دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه بود. در مرحله نخست این طرح، دولت لبنان باید طی ۱۵ روز با صدور حکمی متعهد به خلع سلاح حزب الله شود؛ در همین مرحله، اسرائیل نیز باید عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی خود را متوقف کند.

در مرحله دوم، دولت لبنان باید طی ۶۰ روز اجرای برنامه خلع سلاح را آغاز کرده و برنامه‌ای برای استقرار ارتش در مناطق مشخص ارائه دهد. همزمان، اسرائیل از مواضعی در جنوب لبنان عقب‌نشینی کرده و زندانیان لبنانی را در هماهنگی با صلیب سرخ آزاد می‌کند.

در مرحله سوم، طی ۹۰ روز، اسرائیل باید از دو موضع باقی‌مانده عقب‌نشینی کند و همزمان، مقدمات بازسازی مناطق آسیب‌دیده آغاز شود. در مرحله چهارم نیز خلع سلاح کامل حزب الله از جمله انهدام موشک‌ها و پهپادها باید اجرا شود. به دنبال آن، کنفرانس اقتصادی با حضور آمریکا، عربستان سعودی، فرانسه، قطر و سایر کشورهای حامی، برای بازسازی لبنان و اجرای برنامه‌ای با عنوان «چشم‌انداز ترامپ» برگزار خواهد شد.

مقاومت را از کار بندازند، تلاش می‌کنند. علت آن روشن است، چرا که در میدان نبرد، توانمندی سلاح مقاومت برای همگان آشکار شده است.»

عراقچی همچنین افزود: «موضع‌گیری قاطع رهبر حزب الله و صدور بیانیه‌ای محکم نشان داد که حزب الله کاملاً در این قضیه ایستادگی خواهد کرد.» او در عین حال تأکید کرد تهران در تصمیم‌گیری‌های حزب الله مداخله نمی‌کند.

واکنش دولت لبنان

این مواضع با واکنش دولت لبنان مواجه شد و وزارت خارجه این کشور صحبت‌های عراقچی را محکوم کرد. این وزارتخانه در بیانیه‌ای تأکید کرد اظهارات عراقچی، «تعرض به حاکمیت، وحدت و ثبات لبنان» و «دخالت در امور داخلی و تصمیمات حاکمیتی» این کشور تلقی می‌شود.

در بخشی از این بیانیه آمده، «استفاده از این روابط برای ترویج یا حمایت از بازیگران داخلی که خارج از چارچوب دولت لبنان و نهادهای قانونی آن فعالیت می‌کنند، یا تلاش برای تضعیف دولت، کاملاً غیرقابل قبول است.»

شماری از هواداران حزب الله در اعتراض به تصویب خلع سلاح این گروه توسط دولت، در خیابان‌های بیروت دست به اعتراض زدند.

یهاب حماده نماینده حزب الله در مجلس لبنان گفته که «ما در موقعیتی نیستیم که سلاح را تحویل دهیم و این فقط یک توهم است.» حماده همچنین گفته است: «قانون اساسی ضرورت آزادسازی سرزمین‌ها را با تمام توان ما تصویب کرده است.»

روزنامه کیهان چاپ تهران در گزارشی می‌نویسد: «خلع سلاح حزب الله لبنان، به‌ویژه در شرایط ژئوپلیتیکی و امنیتی شکننده منطقه، می‌تواند به مرور وحدت سرزمینی لبنان را با خطر جدی مواجه کند. در نبود یک ارتش ملی قدرتمند و

● دولت لبنان روز پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) با طرح آمریکا برای خلع سلاح حزب الله موافقت کرد. ساعاتی پس از تصویب طرح خلع سلاح حزب الله در نشست دولت لبنان، شماری از حامیان این گروه در خیابان‌های بیروت دست به اعتراض زدند.

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی شامگاه ۱۵ مرداد در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد حزب الله به خلع سلاح تن نخواهد داد.

● یهاب حماده نماینده حزب الله در مجلس لبنان گفته که «ما در موقعیتی نیستیم که سلاح را تحویل دهیم.»

● روزنامه کیهان چاپ تهران می‌نویسد، «حذف نیروی بازدارنده‌ای مانند حزب الله می‌تواند خلأی امنیتی در مناطق مرزی، به‌ویژه در جنوب و شرق لبنان ایجاد کند. این خلأ ممکن است موجب افزایش احتمال تجاوزات نظامی، تحرکات جاسوسی یا حتی اشغال دوباره بخش‌هایی از خاک لبنان توسط دشمنان خارجی شود.»

دولت لبنان روز پنجشنبه ۷ اوت (۱۶ مرداد) با طرح آمریکا برای خلع سلاح حزب الله موافقت کرد. ساعاتی پس از تصویب طرح خلع سلاح حزب الله در نشست دولت لبنان، شماری از حامیان این گروه در خیابان‌های بیروت دست به اعتراض زدند.

حزب الله اعلام کرده است، تصمیم خلع سلاح مقاومت به نفع اسرائیل است و دولت لبنان اشتباه بزرگی را مرتکب شده است. نعیم قاسم دبیرکل حزب الله گفته بود: «اگر سلاحمان را تحویل دهیم، تجاوز متوقف نخواهد شد.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی شامگاه ۱۵ مرداد در مصاحبه با صداوسیما جمهوری اسلامی اعلام کرد حزب الله به خلع سلاح تن نخواهد داد. او گفت: «این بار اول نیست که برای خلع سلاح حزب الله و اینکه سلاح

اعتصاب کارگران پتروشیمی رازی با وجود تهدید و احضار و ممنوعیت ورود به محل کار



انجام نشدن وعده‌های کارفرما ناچار به اعتصاب می‌شوند.» منابع کارگری گزارش داده‌اند که این اعتصاب با سرکوب معترضان از سوی حراست پتروشیمی روبرو شده است. شب گذشته و در پایان چهارمین روز از اعتصاب، حراست پتروشیمی رازی، در هماهنگی با دادستانی ماهشهر، شماری از کارگران با سابقه این شرکت را نیمه‌شب از محل کار اخراج و از شرکت بیرون کرد.

به گزارش منابع کارگری، در روز سه‌شنبه ۲۱ امرداد، در اقدامی سرکوبگرانه دیگری ۷۵ نفر از کارگران اعتصاب‌کننده که در شیفت روز کار می‌کردند با دخالت نیروهای حراست پتروشیمی به دادستانی ماهشهر احضار شدند و پس از چهار ساعت تهدید و ارباب از آنها تعهدنامه‌ای مبنی بر بازگشت به سر کار گرفته شد. کارگران اعتصاب‌کننده گفته‌اند: «ما خانواده داریم، هزینه‌های زندگی هر روز سنگین‌تر می‌شود و هیچکس از ما حمایت نمی‌کند. نیاز به کمک فوری و حمایت جدی داریم.»

کارگران معترض همچنین گفته‌اند: «اسفند سال قبل نامه‌ای خطاب به اداره کار نوشتم، حدود بیست روز پیش هم یک اعتراض صنفی ترتیب دادیم؛ آن زمان مقامات اداره کار قول دادند که کارها را روبراه می‌کنند و دریافتی ما افزایش می‌یابد اما به این وعده عمل نکردند.»

خبرگزاری «ایلنا» نیز گزارش داده اداره کار ماهشهر نسبت به اعتراضات اخیر و مشکلات کارگران ابراز بی‌اطلاعی کرده و با گذشت پنج روز از اعتصاب کارگران پیگیری لازم را به عمل نیاورده است. به گزارش خبرگزاری «ایلنا» شورای تأمین استان نیز مصوباتی درباره ضرورت بهبود وضعیت کارگران پتروشیمی رازی داشته که تا کنون به آنها عمل نشده است. بر اساس این مصوبات باید مزایای مزدی کارگران ارکان ثالث پتروشیمی رازی افزایش یابد.

معارض در پتروشیمی روبرو شده است. به گزارش منابع صنفی، کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «پتروشیمی رازی» از روز شنبه ۱۸ امرداد در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا و پایین بودن حقوق دریافتی نسبت به سایر پتروشیمی‌های منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر اعتصاب کرده‌اند.

یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته است: «بر اساس صورتجلسه‌ای که سه سال پیش میان نمایندگان شرکت پتروشیمی رازی و نمایندگان کارگری به امضا رسید، توافق شده بود که هر مورد و مزایایی که در منطقه ویژه اقتصادی به تصویب می‌رسد، حداکثر ظرف سه ماه به کارکنان این شرکت پرداخت شود.»

این منبع آگاه افزود: «در روزهای چهارم و پنجم امرداد کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی رازی با خواست چند مورد افزایش مزایا از جمله «حق جذب» و پرداخت مبلغ ۱۷۰۰ میلیون تومان که در مجموعه هلدینگ خلیج فارس تصویب و در سایر شرکت‌های منطقه ویژه به کلیه پرسنل رسمی و پیمانکاری پرداخت شده بود، دست به اعتصاب زدند. با وجود اجرای این مصوبه در سایر شرکت‌ها، پتروشیمی رازی از پرداخت این حق و حقوق خودداری کرده است.» به گفته‌ی او، «هفته گذشته جلسه‌ای در فرمانداری ماهشهر برگزار شد و مقرر گردید شرکت تا ۱۵ همین‌ماه محاسبات را انجام داده و مبالغ را به پرسنل پرداخت کند. اما این تعهد عملی نشد و از روز شنبه مجدداً کارگران دست به اعتصاب زدند.»

این منبع آگاه به کیهان لندن گفته: «اکنون بیش از ۳۰۰ نفر از پرسنل رسمی و پیمانکار در اعتصاب بسی می‌برند و تا کنون هیچکس از مسئولان شرکت پاسخگو نبوده‌اند. این در حالیست که این چندمین بار است که کارگران به دلیل

● کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «پتروشیمی رازی» از روز شنبه ۱۸ امرداد در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا و پایین بودن حقوق دریافتی نسبت به سایر پتروشیمی‌های منطقه ویژه اقتصادی بندر ماهشهر اعتصاب کردند.

● یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته: «اکنون بیش از ۳۰۰ نفر از پرسنل رسمی و پیمانکار در اعتصاب بسی می‌برند و تا کنون هیچکس از مسئولان شرکت پاسخگو نبوده‌اند. این در حالیست که این چندمین بار است که کارگران به دلیل انجام نشدن وعده‌های کارفرما ناچار به اعتصاب می‌شوند.»

● در پایان چهارمین روز از اعتصاب، حراست پتروشیمی رازی، در هماهنگی با دادستانی ماهشهر، شماری از کارگران با سابقه این شرکت را نیمه‌شب از محل کار اخراج و از شرکت بیرون کرد.

● به گزارش منابع کارگری در روز سه‌شنبه ۲۱ امرداد، در اقدامی سرکوبگرانه دیگری ۷۵ نفر از کارگران اعتصاب‌کننده که در شیفت روز کار می‌کردند با دخالت نیروهای حراست پتروشیمی به دادستانی ماهشهر احضار شدند و پس از چهار ساعت تهدید و ارباب از آنها تعهدنامه‌ای مبنی بر بازگشت به سر کار گرفته شد.

● خبرگزاری «ایلنا» نیز گزارش داده اداره کار ماهشهر نسبت به اعتراضات اخیر و مشکلات کارگران ابراز بی‌اطلاعی کرده و با گذشت پنج روز از اعتصاب کارگران پیگیری لازم را به عمل نیاورده است.

کارگران شاغل در شرکت‌های پیمانکاری «پتروشیمی رازی» در بندر ماهشهر از پنج روز پیش به علت پرداخت نشدن مزایای شغلی پیش‌بینی شده در قانون اعتصاب کرده‌اند. این اعتصاب با تهدید، احضار و جلوگیری از حضور کارگران

«خبردرمانی» دولت پزشکيان درباره FATF؛ مذاکراتی بی ثمر در سایه تحریم

● علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی گفته پس از تصویب کنوانسیون پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام، FATF از ایران برای مذاکره دعوت کرده است. ● وحید شقاقی شهری معتقد است: «واقعیت این است که تا زمانی که مسائل سیاسی با طرف آمریکایی به نتیجه نرسد، مسئله مذاکرات فنی و حقوقی با اعضای FATF هم به نتیجه نخواهد رسید.»

در حالی که دولت پزشکيان و حامیانش درباره احتمال مذاکره جمهوری اسلامی با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) تبلیغات گسترده‌ای راه انداخته‌اند، کارشناسان اقتصادی این مذاکرات را تا حل نشدن وضعیت مذاکرات هسته‌ای و عدم توافق جمهوری اسلامی با ایالات متحده بی‌فایده ارزیابی کرده و تبلیغات دولت را «خبردرمانی» می‌دانند.

هفته گذشته رسانه‌های داخلی خبر دادند که رئیس مرکز اطلاعات مالی کشور خبر داد که گروه ویژه اقدام مالی (FATF) پس از شش سال از جمهوری اسلامی برای انجام مذاکرات حضوری دعوت رسمی کرده است. بر این اساس هادی خانی دبیر شورای عالی پیشگیری و مقابله با جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم برای مذاکره دعوت شده است. وی این مذاکرات مستقیم در مسیر عادی‌سازی پرونده ایران، تعلیق اقدامات تقابلی و خروج کشورمان از فهرست کشورهای پرخطر موسوم به لیست سیاه FATF بعد از حدود ۶ سال در شهر مادرید اسپانیا برگزار خواهد شد.

علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی نیز جمعه شب گذشته با تأیید این خبر گفت که پس از تصویب کنوانسیون پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام، FATF از ایران برای مذاکره دعوت کرده است.

برخی از تحلیلگران امیدوار شدند که این خبر بر بازار بورس و ارز و طلا اثر بگذارد و روند ریزش پی‌درپی بازار بورس متوقف و قیمت‌ها در بازار ارز و طلا کاهش پیدا کند. بازار بورس اما امروز دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ با ریزش شاخص روبرو شد. شاخص کل با ریزش ۱۱ هزار و ۵۰۹ واحدی معادل ۰/۴۵ درصدی به سطح ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار و ۸۰۴ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز با سقوط یک هزار و ۸۰۶ واحدی معادل ۰/۲۳ درصد به رقم ۷۸۰ هزار و ۱۷۲ واحد رسید که نشان‌دهنده فضای منفی حاکم بر کلیت بازار است.

همچنین خروج ۱۴۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار ثبت شده است که نشانه خروج سرمایه‌گذاران خرد و افزایش فشار فروش است.

تحلیلگران بازار ارز هم می‌گویند شاید مذاکره میان جمهوری اسلامی و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) سبب کاهش جزئی قیمت‌ها در بازار ارز شود اما در صورت عدم توافق میان جمهوری اسلامی و آمریکا و با تداوم تحریم‌ها قیمت‌ها در بازار ارز همچنان افزایشی خواهد بود.

ایران از اسفندماه ۱۳۹۸ به فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف اضافه شده است. قرار داشتن در فهرست سیاه محدودیت‌های گسترده‌ای برای انجام تبادلات بانکی و مالی شرکت‌ها و تجار ایرانی با دیگر کشورها ایجاد کرده است.

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) دارای ۳۹ عضو اصلی است که شامل کشورهای توسعه‌یافته و مراکز مالی بزرگ جهان می‌شود. تلاش‌ها برای خروج ایران از فهرست سیاه این گروه از دولت ابراهیم رئیسی آغاز و در دولت مسعود پزشکیان ادامه



گفت‌وگو با نمایندگان FATF را آغاز کنیم، مسائل فنی و حقوقی در حاشیه و اصل بر مسائل سیاسی است.»

این اقتصاددان معتقد است در مجموع آنچه اتفاق می‌افتد «فایده» نخواهد داشت: «از آنجایی که مسیر عضویت ایران طی نخواهد شد، FATF هم هیچ سودی نخواهد داشت، چون اساساً به وقوع نمی‌پیوندد. الان طرف ایرانی می‌رود و با نمایندگان FATF شروع به بحث‌های فنی و حقوقی می‌کند. به فرض اگر کنوانسیون CFT را هم بپذیریم، مذاکراتی که ما با نمایندگان FATF خواهیم داشت برای ما فایده‌ای ندارد چراکه طرف آمریکایی و اسرائیلی مانع آن خواهند شد.»

به عقیده این اقتصاددان، مذاکرات با نمایندگان FATF صرفاً به عنوان یک خبر در طرف ایرانی مطرح شده است و «واقعیت این است که تا زمانی که مسائل سیاسی با طرف آمریکایی به نتیجه نرسد، مسئله مذاکرات فنی و حقوقی با اعضای FATF هم به نتیجه نخواهد رسید.»

او همچنین گفته «وقتی به کنوانسیون ملحق می‌شوید باید پاسخگو باشید. به عنوان مثال ما عضو NPT هستیم و باید پاسخگو باشیم مگر اینکه بخواهیم از آن خارج شویم که آن هم هزینه‌ای دارد. مثلاً طرف ایرانی دارد تهدید می‌کند که اگر اروپایی‌ها مکانیسم ماشه را فعال کنند ما از NPT خارج می‌شویم. این هم مانند کنوانسیون CFT است. یعنی وقتی ما عضو آن می‌شویم، یک بار فنی حقوقی و سیاسی برابمان دارد و باید پاسخگو باشیم. در واقع ما چیزی گیرمان نمی‌آید و باید پاسخگو هم باشیم.»

این اقتصاددان نیز بر «خبردرمانی» بودن موج تبلیغاتی دولت تأکید کرده و گفته «با این تفاسیل، خبر وزیر اقتصاد مبنی بر دعوت FATF از ایران در حد یک خبر درمانی می‌تواند باشد، اما در عالم واقعیت چیزی نصیب ایران نخواهد شد. گفتگوهایی انجام می‌شود ولی برای ما فایده‌ای نخواهد داشت چون توان خروج ایران از لیست سیاه وجود ندارد. مذاکرات باید خارج از بحث کنوانسیون‌ها و از زاویه سیاسی پشت پرده صورت گیرد، کاری که همه کشورها انجام دادند.»

یافته است. با اینهمه حتی در صورت توافق میان جمهوری اسلامی و گروه ویژه اقدام مالی، به چند سال زمان نیاز است تا ایران از فهرست سیاه و سپس خاکستری این گروه خارج شود. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد تبلیغات گسترده دولت و رسانه‌های حامی دولت درباره خبر دعوت از جمهوری اسلامی به مذاکرات گروه ویژه اقدام مالی با هدف «خبردرمانی» در داخل کشور صورت گرفته باشد.

وحید شقاقی شهری اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در گفتگو با وبسایت «اقتصاد ۲۴» در پاسخ به این پرسش که «با وجود تحریم‌ها و احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه، آیا FATF می‌تواند در اقتصاد کشور اثرگذار باشد؟» گفته «باید در نظر داشته باشیم که پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد ولی CFT همچنان در مجمع مانده و به تصویب نرسیده است.»

او افزوده «حتی اگر مسائل فنی و حقوقی FATF را حل کنیم، تا زمانی که مسائل سیاسی‌اش با آمریکا حل نشود، اصلاً به نتیجه نخواهد رسید. به این دلیل که ۳۹ کشور عضو FATF برای پیوستن باقی کشورها تصمیم می‌گیرند. در بین اعضا، آمریکا حضور دارد و از سال ۲۰۱۸ اسرائیل هم جزو آن ۳۹ کشور شده است.»

وحید شقاقی شهری گفته «حتی کشورهایی مانند ایسلند و آرژانتین که با مسئله تحریم مواجه نبودند و روابط حسنه‌ای هم با آمریکا داشتند، زمانی که می‌خواستند از گروه سیاه به خاکستری و از آنجا به گروه سفید ارتقاء پیدا کنند، گرفتاری‌های زیادی برایشان ایجاد شد و آمریکا به راحتی حاضر به پذیرش نمی‌شد.»

این اقتصاددان با بیان اینکه همه ۳۹ کشور عضو باید رای مثبت دهند و اگر یکی از آنها مخالف باشد، مسیر خروج از لیست سیاه طی نخواهد شد، افزوده «اگر مسیر FATF را پیش از سال ۲۰۱۸ طی می‌کردیم، مسیر هموار بود چراکه با آمریکا قرارداد برجام را بسته بودیم و اسرائیل هم جزو دولت‌های تصمیم‌گیر نبود. اکنون هم اسرائیل اضافه شده و هم آمریکا مدام تحریم‌ها علیه ایران را افزایش می‌دهد؛ بنابراین حتی اگر CFT هم تصویب شود و حتی اگر

افزایش هروئین و شیشه کاهش مصرف تریاک در ایران



در ایران پنج استان سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، بوشهر و خراسان جنوبی بیشتر از سایر استان‌ها درگیر قاچاق مواد مخدر هستند

با مواد مخدر در ایران از جمله ممنوعیت کشت خشخاش و تأثیر آن بر نیاز دارویی کشور انتقاد کرد و گفت: «با کنار گذاشتن ظرفیت داخلی، زمینه را برای توسعه کشت و صادرات افغانستان فراهم کرده‌ایم در حالی که اکنون ناچاریم تریاک ناخالص و بی‌کیفیت وارد کنیم، با اینکه امکان تولید داخلی، تحت کنترل و با کیفیت بالا وجود دارد.»

او با اشاره به قانون مصوب سال ۱۳۴۷ تأکید کرد که ایران در گذشته طرح مشخصی برای کشت محدود و کنترل شده خشخاش با هدف تأمین نیازهای دارویی داخلی داشته است. اما این ظرفیت در سال‌های اخیر نادیده گرفته شده است. وی ادامه داد: «ما به ۶۰۰ تن تریاک نیاز داریم، آن هم فقط برای مصارف دارویی! الان داروسازهای ما با مشکل مواجه شده‌اند. این مسئله‌ای ملی است و اصلاً ربطی به اعتیاد ندارد چون اعتیاد در حال حاضر شکل صنعتی پیدا کرده است.» اجرای چنین طرحی با چالش‌هایی مواجه است. از جمله نگرانی از نشت مواد به بازار آزاد، خطر افزایش مصرف در جامعه و رشد جرایم مرتبط با مواد مخدر.

سیاست‌های شدید دولت علیه مصرف مواد مخدر، اگرچه سنت‌های قدیمی استفاده تریاک را از بین برد، اما نتوانست اعتیاد به این ماده را به طور کامل مهار کند.

دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر در نشست خبری خود با اشاره به وضعیت اعتیاد در ایران گفت: «بر اساس شیوع شناسی انجام شده در سال ۱۳۹۴، ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در کشور معتاد شناخته شدند و یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر نیز بر پایه روش تحقیقی، مصرف تفننی را گزارش کردند، البته با توجه به تحقیقات سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲، افزایش نسبی در این زمینه دیده شده است.»

رضا ملک زاده معاون پیشین وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در ۱۳ خرداد ۱۴۰۴ در مورد مصرف تریاک در ایران گفته بود که «بیشترین میزان مصرف تریاک جهان در ایران است و حدود ۴۵ درصد تریاک دنیا در ایران مصرف می‌شود.» وی افزود: «بر اساس پژوهش یک تیم ۱۰۰ نفره مشخص شد که حدود ۱۰ درصد افراد بالای چهل سال در ایران به روش‌های مختلف تفننی و اعتیاد از تریاک استفاده می‌کنند.»

حل نکرد. افزایش تولید تریاک در افغانستان و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ در پاکستان، باعث شد ایران به یکی از مسیرهای اصلی ترانزیت تریاک به سمت پالایشگاه‌های غیرقانونی هروئین واقع در مسیر بالکان تبدیل شود.

عمده مواد مخدر مورد نیاز شرکت‌های داروسازی کشور طی چند دهه گذشته از محل کشفیات مواد مخدر و بخشی هم از طریق واردات انجام شده است، یک تغییر رویکردی هم در کشورهای تولیدکننده همسایه اتفاق افتاده که بر اساس یافته‌های پلیس مبارزه با مواد مخدر فراجا، در سال گذشته کشفیات مخدرهای روان‌گردان از جمله شیشه و هروئین به شدت افزایش یافته و از سوی دیگر کشفیات تریاک بسیار کاهش یافته است حال آنکه عمده منبع تأمین مواد مخدر دارویی کشور از این ماده بوده است.

ذوالفقاری با بیان اینکه یکی از مشکلات موجود، تأمین نیازهای دارویی کشور است، گفته: «عمده مواد مخدر مورد نیاز شرکت‌های داروسازی کشور طی چند دهه گذشته از محل کشفیات مواد مخدر و بخشی هم از طریق واردات انجام شده است، یک تغییر رویکردی هم در کشورهای تولیدکننده همسایه اتفاق افتاده که بر اساس یافته‌های پلیس مبارزه با مواد مخدر فراجا، در سال گذشته کشفیات مخدرهای روان‌گردان از جمله شیشه و هروئین به شدت بیشتر و از سوی دیگر مصرف تریاک بسیار کاهش یافته است حال آنکه عمده منبع تأمین مواد مخدر دارویی کشور از محل کشفیات تریاک بوده است.»

با روی کار آمدن مجدد طالبان در سال ۱۴۰۱، «استعمال و انتقال، خرید و فروش، واردات و صادرات و فعالیت کارخانه‌های تولید هر گونه مواد نشئه آور الکلی و مخدر» ممنوع اعلام شد. طالبان در دوره پیشین سلطه بر افغانستان نیز کشت خشخاش را منع کرد که منجر به کاهش محسوس سطح زیر کشت خشخاش در سال ۲۰۰۱ شد ولی پس از آن بار دیگر کشت خشخاش در این کشور روندی صعودی به خود گرفت و از ۸ هزار هکتار به ۳۲۸ هزار هکتار در سال ۲۰۱۷ رسید. رضا سپهوند، نماینده خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی در اواسط اردیبهشت ۱۴۰۴، از سیاست‌های مبارزه

● ۴۵ درصد مصرف تریاک جهان در ایران است.

● در پی کاهش واردات تریاک از افغانستان و افزایش نیاز دارویی ایران، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر از احتمال صدور مجوز کشت کنترل شده خشخاش برای مصارف دارویی در ایران خبر داد. موضوعی که پس از بیش از چهار دهه ممنوعیت، بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاده است.

دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر روز سه شنبه چهاردهم مردادماه در نشست خبری خود از احتمال صدور مجوز کاشت و برداشت تریاک در ایران خبر داده و گفته است که طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی، ایران اجازه کشت این گیاهان را برای مصارف دارویی دارد.

حسین ذوالفقاری «کاهش کیفیت و خلوص مواد کشف‌شده، افزایش نیازهای دارویی کشور، و کاهش واردات تریاک از افغانستان» را از دلایل دنبال کردن کاشت تریاک در ایران دانسته است.

به گفته او، طرح کشت تحت کنترل خشخاش و سایر گیاهان مخدر پایه برای استفاده صنعتی و دارویی تهیه شده و منتظر تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر به ریاست مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری اسلامی است.

به گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ایران در سال ۱۳۵۷، نزدیک به ۳۳ هزار هکتار سطح زیر کشت خشخاش داشت و از ۸۰ سال پیش و با امضای پروتکل ۱۹۵۳، در گروه ۷ کشور مجاز به کشت خشخاش و مصرف تریاک برای صنعت دارو بوده و در راستای تعهد به این پروتکل جهانی، تا دهه ۱۳۵۰ نیز، خشخاش برای مصارف دارویی در داخل کشور کشت می‌شده است.

به گفته حسین ذوالفقاری، بعد از سال ۱۳۵۷، کشت خشخاش با مصوبه شورای انقلاب ممنوع شد و «ایران به صورت داوطلبانه از حق قانونی خود برای کشت این گیاه صرف‌نظر کرده» و پس از اقدامات سریع نهادهای انتظامی، کشت خشخاش به طور کامل تا یکی دو سال بعد از آن ریشه کن شد. کاهش کشفیات تریاک در مقابل افزایش شیشه و هروئین با این حال، این اقدام مشکل مواد مخدر را برای ایران

صد استارت آپ اقتصاد دیجیتال ایران خواستار پایان دادن به محدودیت‌های اینترنتی شدند



و بازجویی فعالان» اعلام شده بود. پایان دادن به فیلترینگ و از بین بردن محدودیت‌های اینترنتی و سانسور از جمله مهمترین وعده‌های انتخاباتی مسعود پزشکیان بود. برخلاف وعده‌های پزشکیان و حامیان او، با گذشت یک سال از عمر دولت چهاردهم فیلترینگ و دیگر محدودیت‌های اینترنتی افزایش یافته است و دولت و مجلس شورای اسلامی نیز به دنبال تشدید محدودیت‌ها هستند. در یکی از آخرین اقدامات، طرح جدیدی با عنوان «نظام‌بخشی فضای مجازی» در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که هدف آن تشدید سرکوب‌های اینترنتی شهروندان و محدود کردن دسترسی آنها به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است.

حسنعلی اخلاقی امیری عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی درباره این طرح گفته «طرح نظام‌بخشی فضای مجازی پیش از این در کارگروه هنر، رسانه و فضای مجازی در دست تدوین بود. قرار بود مواد این طرح در لایحه دولت برای برخورد با اخبار خلاف واقع در فضای مجازی دیده شود. اما زمانی که دولت لایحه را پس گرفت، کارگروه مجدداً آن را در دستور قرار داده است.»

حسنعلی حاجی دلپایانی نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی گفته این طرح در مورد ایجاد سطح دسترسی یا همان اینترنت طبقه‌بندی صحبت می‌کند.

احمد بخشایش اردستانی از دیگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز نظری مشابه حسنعلی حاجی دلپایانی داشته و می‌گوید هدف اصلی طرح ایجاد اینترنت طبقه‌بندی و کنترل کامل بر فعالیت پلتفرم‌های خارجی است؛ مسیری که پیش‌تر نیز در طرح‌های صیانت و ساماندهی پیام‌رسان‌ها دنبال شده بود.

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی این طرح با مشارکت کارگروه «هنر، رسانه و فضای مجازی» در مجلس شورای اسلامی که ریاست آن را حمید رسایی، نماینده اصولگرای تهران بر عهده دارد تدوین شده است.

امضاکنندگان افزوده‌اند «اینترنت آزاد و پرسرعت برای تمام مردم ایران»، ریشه‌ی درخت اقتصاد دیجیتال کشور و امید جوانان برای خلق آینده‌ای روشن‌تر است. در پایان بیانیه تأکید شده «ما فعالان اقتصاد دیجیتال کشور انتظار داریم هرچه سریع‌تر شاهد اقدامات عملی در این حوزه باشیم.»

هفته گذشته نیز انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز در بیانیه‌ای کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داد. انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی با هشدار نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور تأکید کرد که این اقدامات می‌تواند به تعطیلی، ورشکستگی و مهاجرت گسترده نیروهای انسانی متخصص منجر شود.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی با محکوم کردن این روند، خطاب به نهادهای حکومتی خواستار بازنگری فوری در تصمیمات شده و هشدار داد که «اکوسیستم استارت‌آپی کشور در شرایطی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر قرار گرفته که ادامه این روند می‌تواند آخرین رمق‌های آن را از بین ببرد. وضعیت کنونی نیازمند به تأمل و چاره اندیشی فوری مسئولین و تصمیم‌سازان در بدنه حاکمیت است.»

چند روز پیش‌تر نیز مدیران و بنیانگذاران شرکت‌های دیجی‌کالا، علی‌بابا، صبا ایده، تخفیفان، نویبتکس، دیوار، کافه‌بازار، بلد و ابرآروان در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی در این بخش بسیار مهم اقتصاد و تجارت شدند.

در این نامه تأکید شده بود با روایت‌سازی و اتهام‌زنی، استارت‌آپ‌ها به عنوان پروژه‌های «تغییر و نفوذ» معرفی شدند، و اینگونه بخش‌های مختلف اکوسیستم تحت فشار قرار گرفتند.

نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، با تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با یورش به دفاتر شرکت‌ها

روابط عمومی انجمن تجارت الکترونیک تهران گزارش داده که بیش از ۱۰۰ شرکت و استارت‌آپ پیش‌رو در اقتصاد دیجیتال کشور، با امضای بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به سیاست‌های محدودکننده اینترنت شدند.

بیش‌تر مدیران و بنیانگذاران شرکت‌های دیجی‌کالا، علی‌بابا، صبا ایده، تخفیفان، نویبتکس، دیوار، کافه‌بازار، بلد و ابرآروان هم در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی در این بخش بسیار مهم اقتصاد و تجارت شده بودند.

بیش از ۱۰۰ شرکت و استارت‌آپ پیش‌رو در اقتصاد دیجیتال کشور، با امضای بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به سیاست‌های محدودکننده اینترنت شدند. رفع فیلترینگ از مهمترین شعارهای انتخاباتی مسعود پزشکیان بود اما با گذشت یک سال نه تنها محدودیت‌های اینترنتی افزایش یافته بلکه نگاه امنیتی بر اقتصاد دیجیتال کشور تشدید شده است.

روابط عمومی انجمن تجارت الکترونیک تهران گزارش داده که بیش از ۱۰۰ شرکت و استارت‌آپ پیش‌رو در اقتصاد دیجیتال کشور، با امضای بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به سیاست‌های محدودکننده اینترنت شدند.

در این بیانیه آمده «ما صد شرکت و استارت‌آپ پیش‌روی اقتصاد دیجیتال کشور، خواستار پایان دادن قطعی به سیاست‌های محدودکننده اینترنت و ضد امنیتی کشور هستیم.»

این بیانیه افزوده «رفع فیلتر شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های آموزشی و مهارتی پربازدید، افزایش سرعت و پهنای باند بین‌الملل و رفع محدودیت پروتکل‌های نو ظهور از جمله HTTP ۳.۰ و IPV۶ مطالبه‌ی جدی ما است.»

در بخشی از بیانیه آمده طولانی شدن روند رفع فیلتر و محدودیت‌ها علی‌رغم وعده‌های رییس‌جمهور و موضع‌گیری‌های وزارت ارتباطات، منجر به صدمات امنیتی، بی‌اعتمادی گسترده و طولانی شدن آسیب‌های جبران‌ناپذیر به اقتصاد دیجیتال کشور شده است.

اعتراض انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی به تشدید محدودیت‌ها در اقتصاد دیجیتال

اقدامی بی‌سابقه، دستور کناره‌گیری و حذف بنیان‌گذار یکی از پلتفرم‌های اصلی کشور، دیوار، رسماً مطرح شده است. در ادامه آمده بود «نتیجه این روند، تضعیف یکی از پویاترین زیست‌بوم‌های نوآوری در تاریخ ایران است. موجی که روزگاری الهام‌بخش جوانان برای ماندن و ساختن بود، اکنون به واسطه بدبینی و فشار مستمر، رو به خاموشی است. در شرایطی که کشورهای منطقه با شتاب در حال تبدیل شدن به قطب‌های نوآوری و هوش مصنوعی هستند، ایران در حال از دست دادن سرمایه انسانی، فرصت‌های اقتصادی، و انگیزه در نسل جدید است.»

نویسندگان هشدار داده بودند که «امروز مهاجرت، نه فقط فردی، بلکه به صورت گروهی و سازمانی از سوی تیم‌ها و شرکت‌های گوناگون دنبال می‌شود، و در مقام تنها راه باقی‌مانده برای تداوم فعالیت تلقی می‌گردد.»

در بخش دیگری از نامه با طرح این پرسش که «برجسب‌زنی با عنوان «تغییر و نفوذ» چه فرصت‌هایی را از کشور گرفته است؟» آمده بود «ما بر این باوریم که ادامه این مسیر، به معنای خاموش کردن نیروی محرکه رشد اقتصادی و تضعیف عامدانه نوآوری و سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری کشور است.»

فعالان بخش تجارت الکترونیک ایران در حالی درباره نگاه امنیتی حاکم بر این بخش که پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی تشدید شده انتقاد دارند که در آنسو محدودیت‌ها و اختلال‌های اینترنتی نیز کسب و کارهای فعال در اقتصاد دیجیتال ایران را با خسارت گسترده روبرو کرده است. انجمن تجارت الکترونیک ایران به تازگی در گزارشی اعلام کرده اختلال و مسدودماندن پروتکل‌های مهم اینترنت در زمان شروع جنگ جمهوری اسلامی و اسرائیل و دوران آتش‌بس نیز بیشتر شده و همزمان با شروع جنگ در ۲۳ خردادماه اختلال‌های جدید روی اینترنت شروع شده و در روز ۲۴ خرداد به اوج خود رسیده است.

بر اساس این گزارش ایران بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان ۱۰۰ کشور اول GDP یا همان بزرگترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد. این گزارش افزوده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد.

ستار هاشمی وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی نیز کاهش ۳۰ درصدی اشتغال در اقتصاد دیجیتال ایران پس از جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی و اسرائیل را به علت اختلال در اینترنت تأیید کرده است.

پلتفرم «دیوار» نیز تیرماه امسال در گزارشی در مورد قطع و اختلال اینترنت اعلام کرده که اختلالات و قطع پی در پی اینترنت جهانی، دیگر یک مشکل فنی ساده نیست؛ بلکه به نظر می‌رسد نتیجه سیاست‌گذاری‌های سیستماتیک است که در حال تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور است.

پلتفرم «دیوار» در این گزارش با تحلیل پیامدهای عمیق و کمتر مطرح شده در همین ارتباط نوشته قطع اینترنت نه تنها کسب و کارهایی مانند دیوار را به شدت متأثر می‌کند، بلکه یادگیری، آموزش و پایه‌های رشد سرمایه انسانی کشور را نیز مختل می‌سازد؛ همانایی که ستون‌های اصلی توسعه شرکت‌هایی چون دیوار در سال‌های آتی هستند.



کسب‌وکارهای اینترنتی این دامنه بیش از یک ماه است که در ایران مسدود شده و در نتیجه، کاربران با کلیک روی تبلیغات به سایت مقصد هدایت نمی‌شوند و یکی از مهمترین ابزارهای بازاریابی آنلاین از دسترس کسب‌وکارهای داخلی خارج شده است.

انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی در پایان این بیانیه با محکوم کردن این روند، خطاب به نهادهای حکومتی خواستار بازنگری فوری در تصمیمات شده و هشدار داده که «اکوسیستم استارت‌آپی کشور در شرایطی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر قرار گرفته که ادامه این روند می‌تواند آخرین رمق‌های آن را از بین ببرد. وضعیت کنونی نیازمند به تأمل و چاره اندیشی فوری مسئولین و تصمیم‌سازان در بدنه حاکمیت است.»

هفته گذشته نیز مدیران و بنیانگذاران شرکت‌های دیجی‌کالا، علی‌بابا، صبا ایده، تخفیفان، نویبتکس، دیوار، کافه‌بازار، بلد و ابرآروان در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی در این بخش بسیار مهم اقتصاد و تجارت شدند.

در این نامه تأکید شده بود با روایت‌سازی و اتهام‌زنی، استارت‌آپ‌ها به عنوان پروژه‌های «تغییر و نفوذ» معرفی شدند، و اینگونه بخش‌های مختلف اکوسیستم تحت فشار قرار گرفتند.

نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، با تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با یورش به دفاتر شرکت‌ها و بازجویی فعالان» اعلام شده بود.

این نامه افزوده بود «برخی نهادهای امنیتی با ارسال نامه‌های رسمی، نهادهای دولتی را از همکاری با استارت‌آپ‌های بزرگ کشور منع کردند.»

همچنین آمده بود «این روند با پلمپ دفاتر مرکزی بعضی شرکت‌ها، لغو مجوزها، بازداشت بنیان‌گذاران و مدیران، اجبار به خروج از هیئت‌مدیره و سهامداری، و جلوگیری از ورود پلتفرم‌ها به بورس، ادامه یافت. اینک امروز می‌بینیم که در

● انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی در بیانیه‌ای کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داده است.

● این انجمن تأکید کرده که چنین اقداماتی می‌تواند به تعطیلی، ورشکستگی و مهاجرت گسترده نیروهای انسانی متخصص منجر شود.

● هفته گذشته نیز مدیران و بنیانگذاران شرکت‌های دیجی‌کالا، علی‌بابا، صبا ایده، تخفیفان، نویبتکس، دیوار، کافه‌بازار، بلد و ابرآروان در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی در این بخش بسیار مهم اقتصاد و تجارت شدند.

● در این نامه تأکید شده بود با روایت‌سازی و اتهام‌زنی، استارت‌آپ‌ها به عنوان پروژه‌های «تغییر و نفوذ» معرفی شدند، و اینگونه بخش‌های مختلف اکوسیستم تحت فشار قرار گرفتند. نمونه‌های این فشار «انتشار شب‌نامه‌ها، با تهدید سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با یورش به دفاتر شرکت‌ها و بازجویی فعالان» اعلام شده بود.

مدیران چند شرکت بزرگ تجارت الکترونیک ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی به فضای اقتصاد دیجیتال کشور شدند، انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز در بیانیه‌ای کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داده است.

انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی در بیانیه‌ای کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داد و تأکید کرد که این اقدامات می‌تواند به تعطیلی، ورشکستگی و مهاجرت گسترده نیروهای انسانی متخصص منجر شود.

در این بیانیه به «برخورد غیرشفاف و انسدادی با پلتفرم رسمیو» اشاره شده است؛ پلتفرمی که به دسته‌بندی و انتشار داده‌های عمومی شرکت‌ها و کسب‌وکارها می‌پردازد و به گفته انجمن، تا کنون هیچ مستند قانونی مبنی بر غیرقانونی بودن فعالیت‌های آن ارائه نشده است.

در ادامه بیانیه نیز «رد صلاحیت حسام آرماندهی» مؤسس و رئیس هیئت‌مدیره دیوار برای ورود این شرکت به بورس مورد انتقاد قرار گرفته است. رد صلاحیت حسام آرماندهی با انتشار نامه رسمی از سوی او در شبکه‌های اجتماعی علنی شد.

انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی تأکید کرده این روند پیام منفی و بازدارنده‌ای برای سرمایه‌گذاران و فعالان حوزه استارت‌آپی ارسال کرده است.

«اعمال محدودیت‌های تازه علیه پلتفرم کارزار» نیز مورد دیگری است که از سوی انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی به عنوان یکی از نمونه‌های محدودیت کسب‌وکارهای اینترنتی به آن پرداخته شده است. این محدودیت شامل مسدود شدن حساب‌های شبکه‌های اجتماعی این کسب‌وکار و منع مدیر آن، حامد بیدی، از فعالیت رسانه‌ای و مجازی، بدون اعلام رسمی مبنای حقوقی این اقدامات بوده است.

چهارمین مورد مطرح شده در این بیانیه فیلتر دامنه مهم googleadservices.com است که نقش کلیدی در عملکرد تبلیغات گوگل (Google Ads) دارد. به گفته انجمن صنفی

افزایش آمار «طلاق خاکستری» در ایران



سالمندان نشان‌دهنده عمق مشکلات اقتصادی و اجتماعی است که سالمندان با آن مواجه هستند. او با اشاره به اینکه «۴۰ درصد سالمندان در کلان‌شهرها مستأجر هستند» گفته «کاهش درآمد و ناتوانی در اشتغال مجدد، تامین اجاره‌بها را برای این گروه بسیار دشوار کرده است و این فشارها آرام‌آرام خودش را در روابط خانوادگی نشان می‌دهد».

وبسایت «فرارو» نیز در گزارشی نوشته مسئله اقتصادی در پدیده طلاق خاکستری همچون تیغی دو لبه عمل می‌کند. از یک سو زنان میانسال به دلیل شرایط سخت معیشتی تصمیم به جدایی می‌گیرند و از طرفی دیگر نگران این هستند که در آینده چطور آن را مدیریت کنند. «فرارو» نوشته برخی از زوج‌های سالمند نیز بدون ثبت طلاق تصمیم می‌گیرند جدا از یکدیگر زندگی کنند. در این گزارش آمده خانم «الف» پس از ۴۳ سال زندگی مشترک به دلیل اصرار همسرش برای طلاق، تصمیم گرفت بدون ثبت رسمی طلاق از هم جدا شوند تا آبروی خود را حفظ کند. او گفته «ثبت طلاق در سن ۷۰ سالگی بسیار دردناک است و ترجیح دادیم بدون برچسب طلاق، زندگی جداگانه‌ای داشته باشیم و تنها در دیدارهای خانوادگی کنار هم دیده شویم».

«فرارو» به نقل از بهار که پدر و مادرش در سن ۲۳ سالگی او تصمیم به جدایی گرفته‌اند نوشته مسئله امنیت روانی در تصمیم به طلاق در سنین سالمندی پررنگ است: «اگر ترس از حرف مردم یا نگرانی برای آبرو نباشد، زن در موقعیت‌هایی خاص تصمیم بهتری برای خودش می‌گیرد. گاهی حتی ممکن است این حمایت، جان یک زن را نجات دهد، حتی در میان‌سال و کهن‌سالی.» اینهمه نشان می‌دهد مجموعی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دست به دست هم داده تا آمار طلاق در میان سالمندان در ایران با افزایش روبرو شود.

از هزار و ۶۰۰ مورد، هر دو طرف بالای ۶۰ سال داشته‌اند. این روند در سال ۱۳۹۸ نیز ادامه داشته است. با وجود این، از ابتدای دهه ۱۴۰۰ به بعد آمار رسمی دقیق و قابل دسترسی درباره طلاق در میان سالمندان منتشر نشده است. همچنین در ایران درخواست طلاق از سوی زنان ۵ برابر مردان است. روزنامه «خراسان» در گزارشی نوشته «بیشترین نوع درخواست جدایی، طلاق توافقی ۵۵ درصد و سپس به درخواست زن ۳۴ درصد بوده است».

خبرگزاری «ایرنا» هم در گزارشی درباره علت افزایش درخواست طلاق از سوی زنان، آگاهی آنها به حق و حقوق را مورد اشاره قرار داده و نوشته «آگاهی نسبت به حقوق زنان افزایش یافته و زنان خواستار برابری بیشتر در خانواده و جامعه هستند». این آگاهی باعث شده است که خانواده‌ها به جای حفظ یک محیط پرتنش، فضایی آرام‌تر را برای خود و فرزندان‌شان فراهم آورند.

با اینهمه مشکلات اقتصادی خانوارها که در سال‌های گذشته نیز فراگیر شده از جمله دلایل افزایش نرخ طلاق در ایران به ویژه در میان سالمندان است.

به گفته حسام‌الدین علامه رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور «بیش از ۶۱ درصد سالمندان کشور زیر خط فقر نسبی قرار دارند. از آنسو، هزینه‌های سلامت و مراقبت در سالمندی بالا می‌رود. بسیاری از سالمندان توان تأمین سبب معیشتی خانوار را ندارند. وقتی دخل و خرج با هم نمی‌خواند، خیلی چیزها به هم می‌ریزد».

رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور اعلام کرده که این وضعیت منجر به مشکلات معیشتی برای سالمندان و خانواده‌هایشان شده و تعادل دخل و خرج آنها را بر هم زده است. به ویژه، مسئله تأمین سبب معیشتی خانوار برای سالمندان و ناتوانی آنها در تأمین این سبب، از جمله چالش‌های اساسی است.

به عقیده حسام‌الدین علامه افزایش نرخ طلاق در میان

آمارها نشان می‌دهد بطور متوسط از سال ۱۳۹۸ به بعد، طلاق در افراد بالای ۶۰ سال، شش برابر بیشتر از گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال گزارش شده است.

● در ایران درخواست طلاق از سوی زنان ۵ برابر مردان است. روزنامه «خراسان» در گزارشی نوشته «بیشترین نوع درخواست جدایی، طلاق توافقی ۵۵ درصد و سپس طلاق به درخواست زن ۳۴ درصد بوده است».

● مشکلات اقتصادی خانوارها که در سال‌های گذشته نیز فراگیر شده از جمله دلایل افزایش نرخ طلاق در ایران به ویژه در میان سالمندان است.

طلاق در میان افراد بالای ۵۵ سال و بازنشستگان که با عنوان «طلاق خاکستری» شناخته می‌شود در ایران با افزایش روبرو شده است.

در سال‌های گذشته آمار طلاق در افراد بالای پنجاه سال دو برابر و در افرادی بالای شصت و پنج سال، سه برابر شده است.

آمارها نشان می‌دهد بطور متوسط از سال ۱۳۹۸ به بعد، طلاق در افراد بالای ۶۰ سال، شش برابر بیشتر از گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال گزارش شده است؛ حتی در مواردی که زوج‌ها با سنین ۷۰ تا ۸۰ سال و پس از تقریباً پنج دهه زندگی مشترک، تصمیم به جدایی گرفته‌اند.

روزنامه «شرق» در گزارشی به افزایش آمار طلاق در میان سالمندان پرداخته و با استناد به آمارهای رسمی سازمان ثبت احوال در سال‌های پایانی دهه ۱۳۹۰ نوشته که طلاق در سنین بالا، به‌ویژه در میان افراد بالای ۶۰ سال، روندی افزایشی داشته است.

بر اساس این آمارها، سال ۱۳۹۵ بیش از شش هزار و ۸۰۰ مرد بالای ۶۰ سال و دو هزار زن بالای ۶۰ سال، طلاق گرفتند. در سال ۱۳۹۷ نیز حدود شش هزار و ۳۰۰ مرد و هزار و ۹۵۰ زن سالمند به زندگی مشترک خود پایان دادند که در بیش

جیره‌بندی مرگبار برق در بخش درمان ایران

کلیه که ثانیه‌ها حساس هستند، قطعی برق ممکن است مشکل ایجاد کند. همچنین برخی بیماران دیالیزی در حالیکه در میانه دیالیز هستند با قطع برق دستگاه از کار افتاده و مشکلاتی برای آنها ایجاد شده است.

یکی دیگر از مشکلات قطع برق در بخش درمان، ایجاد اختلال در آزمایش‌های پزشکی است. محمدعلی برومند عضو هیئت مدیره انجمن علمی آسیب‌شناسی، با تأیید ایجاد مشکل در روند انجام آزمایش‌های پزشکی گفته «برخی آزمایشگاه‌ها به خرید ژنراتور و موتور برق روی آورده‌اند، اما این تجهیزات نیز هزینه‌های بالایی دارند. هزینه باتری‌های UPS برای تأمین برق اضطراری در آزمایشگاه‌ها بطور متوسط حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان است.»

او یکی دیگر از مشکلات قطعی برق برای آزمایشگاه‌ها را نارضایتی مراجعان دانسته و گفته «قطع برق می‌تواند باعث ایجاد تأخیر در انجام آزمایش‌ها اعم از نوبت‌دهی و پاسخ‌دهی شود و در نتیجه نارضایتی مراجعان را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، نبود سیستم‌های پشتیبان می‌تواند هزینه‌ها را دو برابر کند، زیرا باید دوباره نمونه‌های آزمایشی جمع‌آوری و آزمایش‌ها را تکرار کرد. همچنین، قطع برق می‌تواند بطور مستقیم بر کیفیت نتایج آزمایش‌ها تأثیر بگذارد و در برخی موارد باعث ایجاد خطا در پاسخ‌ها شود. درواقع، نمونه‌های آزمایشگاهی ممکن است آسیب ببینند و جواب‌های نادرستی ارائه شود.»

از سوی دیگر قطع برق سبب کاهش روند تولید دارو شده است. سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با تأیید اختلال در روند درمان بیماران در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها به دلیل قطع برق گفته «ناترازی انرژی خسارت‌هایی را در حوزه تولید دارو و تجهیزات پزشکی نیز وارد کرده است. بر همین اساس، جلسات و مکاتباتی با وزارت نیرو انجام خواهیم داد تا در بخش سلامت مشکلی نداشته باشیم.»

محمد عبده‌زاده رئیس هیئت مدیره سندیکای صاحبان صنایع دارویی نیز در گفتگو با روزنامه «پیام ما» با انتقاد از قطع مکرر برق، گفته «در حال حاضر، بین دو تا سه روز در هفته برق کارخانه‌های تولید دارو قطع می‌شود که این مسئله باعث کاهش ۴۰ درصدی ظرفیت تولید شده است.» او تأکید کرده که «قطع برق علاوه بر کاهش تولید، هزینه‌های سنگینی نیز بر دوش کارخانه‌ها گذاشته است. برای مثال، استفاده از ژنراتور در یک شیفت کاری هشت‌ساعته حدود هزار و ۶۰۰ لیتر گازوئیل مصرف می‌کند که با قیمت فعلی، تنها هزینه سوخت یک روز به حدود ۴۰ میلیون تومان می‌رسد. تکرار این روند در سه روز قطعی برق، رقم را به ۱۲۰ میلیون تومان در هفته افزایش می‌دهد.» به گفته عبده‌زاده این مشکلات در حالی رخ می‌دهد که مطالبات شرکت‌ها از دانشگاه‌های علوم پزشکی و سازمان‌های بیمه‌ای همچنان با تأخیرهای طولانی پرداخت می‌شود. برخی بدهی‌ها حتی از سال ۱۴۰۲ باقی مانده و روند وصول آن به بیش از ۴۰۰ روز رسیده است.

رئیس هیئت مدیره سندیکای صاحبان صنایع دارویی افزوده «با ادامه ناترازی انرژی و قطعی مکرر برق و با در نظر گرفتن مشکلاتی مانند کمبود گاز در فصول سرد، کندی تخصیص ارز و روند نامطلوب پرداخت مطالبات، از شهروم‌ها آمار کمبود دارو در کشور بطور محسوسی افزایش پیدا می‌کند.»



مشکل بیماران در بیمارستان نیست که وضعیت را اضطراری می‌کند.

او گفته «در زمان بی‌برقی شرایط بیمارانی که زمان طولانی در آی‌سی‌یو بوده و اکنون ترخیص شده‌اند و در خانه هستند، سخت‌تر است.»

این پرستار افزوده «این بیماران دیگر قابل بهبود نیستند و به نوعی زندگی نباتی دارند. به این بیماران ونتیلاتور و ساکشن وصل است که همه آنها با برق کار می‌کنند و در زمان بی‌برقی این دستگاه‌ها از کار می‌افتند. بسیاری از آنها گران‌قیمت‌اند و خانواده‌ها مجبورند این دستگاه‌ها را اجاره کنند. قطع و وصل شدن‌های متناوب موجب آسیب دیدن این دستگاه‌ها می‌شود و خانواده‌های بیماران مجبور هستند که این خسارت‌ها را پرداخت کنند. از سوی دیگر، برای تأمین اکسیژن این بیماران و جلوگیری از خفگی آنها، به تأمین کپسول‌های اکسیژن و دستگاه‌های باتری‌دار نیاز است. این مسائل موجب می‌شود هزینه این بیماران و خانواده‌های آنها افزایش پیدا کند.»

روزنامه «پیام ما» تأکید کرده که این فقط بیماران قلبی نیستند که در زمان بی‌برقی، چه در بیمارستان و چه در خانه، دچار مشکلات بسیاری می‌شوند. به گفته یک پرستار اتاق عمل، شرایط در برخی از جراحی‌ها از زمانی که برق می‌رود تا زمانی که برق اضطراری بیمارستان وصل می‌شود، به شدت خطرناک، حساس و استرس‌زا می‌شود.»

به گفته پرستاران «حدود ۳۰ ثانیه طول می‌کشد تا برق بیمارستان وصل شود. در این فاصله که چراغ سیالیتیک خاموش می‌شود، همه پزشکان و تکنیسین‌ها مجبورند با نور موبایل فرایند جراحی را ادامه دهند.»

از سوی دیگر، در برخی جراحی‌ها مانند لاپاراسکوپ، به محض وصل شدن مجدد برق حداقل دو دقیقه طول می‌کشد تا دوباره دستگاه راه‌اندازی شود. همچنین، در برخی جراحی‌ها مانند قلب و عروق، داخل شکم و پیوند

از کار افتادن دستگاه‌های حیات متصل به بیماران، اختلال در انجام آزمایش‌های پزشکی و کاهش تولید دارو از جمله خسارت‌های قطع برق در بخش درمان است.

قطع برق نه تنها باعث استهلاک دستگاه‌ها و تجهیزات پزشکی می‌شود بلکه در درازمدت آنها را از کار می‌اندازد.

یکی از مهمترین خسارت‌های ناشی از جیره‌بندی برق تهدید جان بیمارانی است که با قطع برق دستگاه‌های حیاتی متصل به آنها خاموش می‌شود.

چند ثانیه بی‌برقی می‌تواند چراغ زندگی بیمار را برای همیشه خاموش کند؛ اگرچه ۵ تا ۳۰ ثانیه دیگر برق اضطراری بیمارستان وصل می‌شود و دستگاه‌های آی‌سی‌یو دوباره به کار می‌افتند.

یکی از خسارت‌های جیره‌بندی و قطع پی در پی برق در بخش درمان کشور و با پیامدهای مرگبار دیده می‌شود؛ از کار افتادن دستگاه‌های حیات متصل به بیماران، اختلال در انجام آزمایش‌های پزشکی و کاهش تولید دارو از جمله خسارت‌های قطع برق در بخش درمان است.

کمبود برق سبب افزایش جیره‌بندی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی و خانگی شده است. دامنه خسارت‌های قطع برق، از خسارت‌های اقتصادی به صنعت و تولید تا مختل شدن زندگی شهروندان گسترده است.

یکی از مهمترین خسارت‌های ناشی از جیره‌بندی برق تهدید جان بیمارانی است که با قطع برق دستگاه‌های حیاتی متصل به آنها خاموش می‌شود.

محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی مدعی شده «تا امروز در مورد اتفاق ویژه ناشی از قطعی برق در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی گزارشی وجود نداشته است». این در حالیست که روزنامه «پیام ما» به نقل از گزارش‌های دریافتی نوشته بسیاری از بیماران در بخش‌های مختلف بیمارستانی و حتی افرادی که در خانه تحت درمان هستند، در مواردی به دلیل قطع ناگهانی برق تا پای از دست دادن جانشان رفته‌اند.

در گزارش «پیام ما» آمده این شرایط بسیاری از فعالان حوزه سلامت را دچار نگرانی کرده است. قطع برق نه تنها باعث استهلاک دستگاه‌ها و تجهیزات پزشکی می‌شود بلکه در دراز مدت آنها را از کار می‌اندازد.

«پیام ما» در گزارشی از وضعیت آی‌سی‌یو در یکی از بیمارستان‌های پایتخت نوشته پرستار با تلفن در حال مشورت با پزشک است تا وضعیت یک بیمار را تشریح کند و هم‌زمان با گوشی دیگرش خانم مضطربی را پشت تلفن آرام می‌کند. ناگهان برق قطع می‌شود. سکوت همه‌جا را فرا می‌گیرد. آلام دستگاه‌های ونتیلاتور، پرفیوزور و پمپ تشک‌های موج هم‌زمان به صدا درمی‌آید و سکوت را می‌شکافد. پرستار به بالین بیمار جوانی می‌شاید که شرایط پایداری ندارد، دستگاه ونتیلاتور خاموش و اکسیژن‌رسانی به بیمار قطع شده، نفس‌های جوان به شماره افتاده، هر لحظه ممکن است جان او از دست برود، پرستار به صورت دستی و با آمبوبگ به او اکسیژن می‌سازد. این گزارش افزوده چند ثانیه بی‌برقی می‌تواند چراغ زندگی بیمار را برای همیشه خاموش کند؛ اگرچه ۵ تا ۳۰ ثانیه دیگر برق اضطراری بیمارستان وصل می‌شود و دستگاه‌های آی‌سی‌یو دوباره به کار می‌افتند.

بر اساس آنچه این پرستار توضیح داده وقتی برق می‌رود، هم‌زمان صدای آلام همه دستگاه‌ها بلند می‌شود و اضطراب بیمار و پرستاران را دو چندان می‌کند. این اما فقط

مصوبه دولت درباره پول ملی؛ ریال تمام شد!

احمد حاتمی یزدی هم این طرح ابزاری برای «پرت شدن حواس مردم» ارزیابی کرده و گفته «این طرح باعث پرت شدن حواس مردم می‌شود اقدامی نمایشی و فاقد تاثیر بر کاهش تورم و اشتغال» است.

این کارشناس بانکی گفته «کنترل نقدینگی و اصلاح ساختار بانکی باید اولویت سیاستگذاران باشد» و با اشاره به هزینه‌های سنگین چاپ اسکناس‌های جدید، تغییر نرم‌افزارهای حسابداری و پیچیدگی‌های نظارت بر قیمت‌ها گفته «این طرح بیشتر باعث پرت شدن حواس مردم از مسائل اصلی اقتصادی می‌شود».

آلبرت بغزیان، اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، هم در شرایط کنونی حذف صفرها را اقدامی غیرضروری و بیشتر به عنوان یک مسکن روانی ارزیابی کرده است.

آلبرت بغزیان گفته «این اقدام مشابه سنگ‌فرش کردن پیاده‌رو در پایان یک پروژه عمرانی است، در حالی که هنوز اصلاحات اساسی اقتصادی انجام نشده است».

این اقتصاددان به مشکلات ساختاری نظیر کسری بودجه، افزایش نقدینگی، تحریم‌ها و ضعف سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد و تأکید کرد که ابتدا باید این چالش‌ها حل شوند. او همچنین به تجربیات ترکیه و ونزوئلا اشاره کرد و گفت که حذف صفرها در آن کشورها زمانی انجام شد که اقتصادشان تثبیت شده بود.

کامران ندری اقتصاددان و استاد دانشگاه هم گفته «اصل قضیه این است که حذف ۴ صفر از اولویت‌های اساسی کشور ما نیست، معمولاً موقعی حذف صفرها در کشورها انجام می‌شود که موفق شده باشند تورم را کنترل کنند. اگرچه اکنون دوباره تورم ترکیه عود کرده، اما در اوایل دهه سال ۲۰۰۰ هم که ۶ صفر را حذف کردند، موفق شده بودند تورم را کنترل کنند».

به گفته این اقتصاددان، «این موضوع، یک اصلاح شکلی، صوری و ظاهری است و مسائل و مشکلات اقتصاد ما با این اصلاحات ظاهری برطرف نمی‌شود. مشکلات ساختاری که تورم بالا و مزمن را در کشور ما ایجاد کرده، بر جای خود باقیست و با این کارها حل نمی‌شود».

او در ادامه گفته «معتقدم این نوع اقدامات به هیچ وجه قدرت خرید را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. مجلس می‌گوید این موضوع در دستور کار است و چون دولت حذف ۴ صفر را پس نگرفته ادامه پیدا کرده است. اما واقعیت این است که در شرایط فعلی نه دولت و نه مجلس، طرح و برنامه‌ای برای معضلات اصلی و ساختاری اقتصاد ندارند و سر خود را با چنین برنامه‌هایی که اولویت اصلی نیست گرم کرده‌اند».

کامران ندری معتقد است تعریف واحد پولی قران با توجه به کاهش شدید قدرت خرید پول ملی اقدامی کاملاً بی‌اثر و بی‌خاصیت بوده و قران در عمل مرده به دنیا خواهد آمد. او گفته «حقیقت این است که اکنون با این هزار تومان تقریباً هیچ کالایی را نمی‌توانیم خریداری کنیم. حتی به صورت بخشی از قیمت یک کالا نیز، این هزار تومانی فایده‌ای ندارد. حالا این دوستان هزار تومان را به صد قسمت تقسیم کرده و نام آن را قران گذاشته‌اند. طبیعتاً این پول هیچ ارزش و کاربردی نخواهد داشت و مرده به دنیا خواهد آمد. تنها در صورتی این قران معنا پیدا می‌کند که ۶ صفر از واحد پولی حذف شود. در غیر این صورت هیچ کاربردی نخواهد داشت».



کاهش معنادار انتظارات تورمی و دوم بالا بودن ارقام پولی به دلیل ابرتورم.

این کارشناس اقتصادی گفته «هم اکنون نه اصلاحات خاصی در فضای اقتصاد داریم، نه انتظارات تورمی کاهش یافته و نه ابرتورم داشتیم».

کارشناسان مخالف این طرح اما معتقدند حذف چهار صفر از پول ملی صرفاً پاک کردن صورت مسئله تورم و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور است.

وحید شقاقی کارشناس اقتصاد کلان معتقد است که «فعلاً زمینه کافی برای حذف صفرها وجود ندارد چرا که افق روشنی برای مهار تورم دیده نمی‌شود و ناترازی‌های اقتصاد کلان پابرجاست».

وحید شقاقی شهری افزوده «اجرای این سیاست در شرایط کنونی نه تنها اثربخش نخواهد بود بلکه ممکن است انتظارات تورمی را تشدید کرده و بار تورمی جزئی به بازار تحمیل کند».

به گفته این کارشناس اقتصادی تجربه کشورهای موفق در حذف صفر نشان می‌دهد که ابتدا باید تورم مهار شده و ثبات اقتصادی ایجاد شود؛ در غیر این صورت اجرای این سیاست می‌تواند تبعات منفی به همراه داشته باشد.

طهماسب مظاهری، رئیس پیشین بانک مرکزی، نیز گفته حذف چهار صفر در شرایط تورم بالا کارایی لازم را ندارد و اگر دولت قصد اصلاح جدی اقتصاد را دارد، باید حداقل شش صفر حذف کند. او افزود: «اصلاح پولی زمانی موثر است که تورم مهار شده و ارزش پول ملی با اقتصادهای بین‌المللی متناسب باشد».

طهماسب مظاهری همچنین تأکید کرده که حذف صفرها الزاماً به معنای تغییر نام پول ملی نیست، اما استفاده از نامی که در میان مردم رواج دارد، مانند تومان، می‌تواند همراهی بیشتر ایجاد کند.

او مشکلاتی مانند ناترازی بانک‌ها، تسهیلات تکلیفی و کسری بودجه را از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور خواند و گفت دولت و مجلس باید انرژی و منابع کارشناسی خود را روی حل این مسائل متمرکز کنند.

● هیئت وزیران دولت پزشکیان با بررسی طرح مجلس شورای اسلامی برای حذف چهار صفر از پول ملی، با این طرح موافقت و واحد پول ملی را از «ریال» به «تومان» و واحد پول خُرد را «قران» تصویب کرد.

● کارشناسان مخالف این طرح معتقدند حذف چهار صفر از پول ملی صرفاً پاک کردن صورت مسئله تورم و مشکلات ساختاری اقتصاد کشور است.

● طهماسب مظاهری رئیس پیشین بانک مرکزی معتقد است مشکلاتی مانند ناترازی بانک‌ها، تسهیلات تکلیفی و کسری بودجه را از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد کشور خواند و گفت دولت و مجلس باید انرژی و منابع کارشناسی خود را روی حل این مسائل متمرکز کنند.

● آلبرت بغزیان اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران هم در شرایط کنونی حذف صفرها را اقدامی غیرضروری و بیشتر به عنوان یک مسکن روانی ارزیابی کرده است. ● وحید شقاقی کارشناس اقتصاد کلان معتقد است:

«فعلاً زمینه کافی برای حذف صفرها وجود ندارد چرا که افق روشنی برای مهار تورم دیده نمی‌شود و ناترازی‌های اقتصاد کلان پابرجاست. اجرای این سیاست در شرایط کنونی نه تنها اثربخش نخواهد بود بلکه ممکن است انتظارات تورمی را تشدید کرده و بار تورمی جزئی به بازار تحمیل کند».

۱۰ هیئت وزیران دولت پزشکیان با بررسی طرح مجلس شورای اسلامی برای حذف چهار صفر از پول ملی، با این طرح موافقت و واحد پول ملی را از «ریال» به «تومان» و واحد پول خُرد را به نام «قران» تصویب کرد.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان روز یکشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۴ اعلام کرد که هیئت وزیران با حذف چهار صفر از پول ملی موافقت کرده و واحد پول رسمی کشور «تومان» و «قران» خواهد بود.

به گفته فاطمه مهاجرانی اجرای این طرح با یک دوره گذار همراه است که در آن برای مدتی تومان و ریال به صورت همزمان در گردش خواهند بود تا مردم و بازار به تغییرات عادت کنند.

بر اساس مصوبات جدید مجلس شورای اسلامی و دولت پزشکیان با حذف چهار صفر از پول ملی ایران، هر ریال جدید معادل ۱۰,۰۰۰ ریال فعلی خواهد بود. همچنین واحد پول خُرد ایران از «ریال» به «قران» تغییر نام خواهد داد و هر ۱۰۰ قران برابر یک ریال خواهد بود.

حذف چهار صفر از پول ملی از دولت حسن روحانی مطرح شده بود اما این موضوع اکنون در مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران دولت پزشکیان تصویب شده است. مقامات حکومتی مدعی هستند هدف این طرح تسهیل مبادلات مالی، ساده‌سازی محاسبات حسابداری و کاهش پیچیدگی‌های پولی، و در نهایت کاهش تورم در اقتصاد ایران است.

برخی کارشناسان اقتصادی از این طرح حمایت اما بسیاری از کارشناسان این اقدام را بی‌اثر بر تورم ارزیابی می‌کنند و معتقدند باید مشکلات ساختاری اقتصاد و عوامل اصلی افزایش تورم در اقتصاد کشور برطرف شود.

مهدی دارابی کارشناس اقتصادی از جمله موافقان این طرح، معتقد است که حذف صفر از پول ملی به دو دلیل می‌تواند قابل دفاع باشد، نخست اصلاحات اقتصادی توام با

کامران ندري اقتصاددان: «قران» مرده به دنيا خواهد آمد



● بر اساس مصوبه جدید کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، واحد پول ملی ایران با حفظ عنوان «ریال» اما با حذف ۴ صفر، بازتعریف خواهد شد، بدین ترتیب، هر ریال جدید معادل ۱۰,۰۰۰ ریال فعلی خواهد بود.

● همچنین واحد پول خرد ایران از «ریال» به «قران» تغییر نام خواهد داد و هر ۱۰۰ قران برابر یک ریال خواهد بود. ● کارشناسان معتقدند با توجه به ساختارهای اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی حذف صفر از پول ملی صرفاً صورت مسئله را پاک می‌کند و هزینه بالایی باید صرف اقدامات اجرایی آن از جمله چاپ اسکناس و ضرب سکه شود.

● کامران ندري اقتصاددان معتقد است تعریف واحد پولی قران با توجه به کاهش شدید قدرت خرید پول ملی اقدامی کاملاً بی‌اثر و بی‌خاصیت بوده و قران در عمل مرده به دنیا خواهد آمد.

یک اقتصاددان با بی‌خاصیت خواندن مصوبه جدید کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی برای حذف چهار صفر از واحد پول ملی و تغییر نام واحد خرد پول ملی ایران به «قران» گفته حذف چهار صفر از پول ملی بدون مهار تورم معنا ندارد و تأکید کرده «قران» مرده به دنیا خواهد آمد.

کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به تازگی طرح ایجاد تغییراتی در پول ملی ایران را تصویب کرد. بر اساس مصوبه جدید واحد پول ملی ایران با حفظ عنوان «ریال» اما با حذف ۴ صفر، بازتعریف خواهد شد، بدین ترتیب، هر ریال جدید معادل ۱۰,۰۰۰ ریال فعلی خواهد بود.

همچنین واحد پول خرد ایران از «ریال» به «قران» تغییر نام خواهد داد و هر ۱۰۰ قران برابر یک ریال خواهد بود. در حالی که موافقان این مصوبه معتقدند حذف چهار صفر از پول ملی بر کاهش تورم موثر است، کارشناسان اقتصادی چنین اقدامی را بدون انجام اقدامات موثر و ساختاری برای کاهش تورم بی‌خاصیت می‌دانند.

کامران ندري اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفتگو با وبسایت «فرارو» گفته «هرچند که از دید من کل مسئله و اصلاً حذف ۴ صفر، از اولویت‌های کشور ما نیست. اما به هر حال معنای اینکه ۴ صفر حذف شود، این است که با توجه به بی‌کاربرد بودن واحد ریال نزد مردم و جا افتادن غیر رسمی واحد تومان، برای سنجش ارزش قیمت‌ها، این اقدام را می‌توان درک کرد.»

کامران ندري توضیح داده که «اصل قضیه این است که حذف ۴ صفر از اولویت‌های اساسی کشور ما نیست. معمولاً موقعی حذف صفرها در کشورها انجام می‌شود که موفق شده باشند تورم را کنترل کنند. اگرچه اکنون دوباره تورم ترکیه عود کرده، اما در اوایل دهه سال ۲۰۰۰ هم که ۶ صفر را حذف کردند، موفق شده بودند تورم را کنترل کنند.» کامران ندري افزوده «بنابراین چنین اقدامی یک پیش‌شرط دارد اما ممکن است اینطور استدلال شود که اکنون اعداد نجومی شده و ثبت و ضبط اعداد مالی بسیار سخت شده است. بنابراین می‌توان حذف ۴ صفر را قبول کرد. اما اگر تورم، کنترل و مهار نشده باشد، طبیعتاً با ادامه نرخ تورم بالای ۴۰ درصد، مجدداً باید صفرها را حذف کنند. البته برخی کشورها این کار را انجام داده‌اند.»

به گفته این اقتصاددان، «این موضوع، یک اصلاح شکلی، صوری و ظاهری است و مسائل و مشکلات اقتصاد ما با این

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی افزوده بود «حذف ۴ صفر از پول ملی مخالفانی نیز دارد با این استدلال که بعضی از نظام‌های اقتصادی زمانی صفر را از جلوی پول ملی خود حذف می‌کنند که مسائل زیرساختی و اساسی در اقتصاد حل شده و به ثبات رسیده باشند و اینکه بتوانند یک نوع جراحی در اقتصاد انجام دهند اما کشور ما با تورم دست و پنجه نرم کرده و هنوز به ثبات اقتصادی نرسیده و زیرساخت‌های لازم پی‌ریزی نشده است.»

مرتضی افقه کارشناس پولی و بانکی اما مانند کامران ندري معتقد است «با چنین اقدامات صوری و قانونی نمی‌شود تورم را کنترل کرد. تورم ایران ریشه در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد و به اندازه‌ای عمیق است که با اقدامات اقتصادی از جمله کاهش میزان نقدینگی طی سالیان اخیر هم کنترل نشده است.»

برداشتن صفر از پول ملی برای نخستین بار در آلمان و پس از جنگ جهانی دوم انجام شد. تحت فشارهای اقتصادی جنگ جهانی دوم و آسیب‌های ایجاد شده و باقی مانده، آلمان تورمی شدید را از سر می‌گذراند و سیاست‌گذاران اقتصادی این کشور تصمیم به حذف صفرها از ارز ملی این کشور گرفتند.

طی نیم قرن گذشته نیز ۱۹ کشور صفر را از پول‌های ملی خود حذف کردند. صفرهای پول ملی چهار بار در آرژانتین، پنج بار در یوگسلاوی سابق، شش بار در برزیل، دو بار در بولیوی، سه بار در اوکراین، روسیه، لهستان، بلژیک و یک بار در ترکیه، ایسلند، کره و غنا از ارزهای ملی حذف شده است. در برخی کشورها حذف پول ملی به مدیریت تورم کمک کرده اما در برخی کشورها مانند زیمبابوه سبب تشدید بحران‌ها شد.

با اینهمه در ایران بسیاری از کارشناسان معتقدند در شرایط کنونی اقتصاد کشور و با توجه به ساختارهای اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی که سبب تحریک عوامل کاهش ارزش پول ملی می‌شوند، حذف صفر از پول ملی صرفاً صورت مسئله را پاک می‌کند و هزینه بالایی باید صرف اقدامات اجرایی آن از جمله چاپ اسکناس و ضرب سکه شود.

اصلاحات ظاهری برطرف نمی‌شود. مشکلات ساختاری که تورم بالا و مزمن را در کشور ما ایجاد کرده، بر جای خود باقیست و با این کارها حل نمی‌شود. برخی معتقدند این نوع اقدامات می‌تواند اثراتی روانی داشته باشد اما من این را نمی‌پذیرم. بالاخره وقتی ۴ صفر حذف می‌شود به معنای افزایش قدرت خرید نیست، درست است که اعداد با حذف صفر، کم قیمت به نظر می‌رسند اما حقوق افراد نیز به همان نسبت بی‌ارزش به نظر می‌رسند و ۴ صفر حقوق‌ها هم کم می‌شود.»

او در ادامه گفته «به همین دلیل معتقدم این نوع اقدامات به هیچ وجه قدرت خرید را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. مجلس می‌گوید این موضوع در دستور کار است و چون دولت حذف ۴ صفر را پس ننگرفته ادامه پیدا کرده است. اما واقعیت این است که در شرایط فعلی نه دولت و نه مجلس، طرح و برنامه‌ای برای معضلات اصلی و ساختاری اقتصاد ندارند و سر خود را با چنین برنامه‌هایی که اولویت اصلی نیست گرم کرده‌اند.»

کامران ندري معتقد است تعریف واحد پولی قران با توجه به کاهش شدید قدرت خرید پول ملی اقدامی کاملاً بی‌اثر و بی‌خاصیت بوده و قران در عمل مرده به دنیا خواهد آمد.

او گفته «حقیقت این است که اکنون با این هزار تومان تقریباً هیچ کالایی را نمی‌توانیم خریداری کنیم. حتی به صورت بخشی از قیمت یک کالا نیز، این هزار تومانی فایده‌ای ندارد. حالا این دوستان هزار تومان را به صد قسمت تقسیم کرده و نام آن را قران گذاشته‌اند. طبیعتاً این پول هیچ ارزش و کاربردی نخواهد داشت و مرده به دنیا خواهد آمد. تنها در صورتی این قران معنا پیدا می‌کند که ۶ صفر از واحد پولی حذف شود. در غیر این صورت هیچ کاربردی نخواهد داشت.»

حاکم ممکن سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی پس از تصویب حذف چهار صفر از پول ملی گفته بود: «بانک مرکزی پیشنهاد حذف ۴ صفر از پول ملی را در راستای حفظ حیثیت پول ملی در مجامع بین‌المللی و تسهیل در محاسبات و حسابرسی‌ها در دستگاه‌ها مطرح کرده است.»

تکانه‌دهنده؛ میانگین تورم در ایران حدود ۶/۵ برابر میانگین جهانی



می‌شود.

یکی از سیاست‌های دولت برای مهار تورم اما حذف چهار صفر از پول ملی است. کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با حذف چهار صفر از پول ملی موافقت کرده است. هیئت وزیران دولت پزشکیان نیز در مصوبه‌ای حذف چهار صفر از پول ملی را تأیید و همچنین تصویب کرده که واحد پول ملی از «ریال» به «تومان» و واحد پول خرد نیز به «قران» تغییر کند.

کارشناسان اقتصادی اما این اقدام را بی‌اثر بر تورم ارزیابی می‌کنند و معتقدند باید مشکلات ساختاری اقتصاد و عوامل اصلی افزایش تورم در اقتصاد کشور برطرف شود.

وحید شقاقی کارشناس اقتصاد کلان معتقد است که «فعلاً» زمینه کافی برای حذف صفرها وجود ندارد چرا که افق روشنی برای مهار تورم دیده نمی‌شود و ناترازی‌های اقتصاد کلان پابرجاست.

وحید شقاقی شهری افزوده «اجرای این سیاست در شرایط کنونی نه تنها اثربخش نخواهد بود بلکه ممکن است انتظارات تورمی را تشدید کرده و بار تورمی جزئی به بازار تحمیل کند.»

به گفته این کارشناس اقتصادی تجربه کشورهای موفق در حذف صفر نشان می‌دهد که ابتدا باید تورم مهار شده و ثبات اقتصادی ایجاد شود؛ در غیر این صورت اجرای این سیاست می‌تواند تبعات منفی به همراه داشته باشد.

آنچه وحید شقاقی شهری توضیح داده نظر بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی است. تحلیلگران معتقدند حذف صفر از پول ملی به عنوان یک سیاست «اصلاح مالی» در صورتی موثر است که با مهار هم‌زمان تورم همراه باشد. در غیر اینصورت این اقدام صرفاً جنبه نمادین و روانی خواهد داشت و در بلندمدت، هیچ اثر واقعی در قدرت خرید مردم نخواهد گذاشت.

به همین دلیل تأکید می‌کند حذف صفرها می‌تواند ساختار پولی و مبادلات مالی را ساده‌تر کند، اما بدون سیاست‌های حساب شده و بلندمدت مهار تورم، این اصلاح مالی تنها یک تغییر ظاهری خواهد بود.

در آنسو اما اقدامات دولت صرفاً «پاک کردن صورت مسئله» است و هیچ تلاشی برای تقویت ارزش پول ملی و کاهش تورم با افزایش تولید و رشد اقتصادی صورت نمی‌گیرد!

این گزارش افزوده در همین بازه، حجم نقدینگی نیز بیش از ۲۸ برابر شده و از مرز ۱۰,۰۰۰ هزار تریلیون تومان عبور کرده است؛ رشدی بی‌سابقه و به شدت نگران‌کننده. «مرکز داده‌های باز ایران» توضیح داده که این افزایش شدید نقدینگی نه به دلیل رونق تولید و سرمایه‌گذاری، بلکه نتیجه مستقیم کسری مزمن بودجه و تأمین آن از منابع پولی است.

آمارهای رسمی جمهوری اسلامی نیز نشان می‌دهد حدود یک پنجم این نقدینگی مستقیماً از شبکه بانکی کشور تأمین شده و باقی آن از صندوق توسعه ملی و سایر منابع تحت اختیار دولت آمده است. در واقع، دولت برای پوشش شکاف فزاینده میان درآمد و هزینه‌ها، به ساده‌ترین و البته پرهزینه‌ترین راه ممکن متوسل شده: چاپ پول.

این گزارش با تأکید بر اینکه «شاخص قیمت کالاها و خدمات بیش از ۶ برابر افزایش یافته» نوشته در حالی که میانگین جهانی تورم در همین مدت بسیار پایین‌تر بوده، صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده که میانگین تورم ایران حدود ۶/۵ برابر میانگین جهانی است.

روندی که طی یک دهه گذشته در اقتصاد ایران طی شده سبب کوچک شدن سفره خانوار، گرانی شدید مواد غذایی، و سقوط مداوم قدرت خرید اقشار متوسط و تنگدست شده است.

جزئیات آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد فقط طی سه سال اخیر، قیمت مواد غذایی و آشامیدنی‌ها بیش از دو برابر شده‌اند؛ مسئله‌ای که اقتصاددانان آن را فماد تورم افسارگسیخته و فشار معیشتی بر طبقات آسیب‌پذیر می‌دانند.

«مرکز داده‌های باز ایران» همچنین افزایش سهم بدهی دولت در کل اقتصاد را به عنوان یک زنگ خطر جدی برشمرده و نوشته در ابتدای دهه ۱۳۹۰، بدهی دولت کمی بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور بود؛ اما اکنون این سهم به بیش از یک‌سوم کل اقتصاد رسیده است. افزون بر این، حجم بدهی دولت معادل حدود ۷۵ درصد کل نقدینگی کشور است.

اینهمه چرخه تورم‌زای ناشی از سیاست‌های دولت را سرعت می‌بخشد چون هر چه بدهی بیشتر شود، چاپ پول افزایش می‌یابد؛ و با چاپ پول بیشتر، تورم نیز عمیق‌تر

● در حالی که طی یک دهه گذشته تورم در اقتصاد ایران به شکل فزاینده افزایش یافته، در مقابل راهکار دولت برای جبران کسری بودجه به افزایش نقدینگی در اقتصاد و در نهایت سرعت بخشیدن به روند افزایش تورم شده است. ● «مرکز داده‌های باز ایران» با استناد به گزارش‌های صندوق بین‌المللی پول برآورد کرده که میانگین تورم ایران حدود ۶/۵ برابر میانگین جهانی است.

● «مرکز داده‌های باز ایران» توضیح داده که این افزایش شدید نقدینگی نه به دلیل رونق تولید و سرمایه‌گذاری، بلکه نتیجه مستقیم کسری مزمن بودجه و تأمین آن از منابع پولی است.

● روندی که طی یک دهه گذشته در اقتصاد ایران طی شده، سبب کوچک شدن سفره خانوار، گرانی شدید مواد غذایی، و سقوط مداوم قدرت خرید اقشار متوسط و تنگدست شده است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که در دهه گذشته، شاخص قیمت کالاها و خدمات بیش از ۶ برابر افزایش یافته است. در حالی که میانگین جهانی تورم در همین مدت بسیار پایین‌تر بوده؛ بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول، میانگین تورم ایران حدود ۶/۵ برابر میانگین جهانی است.

«مرکز داده‌های باز ایران» در گزارشی بدهی دولت و همچنین میزان تورم را بر اساس داده‌های رسمی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار داده است.

بر اساس این گزارش، در حالی که طی یک دهه گذشته تورم در اقتصاد ایران به شکل فزاینده افزایش یافته، در مقابل راهکار دولت برای جبران کسری بودجه به افزایش نقدینگی در اقتصاد و در نهایت سرعت بخشیدن به روند افزایش تورم شده است.

افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، کاهش قدرت خرید مردم، و بی‌ثباتی بازارها، همگی ریشه در یک عامل اصلی دارند: استقراض بی‌رویه دولت و چاپ پول بدون پشتوانه.

«مرکز داده‌های باز ایران» نوشته که بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، از سال ۱۳۹۰ تا پایان ۱۴۰۲، بدهی دولت بیش از ۸۵ برابر شده و به رقم ۷,۳۳۰ هزار تریلیون تومان رسیده است.

مرگ ۳۵ هزار و ۵۴۰ شهروند در سال ۱۴۰۳ به علت آلودگی هوا



سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۳ تغییر محسوسی نداشته و حتی در سال ۱۴۰۳ نسبت افزایش یافته» گفته «اقدامات انجام شده برای کنترل آلودگی هوا تاکنون بی‌اثر بوده‌اند و اجرای «قانون هوای پاک» و آیین‌نامه‌های آن به نتیجه مطلوب نرسیده است.»

قانون هوای پاک در سال ۹۶ تصویب شد و بر اساس آن دستگاه‌های مختلف اجرایی در ایران از جمله وزارت کشور، وزارت نفت، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، شهرداری و صداوسیما جمهوری اسلامی مکلف شده‌اند در کنترل آلودگی هوا مشارکت داشته باشند.

بر اساس ماده چهار قانون هوای پاک تولید انواع وسایل نقلیه موتوری و واردات آنها مستلزم رعایت حدود مجاز انتشار آلاینده‌ها از سوی سازمان حفاظت محیط زیست است.

بر اساس ماده ۶ این قانون به‌منظور اطمینان از صحت عملکرد خودرو در زمینه‌های فنی و ایمنی و کنترل آلاینده‌های هوا و صدا، انجام معاینه فنی کلیه وسایل نقلیه موتوری اعم از سبک، نیمه سنگین، سنگین، موتورسیکلت که توسط بخش‌های دولتی، عمومی و غیردولتی به کار گرفته می‌شوند، در دوره‌های زمانی منظم و توسط مراکز مورد تأیید سازمان الزامی است.

قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذی ربط بر اساس ماده هفت قانون هوای پاک موظف هستند که به نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سامانه (سیستم) حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و ساماندهی کنند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد.

بر اساس قانون هوای پاک دولت موظف است از محل صرفه جویی حاصل از بهبود و مدیریت سوخت ناشی از اجرای این قانون، ساز و کار و تسهیلات لازم جهت جایگزینی خودروهای فرسوده حمل و نقل عمومی با خودروهای نو را فراهم کند.

اکنون گزارش معاون مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» نشان می‌دهد این قانون طی هشت سال گذشته اجرایی نشده و اثری بر کاهش آلودگی هوا نداشته است.

فکری شود.»

آمارهای ارائه شده از سوی دکتر عباس شاهسونی معاون دانشگاه «بهشتی» از سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهند که در ۸۳ شهر با جمعیتی بیش از ۵۷ میلیون نفر، تعداد مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا بطور متوسط ۳۵ هزار و ۵۴۰ نفر برآورد شده است. کمترین تعداد مرگ ۲۳ هزار و ۷۶۶ نفر و بیشترین تعداد ۴۶ هزار نفر بوده است.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد ۱۲/۷ درصد از مرگ‌های طبیعی در این ۸۳ شهر به مواجهه طولانی‌مدت با ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون نسبت داده شده است؛ ۱۴/۶۶ درصد از مرگ‌های ناشی از بیماری‌های «ایسکمیک قلبی» (IHD)؛ ۱۵ درصد از مرگ‌های ناشی از «سکته مغزی»؛ ۱۴/۴ درصد از مرگ‌های ناشی از «سرطان ریه» و بیش از ۱۱ درصد از مرگ‌های ناشی از «بیماری‌های مزمن انسداد ریوی» بوده‌اند.

به گفته دکتر عباس شاهسونی، آلودگی هوا دومین عامل خطر مرگ در جهان پس از فشار خون بالاست و تلفات آن حتی از مصرف دخانیات بیشتر است.

این گزارش همچنین هزینه اقتصادی مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در ایران را حدود ۱۴ میلیارد دلار (معادل تقریبی ۱۰۰۰ همت با نرخ ارز مرکز مبادله) برآورد کرده است.

زابل، ایرانشهر و شهرستان ریگان در استان کرمان به دلیل بالاترین میزان ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون آلوده‌ترین شهرهای ایران در سال ۱۴۰۳ بوده‌اند. شاهرود و سنجند نیز به عنوان پاک‌ترین شهرها با کمترین غلظت این ذرات معرفی شده‌اند.

همچنین در سال ۱۴۰۳، بطور میانگین تنها ۱۰ درصد از روزهای سال در شهرها «هوای خوب» (پاک) و ۶۹ درصد «هوای قابل قبول» داشته‌اند.

دکتر عباس شاهسونی با اشاره به افزایش غلظت آلاینده‌ها نسبت به سال ۱۴۰۲، تأکید کرد که اجرای قانون هوای پاک و آیین‌نامه‌های مرتبط تاکنون تأثیر محسوسی در کاهش ذرات معلق نداشته و نیاز به اقدامات جدی‌تر و هماهنگ میان دستگاه‌ها وجود دارد.

او با بیان اینکه «میانگین غلظت سالیانه ذرات معلق از

● دکتر عباس شاهسونی معاون مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» با ارائه گزارشی از آمارهای مربوط به آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ گفته در این سال بطور میانگین ۳۵ هزار و ۵۴۰ مرگ در کشور منتسب به آلودگی هوا بوده است.

● محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی نیز چند روز پیش اعلام کرده بود: «سالانه ۵۰ هزار مرگ و میر به دلیل آلودگی هوا داریم.»

● زابل، ایرانشهر و شهرستان ریگان در استان کرمان به دلیل بالاترین میزان ذرات معلق کمتر از ۲/۵ میکرون آلوده‌ترین شهرهای ایران در سال ۱۴۰۳ بوده‌اند.

● به گفته دکتر عباس شاهسونی، آلودگی هوا دومین عامل خطر مرگ در جهان پس از فشار خون بالاست و تلفات آن حتی از مصرف دخانیات بیشتر است.

● هزینه اقتصادی مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در ایران را حدود ۱۴ میلیارد دلار (معادل تقریبی ۱۰۰۰ همت با نرخ ارز مرکز مبادله) برآورد شده است.

آمارها نشان می‌دهد آلودگی هوا در ایران طی سال ۱۴۰۳ بطور میانگین جان ۳۵ هزار و ۵۴۰ شهروند را گرفته است. «قانون هوای پاک» هشت سال پس از تصویب و ابلاغ همچنان اجرایی نشده و نتوانسته در کاهش آلودگی هوا موثر باشد.

دکتر عباس شاهسونی معاون مرکز تحقیقات کیفیت هوا و تغییر اقلیم دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» در گفتگو با ایسنا با ارائه گزارشی از آمارهای مربوط به آلودگی هوا در سال ۱۴۰۳ گفته در این سال بطور میانگین ۳۵ هزار و ۵۴۰ مرگ در کشور منتسب به آلودگی هوا بوده است.

محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی نیز چند روز پیش اعلام کرده بود: «سالانه ۵۰ هزار مرگ و میر به دلیل آلودگی هوا داریم.»

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی تأکید کرده بود: «مشکل آلودگی هوا، خودروها و کارخانه‌ها، مسائلی است که به حوزه سلامت تحمیل شده و باید برای آن

۳۰۰ دشت ایران با خطر جدی فرونشست روبرو هستند



● عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران با ارائه آماری تکانه‌دهنده از وضعیت فرونشست در ایران گفته واقعیت این است که از ۶۰۹ دشتی که ما در کشور وجود دارد قریب به ۷۰ درصد آن «ممنوعه» و «ممنوعه بحرانی» هستند.

● استان‌های خراسان «رضوی»، فارس، کرمان، اصفهان، آذربایجان غربی، سمنان، یزد، گلستان و تهران استان‌هایی هستند که بیشترین وسعت و مساحت پهنه‌های فرونشست را دارند.

سخنگوی صنعت آب ایران با هشدار درباره وخامت بی‌سابقه بحران آب در ایران گفته که ۷۰ درصد دشت‌های ایران در وضعیت «ممنوعه» یا «ممنوعه بحرانی» قرار دارند و بیش از ۳۰۰ دشت از جمله تهران با خطر جدی فرونشست زمین روبرو هستند.

عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب ایران با ارائه آماری تکانه‌دهنده از وضعیت فرونشست در ایران گفته واقعیت این است که از ۶۰۹ دشتی که ما در کشور وجود دارد قریب به ۷۰ درصد آن «ممنوعه» و «ممنوعه بحرانی» هستند.

سخنگوی صنعت آب ایران با بیان اینکه «ما در طول چند دهه گذشته با اضافه برداشت از این منابع روند توسعه ناپایدار را به جلو سوق دادیم» اعلام کرده «متأسفانه نتیجه‌ای که به دنبال داشت آنکه بیش از ۳۰۰ دشت ما الان دارایی فرونشست با نرخ‌های متفاوت هستند.»

عیسی بزرگ‌زاده همچنین گفته که «دشت‌های مهم‌تری وجود دارد که بیشتر در معرض خطر هستند به عنوان مثال اصفهان، خراسان رضوی، یزد و همه مناطقی که ما دشت‌های مهمی داریم برای مثال کرمان دشت‌های مهمی دارد که این دشت‌ها وظیفه اصلی تأمین آب دارند آنجاهایی که ما دشت نداریم فرض بفرمائید مثلاً تو کویر لوط یا دشت کوی مشکلی وجود ندارد.»

سخنگوی صنعت آب کشور گفته «فرونشست‌های یکباره به لزوم ضرورت تسکین فرونشست و اتخاذ اقداماتی برای مهار این پدیده لازم است و البته این روش راهی به جز کاهش برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و محدودیت آن راه دیگری وجود ندارد.»

او افزوده «اول از همه بایستی الگوی توسعه را تغییر دیم یعنی ساخت و سازهای غیر مجاز را و ساخت و سازهای گسترده‌ای که بالای مرزهای تاب‌آوری هستند را باید جلوی آنها را گرفت.»

وقوع خشکسالی همراه با برداشت بیش از حد آب‌های زیرزمینی، در کنار چهار دهه مدیریت زیانبار جمهوری اسلامی در بخش آب و محیط زیست سبب گسترش پرسرعت پدیده فرونشست در ایران شده است.

علی بیت‌اللهی رئیس بخش زلزله‌شناسی و خطرپذیری مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی روز گذشته در گفتگو با خبرگزاری «مهر» درباره گسترش پدیده فرونشست در ایران گفت «از اواسط دهه ۵۰ که کاهش منابع آب زیرزمینی در کشور آغاز شد، این پدیده نیز شکل گرفت و نخستین آثار فرونشست زمین در حوالی رفسنجان کرمان گزارش شد. آن زمان که فناوری تصاویر ماهواره‌ای در دسترس نبود، این پدیده به صورت «لوله‌زایی» نمایان شد؛ یعنی لوله‌های چاه به دلیل پایین رفتن سطح زمین، از سطح زمین بیرون می‌زدند.»

داخل زمین هدایت کرد.»

این در حالیست که تصاویر ماهواره‌ای از جنوب شهر تهران نشان می‌دهد «فرونشست هاله‌ای» در ابعاد ۶۰ سانتی‌متر (در سال) در نقاطی از پایتخت جایگزین «فرونشست پهنه‌ای» شده است. علت احتمالی، پمپاژ بدون توقف آب از صدها چاه با عمق «تا ۳۰۰ متر» است.»

کارشناسان مدتهاست درباره اینکه فرونشست‌ها می‌تواند جان شهروندان و تأسیسات و زیرساخت‌ها را هدف قرار دهد هشدار می‌دهند. برای نمونه در مجموع حدود ۶/۵ میلیون نفر از جمعیت ۱۴/۵ میلیون نفری استان تهران و معادل حدود ۴۴ درصد از جمعیت کل استان در سال ۱۴۰۴ در پهنه درگیر با فرونشست سکونت دارند.

پدیده فرونشست تنها استان تهران را در شرایط بحرانی قرار نداده و ۳۰ استان کشور با خطرات آن روبرو هستند. استان‌های خراسان «رضوی»، فارس، کرمان، اصفهان، آذربایجان غربی، سمنان، یزد، گلستان و تهران استان‌هایی هستند که بیشترین وسعت و مساحت پهنه‌های فرونشست را دارند.

وزارت راه و شهرسازی زمستان گذشته در گزارشی درباره گسترش فرونشست‌ها در هیئت دولت ارائه شد که جزئیات آن نشان می‌داد ۳۸۰ شهر و ۹۲۰۰ روستا در معرض خطر فرونشست هستند. در برخی مساحت کل شهرها و در بعضی موارد بخشی از محدوده‌های شهری در زون‌های فرونشست قرار گرفته‌اند.

بر اساس این گزارش فرونشست در حدود ۱۸۵ هزار کیلومتر مربع و معادل تقریبی ۱۱ درصد از وسعت کشور گسترده شده است. همچنین نیمی از جمعیت ایران تحت تأثیر خطرهای ناشی از فرونشست قرار دارد. در این گزارش برآورد شده حدود ۱۱ هزار کیلومتر از طول لوله‌های انتقال گاز کشور نیز در تالاقی با پهنه‌های فرونشست باشند.

بر اساس داده‌های موجود و در دسترس، طول خطوط اصلی نفت واقع در پهنه‌های فرونشست زمین بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود.

همچنین بر اساس ارزیابی به عمل آمده، بیش از ۱۵ هزار و ۳۰۰ کیلومتر از خطوط جاده‌ای ترانزیتی در معرض خطر فرونشست زمین قرار دارد. از سوی دیگر برآورد شده است ۱۰۱ شهرک صنعتی در معرض خطر فرونشست زمین قرار دارند.

علی بیت‌اللهی در کنار تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی‌ها در ایران، دلایل دیگری را نیز در تشدید فرونشست‌ها موثر می‌داند: «رشد جمعیت، افزایش تقاضا برای کشاورزی، توسعه صنعت، مکان‌یابی صنایع و نیروگاه‌ها و موارد مشابه، همگی نیاز آبی عظیمی را ایجاد کرده‌اند که با میزان تغذیه آبخوان‌ها در تعادل نیست.»

او افزوده «تاکنون حدود ۱۴۰ میلیارد متر مکعب آب از دست رفته و بطور متوسط سطح آب زیرزمینی در آبخوان‌های کشور سالانه حدود ۶۰ سانتی‌متر کاهش یافته است که در برخی مناطق این کاهش تا یک و نیم متر نیز می‌رسد. این افت سطح آب زیرزمینی، همانند میوه‌ای که آب درون خود را از دست می‌دهد، باعث می‌شود سطح زمین منجابه شده و پایین برود و لایه‌های آبخوان نیز فشرده شوند.»

عیسی کلانتری رئیس پیشین سازمان محیط زیست نیز خردادماه امسال در یک مصاحبه ویدئویی گفته بود اصفهان سالانه ۲۰ سانتیمتر فرونشست دارد. او افزوده بود فرونشست زمین در استان اصفهان به یکی از جدی‌ترین بحران‌های محیط زیستی ایران تبدیل شده است.

عیسی کلانتری توضیح داده‌ود که «دشت اصفهان - بُرخوار، یکی از بحرانی‌ترین مناطق استان اصفهان به دلیل میزان فرونشست زمین است و به گفته مدیرکل سازمان زمین‌شناسی اصفهان، این شهر، تنها شهری است که فرونشست زمین به داخل منطقه مسکونی آن نفوذ کرده است.»

محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران نیز به تازگی اعلام کرده که «فرونشست در پایتخت از جنوب به طرف مرکز در حال توسعه و پیشروی است امروز نیازمند شکل‌گیری نهضت تزریق مصنوعی آب به داخل زمین هستیم و این مهم در یک پروسه ۱۰ ساله به خوبی جواب می‌دهد و از آهنگ فرونشست زمین می‌کاهد.»

محمد آقامیری افزوده: «سالیانه میلیون‌ها مترمکعب آب از سدها وارد شهر تهران می‌شود؛ چنانچه این میزان آب به زمین تزریق شود و به داخل لوله‌های فاضلاب شهری هدایت نشود، می‌توان از این بحران گذر کرد.»

رئیس کمیته عمران شورای شهر تهران افزوده: «تزریق آب به زمین از طرق مختلف ضروری است، باید آبخیزداری را در بالای شهر به اجرا گذاشت و با سدهای کوچک، آب را به

طرح جدید پزشکيان برای افزایش قيمت بنزين



اعتراض عمومی به حداقل خواهد رسید.» وی گفته قيمت بنزين نسبت به ديگر کالاها و خدمات، رشد بسيار کمتری داشته و همین امر موجب افزایش مصرف شده است. به گفته او، تجربه کشورهای ديگر نشان می‌دهد سياست «بنزين گران و خودروی ارزان» می‌تواند «مصرف سوخت را کاهش دهد، استفاده از وسایل نقلیه عمومی را افزایش دهد و به بهبود شرایط زیست‌محیطی کمک کند.» البته چنین چرخه‌ای زمانی پاسخ مساعد می‌دهد که برای نمونه وسایل نقلیه عمومی چنان منظم و مناسب و به‌موقع در اختیار شهروندان باشند که آنها به استفاده از این وسایل ترغیب و تشویق شوند!

این اقتصاددان نیز با تأکید بر اینکه افزایش قيمت بنزين باید به صورت پلکانی و با اطلاع‌رسانی پیشاپیش اجرا شود تا مردم بتوانند برنامه‌ریزی مالی داشته باشند، بر توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی مانند مترو، اتوبوس و تاکسی برای کاهش وابستگی به ماشین‌های شخصی تأکید کرده است. این در حالیست که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ساختاری که در همه عرصه‌ها ناکارآمد است ناگهان در زمینه حمل و نقل عمومی چنان اقداماتی انجام دهد که بتواند استفاده از آن را برای صاحبان اتومبیل جذاب کند. ضمن اینکه استفاده از اتومبیل شخصی تنها بخشی از مصرف سوخت و انرژی بطور کلی و بنزين را بطور خاص به خود اختصاص می‌دهد و بحران انرژی در ایران بسیار فراتر از مصرف بنزين توسط شهروندان است.

حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز در واکنش به سخنان پزشکيان همان چرخه‌ای را تکرار کرده که بدون تغییرات ساختاری اصلاً قابل اجرا نیست: «این تصمیم تنها در صورت احراز سه شرط اساسی قابل اجراست: ارتقای تکنولوژی خودروهای داخلی، بهبود حمل و نقل عمومی، و افزایش درآمدهای خانوار.»

وی همچنین هشدار داده که افزایش قيمت بنزين بدون این الزامات، «ظلم آشکار به مردم» خواهد بود. حسین صمصامی همچنین بدون اشاره مستقیم به اعتراضات سراسری آبان ۹۸ گفته: «درس‌های تاریخی نشان می‌دهد که تغییرات شتابزده در قيمت حامل‌های انرژی، بدون بسترسازی اجتماعی و اقتصادی، پیامدهای جبران‌ناپذیری به همراه دارد.»

سراسری ۹۸ معروف شد. با دستور دولت اصلاح‌طلب حسن روحانی اعتراضات مردم به شدت سرکوب و صدها شهروند کشته و هزاران تن ديگر مجروح و بازداشت شدند. آن زمان نیز پس از بارها خبر گران شدن بنزين که هر بار از سوی مقامات «شایعه» خوانده می‌شد، با تصمیم سران سه قوه و تأیید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، قيمت جديد بنزين در نیمه‌شب اعلام شد!

حالا نیز یک روز پس از اظهارات مسعود پزشکيان، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت هرگونه برنامه برای افزایش قيمت بنزين را «شایعه» خواند.

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران گفت: «الان زمان تصمیم‌گیری درباره افزایش قيمت بنزين نیست، و هنوز موضوع در سطح طرح مسئله است و هیچ تصمیم‌گیری در این زمینه انجام نشده است.»

وی در ادامه اما برنامه دولت برای افزایش قيمت بنزين را تأیید کرد و گفت: «در اینکه ما در موضوع بنزين باید بیشتر حرف بزنیم و در نهایت به تصمیم برسیم تردیدی وجود ندارد. به قول رئیس جمهور کسی که با ماشین آفرود می‌رود و در فضای خارج شهر رانندگی می‌کند خیلی هم خوب است ما خوشحالیم از اینکه مردم بتوانند بروند آفرود و شاد باشند ولی آیا می‌توانیم سهم دهک‌های پایین و قيمت ۱۵۰۰ تومانی را به این کار اختصاص بدهیم؟ پاسخ این است که یقیناً این عمل را هیچکسی تأیید نمی‌کند لذا موضوع در حد طرح مسئله است. هیچگونه نظری بر اینکه بخواید افزایش قيمت بنزين وجود داشته باشد صورت نگرفته و هیچ جمع‌بندی در این زمینه وجود ندارد.»

با اینهمه مشخص است که کمبود منابع درآمدی دولت دیر یا زود سبب خواهد شد طرحی برای حذف یارانه بنزين، دست‌کم آنطور که پزشکيان اعلام کرده برای دهک‌های پردرآمد اجرا شود. با اینهمه کارشناسان همچنان معتقدند افزایش قيمت بنزين به علت اثر سریع و مستقیم که بر افزایش قيمت انواع کالاها و خدمات خواهد داشت باید با ایجاد بسترهای مقدماتی صورت بگیرد.

آلبرت بغزبان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی در اینباره بر ضرورت افزایش پلکانی قيمت بنزين تأکید کرده و گفته «اگر این تغییرات به صورت تدریجی انجام شود، نگرانی و

● طرح مسعود پزشکيان تعیین نرخ متفاوت بنزين برای دهک‌های مختلف درآمدی و حذف یارانه بنزين برای دهک‌های پردرآمد است.

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در جمع خبرنگاران گفت: «الان زمان تصمیم‌گیری درباره افزایش قيمت بنزين نیست، و هنوز موضوع در سطح طرح مسئله است و هیچ تصمیم‌گیری در این زمینه انجام نشده است.»

● موضوع افزایش قيمت بنزين از مواردی است که هم در دولت‌های قبلی و هم از ابتدای تشکیل دولت پزشکيان مورد بحث بوده اما همچنان با گذشت یک سال و با وجود تأکید کارشناسان و مقامات دولت بر لزوم حذف یارانه بنزين، اقدامی در اینباره نشده است.

● آلبرت بغزبان اقتصاددان معتقد است افزایش قيمت بنزين باید به صورت پلکانی و با اطلاع‌رسانی پیشاپیش اجرا شود تا مردم بتوانند برنامه‌ریزی مالی داشته باشند.

● البته چنین پیشنهاداتی زمانی پاسخ مساعد می‌دهد که برای نمونه وسایل نقلیه عمومی چنان منظم و مناسب و به‌موقع در اختیار شهروندان باشند که آنها به استفاده از این وسایل ترغیب و تشویق شوند! اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ساختاری که در همه عرصه‌ها ناکارآمد است ناگهان در زمینه حمل و نقل عمومی چنان اقداماتی انجام دهد که بتواند استفاده از آن را برای صاحبان اتومبیل جذاب کند!

در حالی که مسعود پزشکيان به تازگی از طرحی جهت حذف یارانه بنزين برای دهک‌های پر درآمد خبر داده، سخنگوی دولت افزایش قيمت بنزين را «شایعه» خوانده است. مسعود پزشکيان رئیس دولت پزشکيان روز یکشنبه ۱۹ امرداد ۱۴۰۴ در نشست با مدیران رسانه، بار ديگر موضوع یارانه بنزين را مطرح کرد و از طرحی برای حذف یارانه بنزين برای اقشار پردرآمد خبر داد.

پزشکيان با ادعای اینکه «دولت به دنبال گران کردن بنزين برای طبقه محروم جامعه نیست» اما این پرسش را مطرح کرد که «چرا باید ۴ میلیارد تومان برای واردات بنزين هزینه شود تا کسانی که ۴ برابر بیشتر از ديگران مصرف می‌کنند، از یارانه برابر بهره‌مند شوند و بنزين را به قيمت ۱۵۰۰ لیتری ۱۵۰۰ تومان خریداری کنند؟»

سخنان مسعود پزشکيان نشان می‌دهد یکی از گزینه‌های مورد نظر دولت برای رفع کمبود بنزين، تعیین نرخ متفاوت بنزين برای دهک‌های مختلف درآمدی است؛ اقدامی مشابه شیوه تخصیص یارانه نقدی که در آن دهک‌های پردرآمد یا یارانه‌ای دریافت نمی‌کنند یا مبلغ کمتری دریافت می‌کنند.

مسعود پزشکيان تأکید کرد که «بخش قابل توجهی از منابع کشور صرف واردات بنزين می‌شود، در حالی که می‌توان با مدیریت صحیح مصرف، این هزینه‌ها را کاهش داد.»

موضوع افزایش قيمت بنزين از مواردی است که هم در دولت‌های قبلی و هم از ابتدای تشکیل دولت پزشکيان مورد بحث بوده اما همچنان با گذشت یک سال و با وجود تأکید کارشناسان و مقامات دولت بر لزوم حذف یارانه بنزين، اقدامی در اینباره نشده است.

قیمت بنزين آخرین بار در آبان‌ماه ۱۳۹۸ و در جریان اجرای طرح سهمیه‌بندی افزایش یافت. بر اساس تغییراتی که آن سال انجام شد قيمت هر لیتر بنزين سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومان و بنزين آزاد ۳۰۰۰ تومان تعیین شد. افزایش قيمت بنزين با موجی از اعتراضات مردم روبرو گشت که به اعتراضات

تجمع اعتراضی سهامداران بورس؛ تداوم سقوط شاخص‌ها و خروج نقدینگی از بازار

● شماری از سهامداران بازار بورس امروز چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۴، با تجمع مقابل وزارت اقتصاد اعتراض خود را به وضعیت بحرانی بورس و سیاست‌های دولت اعلام کردند.

● معترضان در بیانیه‌ای نوشتند: «بازار سرمایه که باید نماد شفافیت، عدالت و کارآمدی در اقتصاد باشد، امروز زیر سایه بی‌برنامگی، عدم پایداری به مقررات، و تصمیمات خلق‌الساعه به بستری برای زیان و بی‌اعتمادی تبدیل شده است.»

شماری از سهامداران بازار بورس ایران در اعتراض به ریزش پی‌در پی بازار بورس تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان وزیر اقتصاد دولت پزشکیان و رئیس سازمان بورس را در بروز وضعیت بحرانی این روزهای بازار بورس مقصر دانستند.

شماری از سهامداران بازار بورس امروز چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۴۰۴ با تجمع مقابل وزارت اقتصاد اعتراض خود را به وضعیت بحرانی بورس و سیاست‌های دولت اعلام کردند. سهامداران معترض عملکرد مسئولان از جمله علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد دولت پزشکیان و حجت‌الله صیدی رئیس سازمان بورس را دلیل اصلی وضعیت فعلی بازار سهام دانسته و خواستار رسیدگی فوری به مشکلات بازار و حمایت از سرمایه‌گذاران شدند.

در روزهای اخیر، خروج گسترده نقدینگی از بازار سرمایه باعث شده تا شاخص‌های بورس کاهش شدیدی را تجربه کنند و بسیاری از نهادها در وضعیت قرمز قرار گیرند و همین امر اعتراض سهامداران به وضعیت بورس را در پی داشته است.

سهامداران معترض همزمان با تجمع مقابل ساختمان وزارت اقتصاد بیانیه‌ای را نیز صادر کردند. در این بیانیه آمده بود «ما جمعی از سهامداران و فعالان بازار سرمایه جمهوری اسلامی ایران، امروز با قلبی پر از دغدغه و اعتراضی عمیق، در برابر وزارت امور اقتصادی و دارایی گرد هم آمده‌ایم تا صدای واحد میلیون‌ها سهامدار خرد و کلان کشور باشیم؛ مردمی که با اعتماد به قوانین و وعده‌های رسمی، سرمایه‌های خود را به امید رشد اقتصادی و حمایت از تولید ملی به بازار سرمایه آوردند، اما در سال‌های اخیر با موجی از تصمیمات نسنجیده، بی‌قانونی‌ها و بی‌تدبیری‌ها مواجه شدند.»

سهامداران همچنین نوشته بودند «بازار سرمایه که باید نماد شفافیت، عدالت و کارآمدی در اقتصاد باشد، امروز زیر سایه بی‌برنامگی، عدم پایداری به مقررات، و تصمیمات خلق‌الساعه به بستری برای زیان و بی‌اعتمادی تبدیل شده است.»

سهامداران معترض ۱۰ خواسته مشخص خود از دولت را در این بیانیه برشمردند که یکی از آنها «رعایت کامل قوانین بازار سرمایه و دستورالعمل‌های اجرایی، به‌ویژه مقررات افشای اطلاعات و الزامات شفافیت، بدون تبعیض و با ضمانت اجرای واقعی» بود.

آنها همچنین خواستار «پاسخگویی فوری و رسمی مسئولان وزارت اقتصاد و سازمان بورس در خصوص ترک فعل‌ها و تصمیماتی که به زیان گسترده سهامداران انجامیده



اعتراض سهامداران بورس مقابل وزارت اقتصاد - ۲۲ مرداد ۱۴۰۴

است» شدند.

«شفاف‌سازی کامل منابع حمایتی بازار سرمایه»، «غیر فوری تیم مدیریتی باقی‌مانده از دوره قبلی در سازمان بورس»، «هدایت منابع آزاد شرکت‌ها به سمت سرمایه‌گذاری مولد و افزایش سودسازی پایدار» و «ایجاد مکانیزم نظارت مردمی با حضور نمایندگان سهامداران» از دیگر خواسته‌های سهامداران معترض در این بیانیه است.

در پایان این بیانیه تاکید شده که این خواسته‌ها نه شخصی‌اند و نه جناحی، بلکه برآمده از منافع ملی و ضرورت حفظ سرمایه‌های مردم و اعتماد عمومی به نظام اقتصادی کشورند. تداوم این وضعیت، به‌معنای تشدید فرار سرمایه، کاهش مشارکت مردمی در تأمین مالی تولید، و افزایش نارضایتی اجتماعی خواهد بود.

بازار بورس ایران در هفته‌های گذشته با ریزش شدید شاخص و خروج قابل توجه نقدینگی از بازار روبرو بوده است. در معاملات امروز بازار نیز شاخص کل بورس امروز ۴۳ هزار و ۱۸۱ واحد ریزش و به زیر کانال ۲/۵ میلیونی سقوط کرد.

شاخص هم‌وزن نیز هشت هزار و ۳۷۱ واحد ریخت تا با کاهش ۱/۰۹ درصدی در سطح ۷۶۲ هزار و ۳۵۷ واحد قرار گیرد.

همچنین تراز پول حقیقی در سهام خرد، حق تقدم و صندوق‌های سهامی امروز هم منفی بود و ۴۲۶ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. از سوی دیگر آمارها نشان می‌دهد ارزش دلاری بازار سرمایه در پی ریزش بورس در روزهای اخیر به ۱۴ سال قبل بازگشته است.

کارشناسان بازار سرمایه معتقدند اقتصاد دستوری و دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت در همه بخش‌های اقتصاد و بازارهای مختلف سبب تشدید رکود تورمی شده و وضعیت بازار بورس آینده‌ای از تشدید رکود تورمی در اقتصاد ایران است.

مریم محبی کارشناس بازار بورس تاکید کرده در

کوتاه‌مدت، نمی‌توان چشم‌انداز مثبتی برای بازار سرمایه متصور بود. نبود عزم جدی و برنامه‌های حمایتی دقیق از سوی دولت، همراه با جذابیت بازارهای موازی مانند طلا و افزایش قیمت دلار، باعث شده سرمایه‌ها به سمت بخش‌های غیرمولد هدایت شوند.

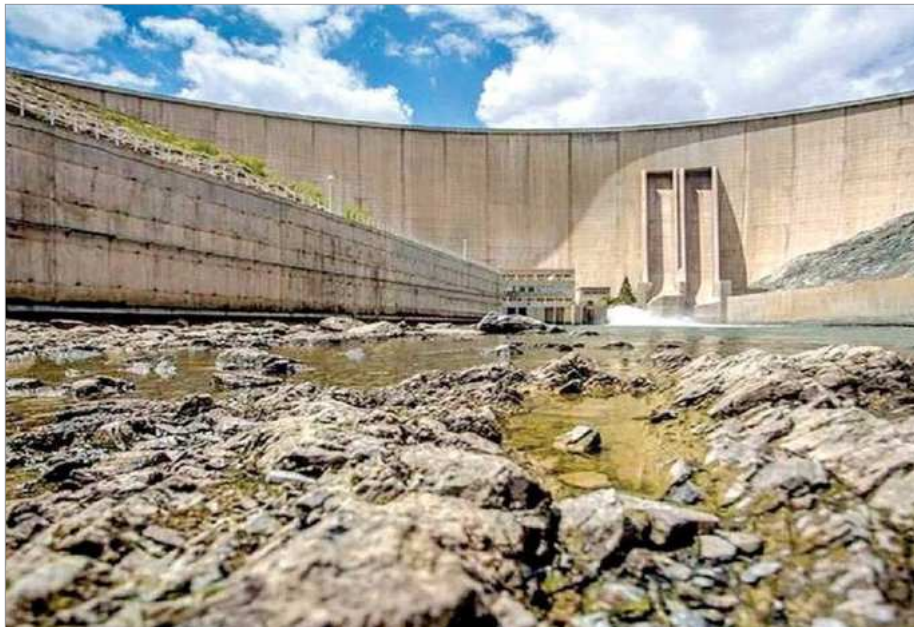
مریم محبی افزوده «پیش‌نیازهای لازم برای خروج بازار سرمایه از روند نزولی فعلی فراهم نشده و به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت، بازگشت بازار به مسیر صعودی دشوار باشد. این شرایط هم‌زمان با افزایش جذابیت بازارهای غیر مولد، مانند طلا، چالش‌های بیشتری را برای بازار سرمایه ایجاد کرده است.»

وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز به تشدید مشکلات بازار بورس به علت بحران کمبود انرژی اشاره کرده و نوشته «باید توجه داشت که صنایع بزرگ و انرژی‌بر، از فولاد و سیمان تا پتروشیمی و آلومینیوم؛ بخش قابل‌توجهی از ارزش بازار بورس را تشکیل می‌دهند. پس هر ساعت توقف تولید در این بخش‌ها به معنی از دست رفتن درآمد، کاهش سود و بالا رفتن هزینه‌های ثابت سرشکن‌نشده است.»

«اقتصاد ۲۴» افزوده وقتی برق یا گاز صنایع قطع می‌شود، این بدان معناست که خط تولید متوقف می‌شود و بخشی از ظرفیت ماهانه از دست می‌رود. در چنین شرایطی شرکت‌ها مجبور به استفاده از منابع جایگزین پرهزینه مثل ژنراتور یا سوخت مایع می‌شوند. قطعی ناگهانی می‌تواند به تجهیزات صنعتی آسیب بزند و عمر مفید آنها را کاهش دهد.»

در ادامه این گزارش آمده «همچنین کاهش تولید فولاد و سیمان، به معنای افزایش هزینه پروژه‌های عمرانی و مسکونی است. این افزایش قیمت، موجی از تورم را به بخش‌های دیگر منتقل می‌کند. از سوی دیگر، صنایع پایین‌دستی نیز با کمبود مواد اولیه مواجه می‌شوند و یا مجبورند با قیمت‌های بالاتر خرید کنند. این فشار مضاعف، فضای کسب‌وکار را تنگ‌تر کرده و بر ارزش‌گذاری کل بازار سرمایه اثر منفی می‌گذارد.»

هشدار یک استاد دانشگاه: وضعیت آب تهران در پاییز بی بارش بحرانی می شود



● فرشاد علیجانی کارشناس مدیریت منابع آب: با توجه به وضعیتی که برای آینده بخصوص درباره بی بارش بودن فصل پاییز پیشبینی شده است، احتمالاً در پاییز امسال، وضعیت آب تهران وارد مرحله بحرانی خواهد شد.

● به گفته فرشاد علیجانی، «برداشت بی رویه از منابع آب زیرزمینی یکی از عوامل اصلی تشدید بحران است.»

● بحران تأمین آب به ویژه در کلانشهرها طی ماههای گذشته به مشکل جدیدی برای شهروندانی تبدیل شده که پیشتر با قطع برق روبرو بودند و حالا باید با جیره بندی و قطع طولانی آب نیز دست و پنجه نرم کنند.

● طرحهایی که از سوی دولت برای حل بحران کمبود آب مطرح می شود، بسیار زمانبر و در برخی موارد غیرکارآمد و زیانبار ارزیابی شده است.

فرشاد علیجانی کارشناس مدیریت منابع آب و استاد دانشگاه اعلام کرده با توجه به وضعیتی که برای آینده بخصوص درباره بی بارش بودن فصل پاییز پیشبینی شده است، احتمالاً در پاییز امسال، وضعیت آب تهران وارد مرحله بحرانی خواهد شد.

فرشاد علیجانی توضیح داده: «اگر وضعیتی که طی ۵ سال گذشته از نظر خشکسالی در حوضه های تهران و کرج با آن مواجه بوده ایم، دو سال دیگر هم ادامه داشته باشد، می توانیم انتظار داشته باشیم که در آینده در فصل تابستان، آب سدهای این حوضه های آبی دیگر قابل بهره برداری نباشد.»

او بروز وضعیت بحرانی امروز را قابل پیشبینی خوانده و گفته: «از سالهای قبل به ویژه با روند افزایش جمعیت تهران و کرج طی دهه های اخیر، این مسئله قابل پیشبینی بود که روزی به وضعیتی برسیم که در تأمین آب ساکنان پایتخت با بحران مواجه شویم.»

به گفته این استاد دانشگاه «برداشت بی رویه از منابع آب زیرزمینی یکی از عوامل اصلی تشدید بحران است. کاهش بارش ها و استفاده فزاینده از چاه های عمیق و نیمه عمیق، منجر به افت شدید سطح آب های زیرزمینی و بروز پدیده فرونشست در بسیاری از نقاط تهران و حومه شده است.»

او افزود: «این برداشتها نه تنها منابع آب را در معرض نابودی قرار داده، بلکه کیفیت آب را نیز به دلیل نفوذ آلاینده ها کاهش داده است. نبود برنامه ریزی جامع برای مدیریت پایدار آب، به ویژه در حوزه کشاورزی و مصرف صنعتی در اطراف تهران، فشار مضاعفی بر منابع آبی تحمیل کرده است.»

او مدیریت نیم قرن اخیر درباره منابع آبی را عامل اصلی بروز بحران کمبود آب امروز در کشور ارزیابی کرده و معتقد است تغییرات اقلیمی و الگوهای نامنظم بارندگی، به عنوان «عامل جدید و فزاینده» وضعیت تأمین آب را وخیم تر کرده اند.

بحران تأمین آب به ویژه در کلانشهرها طی ماههای گذشته به مشکل جدیدی برای شهروندانی تبدیل شده که پیشتر با قطع برق روبرو بودند و حالا باید با جیره بندی و قطع طولانی آب دست و پنجه نرم کنند. تهران یکی از بحرانی ترین مناطق در تأمین آب آشامیدنی است و از اواخر بهار شهروندان ساکن این شهر با چندین ساعت قطع آب در روز مواجه بودند. اکنون زمان قطع آب افزایش یافته و

هیچ کدام از بخشها ممکن نیست چراکه آن بخش شاکی خواهد شد.»

این کارشناس افزوده «در حوضه سد طالقان هم باید مواظب باشیم که مصارف بیشتر از منابع نشود، چرا که در آن صورت نه تنها برای دشت قزوین، بلکه برای تهران هم مشکل ایجاد می شود و بر سر مقداری آب همیشه بحث و جدل وجود خواهد داشت.»

به عقیده محسن موسوی خوانساری، «مصارف باید همیشه کمتر از منابع باشد و سهم محیط زیست هم در نظر گرفته شود. در پایین سد طالقان مقداری حقابه محیط زیست باید رها شود و میزانی هم باید به عنوان سهم کشاورزی اختصاص یابد.»

درباره طرح های مطرح شده و امیدآفرینی مقامات برای حل بحران کمبود آب احد وظیفه رئیس انجمن هواشناسی ایران با بیان اینکه مشکل منابع آب در کشور به یک بیماری مزمن تبدیل شده است، گفته: «طرح های بدون پایه علمی سبب هدر رفت منابع مالی، ایجاد امید کاذب و تأخیر در اجرای راهکارهای واقعی می شود.»

احد وظیفه افزوده: «جابجایی ابرها ممکن نیست؛ ابرها و سامانه های بارشی تحت تأثیر الگوهای جوی بسیار بزرگ شکل می گیرند و تغییر مسیر آنها به انرژی بسیار بیشتر از توان فناوری بشر نیاز دارد. بارورسازی ابر با هر روشی فقط در شرایط خاص و آن هم فقط برای ابرهای مستعد بارش از قبل می تواند کمی (حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد) بارش را افزایش دهد.»

او گفته: «این مشکل نتیجه ترکیبی از کاهش طولانی مدت بارش، مدیریت نادرست منابع آب و تخریب طبیعت است و هیچ روش فوری و معجزه آسایی برای برگرداندن شرایط وجود ندارد.»

رئیس انجمن هواشناسی ایران تأکید کرده: «نجات ایران از خشکسالی نیازمند تصمیم گیری جدی، پایبندی به علم و اجرای سریع راهکارهای پایدار است.»

در برخی محله ها به ۱۸ ساعت در شبانه روز رسیده است. جدا از بحران تأمین آب آشامیدنی شهروندان در تهران، عدم آبیاری باغ ها و بستان های پایتخت به علت کمبود آب سبب موجی از خشکی گیاهان و پارک ها شده است.

در همین رابطه حسین دماوندی معاون برنامه ریزی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان تهران، روز سه شنبه ۲۱ مرداد هشدار داده که پارک های جنگلی تهران از جمله چیتگر، سرخه حصار، لویزان و مهرآباد در معرض خطر خشک شدن و بروز آفت سوسک پوسته خوار قرار گرفته اند. او علت خشکی پارک های جنگلی را «تنش های آبی و عدم آبیاری مناسب از سوی شهرداری تهران» در هفته های اخیر عنوان کرده است. معاون اداره منابع طبیعی تهران با بیان اینکه اگر درختان آفت زده قطع نشوند، آفت به تمام جنگل های تهران آسیب می زند، گفت در حال حاضر بخشی از درختان پارک های چیتگر و سرخه حصار خشک شده است. به گفته حسین دماوندی، منابع طبیعی استان به دلیل عدم شیوع آفات ناچار به قطع درختان بیش از ۵۰ سال سن کرده که نگرانی هایی را برای شهروندان ایجاد کرده است. در این میان طرح هایی که از سوی دولت برای حل بحران کمبود آب مطرح می شود، بسیار زمانبر و در برخی موارد غیرکارآمد و زیانبار ارزیابی شده است. برای نمونه خط انتقال جدید آب از سد طالقان به بیلقان البرز از جمله طرح های مطرح شده برای جبران کمبود آب تهران است. کارشناسان محیط زیست اما معتقدند زیان اجرای این طرح بیشتر از سود آن است.

محسن موسوی خوانساری کارشناس حوزه آب معتقد است طرح انتقال آب از طالقان می تواند محیط زیست را با خطراتی روبرو کند: «ما تجربه رود زاینده رود را داریم که مصارف تعریف شده برای آن بالاتر از منابع است. مصرف زیادی برای آب رود زاینده رود در هر سه استان چهارمحال و اصفهان و یزد در نظر گرفته شد، تا آنجا که آبی برای محیط زیست باقی نماند و در حال حاضر کم کردن سهم

شرایط بحرانی صنعت و تولید در ایران



نصف میزان آن در ۵۰ سال پیش تنزل پیدا کرده است. همچنین نتایج پایش ملی محیط کسب و کار ایران در بهار امسال نیز از زاویه‌های دیگر بحران رکود تورمی جاری در اقتصاد کشور را نمایان می‌کند. بر اساس پایش ملی محیط کسب و کار ایران وضع نامطلوب در اکوسیستم اقتصادی کشور ادامه دارد. بر اساس این گزارش، شرایط محیط کسب و کار در ۱۸ استان بسیار نامساعد ارزیابی شده و خراسان «رضوی» تنها استانی است که به‌طور نسبی، وضعیت بهتری دارد.

فعالان اقتصادی، «تغییرات مداوم قیمت‌ها»، «عدم ثبات قوانین و مقررات» و «مشکلات در تأمین مالی» را اصلی‌ترین متغیرهای محدودکننده تولید می‌دانند؛ مسائلی که به عقیده بسیاری از کارشناسان حل آنها نیازمند تحول در شیوه سیاست‌گذاری و مدیریت اقتصادی کشور است.

همچنین «تغییرات مداوم نرخ ارز» و «تورم ساختاری»، پیش‌بینی آینده شرایط اقتصادی در ایران را به یک موضوع ناممکن بدل کرده است. همچنین عدم ثبات قوانین، هزینه مبادلاتی در اقتصاد ایران را بالا برده و موجب افزایش ریسک فعالیت‌های تولیدی شده است.

از سوی دیگر انحراف نهادهای مالی از وظایف اصلی خود و بنگاهداری بانک‌ها، مانع توسعه بخش مولد اقتصاد شده است. در نهایت هم‌افزایی مشکلات مذکور، همچون حساری فعالان عرصه تولید را محدود کرده است.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با انتشار نتایج پایش ملی محیط کسب و کار ایران نوشته تصویری که از بهار ۱۴۰۴ بر صفحه اقتصاد نقش می‌بندد، نه روشن و آرام، بلکه پر از ابهام است؛ اقتصادی که پیش‌بینی‌ناپذیری در دو بعد قیمتی و حقوقی پایه‌های آن را لرزان کرده و سه مانع اصلی ناپایداری قیمت‌ها، تنگنای سرمایه در گردش و تغییرات مکرر قوانین، مسیر را ناموار ساخته‌اند. «دنیای اقتصاد» تأکید کرده همسویی این یافته‌ها با شاخص مدیران خرید (شامخ) نشان می‌دهد که جغرافیای کسب و کار هر جا مساعدتر بوده، راه برای عملکرد هموارتر شده‌است. اما تا زمانی که افق اقتصاد از ابهام نوسانات و بی‌ثباتی پاک نشود، این مسیر همچنان پر پیچ و پرخطر خواهد ماند.

مربوط به شاخص مدیران خرید (شامخ) گویای این واقعیت است که «علاوه بر مشکلات موجود در دو سوی عرضه و تقاضا، فضای کلی صنعت و اقتصاد نیز با بی‌اطمینانی‌های فزاینده‌ای مواجه است و همگی موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و افزایش تردید میان تولیدکنندگان و صادرکنندگان و افزایش تعدیل نیروی انسانی موجود در واحدهای اقتصادی شده‌اند.»

حسین سلاح‌ورزی عضو هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایی ایران نیز در یادداشتی با اشاره به آمارهای شاخص مدیران خرید (شامخ) نوشته است: «در بخش تولید، کاهش موجودی مواد اولیه و کاهش تقاضا، بسیاری از بنگاه‌ها را به آستانه ورشکستگی کشانده و موج تعدیل نیرو و بیکاری را شدت بخشیده است.»

وی افزوده ریشه‌های این بحران چندلایه‌اند. کسری بودجه مزمن دولت که اغلب با چاپ پول و افزایش نقدینگی جبران می‌شود، موتور تورم را روشن نگه داشته است. سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی، مانند افزایش نرخ بهره، اگرچه برای مهار تورم طراحی شده‌اند، اما تقاضا و سرمایه‌گذاری را خفه کرده و رکود را عمیق‌تر کرده‌اند. او در ادامه نوشته تحریم‌های بین‌المللی که به گفته تحلیلگران ۲۰ تا ۴۰ درصد بر تورم اثر دارند، دسترسی به منابع ارزی را محدود کرده و ارزش ریال را به قهقرا برده است. تنش‌های ژئوپلیتیک مانند جنگ بی‌اطمینانی را تشدید کرده و خروج نقدینگی از بورس را به دنبال داشته و شاخص کل بورس افت ۴/۷ درصدی داشته است.

به عقیده حسین سلاح‌ورزی، مدیریت رکود تورمی مانند راه رفتن روی لبه تیغ است. سیاست‌های انقباضی پولی برای کنترل تورم ضروری‌اند؛ اما خطر تعمیق رکود را دارند. اصلاحات ساختاری، از کاهش کسری بودجه و وابستگی به نفت گرفته تا تقویت تولید داخلی، دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت است.

از سوی دیگر داده‌های بانک مرکزی نشان می‌دهند میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) از میانگین ۹/۱ درصد در دوره ۱۳۵۷-۱۳۳۹ به تنها ۱/۹ درصد در دوره ۱۳۵۸-۱۳۹۹ سقوط کرده است. GDP سرانه در سال ۱۴۰۳ به تقریباً به

● شاخص مدیران خرید (شامخ) در بخش کل اقتصاد و صنعت در خرداد ماه ۱۴۰۴ کاهش و معادل ۴۲/۹ برآورد شده؛ به گونه‌ای که کمترین مقدار ۶۲ ماهه خود را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است.

● بر اساس پایش ملی محیط کسب و کار ایران وضع نامطلوب در اکوسیستم اقتصادی کشور ادامه دارد. بر اساس این گزارش، شرایط محیط کسب و کار در ۱۸ استان بسیار نامساعد ارزیابی شده و خراسان «رضوی» تنها استانی است که به‌طور نسبی وضعیت قابل قبولی دارد.

● حسین سلاح‌ورزی عضو هیئت مدیره کانون عالی کارفرمایی ایران نوشته است: «در بخش تولید، کاهش موجودی مواد اولیه و کاهش تقاضا، بسیاری از بنگاه‌ها را به آستانه ورشکستگی کشانده و موج تعدیل نیرو و بیکاری را شدت بخشیده است.»

● فعالان اقتصادی «تغییرات مداوم قیمت‌ها»، «عدم ثبات قوانین و مقررات» و «مشکلات در تأمین مالی» را اصلی‌ترین متغیرهای محدودکننده تولید می‌دانند.

افزایش تورم تولیدکنندگان که با شاخص مدیران خرید در اقتصاد شناخته می‌شود در حال افزایش است. رکود تورمی در کنار بحران کمبود انرژی و آب فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده و هشدارهایی درباره کاهش رشد اقتصادی را در پی داشته است.

شاخص مدیران خرید (شامخ) در بخش کل اقتصاد و صنعت در خرداد ماه ۱۴۰۴ کاهش و معادل ۴۲/۹ برآورد شده؛ به گونه‌ای که کمترین مقدار ۶۲ ماهه خود را از اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ به ثبت رسانده است.

مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران با انتشار جزییاتی از این آمار نوشته تداوم قطع انرژی و آب واحدهای اقتصادی و تجاری، تحمیل جنگ دوازده روزه و بی‌اطمینانی شکل گرفته برای صاحبان کسب و کار و سختگیری تعهدات ارزی و نظایر آن، رقم این شاخص را به یکی از کمترین مقادیر در سری زمانی خود طی سال‌های اخیر کشانده است. مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران افزوده آمارهای

ریزش‌ها در بازار بورس و خروج پول از بازار ادامه دارد

[illegible]

بازار بورس از خردادماه با روندی منفی روبرو شده و تلاش دولت برای ارائه بسته ۶۰ هزار میلیارد تومانی به بازار هم نتوانست سه ماهه گذاران را امدوار و روند بازار را مثبت کند.

افزایش مهاجرت‌های اقلیمی با خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌های ایران



شده‌اند، طوفان‌های گردوغبار منطقه را دربر گرفته‌اند، و چاه‌ها خشک شده‌اند. محصولات کشاورزی و دام‌ها در حال تلف شده‌اند.»

روزنامه «جهان صنعت» نیز یکی دیگر از ابعاد خشکسالی و بی‌آب شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها و خشک شدن رودخانه‌ها را مورد ارزیابی قرار داده است: گسترش مهاجرت‌های اقلیمی.

در این گزارش آمده اگر روند فعلی گرمایش و کاهش بارش ادامه پیدا کند، پیامدهای آن فقط محدود به افت تولید و بحران آب نخواهد بود و ساختار جمعیتی و توسعه اقتصادی کشور را نیز دگرگون می‌کند.

این گزارش افزوده استان‌های کم‌آب در شرق و جنوب که همین حالا هم با محدودیت منابع، ضعف زیرساخت‌ها و وابستگی شدید به کشاورزی روبه‌رو هستند، بیش از پیش از قافله توسعه عقب خواهند ماند. فاصله درآمدی و رفاهی این استان‌ها با مناطق پرآب و برخوردار به‌ویژه در شمال و شمال‌غرب کشور، عمیق‌تر می‌شود و این نابرابری می‌تواند به یک شکاف پایدار اقتصادی و اجتماعی تبدیل شود. در چنین شرایطی مهاجرت اقلیمی محتمل‌ترین واکنش خانوارها و نیروی کار خواهد بود.

«جهان صنعت» تأکید کرده تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که در مناطق دچار خشکسالی طولانی، کاهش فرصت‌های شغلی و افت کیفیت زندگی، جمعیت را به سمت مناطق با آب‌وهوای معتدل‌تر و منابع آبی مطمئن‌تر سوق می‌دهد.

این گزارش افزوده در ایران نیز این جریان می‌تواند به مهاجرت گسترده از استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، کرمان و خراسان جنوبی به سمت استان‌های مرکزی، شمالی و حتی حاشیه دریای خزر منجر شود. چنین جابه‌جایی جمعیتی علاوه بر فشار بر زیرساخت‌های مقصد، خطر خالی‌شدن روستاها و شهرهای کوچک و در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی در مبدأ را به همراه دارد.

منابع زیرزمینی، بخشی از آب آن بازگردد، اما با تداوم گرما ممکن است این اتفاق هم رخ ندهد.»

رئیس اداره محیط زیست شهرستان کرمانشاه افزوده «در حال حاضر تنها برخی چاله‌ها و بخش‌های محدود تالاب دارای آب هستند، اما با توجه به تبخیر بسیار بالا ناشی از گرمای شدید، این ذخایر نیز به سرعت در حال خشک شدن هستند. اگر این روند ادامه یابد، هشیلان نهایتاً تا بیست روز آینده کاملاً خشک خواهد شد.»

بر اساس پیش‌بینی‌ها، با تداوم وضعیت کنونی از پسروری آب دریاچه مازندران پیش‌بینی می‌شود سطح آب این دریاچه تا سال ۲۱۰۰ حدود ۹ تا ۱۸ متر کاهش پیدا کند. در این شرایط ۲۴ تا ۳۴ درصد مساحت دریا از دست می‌رود و در نتیجه زیرساخت‌ها نابود، کشاورزی متوقف، و تالاب‌های منطقه خشک می‌شود.

همچنین گزارش‌ها حاکی از آنست که خلیج گرگان با مساحت حدود ۵۱ هزار هکتار زیستگاه حدود ۲۰۰ گونه ارزشمند در معرض خطر انقراض است. این خلیج ۴۰ سال پیش به عنوان نخستین تالاب بین‌المللی ایران در کنوانسیون جهانی رامسر ثبت جهانی شد.

کامران رضایی عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران هفته گذشته در نشست «گرد و غبار، میراث خشکی تالاب‌ها؛ چالش‌ها و راهکارها» در سخنانی گفت: «وسعت تالاب‌های کشور بیش از ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار است که بخش زیادی از آنها دچار خشکیدگی دائمی، فصلی و مقطعی شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد تالاب‌های کشور این وضعیت را دارند و از این رو مستعد تبدیل شدن به کانون‌های گردوغبار هستند.»

اوایل امرداد جاری نیز نیویورک تایمز در گزارشی درباره وضعیت خشکسالی در ایران نوشت «برخی از عمیق‌ترین سدهای ایران به برکه‌هایی کم‌عمق تبدیل شده‌اند. تالاب‌های سرسبز به بسترهایی از شن و ماسه تبدیل

● تازه‌ترین آمار سازمان هواشناسی از میزان بارندگی در کشور نشان می‌دهد که ایران در امرداد و سال آبی جاری با کاهش چشمگیر بارش روبه‌رو بوده و در برخی استان‌ها، تا ۷۴ درصد بارش کمتر از نرمال ثبت شده است.

● با تداوم خشکسالی و کاهش بارندگی، بحران کمبود آب نه تنها تأمین آب آشامیدنی در شهرهای مختلف ایران را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده بلکه حیات تالاب‌ها و دریاچه‌ها نیز با خطر نابودی مواجه است.

● رئیس اداره محیط زیست شهرستان کرمانشاه: تالاب‌ها و سراب‌های حیاتی کرمانشاه در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند. تالاب هشیلان تنها تا چند روز دیگر دوام می‌آورد و خطر خشک شدن کامل آن بسیار جدی است.

● کامران رضایی عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران: بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۷۰ درصد تالاب‌های کشور این وضعیت را دارند و از این رو مستعد تبدیل شدن به کانون‌های گرد و غبار هستند.

خشکسالی و کاهش بارندگی‌ها سطح آب دریاچه مازندران را به شدت کاهش داده و چند تالاب دیگر کشور را خشک کرده است.

تازه‌ترین آمار سازمان هواشناسی از میزان بارندگی در کشور نشان می‌دهد که ایران در امرداد و سال آبی جاری با کاهش چشمگیر بارش روبه‌رو بوده و در برخی استان‌ها، تا ۷۴ درصد بارش کمتر از نرمال ثبت شده است.

سازمان هواشناسی اعلام کرده از ابتدای فصل جاری تا ۱۸ امردادماه بارش با میانگین ۳ میلیمتر ثبت شده که نسبت به بارش ۵/۷ میلی‌متری در بلندمدت با ۴۸/۱ درصدی کاهش بارش ثبت شده است.

از ابتدای آبی سال جاری تا ۱۸ امردادماه نیز بطور میانگین ۱۳۷/۲ میلیمتر بارش در کشور ثبت شده که نسبت به میانگین بلندمدت ۲۲۹/۴ میلی‌متر کاهش ۴۰/۲ درصدی داشته است.

با تداوم خشکسالی و کاهش بارندگی، بحران کمبود آب نه تنها تأمین آب آشامیدنی در شهرهای مختلف ایران را با مشکلات جدی روبه‌رو کرده بلکه حیات تالاب‌ها و دریاچه‌ها نیز با خطر نابودی مواجه است.

محمد حسین فلاحتی رئیس اداره محیط زیست شهرستان کرمانشاه گفت: «با کاهش بی‌سابقه دبی آب در منابع طبیعی استان کرمانشاه، تالاب‌ها و سراب‌های حیاتی منطقه در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند. تالاب هشیلان تنها تا چند روز دیگر دوام می‌آورد و خطر خشک شدن کامل آن بسیار جدی است.»

وی توضیح داده که دبی سراب سبزعلی، منبع اصلی آب‌دهی به این تالاب که تا حدود یک ماه پیش ۲۰۰ لیتر در ثانیه بود، اکنون به صفر رسیده و هیچ آبی وارد تالاب نمی‌شود.

او همچنین از وضعیت بحرانی سراب نیلوفر به عنوان یکی دیگر از منابع طبیعی تأمین آبی استان کرمانشاه خبر داده و گفته «سراب نیلوفر نیز در وضعیت بحرانی قرار دارد. اکنون تنها یک سوم از مساحت آن آب دارد و خروجی آن به طور کامل متوقف شده است. اگر چه این احتمال وجود دارد که با پایان فصل آبیاری و کاهش برداشت آب از

پژوهش اتاق بازرگانی ایران درباره پیامدهای اخراج کارگران افغانستانی از کشور



اکنون اتاق بازرگانی ایران در یک پژوهش تبعات اخراج گسترده نیروی کار خارجی بر بازار کار ایران را بررسی کرده و نوشته «پنجره جمعیتی ایران در حال بسته شدن است و کشور در آینده نزدیک به کارگران بیشتری نیاز خواهد داشت.»

این گزارش افزوده در حال حاضر عمده اتباع افغان در استان‌هایی مشغول به کارند که در آن کمبود کارگر صنعتی داریم؛ در نتیجه اخراج نیروی کار خارجی نه تنها کمکی به اشتغال شهروندان ایرانی نخواهد کرد، بلکه در میانمدت می‌تواند منجر به تعطیلی بنگاه‌های صنعتی و بیکاری گسترده شود.

اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده که طی سال‌های اخیر، کاهش تدریجی ورودی جمعیت جوان به بازار کار از یک‌سو و کاهش نرخ سرمایه‌گذاری مولد از سوی دیگر، بر بخش اشتغال ایران تأثیر قابل‌توجهی گذاشت.

اتاق بازرگانی ایران با تأکید بر اینکه «این روزها حضور نیروی کار مهاجر به‌عنوان جبران‌کننده شکاف نیروی انسانی، واجد اهمیت شناخته می‌شود» نوشته «اقتصاد ایران در آستانه ورود به دوره‌ای از کمبود مزمن نیروی انسانی قرار دارد و در چنین شرایطی مهاجرپذیری می‌تواند تنها گزینه معتبر و فوری برای تداوم تولید و حفظ اشتغال باشد.»

این گزارش همچنین اشاره کرده که مهاجران در ایران عمدتاً جذب مشاغل کم‌هزینه، سخت و کم‌مقتضای در میان نیروی کار ایرانی شدند که در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، نبود این نیروها به توقف در حلقه‌های تولید منجر خواهد شد.

اتاق بازرگانی ایران با هشدار درباره اینکه «در صورت نبود این دسته از کارگران، فعالیت‌های اقتصادی در تنگنا قرار خواهد گرفت» نوشته «رویکرد قانون‌مندسازی هوشمندانه، نه‌تنها به بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت نیروی کار مهاجر منجر می‌شود، بلکه زمینه را برای کنترل تبعات اجتماعی و اقتصادی این پدیده فراهم می‌سازد.»

رئیس کانون انبوه‌سازان تهران جایگزینی کارگران ایرانی با کارگران افغانستانی اخراج شده را زمان‌بر و پرهزینه خوانده و گفته: «بیش از ۵۰ درصد کارگران ساختمانی در تهران از اتباع افغانستان بودند و اخراج آنان باعث کمبود نیروی کار در بخش ساختمان شده است.»

کمبود کارگران پاکبان در شهرداری تهران نیز چهره شهر را آلوده و سبب تجمع زباله و کثیفی معابر شده که با اخراج پاکبان‌های افغانستانی نظافت نشده‌اند.

محسن قضا‌ت‌لوم‌مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران با تأیید این خبر، بر تلاش حداکثری برای جمع‌آوری زباله‌ها در پایتخت با استفاده از روش‌ها و طرح‌های جدید تأکید کرده و گفته «اکنون به دلیل کمبود جدی پاکبان، با مشکل در بحث نظافت شهر مواجه هستیم.»

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران افزوده که برای جبران برخی از این کمبودها در حوزه پاکبان‌ها، فراخوان بکارگیری ۱۶ هزار نیروی پاکبان در این استان صادر شده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد عمده نیروی کار مهاجر افغانستانی در بخش‌های ساختمانی، کشاورزی و مشاغل سخت حضور داشته‌اند؛ حوزه‌هایی که با کمترین دستمزد، مزایا و بیشترین کارکرد تعریف شده بودند.

صاحبان کسب و کار اغلب به علت پرداخت حقوق کمتر وعدم پرداخت بیمه به سراغ کارگران افغانستانی می‌روند؛ چون این افراد قبول می‌کنند حقوقی بسیار پایین با میزان کارکرد بالا داشته باشند که این موضوع مورد توجه صاحبان کسب و کار است.

با آغاز روند اخراج مهاجران افغانستانی از کشور برخی از کارشناسان حوزه بازار هشدار داده بودند که با کاهش حضور کارگران افغانستانی در اقتصاد کشور، هزینه‌های نیروی انسانی برای کارفرمایان بطور قابل توجهی افزایش یافته و این تغییر باعث می‌شود برخی بخش‌ها با کمبود نیروی کار ارزان روبرو شوند.

● ایرج رهبر رئیس کانون انبوه‌سازان تهران به تازگی اعلام کرده با بیرون شدن کارگران افغانستانی از ایران، کار ساخت و ساز کمتر شده و برخی از پروژه‌ها دچار وقفه شده‌اند.

● رئیس کانون انبوه‌سازان تهران گفته بیش از ۵۰ درصد کارگران ساختمانی در تهران از اتباع افغانستان بودند و اخراج آنان باعث کمبود نیروی کار در بخش ساختمان شده است.

● اتاق بازرگانی ایران: عمده اتباع افغان در استان‌هایی مشغول به کارند که در آن کمبود کارگر صنعتی داریم؛ در نتیجه اخراج نیروی کار خارجی نه تنها کمکی به اشتغال شهروندان ایرانی نخواهد کرد، بلکه در میانمدت می‌تواند منجر به تعطیلی بنگاه‌های صنعتی و بیکاری گسترده شود.

● اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده مهاجران در ایران عمدتاً جذب مشاغل کم‌هزینه، سخت و کم‌مقتضای در میان نیروی کار ایرانی شدند که در بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، نبود این نیروها به توقف در حلقه‌های تولید منجر خواهد شد و فعالیت‌های اقتصادی در تنگنا قرار خواهد گرفت.

اتاق بازرگانی ایران در یک پژوهش پیامدهای اخراج گسترده نیروی کار خارجی بر بازار کار ایران را بررسی کرده و نوشته «پنجره جمعیتی ایران در حال بسته شدن است و کشور در آینده نزدیک به کارگران بیشتری نیاز خواهد داشت.»

طی روزهای گذشته خبرهایی درباره کمبود نیروی کارگر افغانستانی در بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی در ایران و به علت اخراج مهاجران افغانستانی از کشور منتشر شد.

ایرج رهبر رئیس کانون انبوه‌سازان تهران به تازگی اعلام کرده با بیرون شدن کارگران افغانستانی از ایران، کار ساخت و ساز کمتر شده و برخی از پروژه‌ها دچار وقفه شده‌اند.

کمبود آب و انرژی، تهدیدی جدی علیه امنیت غذایی ایرانیان



● علیقلی ایمانی مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به قطع حدود ۱۰ ساعته برق در برخی استان‌ها گفته با قطع برق چاه‌های کشاورزی یک سوم تولید تحت تأثیر قرار گرفته است.

● وحید اردکانیان دبیر خانه کشاورز استان خراسان «رضوی»: با افزایش گرما و تبخیر آب، به همراه قطع روزانه ۵ تا ۶ ساعته برق، کشاورزان با کاهش ۲۰ درصدی آبیاری و تنش [بحران] خشکی ۴۰ درصدی روبرو هستند که تولید محصول را به نقطه سر به سر رسانده است.

● روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده «ایران با کمبود شدید آب و سیاست‌گذاری مبهم در قیمت‌گذاری آن در آستانه بحرانی قرار گرفته که می‌تواند تعادل تولید محصولات استراتژیک کشاورزی و در نهایت امنیت غذایی کشور را بر هم بزند.»

● پیشتر و در خردادماه امسال روزنامه «دنیای اقتصاد» با اشاره به اثر کمبود آب بر امنیت غذایی کشور نوشته بود کاهش سطح بارش در دهه اخیر و همچنین کاهش ذخایر آبی در سدها همگی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا تولید را برای بخش کشاورزی با مشکلاتی همراه کنند.

کمبود شدید انرژی و آب و جیره‌بندی آب در بخش کشاورزی زنگ خطر امنیت غذایی در کشور را به صدا درآورده است. این در حالیست که تولید محصولات کشاورزی در سال جدید، از جمله تولید گندم، به علت قطع مکرر برق یک سوم کاهش پیدا کرده است.

بحران کمبود منابع آب در ایران امسال بیش از پیش تشدید شده است. کاهش بارندگی‌ها در کنار مدیریت نادرست منابع آبی و هدر رفت یک سوم آب تصفیه‌شده در چرخه توزیع سبب کمبود آب در بخش کشاورزی و بخش خانگی شده است.

شرکت مدیریت منابع آب گزارش داده که در مجموع ۵۸ درصد مخازن سدهای کشور خالی است. بر اساس این گزارش در ۲۶ سد بزرگ کشور بیش از ۷۵ درصد ظرفیت مخازن خالی است.

در آنسو کشاورزان ناچار هستند برای تأمین آب مورد نیاز مزارع و باغ‌ها از آب چاه استفاده کنند اما جیره‌بندی برق در بخش کشاورزی موجب اختلال در تأمین آب شده و سطح تولید محصولات کشاورزی را بطور میانگین یک سوم کاهش داده است.

علیقلی ایمانی مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران با اشاره به قطع حدود ۱۰ ساعته برق در برخی استان‌ها گفته «در برخی مناطق ۵ ساعت برق چاه‌های کشاورزی و ۲ تا ۲ ساعته برق شبکه قطع می‌شود و یک ساعت بازگشت دوباره برق به چرخه زمان می‌برد که این امر یک سوم تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت درآمد کشاورز را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

وحید اردکانیان دبیر خانه کشاورز استان خراسان «رضوی» نیز گزارش داده که «با افزایش گرما و تبخیر آب، به همراه قطعی روزانه ۵ تا ۶ ساعته برق، کشاورزان با کاهش ۲۰ درصدی آبیاری و تنش خشکی ۴۰ درصدی روبرو هستند که تولید محصول را به نقطه سر به سر رسانده است.»

دبیر خانه کشاورز استان خراسان «رضوی» افزوده «تولید محصول به قدری کاهش یافته که درآمد حاصل از فروش آن دیگر قادر به پوشش کل هزینه‌های تولید نیست. برای مثال،

مردم نیز نمود پیدا خواهد کرد. خبرگزاری «کشاورزی ایران» نیز در گزارشی به کاهش سطح زیر کشت برنج در ایران اشاره کرده و نوشته کاهش سطح ۳۰۰ هزار تنی کشت برنج تازه‌ترین حلقه‌ی گم‌شده امنیت غذایی است.

بر اساس این گزارش در سال زراعی ۱۴۰۴ سطح کشت برنج به دلیل تنش‌های آبی در استان‌های غیر شمالی کشور ممنوع اعلام شد و همانطور که حدس زده شد، عرضه پایین آمد و قیمت سر فلک کشید. البته دلایل این افزایش قیمت و عرضه کم دلیل تنها به تنش‌های آبی کشور نبود و مانند همیشه دست‌های پشت پرده با ایجاد اختلال در بازار و انحصارگری‌ها از غافله عقب نکشیدند.

خبرگزاری «کشاورزی ایران» تأکید کرده نگاه کردن به افول سطح کشت تنها به مثابه کاهش کمی محصولات کشاورزی و بالا رفتن قیمت آنها نیز ساده‌انگارانه است. چراکه وقتی که زمین‌های کمتری برای تولیدات گیاهی مانند غلات وجود داشته باشد، کشور ناگزیر است به واردات تکیه کند و همین موضوع امنیت غذایی را در پیچ و تاب رویارویی با گیر و دارهای وارداتی می‌کند.

بر اساس این گزارش پایین آمدن سطح زیر کشت، همانند باروتی در انبار کاه می‌تواند نقطه‌ی آغازی برای از میان رفتن تنوع غذایی، کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و در پی آن مهاجرت روستاییان به شهر و حاشیه شهرها و فشار مضاعف به زیرساخت شهرها باشد.

همچنین تأکید شده که دیگر نمی‌توان امنیت غذایی را صرفاً با عدد و رقم موجودی انبارها سنجید. امنیت غذایی یعنی توان تولید داخلی، یعنی حفظ زمین‌های زراعی، یعنی بقای کشاورز.

خبرگزاری «کشاورزی ایران» افزوده «برای ایران، بازگرداندن زمین‌های از دست‌رفته به چرخه تولید، اصلاح الگوی کشت، حمایت از کشاورزان خرد، مدیریت منابع آب و صد البته ایجاد کشاورزی پایدار و همچنین استفاده از فناوری‌های نوین کشاورزی حرکت ما به سوی تجهیز به فناوری‌ها کند کرده است.»

اگر نقطه سر به سر چغندر قند ۵۰ تن باشد، در سال‌هایی که قطعی برق نداشتیم، تولید حدود ۷۰ تن بود که ۲۰ تن آن سود خالص کشاورز بود اما اکنون به حدود ۵۰ تن رسیده است.»

دبیر خانه کشاورز استان خراسان «رضوی» به افزایش هزینه‌های کشاورزان از جمله افزایش هزینه بذر و کود اشاره کرده اما گفته «اولین انتظار ما از دولت و مجلس در حوزه سیاست‌گذاری کشاورزی، رفع خشکسالی و اصلاح اقدامات وزارت نیرو است. متأسفانه ساخت سدها و سیاست‌های وزارت نیرو، منابع آب زیرزمینی را تخلیه کرده و اگر تغذیه منابع زیرزمینی انجام نشود، کشور با آسیب تمدنی، خشکسالی و افزایش مهاجرت مواجه خواهد شد.»

در این میان دولت هم راهکاری در نظر ندارد و صرفاً فرافکنی می‌کند. مسعود پزشکیان، رئیس دولت هشدار داده که «آب نداریم، نه زیر پایمان آب داریم و نه در پشت سدها» اما هیچ راه حلی برای عبور مردم و کشاورزان از این بحران ارائه نداده است.

روزنامه «جهان صنعت» در شماره روز دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۴ با ارائه گزارشی از تولید و تأمین محصولات کشاورزی و بحران کمبود برق و آب، نوشته «ایران با کمبود شدید آب و سیاست‌گذاری مبهم در قیمت‌گذاری آن در آستانه بحرانی قرار گرفته که می‌تواند تعادل تولید محصولات استراتژیک کشاورزی و در نهایت امنیت غذایی کشور را بر هم بزند.» روزنامه «دنیای اقتصاد» نیز خردادماه امسال در گزارشی با اشاره به اثر کمبود آب بر امنیت غذایی کشور نوشته بود کاهش سطح بارش در دهه اخیر و همچنین کاهش ذخایر آبی در سدها همگی دست به دست یکدیگر داده‌اند تا تولید را برای بخش کشاورزی با مشکلاتی همراه کنند.

«دنیای اقتصاد» افزوده بود خشکی ایران در سال ۱۴۰۴ روی ارقام مشخصی از مواد غذایی در چهار بخش «غلات»، «دانه‌های روغنی»، «صیفی‌جات» و «محصولات باغی» اثر خواهد گذاشت؛ ضمن اینکه احتمالاً تولید گوشت در انواع سفید یعنی ماهی و مرغ و در انواع قرمز را نزولی خواهد کرد. بنابراین خشکسالی نه تنها به کاهش تولید کشاورزی منجر خواهد شد، بلکه در قیمت نهادهای غذایی روزمره

افزایش ریسک و بی‌اطمینانی در اقتصاد ایران



افزایش داده و کار خود را توسعه داده و فضاهای جدیدی برای کار خلق کرده و ظرفیت زمانی و مکانی و شدت کار خود را افزایش دهند، امکان استخدام بیشتر و اشتغال آفرینی مهیا می‌شود.»

زهره کریمی آمارهای مورد ادعای دولت درباره افزایش آمار اشتغال را زیر سوال برده و گفته «در چنین شرایطی اقتصاد کشور باید خوب کار کند و با رشد اقتصادی، شاهد افزایش اشتغال در بازار کار باشیم. اما اگر اقتصاد ما بد کار کند و شاهد کاهش نرخ رشد اقتصادی و افزایش هزینه شرکت‌ها و بنگاه‌ها باشیم، اتفاق دیگری در حال وقوع است؛ حال چگونه است که ما رشد اشتغال را در آمارها می‌بینیم؟»

وضعیت کسب‌وکارها نیز طی یک سال گذشته بدتر شده و بسیاری از کسب‌وکارها با ورشکستگی روبرو شده یا ناچار به در نظر گرفتن سیاست‌هایی شده‌اند که هزینه‌های خود را کاهش دهند تا از ورشکستگی جلوگیری کنند.

محمد زائری امیرانی رئیس مرکز بهبود کسب‌وکار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران معتقد است دولت مسعود پزشکیان نیز عملکردی متفاوت از وعده‌هایش داشته است و نتوانسته از کسب‌وکارها حمایت کند: «دولت‌ها معمولاً در ابتدا شعارهایی را مطرح می‌کنند اما در عمل اتفاقات دیگری روی می‌دهد چراکه زمانی‌که تصمیم‌گیری به بدنه کارشناسی می‌رسد، رویه‌ها متفاوت می‌شود. در کل دولت نسبت به رفتارهای خود چندان پاسخگو نیست.»

رئیس مرکز بهبود کسب‌وکار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران افزوده «حل مشکلات کسب‌وکارها نیازمند تغییر پارادایم حکمرانی اقتصادی، کاهش تصدی‌گری دولت و همسویی سیاست‌ها با نیازهای بخش خصوصی است. جنگ ۱۲ روزه اخیر و همراهی مردم با دولت، فرصتی برای بازنگری سیاست‌هاست اما تاکنون اقدام محسوس از سوی دولت مشاهده نشده است. بهبود سرمایه اجتماعی و اقتصادی در گرو ایجاد اطمینان و شفافیت برای فعالان اقتصادی است. هرچند نقش اتاق بازرگانی به‌عنوان واسطه‌گر تعامل دولت و بخش خصوصی پررنگ‌تر شده اما اثرگذاری آن منوط به پذیرش نظرات بخش خصوصی توسط دولت است.»

برای کسب منافع کلان بهره می‌جویند.» محسن جلال‌پور افزوده «همه این عوامل دست به دست هم داده‌اند تا فعالیت‌های اقتصادی سالم و بلندمدت جای خود را به فعالیت‌های ناسالم و کوتاه‌مدت بدهند.»

او با تأکید بر حاکم شدن مافیایا و رانت‌خواران بر ساختار اقتصادی کشور نوشته «در سال‌های اخیر، بنگاه‌های رانتی رشد چشم‌گیری داشته‌اند و فعالان اقتصادی ناسالم، کنترل امور را در دست گرفته‌اند. به همین دلیل، فعالان بخش خصوصی بر این باورند که نااطمینانی، هرچند برای عموم فعالان اقتصادی سم است، برای برخی جریان‌ها مانند اکسپژن حیاتی است.»

محسن جلال‌پور معتقد است حیات جریان‌های مافیایی و رانتی وابسته به حکومت، به دوام و تشدید نااطمینانی وابسته است و به همین دلیل «می‌توان گفت که اقتصاد ایران امروز بیش از هر زمانی گروگان سیاست شده است.» شرایط اقتصادی کشور طی یک سال گذشته با بحران‌های پیچیده‌تری نسبت به گذشته روبرو شده است. رکود تومی عمیق‌تر شده و کاهش منابع ارزی واردات مواد اولیه و کالاهای اساسی را با اختلال روبرو کرده است.

از سوی دیگر جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و دوام شرایط مبهم مذاکرات و تحریم، ریسک‌های اقتصادی را افزایش داده است. همچنین همانطور که محسن جلال‌پور تأکید کرده روند خروج سرمایه از اقتصاد کشور نیز سرعت گرفته و دولت پزشکیان، برخلاف وعده‌هایش موفق به جذب سرمایه‌گذاری نشده است بطوری که حتی آماری از جذب سرمایه‌گذاری منتشر نمی‌شود! تشدید بحران کمبود انرژی و آب نیز بر فعالیت واحدهای صنعتی، تولیدی و کشاورزی و منفی شدن شاخص‌های اقتصادی اثرگذار بوده است.

در همین رابطه زهره کریمی، کارشناس اقتصادی معتقد است «اکنون هیچ آماری موجود نیست که بتواند تصویر خوش‌آیندی از آینده اقتصاد ایران به نمایش بگذارد.»

او با اشاره به اثر منفی شرایط عمومی اقتصاد بر بازار کار ایران گفته «بازار کار بر بستر تغییرات وضعیت بنگاه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. اگر بنگاه‌ها سرمایه‌گذاری خود را

● محسن جلال‌پور فعال اقتصادی: فضای کشور غرق در ابهام است. در سطح فردی، مردم با پرسش‌های بی‌پاسخ دست و پنجه نرم می‌کنند و در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان نیز نوعی «بی‌تصمیمی» حاکم است.

● جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل و دوام شرایط مبهم مذاکرات و تحریم، ریسک‌های اقتصادی را افزایش داده و دولت پزشکیان، برخلاف وعده‌هایش موفق به جذب سرمایه‌گذاری نشده است بطوری که حتی آماری از جذب سرمایه‌گذاری منتشر نمی‌شود!

با گذشت یک سال از فعالیت دولت مسعود پزشکیان و با وجود وعده‌های او درباره بهبود شرایط اقتصادی و از بین بردن رانت و فساد در ساختار اقتصاد، فعالان اقتصادی معتقدند شرایط اقتصادی کشور بدتر شده و مافیایا بر ساختار اقتصاد کشور همچنان حاکم هستند.

محسن جلال‌پور فعال اقتصادی در سرمقاله روز شنبه ۱۸ مرداد روزنامه «نیای اقتصاد» به فضای بی‌اطمینانی و ابهام در اقتصاد ایران اشاره کرده و تصمیمات مسئولان را تنها به سود مافیایا و «دینفعان خاص» ارزیابی کرده است.

وی در توصیف شرایط حاکم بر اقتصاد ایران نوشته «آنها که دستی در اقتصاد دارند، هر روز در کوچه و خیابان با انبوهی از این پرسش‌ها روبرو می‌شوند: آینده چه خواهد شد؟ به کدام سو می‌رویم؟ و در این شرایط چه باید کرد؟ اما پاسخ روشنی برای این سوال‌ها وجود ندارد.»

او تأکید کرده «در چنین فضایی با اصلاً تصمیم گرفته نمی‌شود یا تصمیم‌های قاطعانه گرفته نمی‌شود یا اگر تصمیمی اتخاذ شود، اغلب به نفع گروه‌های ذی‌نفع تمام می‌شود.»

به عقیده این فعال اقتصادی «شرایط ناپایدار کنونی، موجی جدید از خروج سرمایه را به دنبال داشته است. با این حال، این وضعیت برای همه زیانبار نیست و دینفعان خاص خود را دارد.»

او افزوده «ساختار اقتصاد ایران به گونه‌ای شکل گرفته که جریان‌های رانتجو در آن قدرت قابل توجهی دارند و از نااطمینانی و بی‌ثباتی سود می‌برند. در نتیجه، اقتصاد گروگان جریان‌هایی شده که از بی‌ثباتی به عنوان ابزاری

موج جدید مهاجرت از ایران پس از جنگ ۱۲ روزه؛ سالمندان نیز به صف مهاجران پیوستند



می‌یابد؛ نسل‌های جوانی که باقی می‌مانند ممکن است کمتر با روایت‌های تاریخی و تجربیات بزرگ‌ترها آشنا شوند. این گزارش افزوده افرادی که سرمایه و توانایی مهاجرت دارند، کشور را ترک می‌کنند، در حالی که افراد فقیرتر و بی‌پناه باقی می‌مانند، این وضعیت می‌تواند اختلاف طبقاتی را افزایش دهد. همچنین مهاجرت بازنشستگان به مناطق شمالی یا روستایی باعث تغییر ترکیب جمعیتی این مناطق و افزایش فشار بر زیرساخت‌های محلی می‌شود.

بهرام صلواتی رئیس سابق رصدخانه مهاجرت ایران معتقد است «در کنار عوامل اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌ها و جنگ‌ها نیز به شدت در افزایش مهاجرت موثر بوده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، از دست رفتن امنیت روانی و اجتماعی جامعه است.»

به گفته برخی از کارشناسان، این بحران‌ها باعث شده که ماندن در داخل کشور به ویژه برای نسل‌های جوان‌تر سخت‌تر از گذشته شود. به ویژه مسائلی، چون قطعی‌های مکرر آب و برق، مشکلات معیشتی و عدم تأمین امنیت اولیه زندگی برای برخی افراد به چالش‌های بزرگ تبدیل شده است. این مشکلات به ویژه در خانواده‌هایی که دغدغه‌های آینده فرزندان‌شان را دارند، موجب تشدید انگیزه‌های مهاجرت می‌شود.»

بهرام صلواتی همچنین از افزایش «مهاجرت خانوادگی» خبر داده و گفته این پدیده در گذشته به‌طور محدودتری در کشور دیده می‌شد، اما حالا با توجه به تغییرات اخیر، شاهد پدیده مهاجرت‌های خانوادگی به شکل گسترده‌تری خواهیم بود.

او افزوده «این نوع مهاجرت اجتماعی که امروز موضوع بحث ماست، تفاوت اصلی‌اش با دوره جنگ در این است که به مهاجرت‌های خانوادگی تبدیل شده است. ویژگی دوم مهاجرت‌های خانوادگی برگشت‌ناپذیری آن است. زمانی که افراد با خانواده‌های خود مهاجرت می‌کنند یا به منطقه‌ای جدید نقل‌مکان می‌کنند، احتمال بازگشت به نقطه آغازین یا به کشور کمتر خواهد بود.»

پیش‌تر «سرریز نخبگان» توصیف می‌شد، اکنون به فرار عموم مردم تبدیل شده است. این گزارش افزوده مسائل اقتصادی، بی‌ثباتی اجتماعی، بی‌اعتمادی به آینده و فشارهای فرهنگی خانواده‌های این قشر را به خروج ترغیب کرده است.

از سوی دیگر همین افشار متوسط نیز سرمایه و دارایی‌های خود شامل زمین، خانه و یا طلا و ارز و پس‌انداز ریالی است از کشور خارج می‌کنند. کارشناسان معتقدند این روند می‌تواند بازار ارز را متاثر کند و سرمایه‌گذاری داخلی را کاهش دهد. گزارش‌ها نیز نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر موج خروج سرمایه همزمان با خروج نیروهای انسانی افزایش یافته است. مقاصد مهاجران سالمند اما کشورهایی نزدیک به ایران است که رفت و آمد را آسان کند. بسیاری از بازنشستگان ایرانی به دلیل نزدیکی جغرافیایی، زبان مشترک یا قوانین آسان اقامت، کشورهایی مانند ترکیه، ارمنستان و گرجستان را برای مهاجرت انتخاب می‌کنند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد ترکیه در سال‌های اخیر قوانین نسبتاً ساده‌ای برای اقامت مبتنی بر خرید ملک یا ویزای توریستی طولانی‌مدت ارائه کرده است. هزینه‌های زندگی در شهرهایی مثل آنتالیا یا آلانیا نسبت به تهران کمتر است و دسترسی به خدمات پزشکی خصوصی آسان‌تر است.

کشورهای مالزی و تایلند نیز به دلیل آب‌وهوای مناسب، هزینه پایین زندگی و وجود جوامع فارسی‌زبان کوچک، برای بازنشستگان جذاب‌اند. ویزای بازنشستگی در مالزی امکان اقامت بلندمدت با شرط سپرده‌گذاری را فراهم می‌کند. همچنین کشورهای عربی مانند عمان و امارات نیز در سال‌های گذشته با ارائه ویزای بازنشستگی یا سرمایه‌گذاری به جذب ایرانیان اقدام کرده‌اند.

«تجارت فردا» با نگاهی به موج گسترده مهاجرت افراد سالمند از کشور نوشته نسل‌های مسن‌تر حامل خاطرات، تجربه‌ها و هویت تاریخی‌اند. خروج آنها می‌تواند در درازمدت سرمایه اجتماعی کشور را تضعیف کند. علاوه بر این، شکاف بین نسل‌های داخل و خارج از کشور افزایش

● همزمان با افزایش بحران‌های اقتصادی، سقوط ارزش ریال، ضعف شدید سیستم‌های رفاه و افزایش نگرانی از جنگ، «موج تازه‌ای از مهاجرت» شکل گرفته است.

● سالمندان و بازنشستگان نیز به صف مهاجران پیوسته‌اند و برخی از ترس جنگ، پایتخت را ترک می‌کنند یا به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند.

● بهرام صلواتی رئیس سابق رصدخانه مهاجرت ایران معتقد است «در کنار عوامل اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌های روانی ناشی از بحران‌ها و جنگ‌ها نیز به شدت در افزایش مهاجرت موثر بوده است. یکی از مهم‌ترین مشکلات، از دست رفتن امنیت روانی و اجتماعی جامعه است.»

بر اساس گزارش‌ها موج جدیدی از مهاجرت پس از جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی شکل گرفته و سالمندان نیز به جمعیت مهاجران پیوسته‌اند. سرکوب‌ها، بحران‌های سیاسی، ساختار اقتصادی شکننده، بحران‌های اجتماعی، ترس از جنگ و فقدان چشم‌انداز روشن از آینده کشور از دلایل مهم مهاجرت ایرانیان از کشور است.

هفته‌نامه «تجارت فردا» در گزارشی از موج تازه مهاجرت از کشور خبر داده و نوشته همزمان با افزایش بحران‌های اقتصادی، سقوط ارزش ریال، ضعف شدید سیستم‌های رفاه و افزایش نگرانی از جنگ، «موج تازه‌ای از مهاجرت» شکل گرفته است. این گزارش تأکید کرده سالمندان و بازنشستگان نیز به صف مهاجران پیوسته‌اند و برخی از ترس جنگ، پایتخت را ترک می‌کنند یا به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند.

«تجارت فردا» تأکید کرده اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با تورم بالا، بیکاری، رکود سرمایه‌گذاری و کاهش ارزش ریال روبه‌رو بوده است. تا خردادماه امسال ارزش ریال نسبت به دلار ۶۰ درصد سقوط کرده و تورم بالای ۳۰ درصد است. چنین شرایطی قدرت خرید طبقه متوسط و بازنشستگان را به شدت کاهش داده است و بسیاری از آنان دریافت‌اند که حقوق بازنشستگی یا پس‌اندازشان برای گذران زندگی در تهران یا شهرهای بزرگ کافی نیست. علاوه بر این، افزایش مالیات‌ها، کاهش خدمات رفاهی و محدودیت‌های ایجادشده برای صنوف و اتحادیه‌ها انگیزه بیشتری برای خروج ایجاد کرده است.

بر اساس این گزارش آمار رسمی در مورد تعداد بازنشستگانی که مهاجرت می‌کنند، محدود است، اما چند نشانه مهم وجود دارد که روند این پدیده را نشان می‌دهد. بالا بودن هزینه‌های زندگی در تهران، کاهش ارزش ریال و نبود امکانات رفاهی مناسب، باعث شده که بسیاری از بازنشستگان به کشورهای ارزان‌تری مانند ترکیه، مالزی یا کشورهای همسایه مهاجرت کنند.

با اینکه آمار دقیقی در دست نیست، دفاتر مشاوره مهاجرتی گزارش داده‌اند که تقاضا برای ویزای بازنشستگی در کشورهای آسیایی به شدت افزایش یافته است.

از سوی دیگر خصوصیات مهاجران نیز تغییر کرده و دیگر ثروتمندان و نخبگان اکثریت جمعیت مهاجر از ایران را تشکیل نمی‌دهند. این موضوع در گزارش «تجارت فردا» هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ افرادی که فاقد «استانداردهای مهاجرتی» هستند -یعنی نه ثروتمند، نه نخبه سیاسی- اکنون بخش بزرگی از مهاجران را تشکیل می‌دهند. پدیده‌ای که

رکود تورمی در بازار مسکن؛ قیمت‌های نجومی، خریداران ناتوان، مستأجران رانده شده به حاشیه شهرها



● فردین یزدانی کارشناس بازار مسکن گفته: «قیمت یک واحد نوساز در تهران بطور متوسط متری ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیون تومان است. این یعنی برای خرید یک واحد ۸۰ متری، باید حدود ۱۰ میلیارد تومان نقدینگی در اختیار داشت.»

● وام‌های خرید مسکن نیز با وجود تحمیل هزینه‌های سنگین اقساط به متقاضیان، نمی‌تواند قدرت خرید آنها را به شکل موثری افزایش دهد. برای نمونه وام خرید مسکن برای زوجها در تهران، بعد از ۱۰ سال قسط دادن به آنها اجازه می‌دهد فقط ۸ متر خانه بخرند.

● بازار مسکن در کنار تورم، با رکود عمیقی نیز دست و پنجه نرم می‌کند. آمارها نشان می‌دهد حجم معاملات بازار مسکن در شهری مثل تهران تقریباً به صفر رسیده است.

بازار مسکن در ایران همچنان با آشفتگی روبروست و وام مسکن یا دیگر برنامه‌های دولت نیز نتوانسته وضعیت بازار را بهبود بخشیده یا از متقاضیان در این بازار حمایت کند. آمارها نشان می‌دهد قیمت مسکن در شهر تهران در تیرماه به ۱۱۱ میلیون تومان رسیده و قیمت دلاری آن برابر ۱۲۶۰ دلار است.

فردین یزدانی کارشناس بازار مسکن با اشاره به شرایط حاکم بر بخش تقاضا در سال ۱۴۰۴، از کاهش بی‌سابقه تقاضای مصرفی خبر داده و گفته در حال حاضر توان خرید مسکن در میان خانوارهای جوان به پایین‌ترین سطح طی دهه‌های اخیر رسیده است.

فردین یزدانی گفته «قیمت یک واحد نوساز در تهران بطور متوسط متری ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیون تومان است. این یعنی برای خرید یک واحد ۸۰ متری، باید حدود ۱۰ میلیارد تومان نقدینگی در اختیار داشت.»

همچنین به گفته این کارشناس بازار مسکن متوسط قیمت هر متر مربع مسکن در سطح کشور نیز حدود ۷۳ میلیون تومان برآورد می‌شود و «در این شرایط نیز یک خانوار برای خرید واحدی ۸۰ متری به بیش از ۶ میلیارد تومان سرمایه نیاز دارد؛ مبلغی که برای بسیاری از خانوارها، به‌ویژه زوجها جوان، غیرقابل تأمین است.»

او با استناد به مطالعات خود در دهه‌های اخیر، روند نزولی نرخ مالکیت در میان خانوارهای جوان را هشداردهنده توصیف کرد و گفت: «در دهه ۱۳۸۰ حدود ۴۰ درصد خانوارهای با سرپرست زیر ۴۰ سال، مالک واحد مسکونی بودند و ۶۰ درصد مستأجر. اما این نسبت در سال ۱۴۰۰ به حدود ۲۵ درصد مالک و ۷۵ درصد مستأجر تغییر یافته است.»

از سوی دیگر وام‌های خرید مسکن نیز با وجود تحمیل هزینه‌های سنگین اقساط به متقاضیان، نمی‌تواند قدرت خرید آنها را به شکل موثری افزایش دهد. برای نمونه وام خرید مسکن برای زوجها در تهران، بعد از ۱۰ سال قسط دادن به آنها اجازه می‌دهد فقط ۸ متر خانه بخرند.

همچنین طرح‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی برای ساخت مسکن ارزان با هدف خانه‌دار کردن مستأجران هم جواب نداده است. این پروژه‌ها از سخنان «مسکن مهر» در دولت محمود احمدی‌نژاد آغاز و در دولت رئیسی با طرح «نهضت ملی مسکن» معروف به «مسکن ملی» ادامه پیدا کرد.

کلان‌شهرها مهاجرت کنند.»

او با اشاره به اختلال در تناسب درآمد خانوار و اجاره‌بهای مسکن، افزود: «در بسیاری از شهرهای بزرگ، مانند اصفهان، شیراز و مشهد، میل به حاشیه‌نشینی افزایش یافته است. خانوارهایی که نمی‌توانند در مرکز شهر سکونت داشته باشند، به ناچار به حاشیه‌ها کوچ می‌کنند، که این موضوع باعث رشد سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی و افزایش پراکندگی جغرافیایی بازار شده است.»

این کارشناس بازار مسکن توضیح داده «افزایش تقاضا در مناطق حاشیه‌ای، باعث افزایش قابل توجه اجاره‌بها در این مناطق شده است، بطوری که شکاف قیمتی با مناطق مرکزی کاهش یافته، هر چند هنوز اختلاف معنادار وجود دارد.»

بازار مسکن در کنار تورم، با رکود عمیقی نیز دست و پنجه نرم می‌کند. آمارها نشان می‌دهد حجم معاملات بازار مسکن در شهری مثل تهران تقریباً به صفر رسیده است.

داوود بیگی‌نژاد نایب رئیس اول اتحادیه املاک گفته «خرداد امسال میزان خرید و فروش‌های بازار مسکن پایتخت کاهش چشمگیری داشته و تیرماه امسال تقریباً شاهد هیچ معامله‌ای نبودیم.»

کاهش حجم معاملات بازار مسکن تهران طبق گزارشی که اتحادیه املاک ارائه کرده، تا حدودی زیادی به جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و جمهوری اسلامی ارتباط داده می‌شود. اما عوامل دیگری هم در رکود پیش‌آمده دخیل هستند. برای نمونه قدرت ناچیز تسهیلات مربوط به خرید مسکن. بطوری که وام خرید مسکن در تهران برای عروس و دامادی که موفق به گذراندن مراحل دریافت تسهیلات می‌شوند، یک میلیارد تومان است که فقط کفاف خرید ۸۳/۱ متر آپارتمان مسکونی می‌دهد.

بانک مرکزی تعداد خریدوفروش‌های مسکن تهران در تیرماه سال گذشته را حدود سه‌هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی اعلام کرده است؛ رقمی که به‌معنای کاهش ۸۰ درصدی در قیاس با تیرماه ۹۶ است.

اکنون بسیاری از این پروژه‌های انبوه‌سازی در شهرهای مختلف نیمه‌کاره رها شده و خریداران مدتهاست در انتظار تکمیل و تحویل آپارتمان‌ها هستند. وبسایت «فرارو» در گزارشی اعلام کرده خانه‌دار شدن «خانه‌دارهای کم‌درآمد» با طرح «مسکن ملی» مطابق آنچه از ۱۴۰۰ تا کنون در یک گزارش رسمی از «ساخت مسکن روی زمین‌های ۹۹ ساله» منتشر شده است، ۴۱ سال طول می‌کشد.

در این مدت ۸۵۸ هزار خانوار «ثبت‌نام قطعی» کردند؛ اما ۵۰ هزار نفر آنها هنوز در «صف تخصیص» هستند و فقط ۴۰ هزار واحد تکمیل و تحویل شده است.

این گزارش افزوده اگر نسخه دهه ۸۰ مسکن حمایتی موسوم به «مسکن مهر» دست‌کم ۱۶ سال طول کشید تا دسته‌های آخر خانوارهای پیش‌خریدار آن خانه‌ها به «کلید مسکن» برسند، آخرین نسخه موجود این مسکن دولتی یعنی «مسکن ملی» که ۵ سال پیش تعریف شد با دست‌فرمان این سال‌ها، ۴۱ سال دیگر به ایستگاه پایانی می‌رسد!

بازار اجاره‌بها نیز وضعیتی بحرانی دارد. در شرایطی که دولت ادعا دارد نرخ اجاره‌بها طی یک سال گذشته بطور میانگین ۳۵ درصد افزایش یافته اما گزارش‌های میدانی از افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی نرخ اجاره در شهرهای بزرگ حکایت دارد.

در آنسو اما دولت بطور دستوری افزایش ۲۵ درصدی نرخ اجاره‌بها را برای مالکان قانونی در نظر گرفته است. بازار اجاره‌بها هیچ توجهی به این نرخ‌گذاری دستوری ندارد و مسیر خود را با پیروی از تورم عمومی در اقتصاد پیش می‌برد.

فردین یزدانی درباره شرایط بازار اجاره‌بها گفته «یافته‌های میدانی ما نشان می‌دهد که تمایل به اجاره‌نشینی در شهر تهران کاهش یافته است. عواملی مثل جنگ اخیر، افزایش قیمت آب، و سایر ریسک‌های سکونت باعث شده‌اند بسیاری از خانوارها، به‌ویژه کسانی که نیازی به حضور روزانه در تهران ندارند، به مناطق شمالی کشور یا حاشیه



ناو هواپیما بر «نیمیتز»
وارد خلیج فارس شد



آزیر قرمز درباره وضعیت
سد کرج به صدا درآمد



بیشترین جمعیت دچار به
«فقر مسکن» در استان تهران



ترامپ: در آلاسکا با
پوتین دیدار خواهیم کرد



ارزش بیت کوین به بیش از
۱۲۴ هزار دلار رسید



مذاکره میان جمهوری اسلامی
و گروه ویژه اقدام مالی (FATF)



سقوط ۲۱ هزار واحدی شاخص
کل بورس ایران و تداوم خروج پول
از بازار سرمایه



شهروندان ساکن تهران تحمل
شرایط جنگی دوباره را ندارند



هشدار درباره بی‌آبی
قریب الوقوع در پایتخت



کاهش ۵۳ درصدی ورود گردشگر
خارجی در تیرماه امسال نسبت به سال گذشته



سالار آبنوس:
جمهوری اسلامی در صورت فعال شدن
«مکانیسم ماشه» از NPT خارج می‌شود



فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی:
تهدید دشمن را تمام شده
تلقی نمی‌کنیم



خروج ۳۴۰ میلیارد تومان
پول حقیقی از بورس



سرویس اطلاعاتی کانادا از احتمال
افزایش تهدیدات جمهوری اسلامی در این
کشور خبر داد



تجمع اعتراضی کارکنان
شرکت نفت و گاز پارس عسلویه



جمهوری اسلامی محدودیت‌ها در
برنامه هسته‌ای و کاهش غنی‌سازی را
در برابر رفع تحریم‌ها می‌پذیرد



قاتل فراری در آستانه اشرافیه
یک مأمور «ناجا» را هم کشت



آمارهای اشتغال وزارت
کار «ساختگی» است



کل ایران درگیر فرونشست



خدا حافظی با
پارک‌های جنگلی تهران



ساعات قطع برق از
دو ساعت به هشت ساعت
در شبانه‌روز افزایش می‌یابد



دادستان گناباد و خانواده‌اش
در تصادف رانندگی کشته شدند



استاد محمود فرشچیان
در ۹۵ سالگی درگذشت



نماینده مجلس شورای اسلامی:
اگر مکانیسم ماشه فعال شود،
از NPT خارج خواهیم شد



دولت سوریه اجازه‌ی پرواز به
هواپیمای لاریجانی از آسمان این کشور
را نداد





عکس هفته | علی لاریجانی؛ با چشمان بسته و دست از پا درازتر!

مشاور و معتمد علی خامنه‌ای در سفر به بغداد و بیروت (۲۰ تا ۲۲ مرداد) نه تنها قطع برق و تاریکی را با خود به آنجا برد بلکه با چشمان بسته به پرسش‌های خبرنگاران لبنانی که او را سؤال پیچ کرده بودند «جواب» داد و دست از پا درازتر نزد رهبرش بازگشت.